

# ما سحر كرده

جزء هتم: آئين حجّ و عمره و زيارت (أحكام وآداب وأذكار)

برگرفته از آثار: منهج العبودية، جامع المسائل، صلاة جامعة، المسائل المكية، المسائل الغروية، المسائل الحائرية، المسائل الخراسانية، المسائل اليمانية، المسائل القمية، المسائل الإصفهانية، المسائل الشيرازية، المسائل الهمدانية، المسائل الرازية، المسائل الشامية، المسائل المصرية، المسائل المشرقية، المسائل الغربية، المسائل الأندلسية، المسائل الرومية، المسائل الهندية، المسائل القفقازية، المسائل البحرينية.

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی: دار المعارف الإلهیة

ارائه و نشر: پژوهشگاه علوم فقہ آئین الهی بنیاد حیات اعلیٰ

تحقيق ۱۴۰۵ نش اول ۱۴۱۵ نش دوم ۱۴۲۵ نش سوم ۱۴۳۵

**مجموعه فقه آئین الهی در سه نوع نسخه تأليف و تدوین شده است:**

۱- نسخه مختصر؛ بنام (پاسخ برگریده) که صرفا حاوی جوابیه هاست، ۲- نسخه مفصل؛ بنام (جامع المسائل) که بجز جوابیه ها؛ حاوی ابواب مفصله مسائل فقهیه است، ۳- نسخه مشرح؛ بنام (منهج العبودیة) که بجز جوابیه ها و مسائل مفصله؛ همچنین حاوی مستندات احکام شرعیه؛ از کلام وحی و کلام خازنان وحی علیهم السلام؛ و شرح استدلالات فقهیه و اصولیه آنهاست. و هر یک از این نسخه ها و کتابها حاوی اجزاء دهگانه ای به شرح زیر است:

**جزء اول: کتاب آئین معرفت**

**جزء دوم: کتاب آئین پاکی و پاکیزگی و آراستگی (طهارت)**

**جزء سوم: کتاب آئین نماز و نیاش (عبادت)**

**جزء چهارم: کتاب آئین التزام به طاعت (حق)**

**جزء پنجم: کتاب آئین خانواده و اسرت**

**جزء ششم: کتاب آئین کار و معیشت**

**جزء هفتم: کتاب آئین حجّ و عمره و نمایارت**

**جزء هشتم: کتاب آئین خدمت (لوجه الله) و مواسات (با اهل حق)**

**جزء نهم: کتاب آئین احسان به امت و هدایت بشریت**

**جزء دهم: کتاب آئین بازگشت (به حق)**



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَهُنَّ الْمُفْلِحُونَ إِنَّمَا يُنَزَّلُ عَلَيْكُم مِّنَ الْكِتَابِ مَا يُنَزَّلُ إِلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ نَبِيٍّ مِّنْ قَبْلِكُمْ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ إِلَيْكُمْ إِلَّا مُؤْمِنًا مُّرْسَلًا وَإِنَّا لَنَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ

**قال الله تعالى في القرآن الكريم:** وَأَتِمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةِ لِللهِ

# آئندج و زارت

أحكام وآداب وآذكار: توجيه، زيارات، عمن ۸، حج

برگرفته از آثار: منهج العبودية، جامع المسائل، صلاة جامعة، المسائل المكية، المسائل المدنية، المسائل الغرروية، المسائل الحائرية، المسائل الخراسانية، المسائل اليمانية، المسائل القمية، المسائل الإصفهانية، المسائل الشيرازية، المسائل الهمدانية، المسائل الرازية، المسائل الشامية، المسائل المصرية، المسائل المشرقية، المسائل المغربية، المسائل الأندلسية، المسائل الرومية، المسائل الهندية، المسائل الفقهازية، المسائل البحرينية.

# طريق و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی: دارالمعارف الائمه

## ارائه و نشر: رشوه سکده علوم فقه آئین الہی بنیاد حیات اعلیٰ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
فِي حَضَرَتِ

# مناسک دیدار حق

و

مشتمل بر

شرح برنامه ها و احکام و اعمال و آداب

حرم الله و مشاهد منوره انبیاء و اوصیای الحسین علیهم السلام

و مساجد معظمه و مزارات اولیاء و بقاع اصحاب معرفت و ایمان

جلد اول: کتاب توجه الى الله بوجه الله

جلد دوم: کتاب زیارت وجه الله

جلد سوم: کتاب عمره و حججیت الله

جلد دوّم

ڪتاب

# مناسک دیدار حق

در

زيارة و جهی اللہ

# نامه مطالب کتاب آئین حج و زیارت جزء هفتم از کتاب پا� برگزیده

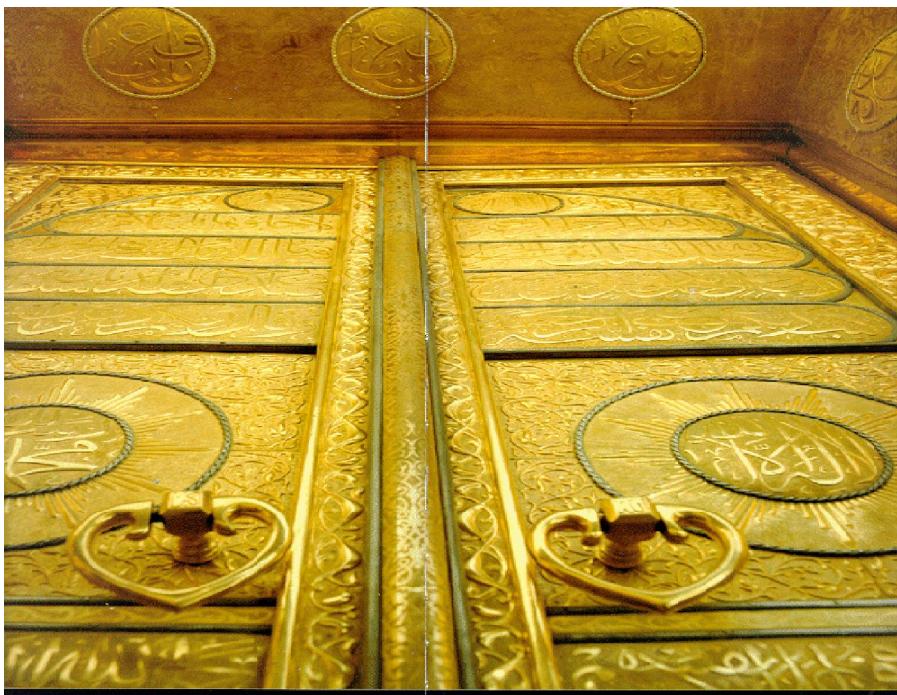
## جلد دوم کتاب مناسک دیدار حق تعالی: زیارت وجه الله

۱۰۱	نمایه مطالب جلد دوم کتاب مناسک دیدار حق در زیارت وجه الله
۱۰۵	سرآغاز کتاب
۱۰۶	دیدار حق تعالی با زیارت وجه الله و باریابی در جلوه گاه حق (مشاهد مقدسه)
۱۰۶	معنا و حقیقت زیارت
۱۰۷	زیارت فریضه واجب الهی
۱۰۹	عظمت جلوه گاههای حق تعالی
۱۱۱	آثار و برکات زیارت حضرات معصومین <small>علیهم السلام</small>
۱۱۳	اسباب تفاوت ثواب و برکات زیارت
۱۱۳	ارتباط فرونی فضیلت زیارت با غربت حرم
۱۲۰	هنگام زیارت حضرات مقدسه
۱۲۲	احکام مقدمات سفر به مشاهد مشرفه
۱۲۳	آشنایی با شرایط و احکام تحقق سفر
۱۳۰	احکام مسافر در حضرات مقدسه
۱۳۴	حج و عزم سفر برای زیارت مشاهد الهیّة
۱۳۴	آداب و اعمال قبل سفر و وقت شروع سفر و در حین سفر زیارت
۱۳۶	آداب و اعمال رسیدن به سرزمین حرم و ورود به شهر آن

۱۳۸	آداب زیارت حضرات مucchomien علیهم السلام
۱۴۶	نحوه عرضه نیاز و نذر و قربانی به پیشگاه مولا علیهم السلام
۱۵۱	احکام نیابت در زیارت و اعمال عبادی
۱۵۵	احکام مربوط به تشرف و زیارت حضرت مucchom علیهم السلام
۱۶۱	احکام طهارت بانوان در زیارت
۱۶۵	آداب آماده شدن برای باریابی به حضور مولا علیهم السلام
۱۶۶	آداب و اعمال تشرف به حریم وجه الله
۱۶۸	آداب و اعمال باریافتن به جلوه گاه حق تعالی
۱۷۳	زیارت: اظهار معرفت و عبودیت و تسليم در حضور وجه الله
۱۷۴	انواع زیارات (جامعه - خاصه)
۱۷۵	احکام زیارات انبیاء و اوصیای الهی علیهم السلام
۱۸۴	ارزش و فضیلت زیارت جامعه کبیره کامله
۱۸۵	آشنایی با نسخه کامله زیارت جامعه کبیره
۱۸۸	زیارت جامعه کبیره کامله در کلام خازنان وحی علیهم السلام
۱۹۰	متن زیارت جامعه کبیره کامله
۲۱۴	ارزش و فضیلت زیارت جامعه صغیره (امین الله کامله)
۲۱۵	متن نسخه کامله زیارت جامعه صغیره (امین الله)
۲۱۸	تجدید میثاق و بیعت با حضرت ولایت کبری علیهم السلام
۲۴۰	وجوب برائت و بیزاری از تاریکیها و پلیدیها
۲۴۲	نمای و اعمال عبادی پس از زیارت
۲۴۴	ارسال رقعه استغاثه به ناحیه مقدسه

۲۶	كتاب رقه استغاثه نامه به حضرت مولا صاحب الأمر (منه السلام)
۲۷	طلب رخصت از پیشگاه نورانی معصوم علیهم السلام
۲۹	رخصت برای بازگشت و وداع با حضرت علیهم السلام
۳۷	زيارات خاصة
۳۷	زيارت حضرت رسول الله علیهم السلام از دور و نزدیک
۳۷	زيارت حضرت مولا علی امیر المؤمنین علیهم السلام
۳۸	كتاب زيارة كامله حضرت فاطمه زهراء علیهم السلام
۳۹	زيارات حضرت امام حسین علیهم السلام (عاشراء كامله، عاشراء تامه، عاشراء ناحيه)
۳۹	زيارت حضرات ائمه بقیع علیهم السلام
۴۰	زيارت حضرت امام جوادین علیهم السلام
۴۲	زيارت حضرت امام رضا علیهم السلام (زيارت خاصة رضويه = جواديه)
۴۲	زيارت حضرت امامين عسكريين علیهم السلام
۴۳	زيارات حضرت صاحب الأمر (منه السلام)
۴۳	سلام و تحیت خاتمية علیهم السلام
۴۶	سلام و تحیت مهدوية علیهم السلام
۵۱	صلوات و تحیت قائمه علیهم السلام
۵۲	احکام زيارة و حریم حضرت ولایت علیهم السلام
۵۳	اشاره به بقاع نورانی در هشت بهشت
۵۴	حرم الله و مکه مكرمه (حجاز)
۶۹	حرم محمد حبیب الله علیهم السلام و مدینه منوره (حجاز)
۷۱	حرم علی ولی الله علیهم السلام و نجف اشرف (عراق)

۲۷۱	حرم حسین ثار الله علیہ السلام و کربلاه (عراق)
۲۷۱	حرم کاظمین علیہ السلام (عراق)
۲۷۱	حرم مشهد الرضا علیہ السلام (ایران)
۲۷۱	حرم سامراء (عراق)
۲۷۱	حرم بیت المقدس (فلسطین)
۲۷۱	معالم ولایت و برائت در سایر بلاد از مغرب عربی تا مشرق فارسی
۲۷۱	زیارت حضرات انبیاء و اوصیاء الهی علیہم السلام
۲۷۲	احکام و اعمال زیارت سایر بقاع مبارکه
۴۸۷	احکام و آداب زیارت اولیاء و اصحاب معرفت و ایمان
۹۹۳	سلام و دعاء برای ساکنان قبور و گورستان اهل ایمان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَبِهِ نَسْتَعِينُ إِنَّهُ خَيْرٌ نَّاصِرٌ وَمَعْنَى الْحَمْدِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ أَبْدُ الْأَبْدِينَ

كمال وبقاء تنها الله تعالى راس زد، وهر مخلوق گرفتار نقص و فناست؛ مگر که رو بسوی حق نموده و به وصال او برسد، خداوند آدم و انبیاء و اوصیاء الهی از ذریه او را به عنوان نمایانگر (وجه الله) و نشانگر (قبله باطن) و جانشین (خلیفة الله) خود قرار داده، و همه کائنات را به سجده طاعت و فرمانبرداری و توجه به ایشان فراخوانده، و دیدار ایشان و مشاهدشان را از روی معرفت و تسلیم؛ به منزله دیدار حق تعالی شمرده است، همچنانکه گوهر سپید (کعبه) را از آسمان به عنوان نشانه خود به زمین فرو فرستاد، و پس از بازگشت آن به آسمان؛ حضرت آدم را با راهنمایی جبرئیل به ساختن جایگاه آن؛ به عنوان بیت الله مأمور فرمود، و حضرت ابراهیم را با کمک اسماعیل به نوسازی آن گمارده، تا با ندای جهانی همه بشر را برای توجه بسوی آن و زیارت و طواف و انجام مناسک آن فراخواند، و با این مقدمات به لقاء وجه الله رسیده؛ و بتوانند در نهایت به دیدار حق تعالی نائل شوند، و کعبه را قبله ظاهري در همه کارهای خدای قرار داد؛ آنچنان که وجه الله را قبله باطني مقرر فرمود. شرح تعريف توجه در نماز و غير نماز؛ و نیز آداب و اعمال زیارت مشاهد الهیه؛ و مناسک عمره و حج بیت الله موضوع این کتاب است، که در سه مجلد ارائه می گردد: جلد اول درباره "توجه" جلد دوم درباره "زيارة وجه الله" و جلد سوم درباره "عمره و حج بیت الله" می باشد، و مشتمل بر معرفت و آداب و اعمال و مناسک و معرفی معالم و نشانه های الهی است.

# دیدار حق تعالی با زیارت و جمہ اللہ

و باریابی در جلوه گاه حق (مشاهد مقدسه)

## معنا و حقیقت زیارت

از آنجا که صحت و ثبوت بندگی نسبت به مولی (منه السلام) مرهون اعتراف به عظمت شخصیت و مولویت او، و نیز اظهار سپاس و بندگی و اعلام سرسپردگی و فرمانبرداری نسبت به اوست، و زیارت و مقصود از آن؛ همانا: باریافتن و تشرف (با شرائط و آداب) به حضور معصوم علیه السلام؛ برای اظهار معرفت و عبودیت و تسليم است، (که این خود نوعی وفاي به عهد نسبت به ايشان نيز مي باشد)، پس التزام بدین زیارت و دیدار، نشانه راستق شناخت و دوستق و بندگی ماست، بلکه زیارت تحقق نمي يابد مگر با رعایت اين سه عنوان (۱- شرایط تشرف، ۲- ادب حضور، ۳- و آنچه اظهار و اعتراف به آن در پيشگاه مقدس لازم است)، ولذا زیارت در گروايin اركان اصلي بوده، آنچنانکه با خلل در بعضی از آن يا فقدان برخخي، عنوان زیارت مخدوش و يا ناقص و يا منتفي مي گردد.

# زيارة فريضه واجب الهي

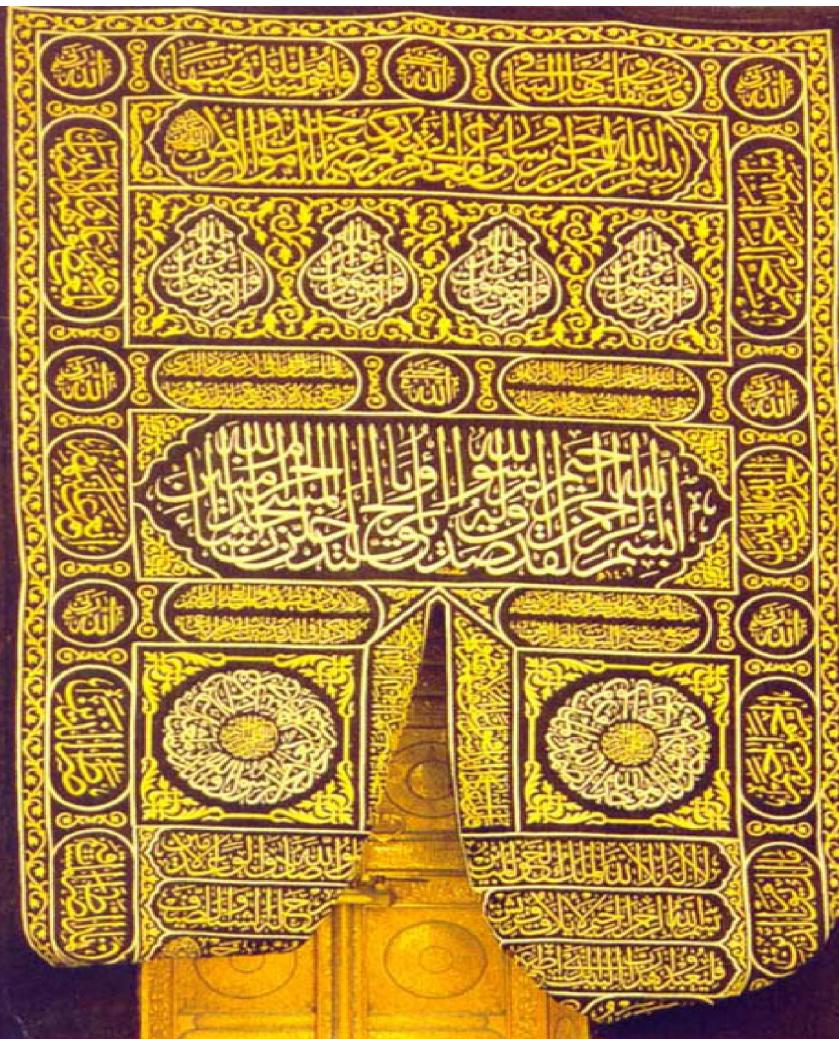
همانا در کلام خازنان وحی علیه السلام احادیث بسیاری وارد شده است در: لزوم زیارت حضرات معصومین علیهم السلام و مشاهدشان و اینکه آن فرضه ای است واجب؛ و همانا به حضورشان شتافتن مفروضی است مفترض، بلکه اگر کسی بی عذر و از روی بی رغبتی ترك نماید زیارت شان را؛ پس جفا کرده است به ایشان و جدایی ورزیده از رسول الله علیه السلام و قطع رحم او کرده است، و در نتیجه آن شخص؛ ناقص الإيمان و منتفص الدين گشته و برای اوست حسرت در روز حسرت (قيامت) و از اهل آتش و جهنم خواهد بود.

ولذاست که شخص مُؤمن؛ ملتزم به زیارت ایشان علیهم السلام است، بخاطر:

۱- دستیابی به مرضات الهی ۲ و برای اظهار معرفت و محبت نسبت به مولی (منه السلام)، ۳ و برای ابراز بندگی و پیروی و تسلیم به او ۴، ۴ و در اجابت فرمان او ۵، ۵ و نیز از روی اعتراف به تقصیر خود، ۶ ۶ و برای تجدید عهد و پیمان او ۷، ۷ و نیز ادای حق او و حق رسول الله علیه السلام و حق خداوند متعال، ۸ و بخاطر مواصلت و پیوند با حضراتشان علیهم السلام، ۹ ۹ و برای شاد نمودن ایشان و رسول الله علیه السلام ۱۰ ۱۰ و بخشم آوردن دشمنانشان.

وازین روست که مخالفت و منع دشمنان؛ مؤمن را از برخاستن و شتافتن بسوی حضرات ایشان علیهم السلام باز نمی دارد، و رها نمی کند زیارت را به علت ترس از کسی، و اعتنا نمی کند به عیب جویی و سرزنش دشمنان؛ اورا بخاطر زیارت، پس هر که رها کند زیارت را از روی ترس؛ به آن چنان حسرتی مبتلا شود که آرزو نماید که گورش را بدست خود بکند، و آنکه بحضورشان علیهم السلام برسد حتی

در شرایط ترس و دلهره و آنچه از آن شدیدتر باشد؛ پس همانا پاداشش به اندازه تحمل نگرانی و ترس اوست. و از اینجاست که سختیها و نگرانیها بر حاجیان و زایران آسان گردیده؛ و آنها باریافتن به حضور ایشان علیه السلام را بر نزد خانواده و نزدیکان و خویشان بودن ترجیح دهند، و نیز تحمل کنند سختی سفر زیارت را؛ هر چند موجب غربت از دیار خود و دگرگون شدن چهره شان در آفتاب شود.



# عظمت جلوه گاههای حق تعالی

❖ مشاهد منوره تجلی گاه خدای متعال است، در کلام وحی از این جلوه گاهها چنین یاد گردیده است: **﴿فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالآصَالِ﴾** (ترجمه) در خانه هایی که خداوند اذن فرموده؛ تا نامش را در آنجاها بلند برده و یاد گردیده، در آنها به هنگام اول روز (بعد طلوع) و آخر روز (قبل غروب) تسبیح گفته می شود.

❖ در کلام خازنان وحی ﷺ نیز این گونه توصیف شده است: (بیوت) تولَّ عَزَّ ذکرِه تطهیرها، وأمر خلقه بتعظیمهما، ورضي منهم بتعظیمهما، فرفعها على كُلِّ بيت قدَّسه في الأرض، وأعلاها على كُلِّ بيت طَهَرَه في السَّمَاءِ، لا يوازيها خطر، ولا يسمو إلى سمائها النَّظر، ولا يطمع إلى أرضها البصر، ولا يطمح إلى عرضها النَّظر، ولا يسمو إلى سمكها البصر، ولا يقع على كُنجهما الْفِكْرُ، ولا يعادل سَكَانَها البشر، .... (وأنَّهَا) بقاع طَهَرَهَا اللَّهُ، وعقوبات شَرَّفَهَا الرَّحْمَانُ، ومعالم زَكَّاهَا الرَّبُّ، حيث أظهر اللَّهُ فيها أدلة التَّوْحِيد، وأشباح العرش المجيد،.... (وأنَّهَا) مَغِيبَهم ومُغَيَّبَهم ﷺ، وموطئ أقدامهم ومجالسهم ﷺ، وعرصاتهم الَّتِي استبعد اللَّهُ بزيارتها أهل الأرضين و السَّمَاوَات... (ترجمه) خانه هایی است که خداوند (عزَّ ذکرِه) خود تطهیر و پاکداشتن آنها را عهده دار شده، و آفرید گان را به تعظیم و بزرگداشت آنها فرمان داده، و تنها با تعظیم آن مشاهد؛ از آنها (خلائق) راضی شده است، پس خداوند مشاهد معصومین ﷺ را برابر خانه ای (که در زمین تقدیس فرموده) رفعت بخشیده است، و آنها را برابر خانه ای (که در آسمان

پاک قرار داده) برتری داده است، هیچ خاطری به موازات آن نرسد، و هیچ نگاهی به آسمانش نمی رسد، و هیچ دیده ای به زمین آنها طمع نبرد، و هیچ بینشی به پنهانی آن آرزو نبرد، و به بلندای آن هیچ بصیرتی راه نبرد، و به گُنه آن هیچ اندیشه ای نرسد، و هیچ بشری همانند ساکنان آن (یعنی حضرات) نباشد،..... و این (مشاهد) بقاعی است که خداوند آنها را پاک قرار داده، و محلهایی است که خدای رحمان آنها را شرافت بخشیده، و نشانه های (زمینی) است که پروردگار آنها را پاکیزه قرار داده است، چه اینکه خداوند در آنها نشانه های توحید؛ و اشباح (سایه های) عرش ستوده الهی را ظاهر و آشکار فرموده است..... و همانا این مشاهد نهانگاه و پنهانگاه ایشان ﷺ است، و قدمگاه و محل جلوس (مجالس) ایشان است، و آن درگاههای ایشان؛ که به زیارت آنها؛ خداوند اهل زمینها و آسمانها را به عبودیت فراخوانده؛ و آنرا عبادت قرار داده است.



## آثار و برکات زیارت حضرات معصومین علیهم السلام

❖ در کلام اهل بیت و خازنان و حجی علیهم السلام احادیث بسیاری در فضیلت زیارت حضرات معصومین علیهم السلام وارد شده، و آثار جلیله ای را برای زیارت ایشان بیان داشته است، که بر اساس بررسیهای انجام شده حدود سیصد و شصت تعبیر متفاوت و فضیلت مختلف در این خصوص آمده است، که ما در اینجا متذکر بعضی از آنها شده، و تنها به چهل نمونه اشاره می کنیم، و از آنجا که این تعبیر (ولو بعضا مشابه) هر کدام از جهتی دارای ویژگی در معناست، لذا (حتی الإمكان) بر نقل اصل تعبیر وارد در حدیث؛ سعی می شود:

(۱) در هنگام ورود (برای زیارت) ملایکه او را استقبال کرده، و پس از بازگشت نیز او را بدرقه نمایند و برای او استغفار کنند (۲) حضرت زهرا علیها السلام برای او استغفار فرماید (۳) گشاش هر گرفتاری (۴) مولا علیه السلام او را از سفر زیارت به خانواده اش دلشاد برگرداند (۵) وسعت و افزونی در رزق و روزی (۶) استجابت دعا (۷) پاداش دو ماه اعتکاف به عبادت و روزه در مسجد الحرام (۸) پاداش بهترین کار نزد خداوند متعال (۹) از آسمان رحمت الهی او را در برگیرد (۱۰) آمرزش گناهان هر گناهکار \* و وجوب غفران و رحمت الهی بر او \* بلکه غفران گناهان گذشته و آینده او، هر چند به عدد ستارگان و قطره های باران و برگهای درختان باشد (۱۱) انجام آن بجای عمره در افضل اوقات آن (۱۲) پاداش هزار عمره پذیرفته شده (۱۳) انجام آن بجای حج در موسم آن (۱۴) پاداش هفتاد هزار حج (۱۵) هفتتصد حج (۱۶) هزار حج مبرور (۱۷) هفتاد هزار حج (۱۸) هزار هزار حج (۱۹) مانند کسی که حضرات امام حسین علیه السلام، زهرا علیها السلام، مولا علی علیه السلام، و پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم را زیارت کرده است (۲۰) نیل به زیارت کامله: حج و عمره و زیارت حضرات معصومین علیهم السلام در حجاز و عراق و ایران (۲۱) نایل شدن به

پاداش ملایکه ای که آن معصوم علیهم السلام را زیارت نموده اند (۲۶) مانند کسی است که به سوی آن حضرات علیهم السلام در عصرشان هجرت کرده باشد (۲۷) خداوند به او اجر کسی که قبل از فتح مکه انفاق و جهاد نموده عطا فرماید (۲۸) پاداش حضور در دو هزار هزار جنگ در رکاب رسول الله ﷺ و معصومین علیهم السلام (۲۹) اجر هفتاد نفر که در پیشگاه رسول الله ﷺ شهید شدند بلکه پاداش شهادی بدر (۳۰) پاداش صد هزار شهید، و اجر صد هزار صدیق، و صد هزار حج و عمره بجای آورنده، و پاداش صد هزار جهادگر در راه خدا (۳۱) در زمرة رستگاران قرار داده شود (۳۲) پس از مرگ؛ حضرات معصومین علیهم السلام به دیدارش آیند و اگر او را در عذاب بینند نجاتش دهند (۳۳) حضرات علیهم السلام در سه موقع از قیامت برای نجات او از خطرات و نگرانیهای آن، پیش وی می آیند: بدست آمدن نامه اعمال، عبور از صراط، و حسابرسی اعمال (۳۴) ایمنی از آتش جهنم و نجات در قیامت و لو با گناه جن و انس، و وجوب بهشت بر او، (۳۵) شفاعت حضرات معصومین علیهم السلام از او، بلکه ایشان خود دست وی را گرفته و او را داخل بهشت نمایند هر چند اهل کبائر باشد (۳۶) قبولی شفاعت زائر ایشان علیهم السلام در قیامت در حق هفتاد گناهکار (۳۷) محشور شدن در زمرة اهل بیت علیهم السلام و همراهیشان در درجات عالیه (۳۸) با حضرات معصومین علیهم السلام در درجات عالیه ایشان باشد (۳۹) در قیامت؛ بر جایگاه بلندی؛ قرین محضر رسول الله ﷺ و امیر المؤمنین علیهم السلام و سایر معصومین علیهم السلام باشد؛ و خداوند زائر ایشان را بر سفره های بهشتی همراه ایشان علیهم السلام نشانده و بهرمند باشد تا پایان حسابرسی خلائق (۴۰) چهل سال زودتر از عame مردم (در حالیکه اینان هنوز در پیشگاه الهی مورد محاسبه اند) به بهشت وارد شود (۴۱) در قیامت در محدوده عرش بودن (۴۲) همراهی با ائمه علیهم السلام و زائرینشان در جایگاه عرش الهی (۴۳) مانند دیدار الله تعالی در بالای کرسی او و بالای عرش وی (۴۴) هم صحبتی و هم سخنی با حق تعالی در بالای عرش او.

## اسباب تفاوت ثواب و بن کات زیارت

سبب عمدۀ در تفاوت آثار و برکات زیارت حضرات معصومین علیهم السلام؛ همانا تفاوت زائران از نظر معرفت و یقین و اخلاق و ادب و کیفیت زیارت‌شان می باشد.

جایگاه ویژه حضرات معصومین علیهم السلام نزد خدای متعال، و شدت محبویت امر توجه به ایشان نزد حق تعالی، و سخاوتمندی و لطف بی پایان الهی؛ همه و همه موجب وسعت پاداش و احسان الهی برای بندگان مؤمن متوجه به حضرت مولا علیه السلام است.

**سؤال:** لودار الامر بين زيارة النبي صلوات الله عليه وآله وسالم وزيارة الامام الرضا عليه السلام فائيهما أفضلي؟ وأكثر أجرا؟

**جواب:** ما يوجّب تفاوت الأجر والفضيلة في الزيارة؛ هو مبلغ معرفة الزائر وتوفيقه في تحقّقها منه أتم شرطاً وأدباً، وكذلك الظروف التي تقع الزيارة فيها؛ ومنها غربة المشاهد وما يوجّب العناء للزائرين؛ من صعوبة الوصول إليها أو استمرار المقام فيها، أو عدم حرية الزائر في أداء مناسكه، وهذا ربما مختلف بحسب الأعصار والأزمنة بل الأشخاص، ففي عصرنا ربما يكون الفضل للمشهد المهدوي وال العسكري، ثم المشهد الفاطمي (في بيته في المسجد النبوي)، ثم المشهد الولوي (في البقيع)، ثم سائر المشاهد، فتفاوت فضيلة الزيارة بمثل ذلك، وقد ورد في كلام خزنة الوحي علیهم السلام تفاوت الأجر لزيارة معمّن، بل فضيلة زيارة أحدّهم على الآخر؛ فهذا كله لمثل هذه الأسباب، وممّا لا يخفى على العارف أنّ: كلهم نور واحد، المشاهد المقدسة (من حرم الله وحرم رسوله) والمعصومين (صلوات الله عليهم اجمعين) كلها بيوت أذن الله ان ترفع ويدرك فيها اسمه.

[شماره ثبت: (۳۷۹) منبع: المسائل الغروية]

**سؤال:** در کتاب مفاتیح نوشته است که زیارت امام رضا علیه السلام در ماه رجب مستحب است، سرّ این امر چیست؟ بخاطر مستحب بودن عمره در ماه رجب؟ در کتاب منتخب حسنی نوشته است که زیارت امام رضا علیه السلام روز ۱۳ ماه رجب مستحب است، سرّ این امر چیست؟ چون روز تولد است برای تبریک؟ بنده یادداشت شخصی خودم از مجالس درسی گذشته را خواندم چیزی پیدا نکردم، اما همه زیارت نامه خاصه رضویه علیه السلام را به دقت مطالعه کردم پس دونکته پیدا کردم: ۱- یکی از فضیلتهای زیارت معصومین علیهم السلام آن است که بجای عمره در افضل اوقات آن می باشد. ۲- و یکی دیگر آن است که نیل به زیارت کامله یعنی حج و عمره و زیارت حضرات معصومین علیهم السلام در حجاز و عراق و ایران، پس بنده از این نکات نتیجه می گیرم که در ماه رجب، مانند عمره، زیارت همه معصومین علیهم السلام مستحب است نه فقط زیارت حضرت رضا علیه السلام، اما چون زیارت آن حضرت بر زیارت‌های دیگر فضیلت دارد، زیارت آن حضرت در این ماه مستحبتر می شود، آیا این استدلال درست است یا نه؟ آیا علامه مجلسی همین استدلال را کردند؟ چون در مفاتیح روایت نمی آورد فقط می فرماید که در ماه رجب زیارت امام رضا علیه السلام مستحب می باشد، اگر مطلبی هست در این خصوص که می توانم بخوانم؛ خوشحال می شوم، البته این مطالعه یک سؤال دیگر نیز ایجاد کرده، سرّ این فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام چیست؟ نظر شما چیست؟ بنده دو احتمال را می بینم، آیا درست اند یا نه؟ آیا چون دورتر هستند؟ آیا چون کسی که آن حضرت قبول کرده، پس همه ائمه علیهم السلام بعد از ایشان هم قبول کرده؟ اگر لطف می کنید در این مسأله جوابتان مطرح کنید، ممنونم.

**جواب:** این مطلب را در کتاب های زیارت که نوشته ایم؛ بیان و اشاره نموده ایم، اگر توجه کرده بودید این مطلب برایتان واضح شده بود. نکات متعددی هم در

درسها و بحثهای گذشته در این باره بیان شده است، دوستانتان می‌توانند در این زمینه به شما کمک کنند، مثلاً در جوابیه قبلی مطلبی را نوشتم ولی بخاطر عدم دقق، دوباره پرسیده اید، و پاسخ سؤالاتتان چنین است:

۱- مفاتیح روایت را نقل کرده، ولی همه مطلب که در یک روایت نمی‌آید، این مطلب و دنباله اش را در مباحث فقه الحدیث شرح داده ایم، آنچه در مفاتیح در این زمینه نقل کرده به عنوان فضیلت؛ برگرفته از حدیث شریف است، و شما نوشته اید مفاتیح روایت نیاورده و همینطور گفته، در حالیکه مفاتیح کتاب ذکر دستور اعمال است نه ذکر متن احادیث آنها، ولذا بسیاری اوقات محدث قمی مضمون حدیث را در ضمن عبارات خود نقل کرده است، باید بگوییم ایشان و علامه مجلسی و بقیه علمائی که این امر را نقل کرده اند؛ از حدیث وارد در این خصوص اقتباس کرده اند.

۲- بلکه صاحب کتاب وسائل الشیعه که مرجع احادیث احکام فقهی همه مراجع و فقهاء است؛ یک باب به این عنوان اختصاص داده است: فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام در ماه ربّ.

۳- در کتاب "فروع کافی" آمده است: أَبُو عَلَيِّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلَى الْكُوفِيِّ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيِّفٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرَ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ حَجَّ إِلَيْنَا مُتَمَمًا بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحِجَّةِ فَأَعْطَانَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عُمْرَتَهُ وَحَجَّهُ، ثُمَّ أَتَى الْمَدِينَةَ فَسَلَّمَ عَلَيَّ التَّبَّيِّنَ عليه السلام، ثُمَّ أَتَاكَ عَارِفًا بِحَقِّكَ؛ يَعْلَمُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِ حَلْقِهِ وَبَابُهُ الَّذِي يُؤْتَى مِنْهُ، فَسَلَّمَ عَلَيْكَ، ثُمَّ أَتَى أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَيْنَ علیه السلام فَسَلَّمَ عَلَيْهِ، ثُمَّ أَتَى بَعْدَادَ وَسَلَّمَ عَلَيَّ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى علیه السلام، ثُمَّ أَنْصَرَفَ إِلَى بِلَادِهِ، فَلَمَّا كَانَ فِي وَقْتِ الْحِجَّةِ رَزَقَهُ اللَّهُ الْحِجَّةَ؛ فَأَيُّهُمَا أَفْضُلُ: هَذَا الَّذِي قَدْ حَجَّ حِجَّةَ إِلَيْنَا مُرْجِعًا أَيْضًا فَيَحْجُّ، أَوْ يَخْرُجُ إِلَى حُرَاسَانَ إِلَى أَبِيكَ عَلَيِّ

بْنُ مُوسَيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيُسَلِّمُ عَلَيْهِ؟ قَالَ: لَا، بَلْ يَأْتِي حُرَاسَانَ فَيُسَلِّمُ عَلَيَّ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفْضُلُ؛ وَلَيُكُنْ ذَلِكَ فِي رَجَبٍ؛ وَلَا يَتَبَغِي أَنْ تَقْعُلُوا فِي هَذَا الْيَوْمِ؛ فَإِنَّ عَلَيْنَا وَعَلَيْكُمْ مِنَ السُّلْطَانِ شُنَعَةً. وَهُمْ رَوَيْتُ رَاشِيْخَ الطَّائِفَةِ طَوْسِيَ نَيْزَ نَقْلَ كَرْدَه است از: أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه، به سند صحيح دیگری در کتاب: «کامل الزیارات» نقلًا عن أبيه وعن محمد بن الحسن وعلي بن الحسين جمیعاً، عن سعد بن عبد الله بن أبي خلف، عن الحسن بن علي بن عبد الله بن المغيرة، عن الحسين بن سیف بن عمیرة، عن محمد بن أسلم الجبلي، عن محمد بن سلیمان قال: سئلَتْ أَبَا جَعْفَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ... وَسَبَسَ عَيْنَ هَمَانَ رَوَيْتَ كَافِي رَا نَقْلَ كَرْدَه است.

۴- برخی از اسرار صدور حکم افضیلت زیارت حضرت امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ در زمان امام جواد عَلَيْهِ السَّلَامُ، در مضامین احادیث آمده است: عن علي بن مهزیار قال: قلت: لأبي جعفر عَلَيْهِ السَّلَامُ: جعلت فداك ، زیارة الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفْضُل؟ أم زیارة أبي عبد الله الحسین عَلَيْهِ السَّلَامُ? فقال عَلَيْهِ السَّلَامُ: زيارة أبي أَفْضُل، وذلك أنَّ أَبَا عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ يزوره كُلُّ النَّاسِ، وأَبِي لا يزوره إِلَّا الْخَوَاصُ مِنَ الشِّيعَةِ. كَه بِمَعْنَى: وجود منکرین مثل واقفیه در آن زمان و نیز غربت مشهد رضوی عَلَيْهِ السَّلَامُ در آن زمان.

۵- فلذا اگر در زمانی زیارت یکی از مشاهد به دلیلی (مانند وجود منکرین آن امام یا غریب بودن آن مشهد) افضل معرفی شده؛ و آنرا توصیه فرمودند، در موارد و شرایط مشابه هم؛ همین حکم برای مشاهد دیگر نافذ است. این کلام ولی‌الهی به همه رهنمود می‌دهد؛ ملاک افضیلت مشاهد؛ آسانی سفر و راحتی اقامت و رونق مسافرت به آنها؛ و شلوغی و ازدحام زوار نیست؛ بلکه عکس آنست؛ و هر مشهد نورانی که در شرایط سخت تری بوده که نتیجتاً از امکان سفر و زیارت کمتری برخوردار است؛ زیارت همان حرم شریف افضل و اولی است. مثل افضیلت زیارت مشهد عسکریین و مشهد مهدوی عَلَيْهِ السَّلَامُ در سامراء

در این زمان، و بعد از آن زیارت مشهد بقیع، و بعد از زیارت حضرات مصصومین علیهم السلام نیز زیارت مشاهدی مانند جناب عجفر طیار علیه السلام در اردن، و زیارت جناب زینب کبری علیها السلام در مصر، اینها همه اهمیت دارند.

۶- اگر در زمانی زیارت یکی از مشاهد به دلیلی مانند وجود منکرین آن امام یا غریب بودن آن مشهد؛ افضل و با اجر بیشتر معروفی شد و توصیه گردید، در صورتی که آن علت برطرف شود؛ یعنی منکرین دیگر نباشند یا آن مشهد غریب نباشد، آن فضیلت ملغای شود، و آن علت‌ها شرط فضیلت نیست بلکه مقدمه و اسباب صدور حکم فضیلت است، و آن برکات و آثار و ثوابها همچنان از جانب خداوند به زائر آن مشهد در زمان غیر غربت نیز داده ی شود، جه اینکه احکام عطای الهی در این خصوص مستمر بوده و منسخ نمی شود.

۷- بجز عموم روایات واردۀ در فضیلت زیارت هر یک از مشاهد، این حدیث بخصوص فضیلت زیارت هر یک از مشاهد را می‌رساند: سید بن طاووس در "إقبال الأعمال" درباره استحباب زیارت هر یک از مشاهد مشرفة في ماہ رجب آورده است: رَوَيْنَا هُرَيْكًا إِلَى جَدِّي أَبِي جَعْفَرٍ الْطَوْسِيِّ رَحْمَةُ اللَّهِ فِيمَا ذَكَرَهُ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: حَدَّثَنِي جُبَيْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مَوْلَانَا (يَعْنِي أَبَا الْقَاسِمِ بْنِ رُوحِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) قَالَ: زُرْ أَبِي الْمَشَاهِدِ كُنْتَ بِحَضْرَتِهِ فِي رَجَبٍ، تَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدَنَا مَشْهَدَ أُولَئِيَّاتِهِ فِي رَجَبٍ وَأَوْجَبَ عَلَيْنَا مِنْ حَقِّهِمْ مَا قَدْ وَجَبَ ... إلى آخر الزیارة الشريفة الواردة. که دستور توقیع ناحیه مقدسه به زیارت هر یک از مشاهد مشرفه که میسر شود در ماہ رجب است.

۸- مطلب دیگر این است که شما باید این ذهنیت تان را اصلاح کنید که: اگر گفتند فلان موضوع فضیلت دارد به معنی نفي فضیلت دیگری نیست، حدیث در فضیلت زیارت همه مشاهد در ماہ رجب هست هر چند ممکن است برخی

افضل معین شده باشد، و یا به جهتی زیارت یکی از مشاهد افضل باشد، و  
بجهت دیگر مشهد دیگری افضل باشد.

۹- آن حضرات علیهم السلام در معرفت نورانیت و حق معرفت؛ یک شخص نیستند که  
بخواهیم با هم بسنجدیم‌شان، یک حقیقت و یک نور هستند که در هر عصری به  
صورتی متجلی شده است، پس توجه دادن اذهان در موردی یا زمانی یا مکانی به  
یکی از این مظاهر و مواضع جلوه؛ تفضیل واقعی مظهر نیست بلکه تفضیل و  
اولویت آن عمل است.

۱۰- اما بالاتر از همه؛ این مطلب است که: کلام امام معصوم و حجۃ اللہ خودش  
بالاترین دلیل است، اصلاً فرق سخن او با بقیه؛ هر چند عالم و حکیم باشند؛  
این است که: کلام دیگران نیازمند دانستن دلیل آن و پذیرفته شدن او در نزد هر  
کسی است، اما امور شرعی از جمله مستحبات چون خداوند آنرا پسندیده؛  
مستحب شده است، و خداوند همانطور که عمره در رجب را مستحب قرار داده؛  
و همین کافی است برای مستحب بودنش؛ و نیاز به دلیل مستحب بودن عمره؛ آن  
هم در رجب نیست، برای زیارت حضرات؛ و تفضیل زیارت یکی بر دیگری؛ یا  
در وقتی خاص؛ نیز همینطور است، و اصلاً ارزش بنده خداوند در اطاعت  
فرامین الهی به این است که "چقدر را بخاطر خدافتومده عمل می کند" نه اینکه  
"چقدر برایش قابل قبول شده است" که دوی ارزش عبودیت ندارد.

۱۱- آنچه کتاب منتخب حسنی برای فضیلت زیارت حضرت امام رضا علیه السلام در  
سیزدهم رجب ذکر کرده؛ بدون سند بوده و صرفاً یک برداشت شخصی مؤلف بوده  
که بر اساس مقدمه غیر صحیح مبتنی شده است ولذا اعتباری ندارد، و فضیلت  
زیارت حضرتش در روز سیزدهم رجب مانند سایر ایام ماه رجب می باشد.

۱۶- اگرچه ما برای خدا این پاسخ را نوشتمیم، ولی ترجیح می‌دهیم که وقت را صرف کسانی کنیم که فقط مصرف کننده نبوده، و به قدری که وقت صرف خودشان می‌شود برای تعلیمشان، همان قدر هم برای تعلیم دیگران که نیاز دارند وقت صرف کنند؛ یا خدمتی را در این راه ارائه دهند، تا یادم می‌آید شما بیشتر مصرف کننده بوده اید. [شماره ثبت: (۱۳۷۶) منبع: المسائل الإنتربتية]

مقام ابراهیم ﷺ در صد سال قبل



# هنگام زیارت حضرات مقدّسه

❖ تشرف و باریابی به حضرت الهی؛ به هیچ زمانی محدود نبوده؛ چه اینکه "لیس عند الله صباح ولا مساء" (ترجمه) نزد خداوند صبح و شام نباشد، اما بر حسب توفیقات زائر؛ چه بسا مراتبی در این باب باشد:

﴿ حضور پیوسته و زیارت بدوان: والاترین مرتبه همان اتصال مستمر و پیوند پیوسته بوده، بطوری که زائر دائما در حضرت قدسیه وَلَوْیه حاضر باشد، و این با انقطاع تام برای این حضور محقق گردد، إلهي أستغفرك من كل لذة بغير ذكرك، (ترجمه) خدایا من از هر لذتی بجز یاد تو؛ آمرزش می خواهم، و این نوع زیارت به کسی که شخصا در مشاهد مشرفه حاضر است نداشته؛ بلکه هر که به شرافت "معیت" نائل باشد؛ همواره در آن مشاهد حضور دارد.

﴿ مراتب بعدی توفیق حضور در مشاهد و مواسم زیارت:  
پس از آن زیارت در آوقات نمازهای فریضه (پنج وقت) است، سپس زیارت در هر صبح و شام (اول روز پس از طلوع و آخر روز پیش از غروب) تا بدین نحو از آنانی باشد که خداوند در آیات قرآنی از آنها یاد نموده است: الَّذِينَ يسْبَحُونَ رَبِّهِمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشَّيِّ، و سپس زیارت در هر شب و روز،

وسپس زیارت در هر هفته و بویژه شب و روز جمعه، و سپس زیارت در هر ماه و بویژه شبهای سپید (لیالی بیض) و روزهای آنها (۱۳ و ۱۴ و ۱۵)،

وسپس زیارت سالانه در شبهای مبارکه قدر،

و سپس زیارت در دو موسوم حج (ذیحجه) و عمره (رجب)،  
و سپس زیارت در شب نیمه شعبان،  
و سپس زیارت در روزهای شادی اهل حق؛ یعنی ایام اعیاد: عید اکبر (غدیر)؛  
و عید کبیر (براست)؛ و عیدین شریفین فطر و اضحی؛ و جشنهای مبارکه  
(ولادت معصومین علیهم السلام و هلاک اضداد ایشان)،  
و سپس زیارت در ایام احزان آل محمد علیهم السلام (اعشوراء و ایام شهادت حضرات  
معصومین علیهم السلام)،  
همچنانکه زیارت ایشان در ایام خاصه هر یک از آنها مورد تأکید است، مانند  
زیارت حضرت پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم در شب مبعث و معراج؛ یا زیارت حضرت مولا علی  
علیه السلام در ليلة المبعث و آغاز هجرت نبوی صلوات الله علیه و آله و سلم و ایام فتوحات عظیمه اسلامی (مانند  
بدرو واحد و خندق و خیبر و حنین و فتح مکه)؛ یا زیارت حضرت زهراء علیه السلام در  
روز حمله منافقین به خانه وحی، و یا زیارت حضرت امام رضا علیه السلام در روز ۲۵ ذی  
قعده، و زیارت ائمه علیهم السلام در ایام ولادت فرزندشان که امام بعدی است.

﴿لَهُ زِيَارَةُ الْمَسْعُودَةِ وَ زِيَارَةُ الدُّورِ﴾ و آنکه موفق به حضور در مشاهد مشرفه نگردد  
پس زیارت معصومین علیهم السلام از راه دور را ترک ننماید، و انجام آن با رفتن به پشت  
بام یا جای بلند؛ یا رفتن در دشته که کسی نبوده و او را نبینند، یا در جایگاهی  
که برای زیارت ایشان اخصاص داده شده (امام بارگاه) و آن مشهد معظم را  
تمثیل نموده باشند؛ یا خود آنرا تمثیل نماید؛ یی باشد، پس با فراهم نمودن شرایط  
زیارت؛ و اجرای آداب آن؛ جان خودش را در حضیره قدسیه مشاهد الهی حاضر  
نموده؛ و به الله تعالی توجه کرده؛ و حضرات ایشان علیهم السلام را در آن مکان زیارت  
کند؛ پس ایشان را نزدیک و اجابت کننده خواهش خود می یابد.

## احکام مقدمات سفر به مشاهد مشرفه

**سؤال:** اگر برای رفتن به مکانهای زیارتی پولی را پس انداز کنیم چون نمی توانیم نقدا آنرا به پردازیم؛ اگر سال خمسی برآن پول بگذرد؛ آیا به آن پول خمس تعلق می گیرد؟

**جواب:** اگر فیش و یا اعتبار سفر را تهیه نموده و به صورت اقساط بپردازد اشکالی ندارد، و اگر تأمین نیازی در زندگی مستلزم تهیه تدریجی مقدمات آن باشد این هم مشمول خمس نیست، ولی اگر پس از تأمین مصارف و مایحتاج سال جاری پولی زیاده بیاید؛ این مشمول خمس می باشد، و ادائی خمس خودش عبادتی است؛ و سفر معنوی از مال پاک و خمس داده شده انجام می گیرد. [شماره ثبت: ۱۱۵۶] منبع: المسائل الهمدانیة

**سؤال:** سال قبل که برای زیارت عتبات مشرف شدیم، مبلغ .... دلار و مقدار .... دینار از سفر باز گرداندم، این مبلغ را گفتم ان شا الله برای زیارات بعد نگه می دارم، و دست نزدم همچنان دارم تا زیارت بعد که ان شا الله نصیبم شود، الان یک سال از آنها گذشته آیا به آنها خمس و زکات تعلق می گیرد؟

**جواب:** اگر این وجه یا بعض آنرا برای امر زیارت یا شؤون لازم دیگر زندگی در سال پیش رو نیاز دارد، که به مقدار مورد نیاز در سال پیش رو، مشمول خمس نمی شود، و بقیه که زائد است مشمول خمس است. و در صورتی که بخواهد عین وجه مذکور را برای سفرهای بعدی یا مصارف دیگر نکهبدارد، می تواند معادل مقدار خمس آنرا از بقیه مالش بپردازد، و سپس در آن تصرف نماید. [شماره ثبت: ۱۴۵۲] منبع: المسائل الإنترنوتية

# آشنایی با شرایط و احکام تحقیق سفر

**سؤال:** مسافت شرعیه برای مترتب شدن احکام قصر و اتمام چه مقدار است؟

و به عبارت دیگر مسافر شرعی به چه کسی اطلاق می شود؟

**جواب:** در ترتیب احکام مزبور؛ جهات متعددی باید ملاحظه و احراز شود، و مسافت تنها ملاک آن نیست:

۱- هر مسافری از نظر شرع تکلیفش قصر نماز نمی باشد، و برای اینکه مسافر مشمول این حکم بشود شرایطی لازم دارد.

۲- در صورتی که سفر در خصوص طاعت (مثل برای عبادتی مثل زیارت یا تجارت و کسب جهت روزی حلال یا صله ارحام و دوستان و یا احسان به اهل ایمان)، با شرائط آن؛ از مسافت و قصد و غیر آن، محقق شود، واجب است تقصیر (دو رکعتی خواندن) در نماز واجب چهار رکعتی؛ و افطار در روزه ماه مبارک رمضان یا قضای آن، و همچنین نوافل روز ساقط می شود.

۳- در مواردی (علیرغم طی مسیر) حکم سفر جاری نیست: عبور و اقامت در وطن، رسیدن به منزلگاه و تعلق ملکی از قبیل استراحتگاه و نحو آن، و مکانی که در آن قصد اقامت ده روز را داشته باشد، و همچنین اگر در سفر وارد بر منزلی شود که منزل او مثل منزل خودش است؛ از نظر راحتی و اختیار، و همچنین کسی که نوعاً و غالباً در سفر است؛ چه اینکه به اقتضای شغل یا زندگی او، و یا منزل او همراه اوست، بلکه سفر کردن جزء عادی زندگی او باشد، و همچنین سفری که در غیر طاعت باشد، (که منحصر به سفر معصیت نبوده و شامل سفر لهو و لغو هم می شود؛ مانند سفر برای تفریح و نزهت مانند گردش یا شکار تفریحی، در همه اینها حکم مسافر ندارد).

-۴- در شرع شریف؛ اصل مقدار در تحقیق سفر؛ مبتنی بر مقدار زمان (یک روز یا یک شب) است، و مسافت؛ مقدار معادل این زمان است، و ملاک هم وسائل معمولی عمومی حمل و نقل هر عصر است، و چون در عصر قدیم مسافران؛ چه پیاده و چه با وسائل حمل و نقل عمومی آن زمان (شتر و الاغ و استر)؛ در یکروز معادل ۸ فرسخ شرعی (تقریباً ۴ کیلومتر) طی می‌کردند، و با طی این مسافت یک روز یا یک شب آنها مشغول می‌شد، فلذا شارع مقدس حکم قصر نماز و عدم روزه را مقرر فرموده است، ازین رو ملاک در تحقیق سفر، یکروز تقریباً در سفر مشغول شدن است، پس در این عصر اگر مسافری (مثل مردمان قدیم) پیاده یا با مرکبی که به سرعت آن (مثل شتر و استر و الاغ) طی مسیر کند؛ همین مسافت موجب تحقیق سفر شرعی و لزوم احکام آن برای ایشان می‌شود. مانند مردمانی در عصر ما که در نواحی دورافتاده و فاقد وسائل سریع بوده؛ یا به هر دلیل از روی اضطرار (خرابی وسیله سریع) یا از روی اختیار (مثل سفر پیاده برای زیارت) بدین نحو سیر می‌کنند. اما مسافران با وسائل سریع این عصر؛ از آنجا که کامیون و اتوبوس؛ امروزه معمولی ترین وسیله برای مردمانی است که از وسائل حرکت سریع بهره مندند، فلذا مردم این عصر؛ مسافتی را که یک کامیون و اتوبوس معمولی حدوداً در یکروز بطور مجاز می‌تواند طی کند را ملاک قرار می‌دهند، ولنا اگر کسی همین مقدار را سریعتر؛ و در مدت نیمروز یا چند ساعت طی کرد؛ باز هم مسافر محسوب می‌شود.

-۵- کسی که با طی مسافتی کمتر از یک روز؛ قصد اقامت بقیه روز و یا شبی را در محلی دارد، و پس از آن به سفر ادامه می‌دهد؛ تا کنون حکم مسافر نداشته، و پس از آن اگر شرایط سفر (مدت و مقدار مسیر) را داشته باشد حکم آن را دارد. [شماره ثبت: (۶۶) منبع: المسائل الفمیّة]

**سوال:** با توجه به اینکه ملاک اصلی در تحقیق احکام سفر؛ طی (مسیره یوم) می باشد، حکم سفرهای هوائی از این جهت چیست؟

**جواب:** چون این وسیله امروزه؛ معمولی ترین وسیله همگانی نیست؛ فلذا از نظر تعیین مسافت موجب تحقیق سفر؛ مانند سفرهای زمینی و برحسب وسیله معمولی آن عمل می کند، و سرعت سیر دخالتی در شمول حکم ندارد، ولذا اگر در ساعتی مسافت قدر یوم را طی کرد، حکم مسافر را داشته، و لازم نیست تمام روز را در سفر هوایی باشد. [شماره ثبت: (۲۰۴) منبع: المسائل القيمة]

**سوال:** اگر کسی در این زمان؛ با سرعتی کمتر از وسائل حمل و نقل عمومی سفر نماید، ولی طی مسیر (نه توقف) او حدودا یک روز طول بکشد، (مانند اینکه وسیله او مشکل داشته باشد، یا به علتی (نامناسب بودن جاده یا ترافیک) آهسته سیر می کند، یا با قایق پارویی یا بادبانی مسافت می کند، یا از وسیله ای مانند موتورسیکلت یا دوچرخه استفاده می نماید، یا اینکه با مرکب حیوانی بخارط وضعیت منطقه (کوهستانی) مسافت می کند، و یا اینکه پیاده می رود؛ مانند اینکه برنامه سفر زیارتی با پای پیاده دارد، آیا ملاک برای این شخص در مقدار مسافت (موجب شکسته شدن نماز) همان مسافتی که وسائل حمل و نقل عمومی سریع (در شرایط عادی) طی می کنند می باشد؟ یا اینکه ملاک یک روز صرف شدن در طی راه است؟

**جواب:** برای همه این موارد؛ تطبیق قاعده اصلی "طی مسافت به قدر یوم" (یک روز) بر حسب سیر خودشان است، ولذا در صورتی که سایر شرایط مسافر شدن را داشته باشد؛ کسی که در این زمان مانند قدیم طی مسیر می نماید (پیاده، مرکب حیوانی و مانند آن از نظر سرعت) با یک روز راه رفتن مسافر می

شود، که مسافت موجب سفر برای مسافر با پایی پیاده و یا مرکب حیوانی هشت فرسخ شرعی (که حدوداً معادل ۴۸ کیلومتر است) می‌باشد. [شماره ثبت: (۱۳۹۶) منبع: المسائل الهمدانیة]

**سؤال:** اگر در سفر، مسافت رفت و برگشت با هم، باندازه مسیره یوم باشد  
وظیفه چیست؟

**جواب:** اگر در یک روز آنرا طی می‌کند به حکم مسافر عمل می‌کند. [شماره ثبت: (۹۸۲) منبع: المسائل الخراسانیة]

**سؤال:** حد ترخص برای مسافر در مورد نماز و روزه را بیان نماید؟  
**جواب:** وقتی مسافر در شرایط سفر قرار می‌گیرد و از خانه اهلش جدا می‌شود سفر وی شروع می‌گردد و می‌تواند به تکلیف مسافر عمل نماید و لواز بلد محل اقامت خود هنوز خارج نشده باشد ولیکن افضل مؤکد است که پس از خروج از بلد و خفاء مناطق مسکونی از دیدرس به تکلیف مسافر عمل نماید. [شماره ثبت: (۷۰) منبع: المسائل القمیة]

**سؤال:** کسی که قصد مسافرت به اندازه مسافت شرعیه را دارد ولکن در بین راه توقف یکی دو روزه دارد نماز و روزه وی چه حکمی دارد؟

**جواب:** توقف بین راه که مانع از انجام طی مسافت یک روزه و بیشتر است، مانع از حکم مسافر داشتن وی است. [شماره ثبت: (۶۹) منبع: المسائل القمیة]

**سؤال:** کسی که قصد دارد به اندازه مسافت شرعیه مسافرت کند ولکن بین راه توقف یکی دو روزه دارد (مثلاً از مشهد مقدس که وطنش است قصد سفر به تهران را دارد ولکن از راه شمال می‌رود و آن جا چنین توقفی دارد) آیا حکم مسافر بر او مترتب است؟

**جواب:** اگر سفر در خصوص طاعت بوده نه تفرج و تفریح، و سفرکردن عادت معمول وی نشده، و مقدار سفر وی به قدر اشتغال یوم (یکروز) باشد؛ حکم مسافر را دارد. ولی اگر قبل از اشتغال یوم در سفر، یا طی مسافت به قدر یوم، در محلّ یکشب و بیشتر استراحت نماید، نماز قبل و حین آن تمام است، پس اگر در سفر ادامه دهد و پس از این محلّ، مسافت مورد سفر به قدر یوم باشد، حکم مسافر را پیدا می کند، اما اگر بعد از اشتغال یوم در سیر، یا طی مسیر به قدر یوم توقف نماید؛ حکم مسافر را دارد. [شماره ثبت: (۶۷) منبع: المسائل القمية]

**سؤال:** قصد اقامت (که مسافر در آن صورت باید نماز را تمام بخواند) با نیت ماندن چند روز محقق می شود؟ بیرون رفتن از محل اقامت و بازگشتن به آن در این چند روز و همچنین بعد از آن تا مدتی که در آن محل اقامت دارد؛ لطمه ای به قصد اقامت نمی زند؟ تا چه مسافتی می تواند برود؟ و از نظر زمانی چه مقدار می توان بیرون باشد و برگرد؟ بین آنکه از اول چنین قصدي داشته باشد؛ یا بعداً پیش بباید؛ فرقی وجود دارد؟

**جواب:** قصد اقامت عشر (ده روز) در محلی میان سفر؛ موجب التزام به حکم حضر می گردد، و بیرون رفتن از محل اقامت بدون طی مسافت سفر شرعی؛ محلّ به قصد اقامت وی نمی باشد مطلقاً. [شماره ثبت: (۶۸) منبع: المسائل القمية]

**سؤال:** کسی که از محل اقامت خود، با طی مسافت یک روز راه، برای زیارت حضرت معصومه علیها السلام و سایر امامزادگان و نیز تحصیل مقدمات زیارت عمره؛ سفر نموده است، آیا نماز او شکسته یا تمام می باشد؟

**جواب:** سفر مزبور از مصاديق سفر برای طاعت بوده؛ ولذا حکم مسافر شرعی را داشته و نماز او شکسته می باشد، مگر اینکه در محل وارد شود که آنجا مانند

منزل خود بهرمند و اختیاردار است؛ و یا در یکی از امکنه ده روز یا بیشتر اقامت نماید. [شماره ثبت: (۷۳۶) منبع: المسائل الإصفهانية]

**سؤال:** اگر شخصی که شغلش راننده‌گی نیست؛ اما وسیله‌ای دارد که راننده‌ای با آن کار می‌کند و این شخص گاهی اوقات با راننده به مسافت برود آیا نماز‌هایش شکسته است یا کامل؟

**جواب:** اگر این مسافت از موارد مستثنای از سفر (موجب تقصیر) نباشد (مذکور در بند ۳ مسئله ۶۶)، وی حکم مسافر را دارد. [شماره ثبت: (۷۱) منبع: المسائل الفمية]

**سؤال:** راننده‌گانی که در استخدام دولت می‌باشند، از نظر نماز و روزه، جزو اشخاص دائم السفر محسوب می‌شوند یا نه؟

**جواب:** کسی که شغل او سفر شد؛ تا وقتی که در این شغل می‌باشد؛ کلاً مسافت برای او (ولو برای غیر شغل) موجب تکلیف حکم مسافر بر او نمی‌شود، ولی در صورت ترک این شغل، و شغل حضری پیدا کردن؛ مانند سایر اهل حضر؛ در سفر به حکم سفر خواهد بود. [شماره ثبت: (۲۴۲) منبع: المسائل الحائرية]

**سؤال:** کسی که ماهی یک مرتبه به مشهد مقدس مشرف می‌شود آیا می‌تواند در بین راه تا رسیدن به مشهد مقدس و همچنین در برگشت از مشهد مقدس به وطن نماز را تمام بخواند؟

**جواب:** در صورت اشتغال یک‌روز در سفر؛ تکرار ماهانه این مسافت؛ مانع از شمول حکم مسافر بر او نیست. [شماره ثبت: (۹۹۴) منبع: المسائل الإصفهانية]

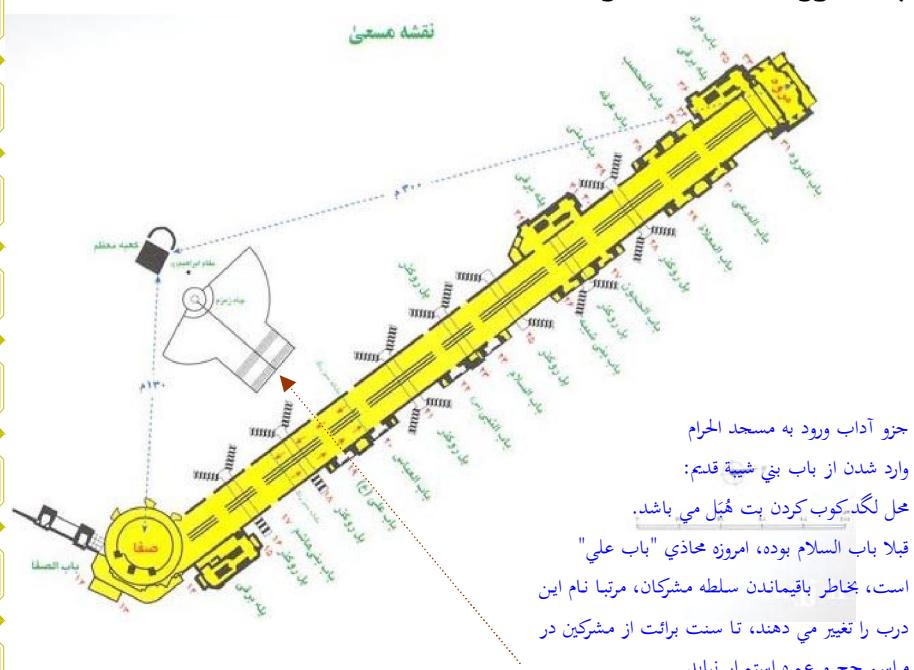
**سؤال:** شخصی که به شهر دیگری مسافت کرده و برای اینکه نماز‌های خود را تمام بخواند ده روز قصد کرده است، آیا در این مدت قصد می‌تواند به شهرهای

اطراف محل قصد خود مسافرت کند و از حد ترخص خارج شود؟

**چواب:** خروج از حد ترخص و همچنین سفر به شهرهای اطراف در صورتی که کمتر از مسیره یوں باشد؛ بلا مانع است. [شماره ثبت: (۵۰۵) منبع: المسائل الإصفهانية]

**سؤال:** در صورت تحقق سفر شرعی؛ اگر در یکی از نقاط سفر شخص قصد توقف کمتر از ده روز را داشته ولی کم کم لازم شده که توقفش را ادامه دهد؛ و الان عملاً بیش از ده روز در آنجا توقف داشته است و شاید هم توقفش استمرار پیدا کند؛ تکلیف او چیست؟ آیا نماز او شکسته یا تمام می باشد؟

**جواب:** تا قصد اقامت اقلاده روز را ندارد؛ حکم مسافر را دارد، مگر اینکه توقف غیر مقصودش یکماه طول بکشد در این صورت نمازش تمام است هر چند هنوز قصد اقامت ندارد. [شماره ثبت: ۷۳۷] منبع: المسائل الاصفهانیة



# احکام مسافر در حضرات مقدسه

**سؤال:** حکم نماز در مشاهده شریفه انبیاء و اوصیای الهی ﷺ چگونه است؟ آیا نماز را تمام خواندن اختصاص به چهار مکان مشهور دارد؟ و نماز کامل اختصاص به مکان متبرک داشته؟ یا شهر را هم شامل می شود؟ و با توجه به وسعت امروزی شهرها، آیا محدوده قدیمی شهر مدنظر است؟ و یا محدوده جدید آنها؟

**جواب:** برای مسافری که قصد اقامت کمتر از ده روز دارد؛ در مشاهد مشرفه و اماکن متبرکه {حرم الله و حرم رسول الله ﷺ و حرم حضرت مولا علیه السلام و سایر حضرات مقدسه معصومین و جمیع انبیاء و مرسلین و اوصیاء ایشان ﷺ} و بلکه حریم آن مشاهد، و بلد و شهر مربوطه و متعلق بدان، و از جمله آنهاست: مگه مکرمه و مدینه منوره و نجف اشرف و کوفه و کربلا و کاظمین و سامراء و مشهد مقدس و مسجد برااثا و منطقه آن در بغداد می باشد) و بیت المقدس والخلیل (حیرون)، جایز است بلکه مستحب مؤکد است که نمازهای واجب یومیه را تمام بخواند، و همچنین بعيد نیست شمول این حکم، مطلق اماکن و مقامات و بیوتات ایشان را، و بر اساس نص شریف؛ شایسته است که این مستحب مؤکد ولو یکبار رعایت شده؛ و کل ترك نشود، و هر چند بعيد نیست که (با توجه به وسعت امروزی شهرها) این حکم شامل مطلق عنوان آن شهر (لو بسیار بزرگ باشد) بگردد، ولی ظاهر این است که: اکتفا به محدوده متعارف قدیمی آن بلد بکنند، نه اتساع متأخر و امروزی آن، و مخفی نماند که: شهرت بعض اماکن در السنه عامه؛ ناشی از آرائی است که ذکر مثالی بعض اماکن در برخی روایات را، دلیل بر حصر تلقی نموده اند. ولی به برکت هدایت حضرات مقدسه ﷺ و تتبّع و تفقّه در مجموع فرمایشات و سیره عملی ایشان؛

چنانکه از مفاد این جوابیه بدست می‌آید، عدم اختصار در آن موارد، بلکه مثالی بودن آنها، بخوبی واضح و آشکار می‌گردد. وفقنا اللہ تعالیٰ لعبدیتہ و عبادته والتسلیم لحجّته و خدمتہ. [شماره ثبت (۳۸۴) منبع: المسائل الاصفهانیة]

**سؤال:** آیا در مسجد تنعیم نمازهای چهار رکعتی چه حکمی دارند؟

**جباب:** هر چند بعید نیست که حکم تمام خواندن نمازهای چهار رکعتی شامل مطلق عنوان شهر مگه (هر چند بسیار بزرگ باشد) بگردد، ولی ظاهر این است که: اکتفا به محدوده متعارف قدیمی آن بنمایند؛ نه اتساع متاخر و امروزی آن، و مسجد تنعیم از محدوده متعارف قدیمی مگه نمی باشد. [شماره ۱۱۷۹] منبع: المسائل الهمدانیة

**سؤال:** هل التّخيير بين التّمام والقصر خاصّ بمكّة القديمة والمدينة المنوّرة  
القديمة أم يشمل الامتدادات الجديدة؟

**جواب:** يشمل الامتدادات الجديدة في الحدود القديمة أيضاً، واما الإتساع الكبير وإن لا يبعد شمول الحكم له؛ ولكن الظاهر الإكتفاء بالحدود القديمة. [شماره ثبت: (٣٩٨) منبع: المسائل الخراسانية]

**سؤال:** آیا شخصی که بنا دارد در مسجد شجره محرم شود؛ نمازهای چهار رکعتی واجب ظهر و عصر و عشا برای وی تمام است یا شکسته؟

**جواب:** اگر متوطن یا مقیم عشر در مدینه بوده؛ نماز او تمام می باشد. [شماره ثبت: ۵۶۱۰] منبع: المسائل الإصفهانية

**سؤال:** المسؤولون عن حملات الحجّ والمرشدون الحجّاج الذين يمارسون ذلك سنويًا، هل حكمهم التمام أم القصر؟

**جواب:** اذا كان شغليهم و مكسيهم من ذلك فحكمهم الشمام. [شماره ثبت: ٢٨٩] منبع: المسائل الخراسانية]

**سؤال:** مسافری کہ مسافت شرعیہ را طی نموده و حکم مسافر را دارد اگر بہ

یکی از مشاهد مشرفه وارد شد که نماز را آنچه تمام می خواند اگر بخواهد به جاهای دیگر نزدیک یا دور سفر کند مسافر محسوب می شود یا باید سفرش از آن مشهد مشرف به مکان بعدی به اندازه مسافت شرعیه باشد؟

**جواب:** نماز در مشاهد مشرفه خوب است که تمام خوانده شود، ولی وقوع آن در مسیر سفر مانع تحقق سفر نمی شود، اما اگر قبل از طی مسافت به قدریوم، توقف در آن مشاهد یا غیر آن از بلاد دیگر بنماید؛ تحقق سفر (موجب تقصیر) منوط به مسافت پس از آن بوده، و اگر به قدریوم طی مسافت باشد مسافر است، پس اگر قصد اقامت عشر در بلد شریف نماید رفتن به نواحی دون مسافت موجب شکسته شدن نماز نمی شود، و اگر قصد عشر نکرده باشد، پس همچنان مسافر است. [شماره ثبت: (۱۷۸) منبع: المسائل القمية]

**سؤال:** آیا نمازهاي چهار ركعتي در فرودگاه نجف اشرف برای شخصی که با هوایپما سفر می کند؛ کامل می باشد؟

**جواب:** فرودگاه نجف اشرف بیرون از محدوده شهر است، و جزو محدوده تمام بودن نماز در این دو شهر نیست، ازین رو برای مسافری که وارد می شود و هنوز در نجف یا کربلا قصد اقامت ده روز ننموده؛ ادامه مسیر سفر محسوب می شود؛ فلذا نماز تمام نیست. و همچنین مسافری که در یکی از این دو شهر اقامت ده روزه داشته، و بعد از ده روز در بازگشت از عتبات به وطن (که فاصله اش یکروز راه بیشتر است) به فرودگاه نجف می رود، چون از شهر و حومه آن بیرون رفته و مسافر شده است، فلذا نمازش در طول مسیر سفرش (واز جمله آن؛ نمازش در فرودگاه نجف) تا بوطئش برسد شکسته است، و آنرا ناتمام و قصر بجای می آورد. اما مسافری که در یکی از این دو شهر قصد اقامت ده روزه داشته، و اقامتش حقق شده و میان آن ایام، برای کاری به فرودگاه نجف می رود؛ نمازش در حین

ترددش به فرودگاه نجف اشرف تمام است. [شماره ثبت: (١٤٥٩) منبع: المسائل الإنترنتية]

**سؤال:** بندۀ قبل از عزیمت به مشهد مقدس با خود به این صورت نیت کردم که بین خود و خدا اگر در روزهای ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ رجب توفیق حاصل شد و خدمت حضرت ثامن‌الائمه (منه السلام) مشرف شدم این سه روز را روزه بدارم، بذل عنایت نموده و پاسخ فرمایید به اینکه:

۱- آیا یه این نخوه نیت کردن حق نیت روزه نذر را اداء شده است؟

۲- آیا کسی که سه روز در مشهد مقدس باشد می‌تواند نیت روزه نذر نماید؟

۳- چون با جمعی از دوستان در این سفر همراه هستم از نظر اخلاقی اشکال ندارد که موقع صرف غذا آنها را همراهی نمی‌کنم؟

**جواب:** ۱- (انشاء الله تعالى) اداء شده است.

۲- صرف نظر از اینکه روزه مستحبی در سفر اشکال ندارد، و در مشاهد مشرفه حضرات انبیاء و اوصیاء الهی ﷺ (که مشهد مقدس رضوی ﷺ هم از آن جمله مشاهد می‌باشد) که اتمام نماز در آن رجحان دارد روزه واجب هم مانع ندارد؛ و با توجه به ورود نص شریف بر استحباب سه روز روزه برای کسی که سه روز در مدینه منوره باقی بماند؛ و اتحاد مشاهد مشرفه در اینگونه احکام و آثار؛ چه بسا مطلقاً برای هر کسی که به مشاهد مذکوره مشرف شود و سه روز بماند؛ مستحب باشد که سه روز روزه بگیرد.

۳- مانع ندارد؛ هر چند دعوت مؤمن برای افطار را شخص روزه دار اگر اجابت کند (در روزه مستحبی) ضمن درک فضیلت روزه به مستحب اجابت دعوت مؤمن نیز موفق گردیده است، و این در صورتی است که روزه مستحبی باشد والا در روزه واجب مانند ماه رمضان و قضای واجب و نذر (مانند فرض فوق) نمی‌تواند به دعوت مومن افطار نماید. [شماره ثبت: (٦٠) منبع: المسائل القمية]

# حجّ و آهنگ سفر برای زیارت مشاهد الہیّه

﴿ کسی که قصد این سفر معنوی را دارد؛ با رعایت وظایف حتمیّه شرعیه برای آن برنامه ریزی کند، و مبادا برای انجام این سفر؛ ترك تکلیفی بنماید.

﴿ ابتدا حقوق واجبه و بدھی های فوری خود را ادا نموده، و سپس هزینه های سفر را از مال حلال تدارک ببیند.

﴿ اگر بناست با فرد یا افرادی همسفر شود، سعی کند با کسانی باشد که معرفت و التزام شان به مولا ﷺ بیشتر از خود اوست.

﴿ قبل از آنکه از خانه (به قصد سفر برای زیارت) خارج شود، غسل نموده و در حین غسل بگوید:

\* اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي وَ طَهِّرْ لِي قَلْبِي \* وَ اشْرَحْ لِي صَدْرِي \* وَ أَجْرِ عَلَى لِسَانِي مِدْحَثَكَ وَ الشَّنَاءَ عَلَيْكَ \* فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ \*  
اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي طَهُورًا وَ شِفَاءً \*

﴿ و هنگام بیرون رفتن از منزل بگوید:

\* بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ \* وَ إِلَى اللَّهِ در زیارت پیامبر و دخت گرامی او ﷺ بگوید: وَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ در زیارت سایر رَسُولِ اللَّهِ وَابْنِتِه در زیارت مولا علی ﷺ بگوید: وَ إِلَى أَخِي رَسُولِ اللَّهِ در زیارت سایر موصومین ﷺ بگوید: وَ إِلَى ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ} \* حَسْيَ اللَّهُ \* تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ \* اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَ إِلَيْكَ قَصَدْتُ وَ مَا عِنْدَكَ أَرْدَتُ \*

﴿ چون بیرون رود، بر در خانه خود بایستد و بگوید:

\* اللَّهُمَّ إِلَيْكَ وَجَهْتُ وَجْهِي \* وَعَلَيْكَ خَلَقْتُ أَهْلِي وَمَالِي  
وَمَا حَوَلْتِنِي وَبِكَ وَثَقْتُ فَلَا تُخْبِنِي \* يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ مَنْ  
أَرَادَهُ \* وَلَا يُضِيعُ مَنْ حَفِظَهُ \* صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ \*  
وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ \* فَإِنَّهُ لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظَتَ \*

﴿ و پس از حرکت بگوید:

\* اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ (x تَوَجَّهْتُ) مِنْ مَنْزِلِي أَبْغِي فَضْلَكَ وَأَزُورُ

{در زیارت پیامبر و دخت گرامی او ﷺ بگوید: نَبِيَّكَ وَابْنَتَهُ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمَا در زیارت سایر

معصومین ﷺ بگوید: وَصَحَّ نَبِيَّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمَا } \* اللَّهُمَّ فَيَسِّرْ ذَلِكَ لِي \*  
وَسَبِّبِ الْمَرَارَ لَهُ \* وَالْخُلْفَنِي فِي عَاقِبَتِي وَحُرَّانِي بِأَحْسَنِ  
الْخِلَافَةِ \* يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ \*

﴿ پس روانه شود در حالیکه زبانش گویا باشد به ذکرهای:

\* الْحَمْدُ لِلَّهِ \* سُبْحَانَ اللَّهِ \* لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ \*

﴿ کسی که آهنگ حج و زیارت دارد باید که در راه بسیار مواضع نماید بر:

۱- اجتناب از قسم خوردن و مجادله و مشاجره،

۲- و پرهیز از منهیات در جوارح و اعضا،

۳- و گذراندن به لغو و بیهوده و غفلت،

۴- و نیز سعی کند در کم سخن گفتن؛ مگر به خیر و ذکر خدای متعال،

۵- بلکه به نحو متناسب با زیارت و باریابی به آن محضر عالی؛ حال و رفتار خود را حفظ نماید، و مبادا بجز آن مشغول شود،

۶- و در معرفت بیشتر عظمت مولا علیه السلام؛ و نیز التفات به نقایص و سستی های خود بسیار بکوشد،

۷- و در خدمت و احسان به همراهان نیز کوتاهی نکند؛ که اندازه راهیابی و بهره مندی وی از آن حضور انور؛ به این جهات نیز مربوط است.

﴿ چون به نزدیکی شهری که مشهد شریف معصوم علیه السلام در آنجاست برسد؛ بگوید:

\* آللّهُ أَكْبَرُ اللّهُ أَكْبَرُ \* أَهْلُ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْمَجْدِ وَ الْعَظَمَةِ \* آللّهُ أَكْبَرُ \* أَهْلُ التَّكْبِيرِ وَ التَّقْدِيسِ وَ التَّسْبِيحِ وَ الْأَلَاءِ \* آللّهُ أَكْبَرُ مِمَّا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ \* آللّهُ أَكْبَرُ عَمَادِي وَ عَلَيْهِ أَتَوَّلُ \* آللّهُ أَكْبَرُ رَجَائِي وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ \* اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيٌّ نِعْمَتِي \* وَ الْقَادِرُ عَلَى طَلِبِي \* تَعْلَمُ حَاجَتِي وَ مَا تَضْمُرُهُ هَوَاجِسُ الصُّدُورِ وَ خَوَاطِرُ النُّفُوسِ \* فَأَسْأَلُكَ بِمُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى \* الَّذِي قَطَعْتَ بِهِ حُجَّاجَ الْمُحْتَجِينَ وَ عُذْرَ الْمُعْتَذِرِينَ \* وَ جَعَلْتُهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ \* أَنْ لَا تَحْرِمَنِي ثَوَابَ زِيَارَةِ وَلِيِّكَ {در زیارت حضرت پیامبر و دخت گرامی او علیه السلام} بگوید:

وَ نَبِيِّكَ وَ أَبْنَتِهِ در زیارت مولا علیه السلام بگوید: وَ أَخِي نَبِيِّكَ در زیارت سایر موصومین علیهم السلام بگوید: وَ أَبْنِ أَخِي نَبِيِّكَ} إِمَامُ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَصْدِهِ \* وَ تَجْعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ الصَّالِحِينَ وَ شَيْعَتِهِ الْمُتَّقِينَ \* بِرَحْمَتِكَ يَا أَرَحَمَ الرَّاحِمِينَ \*

﴿ هنگامی که به دروازه شهر یا ابتدای آن رسید بگوید:

\* الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَا إِلَيْهَا \* وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِي لَوْلَا أَنْ هَدَانَا  
 اللَّهُ \* الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَيَرَنِي فِي بِلَادِهِ \* وَ حَمَلَنِي عَلَى دَوَابِهِ  
 وَ طَوَى لِي الْبَعِيدَ \* وَ صَرَفَ عَنِي الْمَحْذُورَ \* وَ دَفَعَ عَنِي  
 الْمَكْرُوحةَ \* حَتَّى أَقْدَمَنِي {در زیارت پیامبر و دخت گرامی او ﷺ بگوید: حَرَمَ رَسُولِهِ  
 وَ ابْنَتِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ در زیارت مولا علی ﷺ بگوید: حَرَمَ أَخِي رَسُولِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ} در زیارت سایر معصومین  
 بگوید: حَرَمَ ابْنِ أَخِي رَسُولِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ }

﴿ وقتی قبه شریفه آن بارگاه نورانی نمودار شد بگوید:

\* الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا اخْتَصَنِي بِهِ مِنْ طِيبِ الْمُولِدِ وَ اسْتَخْلَصَنِي  
 إِكْرَاماً بِهِ مِنْ مُوَالَةِ الْأَبْرَارِ \* السَّفَرَةِ الْأَطْهَارِ \* وَ الْخِيرَةِ  
 الْأَعْلَامِ \* اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْ سَعْيَ إِلَيْكَ \* وَ تَضَرُّعِي بَيْنَ يَدَيْكَ \*  
 وَ اغْفِرْ لِي الدُّنُوبَ الَّتِي لَا تَخْفَى عَلَيْكَ \* إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْمَلِكُ  
 الْغَفَّارُ \*

﴿ پس داخل شهر شود و بگوید:

\* الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْخَلَنِي هَذِهِ الْبُقْعَةَ الْمُبَارَكَةَ الَّتِي بَارَكَ اللَّهُ  
 فِيهَا {در زیارت حضرت پیامبر و دخت گرامی او ﷺ بگوید: وَ اخْتارَهَا لِنَبِيِّهِ وَ ابْنَتِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ}  
 در زیارت سایر حضرات معصومین ﷺ بگوید: وَ اخْتارَهَا لِوَصِيِّ نَبِيِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ } \* اللَّهُمَّ  
 فَاجْعَلْهَا شَاهِدَةً لِي \*

## آداب زیارت حضرات معصومین ﷺ

بعضی از عame مردم؛ آداب را یک نوع امور تشریفاتی تلقی می کنند، بر خلاف این گمان؛ کلمه آداب (که در لغت عربی هم آمده) جمع ادب بوده، و مراد از آن: ادب ورزیدن و مراعات آنچه در زیارت لازم است؛ آنچنانکه شایسته محضر مورد زیارت است.

ازین رو ادب و مراتب آن به امور مختلفی بستگی دارد از جمله:

۱- به عقل و تربیت هر شخص.

۲- به اندازه معرفت او نسبت به طرف اعلی.

۳- آنچه از تفاوت مرتبه طرفین لازم آید، که هر چه مرتبه یک سو بالاتر و سترگ و بی همتا باشد؛ سوی دیگر پائین تر و ناچیزتر و خوارتر باشد، و اندازه رعایت ادب و لزوم آن بیشتر و شدیدتر شود.

و در کلام خازنان و حجی ﷺ آمده است که: هر که ایشان ﷺ را زیارت کند پس به تحقیق؛ اللہ تعالیٰ را در عرش دیدار کرده است. و همچنانکه از کلام ایشان بر می آید؛ حقیقت نماز، همان مقام ولایت کبری (منه السلام) است، لذا این دو مطلب (رعایت آداب نماز و آداب حضور حق تعالیٰ در عرش) می تواند؛ زمینه ای اجمالی از امر زیارت و اهمیت آن و کیفیت و آداب و شرائط و آثار آن را؛ به ما ارائه بدهد.

هر چند با ملاحظه مطالب فوق، و توجه به عظمت شأن مقام ولایت کبری (منه السلام)، {که وجه اللہ اکرم و تجلی اعظم الهی است}، و التفات به ذلت عبودیّت، از سوی ما بندگان درگاه حضرتش، محدوده ادب لازم آن محضر اقدس

اجمالاً بدهست می‌آید، ولی با این وصف به بعضی از مقدمات تشرف و آداب حضور آن بارگاه و عرش حقیقت بلکه حقیقت عرش؛ (که از کلام وحی و خازنان وحی ﷺ استفاده شده) اشاره می‌کنیم:

۱- طهارت ظاهري بدن و لباس و آنچه همراه زائر است، از هر نوع ناپاکی و پلیدی، چه موجب حدث اکبر یا اصغر یا غیر آن باشد، واین با نزاکت و نظافت و طهارت شرعی و داشتن غسل فراهم است. و در صورت اضطرار و یا عدم تیسُّر غسل زیارت، وضو هم کافی است.

۲- طهارت معنوی از هر گونه آلودگی باطنی و آنچه منافی با ایمان و یقین و صدق و تسلیم است، و تحکیم آن با توبه و استغفار؛ از اقوال و افعال و احوال و افکار و آنچه که برای بندۀ مرضی مولا شایسته نیست.

۳- آراستگی ظاهري بدن و لباس، و زینت مطلوب شرع؛ در زی و موی و بدن و لباس، و ازین باب است؛ پوشیدن بهترین لباسها، و منظم و مرتب بودن ظاهر شخص، و معطر نمودن خود، و این امر را در تمامی مشاهد مشرفه رعایت کند مگر در بارگاه حسینی ؑ؛ که ادب مناسب این حضر شریف همانا شوریدگی و پژمردگی و حزن و اندوه و افسردگی است، نه زینت و تعطیر و آراستگی.

۴- آراستگی باطنی حال و دل و ضمیر و خیال، و انصراف و انقطاع از غیر و ماسوی، و توجه و تفرّد در حضرت مقدسه، و ازین جهت است: لزوم صحبت نکردن و مشغول نشدن و توجه نکردن، بلکه عدم التفات و نگاه به اطراف و اشخاص، و دوختن نگاه به زمین، و سپردن دل و زبان به حضور ولی حاضر ؑ، با ذکر حق.

**۵**- رعایت تذلل و آنچه شایسته مرتبه بندگی است؛ در درون با خشوع و انکسار، و در بروان با خضوع و تصرّع و وقار، و از این قبیل است: سر افکندگی و سر بزر بودن، و نیز پا بر هنر شدن (الاً در اضطرار)، و نگاه خیره و ممتد به ضریح انور نکردن، و عدم تکتف و دست به سینه نبودن؛ ولو به خیال ادب ورزی، چه اینکه ادب اهل ایمان در این خصوص همانند نماز؛ دستها را رها کردن و بر روی رانها گذاردن است.

**۶**- لزوم حفظ آرامش و بلند نکردن صدا، حتی در زیارت و ذکر و مانند آن، چه اینکه بنا به تصريح قرآن کريم؛ بلند صحبت کردن در حضور معصوم علیهم السلام موجب حبط و از بین رفتن اعمال خوب شخص می گردد.

**۷**- رعایت متانت و آرام گام برداشتن، و اجتناب از تعجیل و شتاب زدگی در حرکت و سایر برنامه ها، در طول برنامه تشرف و باریابی و زیارت.

**۸**- تکبیر گفتن بسیار با مشاهده روضه منوره و ضریح مطهر؛ بخار درك عظمت و جلالت محضر، برای تنزیه حق تعالی و حقیقت ولایت کبری؛ از تجلی ظاهر در آن حضور، و بهتر است که در اولین نگاه بایستد و سی بار تکبیر بگوید، سپس چند قدیمی جلو آمده و بایستد و باز سی بار تکبیر گفته، و هنگامی که در محضر و پیش روی مبارک می ایستد، قبل از شروع زیارت چهل بار بگوید، که مجموع آن صد بار می شود.

**۹**- عدم تشرف مگر با استیزان و اجازه خواستن؛ و یافتن اذن و اجازه از محضر معصوم علیهم السلام (برای اهل کمال) به نحو معاینه یا مشاهده، و یا (برای عموم) با حصول دل شکستگی و گریان شدن چشم می باشد.

**۱۰**- مقدم داشتن پای راست هنگام ورود به اماکن مختلف مشاهد مشرفه، و پیشداشتن پای چپ هنگام خروج از آنها.

**۱۱**- از سمت پایین پای مبارک به حضور مشرف گردد، و در پیش روی مبارک (با استقبال ضریح مطهر و پشت کردن به قبله ظاهره) زیارت را انجام دهد، و در صورت عدم تیسر (مانند حرم نبیوی ﷺ و حرم رضوی علیهم السلام برای زنان)؛ از پایین پای شریف یا پشت سر مبارک زیارت کند، و برای رفتن به پشت سر مبارک، جهت ادای نماز و سایر اعمال، حتی الإمکان از بالای سر مبارک عبور نکرده و از پایین پا برود، مگر در صورت بسته بودن راه (مانند حرم رضوی علیهم السلام برای مردان) که به قدر ممکن اکتفا کند.

**۱۲**- در ک جلال و عظمت محضر، و اعتراف به عبودیت و تسليم، و اظهار شکر و تقدیر، با بوسیدن زمین و درگاه و سجده در حضور و پیشگاه، چه در هنگام ورود و قبل و بعد زیارت در وقت تیسر و به قدر آن؛ و یا به اشاره در تقیه و اضطرار.

**۱۳**- بوسیدن چهار گوشه ضریح منور، و انجام طواف بر مشاهد مشرفه به قدر میسور، چه در خود حرم مطهر، و یا انجام آن (با اتساع مطاف) در رواق های متبرکه یا صحن های مبارکه و یا خارج از صحنها در میدان اطراف {یا از میدان زیر گذر؛ مانند آستان قدس رضوی علیهم السلام}، و انجام طواف پیش از زیارت و سایر اعمال؛ بهتر است.

**۱۴**- اجتناب از نشستن و لزوم ایستادن در هنگام تشرف و زیارت (به ویژه رو برو و مقابل حضرت علیهم السلام)، مگر پس از فراغ از زیارت و نماز، برای انجام سایر عبادات (آن هم در غیر پیش روی مبارک)، و یا برای فرد معذور و مضطرب؛ بقدر

اضطرار (و آن هم در پایین پای مبارک) و خوب است که در این صورت برای نشستن از حضرتش اجازه بگیرد، و می تواند از مضامین واردہ در اذن دخول به نحو مناسب این مقام استفاده نماید.

**۱۵**- انجام زیارت با: اعتراف به عظمت مولای مورد زیارت، و اظهار سپاس و بندگی و اعلام سر سپردگی و فرمانبرداری زائر نسبت به او، همراه با رعایت هر چه بیشتر مفاهیم و آداب مذکوره در این مبحث، و با بهره گیری از مضامین مؤثره در زیارات خاصه و جامعه. و سعی در بهره مندی از اصل متن عربی نموده، چه اینکه متن اصلی گویاتر و گستردگی معنایش بیشتر و جز این همه؛ این متون بر زبان مبارک حضرات ﷺ جاری گشته و نورانیت و برکت خاص خودش را دارد، اما در صورت ناتوانی کلی زایر از ادای الفاظ عربی، می تواند از ترجمه های معتبر (به زبان خود) استفاده نماید.

**۱۶**- نیابت در زیارت برای حضرت صاحب الأمر (عجل الله تعالى فرجه الشریف) و سایر موصومین ﷺ و مادران مجلّله شان و اصحاب اسرار ایشان و انبیای عظام و اولیائی کرام ﷺ و مؤمنان استوار.

**۱۷**- با توجه به عظمت مولا ﷺ؛ و با ملاحظه مرتبه عبودیت زائر و لزوم تسلیم شخص وی؛ باید که در مقام مناجات با حضرات ﷺ و عرض حال و طلب حاجت؛ رعایت ادب در گفتار را نموده؛ و از اصرار در طلب آنچه که مصلحت بودنش محرز نیست؛ و نیز از تحکم در کلام یا سخنان گله آمیز، و هر چه بوي ناسپاسی (نعمت های داده شده به وي را) دارد؛ اجتناب نماید.

**۱۸**- تجدید و تحکیم بیعت و عهد و میثاق با مقام ولایت کبری (منه السلام)

پس از انجام زیارت، به نحوی که تفصیل آن بعداً ذکر می‌شود.

-۱۹- برائت و بیزاری جستن از پلیدیها و تاریکیها و نمادهای آنها؛ یعنی دشمنان حق و دشمنان مواليان عظام علیهم السلام و لعن بر غاصبان حقوق و ظالمان و قاتلان محمد و آل محمد علیهم السلام.

-۲۰- در صورت تیسر و عدم تنافی با دیگر آداب مذکوره در این مبحث، و عدم ایندی دیگران، سزاوار است خود را به ضریح مطهر رسانیدن و بوسیدن و بوسیدن، و گذاردن روی و گونه‌ها بر آن، و تمسّح و تبرک اعضای خود بدان، و الا در صورت ایجاد خلل در آداب یا ایندی دیگران؛ پس به قدر میسور (ولو به اشاره) اکتفا نماید.

-۲۱- از آنجا که مشاهد مقدسه به منزله قبله باطنی می‌باشند، لذا همانند کعبه مشرفه، تقدّم بر آن و یا تساوی و یا تحاذی با آن مطلقاً صحیح نبوده، (مگر با انصراف به سوی آن) حقیّه به جهت اتیان نماز یا سایر اعمال عبادی، بلکه در آن محضر جلیل، ضریح انور به منزله مرکز دائره بوده؛ و شخص حاضر باید از هر سمت بدان نقطه متوجه باشد؛ و لو موجب پشت کردن به قبله ظاهره بشود، و در هنگام رعایت قبله ظاهره؛ با اتخاذ مکان مناسب؛ جمع بین قبلتین نماید، و برای زیارت سایر حضرات معصومین علیهم السلام پس از انجام نماز زیارت در پشت سر مبارک معصوم حاضر علیهم السلام؛ با توجه به قبله ظاهره یا جهت مشهد معصوم مورد نظر اقدام نماید.

-۲۲- تقدیم هدیه به محضر اقدس ولایت کبری علیهم السلام، با انجام عمل خیر قریبی (مانند شرکت در حفظ نظافت و نزاهت حرم مطهر و اماکن تابعه و خدمت

به زایرین)، و اتفاق مالی (مانند تقدیم پیشکش و ادائی نذرارات و انجام قربانی به نحوی که بعداً توضیح داده می شود)، یا اتیان طاعت الهی؛ از نماز زیارت (که دورگعی است و به قدر توفیق تکرار می شود) و سایر نمازهای مستحبی مانند نماز حضرت صاحب الزمان علیهم السلام و نمازهای منسوب به معصوم حاضر علیهم السلام و نماز جعفر طیار (رضوان الله عليه)، وتلاوت قرآن، و ادعیه و تoslات مأثوره؛ و انجام آنها به نیابت از معصومین علیهم السلام بویژه حضرت مورد زیارت، و یا جمع بین بعض یا همه اینها، و سپس هدیه آن به حضور انور ولی حاضر علیهم السلام.

۲۳- توجّه و توسل و استغاثه به محضر ولی اعظم دوران، حضرت صاحب الزّمان (عجل الله تعالى فرجه الشریف)، به طرق مختلفه مأثوره، از نمازها و زیارات و توسلات و اذکار و رقعه استغاثه.

۲۴- رساندن سلام ملتمسین زیارت و دعا، و ذوی حقوق و ارحام و اخوان ایمانی؛ به محضر آن معصوم علیهم السلام، و دعای برای آنها، بلکه مقدم داشتنشان در دعا.

۲۵- زائر در حرم شریف نماند؛ مگر بقدر بقای حال و شرایط ظاهری و باطنی؛ وقدرت و توفیقش بر رعایت آداب مذکوره، و ازینروست که فرموده اند: ژرْ و ائصِرْف (زیارت کن و باز گرد).



## نکات بسیار مهم

﴿ زنهر که نادانی و بی مبالاتی و ترک ادب دیگران؛ شخص زائر را از وظیفه اش باز دارد، پس در هر حال و با هر وضعیتی؛ باید که در رعایت آداب و شرایط آن حضر انور کوشیده و به اغیار از حضرت محبوب باز نماند. ﴾

﴿ نظر به اینکه دشمنان محمد و آل محمد ﷺ در بعض بلاد فراوانند، لذا هنگام زیارت مشاهد مشرفه واقع در سلطه نواصب، مراتب کامل تقیه و کتمان سرّ از بیگانگان را رعایت نموده، و بنحوی زیارت کند که آنها مطلع نگشته، و از هر گونه اظهار توجه و حرکت و اشاره و صدایی (که موجب جلب نظر منافقین گردد) بپرهیزد، و بهانه ای هم بدانها (برای آزار و تعدی به خود و سایر مؤمنین) نداده؛ و موجب منع آنها و محرومیت خود و دیگران از انجام زیارت نشده باشد. ﴾

**تذکر:** احکامی از این باب در فصلی جداگانه (احکام دینداری پوشیده = تقیه) در بخش‌های بعدی این کتاب آمده است، به آن مراجعه شود.



## نحوه عرضه نیاز و نذر و قربانی به پیشگاه مولا علیہ السلام

↳ در صورت نیت بر اتفاق یا صرف نذورات مالی، بهتر است که آنرا بر تشریف و زیارت مقدم بدارد، و توجه داشته باشد که: یا شخصا خود مباشرت نموده یا بوسیله همراهان یا آشنایان اقدام نماید، و به هیچ وجه به دیگری (که مراعات انجام طبق نظر او را نمی نماید) و اگذار ننماید، و ازین قبیل است امر قربانی که (در صورت تمکن مالی) پس از زیارت پسندیده است، و مستحب است که صاحب قربانی از گوشت قربانی خود مصرف نموده و به دیگران نیز بخوراند.

↳ نظر به اینکه مشاهد مشرفه برای اداره امور معموله خود؛ بحمد الله مستغنى هستند، لذا زائرین محترم نذورات و اتفاقات مالی خود را در جهت: معظّر نگهداشتن حرم مطهر و اماکن متصله، و حفظ نظافت و نزاهت شدید آن، یا ارتقای سطح فرهنگ دینی و آگاهی معنوی عموم زائران، یا پذیرایی و رفع نیازهای ضروریه ایشان از اطعام و اسکان و درمان و.. (بویژه نیازمندان و واردین از راههای بسیار دو)، و نیز بالا بردن سطح درک مردم و توسعه معرفت ایشان نسبت به صاحب تجلی در آن مشهد انور و آنچه بایسته ایشان است از آداب هنگام تشریف به حضرت مقدسه؛ صرف نمایند.

**سؤال:** النذورات المخصصة للسيدة زينب أو العباس أو أحد الأئمة علیهم السلام  
والمقيدة بوضعها في القفص أو المطلقة؛ كيف تصرف؟ ولمن تعطى؟

**جواب:** لا يلزم الوضع في القفص، بل يلزم الإجتناب منه غالباً، وخاصة في زماننا؛  
لعدم صرفها في مواضعها غالباً، وأما مصرفها هو: الانفاق في سبيلهم علیهم السلام؛ من  
صرفه على نشر فضائلهم ومقاماتهم لا زدياد معرفة المؤمنين، أو على زوارهم

الفقراء بتسهيل ظروف الإقامة لهم في أمر الزيارة؛ أو على حرمهم؛ في تزويد  
بقاعهم لمصالح الزيارة والزائرين، أو نحو ذلك. [شماره ثبت: (٤٥٠) منبع: المسائل الفروعية]

**سؤال:** آیا به صرف گفتن اینکه: من فلان کار یا چیز را نذر کردم نذر تحقق  
گرفته و ترک آن موجب کفاره است یا صیغه و نحوه خاصی دارد؟

**جواب:** در لزوم نذر؛ عزم قلبي و اقرار زبانی (به این مضمون: لله عَلَيْ... شرط  
می باشد؛ و البته معادل آن در زبانهای دیگر هم همین حکم را دارد، مانند  
اینکه بگوید: این حق برای خداست؛ بر عهده من که ...، و این تصریح به  
مضمون (الله = این حق برای خداست) در لفظ نذراست که موجب الزام و  
ترتیب احکام شرعیه می شود؛ والا اگر نذر خالی از این ارتباط الهی باشد؛ الزام و  
تبعات شرعی نداشته و صرفا تعهد و التزامی شخصی اخلاقی است. [شماره ثبت:  
(٧١٥) منبع: المسائل الاصفهانية]

**سؤال:** نذری که اداء نشده چه حکمی دارد؟ البته نذر ش نذر واجب نبود، و  
نذر از طرف یکی از اهل البيت علیهم السلام برای سلامتی حضرت مولا صاحب  
الأمر علیهم السلام بود.

**جواب:** نذر مستحب نداریم، نذر اگر به صورت صحیح واقع شد؛ انجام مورد  
نذر واجب می شود، و اگر هم صحیح واقع نشده؛ اصلاً نذر نبوده و ارزشی  
نداشته و الزام آور نیز نمی باشد، و شخص در صورتی می تواند از طرف کسی  
نذر کند و از طرف او ادا نماید که: از طرف او اختیار این کار را داشته باشد، و  
الاً صحیح نیست، و اگر نذر صحیح واقع شد؛ باید به عنوان انجام وظیفه  
خدوش آن را عملی کند. البته ثواب حاصله از عمل به نذر را ی توان هدیه  
اروحان پاک اهل بیت علیهم السلام نمود. [شماره ثبت: (١٢٤٢) منبع: المسائل الهندیه]

**سؤال:** وقتی که دلیلی برای نذر گفتن نداریم، یعنی حاجت خاصی نداریم که برای رسیدن آن بخواهیم نذر کنیم، در این صورت چه کاری می‌توانیم بکنیم که هدیه ما ارزش توسل داشته باشد؟ آیا نذر به این صورت می‌توانیم بگوییم، مثلاً: اگر خدا، دین و پیروان حق و فرزندم را در معرفت و نور حقیقت حفاظت کند، سفره ای هدیه به حضرت نرجس یا کسی دیگر از حضرات علیهم السلام می‌اندازم؟ اگر نیت ما کلی است و دنبال حاجت خاصی نیستیم این کار به عنوان نذر می‌توانیم کنیم؟ بهترین روش را چه صورتی می‌تواند داشته باشد؟ آیا نذر به کارهای مادی محدود است؟ بعضی اوقات خوارکی یا کتاب دینی یا پرینت مطالب دینی را به اهل ایمان هدیه می‌دهم، نیت این هدیه چه می‌تواند باشد؟

باشد؟

**جواب:**

۱- نذر یک نوع الزام نمودن خود بر یک کاری است که در نزد خدای تعالی پسندیده بوده و بشود آنرا به حضرتش پیشکش و هدیه نمود.

۲- اعمال مورد نذر؛ محدود به صورت مادی مانند اطعام نبوده، و صورتهای دیگری نیز دارد مانند: کارهای عبادی همچون نماز روزه و زیارت و تلاوت، و یا کارهای فرهنگی مانند آموزش قرآن یا معارف دینی و هدیه یا نشر کتابها و کلام خازنان و حی علیهم السلام و نیز هر چه در مسیر تحقق این اعمال خیر باشد.

۳- نذر کردن به چند صورت ممکن است:

**الف:** از روی شکر بعد از یک موفقیت دینی یا دنیوی، و یا تنبیه خود بخاطر غفلتی؛ طاعقی را بر خود لازم می‌کند، بدون اینکه مشروط به حصول خواسته ای یا منتظر وقوع مطلبی باشد.

**ب:** در وقی که حاجتی شرعی داشته یا از امری نگران است؛ نذر می کند که اگر به خواسته اش رسید یا آن نگرانیش بطرف شد؛ کار خوبی را انجام دهد، که در این صورت نذرش مشروط به مطلبش بوده و تا برآورده نشود موضوع نذر براو واجب نمی شود.

**ج:** گاهی خواسته ای دارد، ولی بدون اینکه برآورده شدنش را شرط انجام موضوع نذر کند؛ از همان ابتدا به امید برآورده شدن حاجتش نذر انجام عمل خیری را می نماید، که در این صورت فوراً به نذرش عمل می کند، و منتظر برآمدن حاجت نمی شود، بلکه از پرتو انجام موضوع نذر امید رحمت و عنایت حق را داشته و با انجام آن سعی در بدست آوردن حاجتش می کند.

**۴**- داشتن حاجت برای بندۀ حق عیب نبوده بلکه از ویژگی بندگی نیازمندی بوده و عرض حاجت نمودن نوعی اظهار بندگی در درگاه حق تعالی است، البته بندۀ با معرفت مهمترین خواسته هایش امور مادی نبوده؛ و معنوی است، بلکه خواسته های مادیش نیز مقدمه رسیدن به معنویت بوده؛ و اگر خواسته مادی هم دارد؛ برای توفیق به یک امر معنوی است.

**۵**- هر چند بندۀ خدا هیچگاه خالی از نیازمندی نمی باشد، ولی در صورتی که حاجتی مدد نظرش نبوده و بخواهد نذري نماید؛ لازم نیست که به صورت شرط نذر کند، بلکه همانطور که فوقاً اشاره شد، نذر می نماید و شروع به انجام نذر کرده در ضمن اینکه خواسته هایی را نیز از خدا می طلبند.

**۶**- در صورت انجام نذر به صورت مشروط کردن به حاجتی؛ صرفنظر از اینکه آن خواسته اش مشروع و به مصلحت باشد؛ همچنین آن خواسته واضح و

مشخص باشد، بطوریکه قبل از انجام نذر هنوز محقق نشده، و در صورت اجابت حق؛ تحقق آن هم معلوم باشد. بنابر این نذر کردن اینکه اگر خداوند دینش را حفظ می کند؛ من فلان عمل را انجام می دهم، این گونه نذر معنی نداشته، چه اینکه خداوند تا کنون دینش را حفظ کرده و پس از این نیز حفظ می نماید، چه او نذر بکند چه نکند، ولی این طور می تواند نذر کند که اگر خداوند فلان دشمن یا فلان مانع دین را اگر از میان برداشت؛ فلان عمل خیر را انجام می دهم. و همچنانی نذر کردن به این صورت که اگر خدا پیروان حق را حفظ نمود.. این نذر هم واضح نیست چون خداوند بالآخره پیروان حق را حفظ نموده و می نماید، ولی می تواند در این نذر فرد یا جمعی را معین نماید و دفع خطر و حفاظت با نور و رفعت و عزت را برای آنها از خداوند درخواست کند، البته همانطور که قبل اشاره شده بدون شرط نیز می تواند نذر کند، که این کار را انجام می دهم برای رسیدن به این خواسته هایم.

۷- احسان به اهل ایمان بخاطر خدا؛ چه اطعام غذای مادی یا غذای معنوی باشد، و یا هر گونه خیر رسانیدن به آنها، از طاعتهای الهی است، و می تواند به صرف اجابت امر الهی بوده، در ضمن اینکه برآورده شدن حوابیجی را از درگاه حق نیز بخواهد، همچنانکه می تواند این عمل را به نیابت کسی انجام داده یا ثواب آنرا محضر اولیای حق علیهم السلام یا ارواح مؤمنین بنماید.

خداوند دل شما را پر نور نموده و حوابیج شما را به زودی درآسانی و راحتی و در کمال امنیت و عزت عطا بفرماید. آمین رب العالمین. شماره ثبت: (۱۲۸۲) منبع:

المسائل الهمدانیة]



# احکام نیابت در زیارت و اعمال عبادی

**سؤال:** آیا می توانیم زیارت یا عبادت دیگری را برای کسی که زنده است انجام دهیم؟ یا اینکه فقط برای کسی که مرده است می توان نیابت کرد؟

**جواب:** نیابت در اعمال مستحبی از شخص زنده مانع ندارد، ولی نیابت از میت در همه اعمال خیر از واجب و مستحب صحیح است. [شماره ثبت: (۴۹۰) منبع: المسائل الرومية]

**سؤال:** وقتی که زیارت به نیابت یکی از ائمه علیهم السلام بجا می آوریم؛ آیا در همین وقت می توانیم به نیابت روح یک مؤمن هم انجام دهیم یا نه؟

**جواب:** در فرض مذکور به چند جوړی شود عمل کرد: ۱- زیارت را به نیابت آنحضرت بجای آورده، و ثواب این نیابت را به روح آن مؤمن هدیه نمود. ۲- زیارت را به نیابت آنحضرت بجای آورده و آن نیابت از آنحضرت را به نیابت از آن مؤمن بجای آورد. ۳- زیارت را به نیابت آنحضرت و آن مؤمن جمعاً بجای آورد. [شماره ثبت: (۴۹۱) منبع: المسائل الرومية]

**سؤال:** آیا در زیارت فقط برای یک شخص ممکن است نیابت نمود یا نه؟ برای قرائت قرآن یا خواندن دعا یا هر کار خیر دیگر چطور؟

**جواب:** نیابت در زیارت یا سایر اعمال عبادی و خیری محدودیتی نداشته، و می توان عده بسیاری را در یک عمل خیر؛ بطور دسته جمعی و یکجا یا جدا جدا نیابت نمود. [شماره ثبت: (۴۹۲) منبع: المسائل الرومية]

**سؤال:** وقتی زیارت می کنیم چطور سلام دیگران را برسانیم؟ در کتاب مفاتیح الجنان در باره این مسئله یک جمله ای نقل شده است که: مستحب است خوانده شود و آن از حضرت امام موسی علیہ السلام، منقول است: "السلام عليك يا نبی

الله؛ من ابی و امی و زوجتی و ولدی و حامقی و من جمیع اهل بلدی ... "بکار بردن این فقره چطور است؟

**جواب:** کمترین مقدار؛ همانچه در محاورات عرفی برای رساندن سلام کسی به کسی استفاده می شود؛ کافی است، و نظری آنچه نقل شده یا مضمون آن نیز خوب است، ولی اگر در میان آن عنوانین؛ بعض از آشنایان او مؤمن نباشند؛ در آخر این فقره قید کند: (من المؤمنين والمؤمنات) آنها یکی که مؤمن هستند. [شماره ثبت: (۴۹۲) منبع: المسائل الرومية]

**سؤال:** آیا کسی که پدر و مادرش مسلمان نیستند، می تواند؛ در زیارت سلام از طرف پدر و مادرش برساند یا نه؟

**جواب:** اگر آنها حضرات مقدسه را دوست دارند، و خودشان طالب رسانند سلامشان هستند، سلام رساندن از سوی ایشان مانع ندارد، ولی اگر نه می شناسند و نه اعتقاد و نه احترام و نه ارادتی دارند؛ در اینصورت سلام رساندن از سوی آنها معنی ندارد. [شماره ثبت: (۴۹۴) منبع: المسائل الرومية]

**سؤال:** در زیارت سلام دادن از طرف همه کسانی که از شیعه می شناسیم، مخصوصاً دوستانمان چه صورتی دارد؟

**جواب:** نه تنها اشکالی ندارد بلکه بسیار هم خوب است. [شماره ثبت: (۴۹۵) منبع: المسائل الرومية]

**سؤال:** در زیارت گفتن سلام با زبان غیر عربی، آیا اشکالی دارد یا نه؟

**جواب:** اشکالی ندارد. [شماره ثبت: (۴۹۶) منبع: المسائل الرومية]

**سؤال:** در زیارت برای رساندن سلام دیگران به چه نحوه ای بهتر است؟ اگر در این مسئله نصیحتی دارید بفرمایید؟

**جواب:** مهم اینست که سلام ملتمسین را با ادب و توجه و اخلاص به محضر قدسی شان عرض نماید. [شماره ثبت: (۴۹۷) منبع: المسائل الرومية]

**سؤال:** آیا نافله نماز صبح یا نماز دیگر به نیت یک معصوم علیهم السلام یا یکی از اصحابشان می توانیم بخوانیم؟

**جواب:** نوبت نیابت پس از انعام وظیفه شخصی است؛ لذا ابتداءً از طرف خودش نماز (چه فریضه چه نافله) را بگزارد، ولی می تواند ثوابش را هدیه به حضرات علیهم السلام نماید، اما بعد از انعام آن نافله و فریضه از طرف خودش؛ تکرار آن به نیابت دیگری مانع ندارد. شماره ثبت: (۱۲۷۹) منبع: المسائل الهمدانیة

**سؤال:** آیا انسان می تواند همه کارها را به نیت حضرات معصومین علیهم السلام انعام دهد؟

**جواب:** انعام کلیه اعمال صالحه با قصد تقرب، به نیابت حضرات علیهم السلام، و یا بذل ثواب آن به حضور شریفستان، از توفیقات بزرگ الهیه است. [شماره ثبت: (۸۴۸) منبع: المسائل القمية]

**سؤال:** آیا اعمال را به نیت تقرب به اهلیت علیهم السلام انعام دهم یا به قصد هدیه انعام شود؟

**جواب:** اعمال قربة الى الله تعالى انعام می شود، و تقرب به اهل بیت علیهم السلام نوعی تقرب به خداست، و این دو تقرب از هم جدایی ندارند، و اهل بیت علیهم السلام به جهات مختلفه در این موضوع مطرح هستند:  
اول: به عنوان "راهنمای ما" که چراغ هدایت مسیر ما برای شناختن وظایف و اعمال و برنامه ها هستند.

دوم: به عنوان "صاحب حق بر ما" مطرح هستند؛ و از جمله ادای حقوق؛ اهداء ثواب اعمال یا نیابت بجای آنهاست.

سوم: به عنوان "واسطه توسل به خداوند و شفیع ما برای پذیرش اعمال ما" هستند، ولذا دعا هایی هم در ابتدای نماز برای این جهت وارد است، ولی هر

کسی بر حسب معرفتش به اهل بیت توجه دارد، و در این سه جهت عموم  
موالیان و پیروان اهل بیت علیهم السلام مشترکند.

اما اهل معرفت و خواص از ایشان؛ بالاتر از این جهات نیز در طاعاتشان بهره  
می برند، و آن به برکت معرفت "حق معرفت" است، که با شناختن مرتبه وجه  
اللهی حضرات معصومین علیهم السلام و خصوصا امام هر عصر برای اهل آن زمان؛ می  
باشد، که حضرتش و جهه و مقصد اوست در همه امور، نه اینکه حضرات را  
نیت کند، چه اینکه نیت قربة الى الله است، ولی به سبب معرفت می داند که  
خود بخود آنها مسیر توجه به حق و قبله دل هستند، همچنان که در وقت نماز؛  
برای اینکه رو به سوی خداوند بایستیم؛ ما به طرف قبله (کعبه) نماز می  
خوانیم؛ که ظاهرا نقطه ای جغرافیایی در ناحیه حجاز و شهر مکه است، با  
اینکه خداوند فراسوی مکان و جهت است، اما قبله کعبه؛ نشانه صحت توجه  
و سمت یابی انسان محدود در جهات مادی است، حضرت صاحب الامر (منه  
السلام) هم کعبه باطن هستند، و خود بخود؛ مقصد جمیع توجه هایی که به خداوند  
می شود در عالم؛ هستند، ولو کسی حق حضرتش را نشناسد و یا منکر باشد،  
اما شخص عارف به این حقیقت؛ از این معرفت بهره مند می شود، و غیر او  
محروم، مثل آن که کعبه ظاهري را می شناسد؛ بهره ای می برد از سمت کعبه  
شدن؛ که دیگری که احیانا به آن سمت ایستاده؛ ولی محروم است؛ آن بهره را  
نمی برد، چون این معرفت را ندارد.

در کتاب "توجه به حق تعالی از راه ناحیه مقدسه" و آل یاسین کامله، و کتاب  
توجه از کتاب مناسک دیدار حق؛ و نیز سایر اجوبه مندرجہ در کتاب پاسخ  
برگزیده، شمه ای در این باب توضیح شده است. والحمد لله رب العالمین. [شماره  
ثیت: (۱۴۵۲) منبع: المسائل الانترنیتی]

## احکام مربوط به تشریف و زیارت حضرت مصصوم علیه السلام

**سؤال:** رفقن شخص جنب به حرم ائمه اطهار چه حکمی دارد؟ آیا حرم آنها حکم مسجد را دارد یا خیر؟

**جواب:** جایز نیست، و حرم‌های ایشان؛ اشرف از مسجد بلکه حقیقت مسجد است. [شماره ثبت: (۱۵۱) منبع: المسائل الخراسانية]

**سؤال:** اگر شخصی مثلًا برای زیارت یا به هر عنوان دیگری غسل کرد و بعد پیش آمد انجام عملی که برای بجا آوردن آن غسل وارد شده است، آیا باید دوباره غسل کند یا غسلی که داشته کفايت می کند؟

**جواب:** اگر آنچه برای او پیش آمده و برای آن غسل احتیاج دارد، حدث اکبر یا اصغر و از نواقض غسل یا وضونباشد، و فقط مقتضای غسل باشد، غسل قبلی کفايت می کند. [شماره ثبت: (۸۶۴) منبع: المسائل القمية]

**سؤال:** الف: ادعیه اذن دخول هنگامی که وارد شهرهایی که مشاهد شریفه در آنها است، و همچنین ادعیه ای که برای اذن دخول بر خود حضرات معصومین علیهم السلام وارد شده و در دسترس عموم نمی باشد. ب: نحوه وارد شدن و کیفیت ورود که از کدام قسمت بر حضرات وارد شویم را بیان بفرمائید.

**جواب:** بهتر است که از پایین پای مبارک حضرات مقدسه علیهم السلام در صورت امکان، به زیارت مشرف شوند و عمدۀ در اذن دخول تحقق واقعی استیزان و بالنتیجه اذن یافتن می باشد، لذا افراد زائر در گاههای مختلفه عتبات مقدسه توّقّنی ولو اجمالاً نموده؛ توجه به مقام مولای مورد زیارت و رفعت و جلالت او،

و تذکری به ذلت خود و نقص آن، و اظهار شکر و حمد و ثنای الهی بر چنین توفیقی بنمایند، و کم کم تهیّؤ و آمادگی حضور مقدس مقام ولایت را پیدا نمایند، و تا اذن نیافته داخل نشوند، و پس از اذن؛ داخل و به قدر آن باقی بمانند، و آنچه از آداب و اذکار در کتب (حدیث و ادعیه و زیارات در باب زیارت مشاهد مشرفه) برای هر یک از معصومین علیهم السلام نقل شده است را، می‌توان در سایر مشاهد؛ با ملاحظه مقام حاضر استفاده نمود. [شماره ثبت: (۱۲۸) منبع: المسائل القيمية]

**سؤال:** چرا خانم‌ها موقع نماز باید حجاب داشته باشند؟

**جواب:**

۱- این سؤال ناشی از عدم اطلاع از حکمت حجاب، و تفاوت نماز و زیارت با سایر اعمال عبادی است.

۲- مقالات و تبلیغات توسط مراکز غیر مطلع از تعالیم مکتب وحی؛ و برخوردهای کیلوبی تبعی آن با امر حجاب؛ سبب دورشدن بیشتر اذهان جامعه از این حکمت الهی، بلکه گریزان شدن افراد در التزام به حجاب است.

۳- حجاب یک تکریم و احترام خاص برای زن مؤمن است، نه یک روپوش برای جنس مؤنث، ولذا در اسلام؛ زنان غیر مسلمان در جامعه اسلامی حق ندارند حجاب کامل داشته باشند، بلکه صورت و سرشان باید باز باشد و نپوشانند، چه اینکه حجاب یک احترام مخصوص زنان مؤمنه است، و اگر کسی تاریخ اسلام را مطالعه کند؛ می‌بیند که حکومتها هم اگر زنی مسلمان رویش را باز می‌گذاشته؛ مانعش نمی‌شدند، چون در حقیقت او خودش را از مرتبه تکریم ویژه تنزل داده است، اما اگر زن نامسلمانی سر یا رویش را می‌پوشاند،

با او برخورد می کردند؛ که قانون را رعایت نکرده است، (مطالعه این موارد تفاوت رویکردها و آگاهی و عدم آگاهی افراد را آشکار می سازد).

۴- موضوع نگاه نکردن و چشم خیره نشدن به زن مؤمنة ناحرم؛ نیز از باب همین احترام و تکریم است، ولذاست که نگاه به زن غیر مسلمان مباح بوده و منعی ندارد، مگر اینکه نگاه از روی شهوت باشد، که آنوقت این رفتار شهوت انگیز منوع است. نه بخاطر زن بودن و نگاه کردن به وی.

۵- داشتن همین نکات که به اشاره بیان شد، در میان زنان مؤمنة؛ می تواند سبب درک اهمیت و ارزش حجاب شده، و با آگاهیش؛ از التزام به آن سختی و یا محدودیتی احساس نمی کنند، مانند همه التزاماتی که برای خوب بودن جلوه یا موقعیتیان متحمل می شوند، که نه تنها برایشان سخت نبوده؛ بلکه به انجام و فراهم کردن آن شائق هستند.

۶- نماز که مؤمنین و مؤمنات می خوانند تحفه الهی سفر معراج نبوی ﷺ برای اهل ایمان است، که خداوند اجازه فرموده با بجای آوردن و اجرای صورت گزارش دیدار پیامبر ﷺ با حق تعالی در معراج، به نورانیتی نائل بشوند، که بتوانند خود در این دنیا یا بعد از آن به حضور حق نائل بشوند.

۷- از این رو آداب نماز با آداب دیدار بزرگان از پوشیدن لباس فاخر و زینت و عطر و... همسو بوده، و همین موارد در نماز هم توصیه شده است، همانطور که یک زن متشخص وقتی به میهمانی مجللی راه یابد از بهترین و برترین پوشش خود استفاده می کند.

۸- بجز قبایل وحشی اعماق جنگلها که دور از امکانات و تمدنها بوده اند، در

همه جوامع و ملل دنیا حتی غربیها؛ تا قبل از دو قرن اخیر و حکومت مطلقه مسلک الحاد و لائیک و سلطه شیطان بر ایشان (که اصرار بر بر亨گی زنان دارد)؛ همه زنان جهان (از هر ملت و آئین) دارای حجاب و پوشش بوده اند، و آثار بیشمار مصور و مکتوب موجود (در طول هزاران سال) گواه آشکاری براین امر است، پس به مقتضای طبیعت (غیر منحرف) زنانه؛ پوشش داشتن (سر و بدن) زنان امری شایسته و لازمه زن بودن آنها؛ و برای تکریم ایشان بر اساس فطرت بوده است، هر چند فواید ضمیمی مثل عدم ایجاد پیامدهای بر亨گی و دفع مفاسد را نیز دارد. ولی اصل حکمت آن تکریم است.

-۹- برای همین در نماز (که ملاقات خداست) و زیارت (که دیدار با امام مورد زیارت است)؛ پوشیدن بهترین لباسها و داشتن زینت جزو آداب آنست، و از جمله آنهاست حجاب بانوان، برخلاف مناجات شخصی و ذکر و دعاء که صرفاً ارتباطی شخصی و خصوصی بین بندۀ و خالقش بوده؛ و ویژگی نماز و زیارت را ندارد، از این رو داشتن حجاب شرط نشده؛ مگر اینکه در معرض نامحرم باشد.

-۱۰- با همه اینها؛ اگر چه حجاب در نماز برای زنان لازم است، ولی پوشاندن صورت برای زنان مؤمنة جایزن نیست، مثل نقاب یا مقنعه، چون باید ضمن رعایت آداب دیدار حق؛ شرط ادب بندگی زن نیز در برابر پروردگارش رعایت شود، ولذا حجاب زن مؤمنة؛ در نماز و زیارت و احرام عمره و حج، ضمن پوشش کامل بدن، نپوشاندن صورت است، مانند حجاب کنیزان که رویشان را نمی پوشانند، و اگر در موقعیتی است که در معرض نامحرم است؛ و نمی تواند جای مناسب و محفوظ داشته باشد؛ و ناچار است از اینکه در آن محیط باشد؛ در این صورت؛ با پایین انداختن گوشه چادر؛ ضمن از دید خارج کردن چشمها

ولب، و محفوظ ماندن از نظر اجنبی؛ روی خود را نیز کاملاً نپوشانده؛ تا موقعیت بندگی وی هم رعایت شده باشد. ان شاء الله موفق و محفوظ باشد.

[الحمد لله رب العالمين. [شماره ثبت: (١٤١٠) منبع: المسائل الإلكترونية]

**سؤال:** تحت قبه تا چه مقداری از حرم مطهر حضرت امام حسین علیه السلام محاسبه می شود؟

**جواب:** "تحت قبه" یعنی زیر سقف گنبدی بالای ضریح، و محیط آن در هر صورت محدود به نزدیک بودن به قبر و ضریح شریف می باشد. [شماره ثبت: (١٤٥٦) منبع: المسائل الإلكترونية]

**سؤال:** اگر انسان به زیارت حضرت مشرف شد و مشغول زیارت حضرت شد و وقت یکی از نمازها خصوصاً نماز مغرب شد وظیفه چیست؟ (الف) آیا بایستی زیارت را ادامه بدهد؟ (ب) بعد از اتمام زیارت بایستی نماز فریضه را بخواند یا نمازهای زیارت را ادامه دهد؟

**جواب:** طوری تنظیم نماید که تراحم اتفاق نیافتد، و در تراحم؛ قبل از تشرف نماز فریضه را بخواند و بعد مشرف شود داخل حرم برای زیارت، و در صورت غفلت و اتفاق تراحم در حین زیارت به خصوص نماز مغرب، به زیارت مختصر اکتفا نماید و پس از ادای فریضه (احياناً) زیارت مفصل را در صورت تمایل انجام دهد، و لَّا نماز زیارت را پس از ادای فریضه بخواند، مگر مثل ظهر که در فرصت ادای نوافل ظهر می تواند قبل از اتیان فریضه نمازهای زیارت را بخواند، وكذلك العصر والعشاء؛ ان لم يؤخرهما كثيراً من أول وقتهما. [شماره ثبت: (١٩) منبع: المسائل القيمية]

**سؤال:** اگر انسان موقعي به حرم مطهر حضرت امام معصوم علیه السلام رسید که چیزی به پایان وقت نماز شب نیست و نزدیک اذان صبح هم می باشد: (الف)

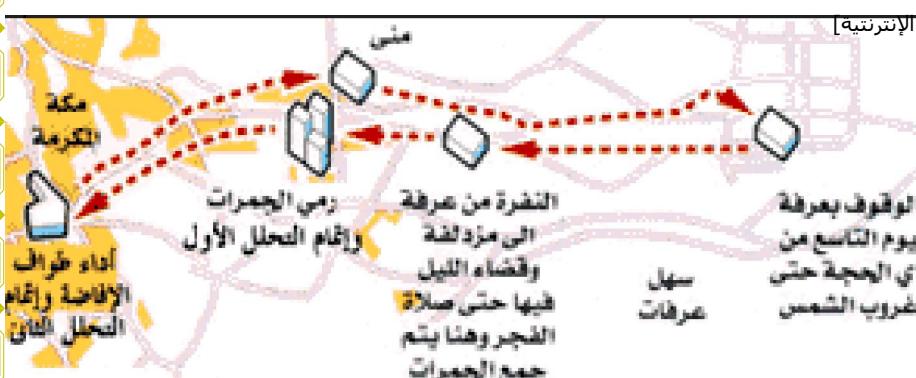
چگونه عمل نماید که هم ادب محضر حضرت را (با انجام زیارت) رعایت کرده باشد، و هم نماز شب قضاء نشود؟ ب) اگر نماز شب را بخواهد پشت سر حضرت بخواند چگونه عمل نماید؟

**جواب:** قبل از تشرف به داخل حرم؛ در رواق ابتداء نماز شب را بجای آورد.  
[شماره ثبت: (۲۱) منبع: المسائل القمية]

**سؤال:** نمازهای یومیه را به جماعت بیرون از حرم (در مشاهد مشرفه)، داخل صحن با جماعت دوستان؛ اقامه نماییم بهتر است؟ و یا اینکه به صورت انفرادی داخل حرم؛ هر کسی برای خودش به جای آورد؟

**جواب:** اگر نماز جماعت در آن وقت در محل بربرا باشد، بریا کردن جماعت جدای دیگر؛ معنی ندارد، مگر امکنه ای که دارای مواضع متعدد با جماعت متعدد است، و در یکی از مواضع آن جماعتي بربرا نیست؛ آنوقت جمعي جماعت آنجا را بربرا کنند. البته شخص داخل حرم که از اعمالش هنوز فارغ نشده؛ لازم نیست میان اعمالش؛ مکانش در حرم را رها کند؛ و برای شرکت در جماعت؛ بیرون حرم برود، و می تواند در همان محل از حرم که هست؛ نماز فریضه اش را اول وقت بجای بیاورد، حال یا به اقتدای به شخص صالح برای اقامه جماعت؛ اگر کنار او اتفاقاً هست، یا به صورت فرادی بخواند. [شماره ثبت: (۱۴۶۰) منبع: المسائل

الإنتربنية]



# احکام طهارت بانوان در زیارت

﴿ در روزهایی که بعضی از بانوان بخاطر طهارت معذور هستند؛ نباید در روضه منوره حضرات معمصومین ﷺ وارد شوند، و برای زیارت در این ایام؛ پس از تنظیف و تطهیر با رعایت سایر آداب تا درگاه مقدسه مشرف شده؛ ولی وارد نمی‌گردد، و می‌توانند در رواقهای مبارکه؛ برنامه زیارت را بدون انجام نماز بجای آورند. ﴾

﴿ اما پس از انقضای ایام عذر و تحصیل طهارت و غسل؛ مانع برای ورود به حضور انور نداشته؛ و مانند سایرین عمل می‌نمایند. ﴾

﴿ در صورتی که شخص معذور تمام ایام اقامت خود (در شهری که حرم مقدس در آنست) را در عذر گذرانده و به ورود حرم نایل نشده، مولا ﷺ به وی رخصت فرموده است که: در آخرین روز و یا آخرین ساعات اوقات اقامتش؛ پس از تنظیف و تطهیر و انجام غسل و تحصیل طهارت موقت؛ به بارگاه اقدس مشرف و بدان وارد شود، و تنها به قدر بقای طهارت می‌تواند در حضور شریف درنگ نماید، و بیش از آن تأمل ننموده و بقیه اعمال را در اماکن متصله بجای آورد، و در این صورت نیز از انجام نماز معذور است. ﴾

﴿ و طبق معمول بانوان متعبدہ در ایام عادت بجای نماز و به اندازه آن؛ ذکر شریف: {سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرْ} را تکرار می‌نمایند، و از برکات و پاداش نماز بهره مند می‌شوند. ﴾

**سؤال:** آیا خانمهایی که حائض و یا مستحاضه هستند می‌توانند در محدوده اطراف مسجد النبی ﷺ وارد شوند؟

**جواب:** شخص مستحاصه در صورت رعایت تکلیف مربوطه؛ حضورش در مسجد النبي ﷺ و روضه مبارکه و حرم نبوي و فاطمي ؑ اشكالي ندارد، و شخص حايض در روضه مباركه و نيز مسجد النبي ﷺ حتى قسمتهايي که جديدا ساخته شده وارد نشود، ولی تردد يا توقف او در بقيه فضاهاي مهمياده اطراف مسجد جديد و قدیم اشكالي ندارد. [شماره ثبت: (٦١٧) منبع: المسائل الإصفهانية]

**سؤال:** آيا زن در آيام عادت می تواند به زيارت حرم معصومین ؑ مشرف شود و در صورت جواز تا چه محدوده اي می تواند داخل شود؟

**جواب:** روضه منوره و اماكن متصل به فضاي اطراف ضريح بطوری که ضريح مطهر بدون مانع زيارت می شود از اماكن محذوره است، و ورود و يا مكث او در آنجا جايزن است. [شماره ثبت: (٨٩١) منبع: المسائل القمية]

**سؤال:** در آيام عادت، زيارت رفقن بهتر است (بنحو حضور در قسمتهاي مجاز حرم مطهر) يا نرفتن؟ تلاوت قرآن و يا رجوع به کتب أحاديث چطور؟

**جواب:**

۱- با انجام تنظيف و تطهير و اعتصام از سرايت نجاست، پس از تحصيل طهارت وضو، انجام زيارت در اماكن مجاز (به قدر انجام زيارت لازم)؛ خوب است و بيش از آنرا اجتناب نماید.

۲- با رعایت جهات سابق الذکر، و عدم مسّ مصحف و نوشته آن مگر با استفاده از پوششی؛ تلاوت قرآن بجز آيات سجده واجبه جايزن است، و اكتفاء نمودن به استماع تلاوت يا تلاوت آيات معنوده، يا تلاوت غير ملفوظه؛ يك نوع تأدّب و احترام نسبت به قرآن کريم است.

۳- مراجعه به کتب حدیث و آنچه مشتمل بر آیات و اسماء مبارکه است؛ در صورت عدم هتك و رعایت طهارت آنها با اجتناب از مسّ آیات و اسماء مقدسه مانع ندارد. [شماره ثبت: (۱۰۶۲) منبع: المسائل الخراسانية]

**سؤال:** در ایام استحاضه چه کارهایی را نمی توان انجام داد؟ (مانند نماز، خواندن قرآن، تشرّف به حرم).

**جواب:** پس از انقضای ایام عادت، مستحاضه با رعایت تکلیف خود از نظر تطهیر و غسل ووضو، حکم شخص پاک را در موارد فوق دارد. [شماره ثبت: (۸۲۴) منبع: المسائل الهممیة]

**سؤال:** چنانچه خانمی اطمینان حاصل کرده باشد که بس از مصرف قرص؛ عادت ماهانه نمی شود (طبق تجربه)؛ ولی در سفر زیارتی (زيارة مشاهد مشرفه و مسجد النبی و مسجد الحرام) علیرغم استفاده از قرص؛ به مقدار بسیار کم (به صورت لکه) خون ببیند؛ که آن هم به صورت دائم نیست (یعنی برای جند ساعت متواال اصلاً جیزی خارج نمی شود) (الف) در این حال وظیفه جیست؟ (ب) اگر مصرف قرص را ادامه دهد؛ و دیگر جیزی عارض نشود (بعد از عارضه ذکر شده در ابتدای صورت سؤال) در این صورت وظیفه جیست؟ (ج) اگر طبق شواهد ظاهري چنین نتیجه بکيرد که دیگر چنین اتفاقی نمی افتد و وارد مسجد الحرام یا مسجد النبی ﷺ شود اما بعد متوجه شود که باز دچار عارضه مذکور شده؛ وظیفه جیست؟

**جواب:** (الف): اگر در وقت عادت اوست و اوصاف حیض را دارد؛ که در واقع خون حیض است ولی آن دارو منع کی نکرده است؛ پس حکم حیض را دارد و به وظیفه مربوطه عمل می نماید. (ب): تا اطمینان به طهارت از حیض پیدا

**نکرده به حکم حایض عمل می کند.** (ج): فورا خارج شود و بحکم حایض عمل نماید. [شماره ثبت: (۱۱۸۹) منبع: المسائل الهمدانیة]

**سؤال:** در ایام استحاضه چه کارهایی را نمی توان انجام داد؟ (مانند نماز، خواندن قرآن، تشرّف به حرم).

**جواب:** پس از انقضای ایام عادت، مستحاضه با رعایت تکلیف خود از نظر طهیر و غسل ووضو، حکم شخص پاک را در موارد فوق دارد. [شماره ثبت: (۸۲۴) منبع: المسائل القمية]

**سؤال:** سجده آخر زیارت شریفه عاشورا برای خانم‌ها در ایام عادت چه حکمی دارد؟

**جواب:** اشکالی ندارد. [شماره ثبت: (۷۰۹) منبع: المسائل الاصفهانية]

**تذکر:** بانوان در هر یک از مراحل و موضع مختلف عمره و حج؛ احکام ویژه‌ای دارند که برای اطلاع بیشتر به فصل مربوطه در هر یک از آن بخشها مراجعه نمایند.



## آداب آماده شدن برای باریابی به حضور مولا علیہ السلام

↳ هر گاه خواست که به زیارت برود غسل کند، و در وقت غسل بگوید:

\* بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ \* اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ \* وَنَجِّنِي مِنْ كُلِّ  
گَرْبٍ \* وَذَلِّلْ لِي كُلَّ صَعْبٍ \* إِنَّكَ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ الرَّبُّ \*  
رَبُّ كُلِّ يَابِسٍ وَرَطْبٍ \* اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَظَهُورًا \* وَحِرْزاً  
وَكَافِيًّا مِنْ كُلِّ آفَهٍ وَعَاهَهُ \* وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ \* اللَّهُمَّ  
طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَجَوَارِحِي وَعِظَامِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَشَعْرِي وَمُخْيِّ  
وَعَصَبِي وَمَا أَقْلَتْ الْأَرْضُ مِنِّي \* وَاشْرَحْ بِهِ صَدْرِي \* وَسَهَّلْ  
بِهِ أَمْرِي \* وَاجْعَلْ لِي شَاهِدًا يَوْمَ حَاجَتِي وَفَقْرِي وَفَاقِتِي \*

↳ و نیز بگوید در وقت غسل:

\* اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي وَطَهِّرْ لِي قَلْبِي \* وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي \* وَأَجْرِ  
عَلَى لِسَانِي مِدْحَاتَكَ وَالثَّنَاءَ عَلَيْكَ \* فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ \* وَقَدْ  
عَلِمْتُ أَنَّ قَوَامَ دِينِي التَّسْلِيمُ لِأَمْرِكَ \* وَالِإِتْبَاعُ لِسُنْنَةِ نَبِيِّكَ \*  
وَالشَّهَادَةُ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ \* اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي شِفَاءً وَنُورًا \*  
إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ \*

↳ آنگاه پاک و پاکیزه ترین لباسهایش را بپوشد، و خود را معطر کند، و بسوی  
بارگاه حرکت کند.

## آداب و اعمال تشرّف به حريم وجه الٰهی

↙ برای تشرف با پای بر亨ه و پیاده (در صورت تیس) حرکت کند با آرامش و وقار به سوی آن محضر انور؛ و گامهای کوچک بردارد، و در راه متذکر باشد به تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر الٰهی؛ و متذکر و متousel به حضرت آن معصوم ﷺ باشد، و چون به درب صحن رسد بگوید:

\* اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْحَرَمَ حَرَمُكَ \* وَ الْمَقَامَ مَقَامُكَ \* وَ أَنَا أَدْخُلُ  
إِلَيْهِ أَنَا حِلٌّ بِمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي وَ مِنْ سِرِّي وَ نَجْوَائِي \*  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَمَانِ الْمَتَانِ \* الْمُتَطَوِّلُ الَّذِي مِنْ تَظُولِهِ سَهَّلَ لِي  
زِيَارَةَ مَوْلَايَ بِإِحْسَانِهِ \* وَ لَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ زِيَارَتِهِ مَمْنُوعًا \*  
وَ لَا عَنْ وِلَايَتِهِ مَدْفُوعًا \* بَلْ تَظَوَّلَ وَ مَنَحَ \* اللَّهُمَّ كَمَا مَنَّتَ  
عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِهِ فَاجْعَلْنِي مِنْ شَيْعَتِهِ \* وَ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِ \*  
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ \*

↙ پس داخل صحن شود (و پای راست را مقدم داشته) و بگوید:  
\* الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِهِ وَ مَعْرِفَةِ رَسُولِهِ وَ مَنْ فَرَضَ  
عَلَيَّ طَاعَتَهُ \* رَحْمَةً مِنْهُ لِي \* وَ تَطُولًا مِنْهُ عَلَيَّ \* وَ مَنَّ عَلَيَّ  
بِالإِيمَانِ \* الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْخَلَنِي {در زیارت پیامبر ﷺ و دخت گرای او بگوید:  
حرَمَ رَسُولِهِ وَابْنِهِ در زیارت مولا علی علی علی بگوید: حرَمَ أَخِي رَسُولِهِ در زیارت سایر

مَعْصُومِينَ بِكَوْيِدْ: حَرَمَ ابْنَ أَخِي رَسُولِهِ { وَ أَرَانِيهِ فِي عَافِيَةٍ } \* الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي { در حضور پیامبر ﷺ و دخت گرای او بگوید: مِنْ زُوَّارِ قَبْرِ رَسُولِهِ وَابْنَتِهِ در حضور سایر مَعْصُومِينَ بِكَوْيِدْ: بگوید: مِنْ زُوَّارِ قَبْرِ وَصَّى رَسُولِهِ } \*

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ \* وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ \* جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ \* وَ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا عَبْدُ اللَّهِ وَ أَخْوَ رَسُولِ اللَّهِ \* اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ \* لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ \* وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى هِدَايَتِهِ وَ تَوْفِيقِهِ لِمَا دَعَا إِلَيْهِ مِنْ سَبِيلِهِ \* اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَفْضَلُ مَقْصُودٍ وَ أَكْرَمُ مَأْتَىً \* وَ قَدْ أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا إِلَيْكَ \* بِنَيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَ بِأَخِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا بْنَ أَبِي طَالِبٍ \* فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تُخَيِّبْ سَعْيِي \* وَ انْظُرْ إِلَيَّ نَظَرَةً رَحِيمَةً تَنْعَشِنِي بِهَا \* وَ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيَهًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ \*



## آداب و اعمال باریافتن به جلوه گاه حق تعالی

﴿ وَ چُونْ بِهِ دَرْبِ رَوَاقِ رَسِيدٍ بَايْسَدٍ وَ بَكْوِيدٍ: ﴾

\* الْسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ أَمِينِ اللَّهِ عَلَى وَحْيِهِ وَ عَزَائِيمَ أَمْرِهِ  
الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ وَ الْفَاتِحِ لِمَا اسْتُقْبِلُ وَ الْمُهَمِّمِ عَلَى ذَلِكَ كُلُّهُ  
وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ \* الْسَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ السَّكِينَةِ \* الْسَّلَامُ  
عَلَى الْمَدْفُونِ بِالْمَدِينَةِ \* الْسَّلَامُ عَلَى الْمَنْصُورِ الْمُؤَيَّدِ \* الْسَّلَامُ  
عَلَى أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ \*

﴿ پس دا خل رواق شود (و پای راست را مقدم بدارد) و بايستد بر درب حرم  
برای و برای طلب رخصت و اجازه ورود بگوید:

\* اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ بُقْعَةً ظَهَرَتْهَا \* وَ عَقْوَةً شَرَفْتَهَا \* وَ مَعَالِمُ  
رَزْكِيَّتَهَا \* حَيْثُ أَظْهَرْتَ فِيهَا أَدِلَّةَ التَّوْحِيدِ وَ أَشْبَاحَ الْعَرْشِ  
الْمَجِيدِ \* الَّذِينَ اصْطَفَيْتَهُمْ مُلُوكًا لِحِفْظِ النَّظَامِ \* وَ اخْتَرْتَهُمْ  
رُؤْسَاءً لِجَمِيعِ الْأَنَامِ \* وَ بَعَثْتَهُمْ لِقِيَامِ الْقِسْطِ فِي ابْتِداَءِ الْوُجُودِ  
إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ \* ثُمَّ مَنَّتْ عَلَيْهِمْ بِاسْتِنَابَةٍ أَنِيَائِكَ \* لِحِفْظِ  
شَرَائِيكَ وَ أَحْكَامِكَ \* فَأَكْمَلْتَ بِاسْتِخْلَافِهِمْ رِسَالَةَ الْمُنْذِرِينَ  
كَمَا أَوْجَبْتَ رِيَاسَتَهُمْ فِي فِطْرِ الْمُكْلَفِينَ \* فَسُبْحَانَكَ مِنْ إِلَهٍ  
مَا أَرَأَفْكَ \* وَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مِنْ مَلِكٍ مَا أَعْدَلَكَ \* حَيْثُ طَابَقَ

صُنِعْكَ مَا فَطَرْتَ عَلَيْهِ الْعُقُولَ \* وَوَافَقَ حُكْمُكَ مَا قَرَرْتَهُ فِي  
الْمَعْقُولِ وَالْمَنْقُولِ \* فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى تَقْدِيرِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ  
وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَى قَضَائِكَ الْمُعَلَّلِ بِأَكْمَلِ التَّعْلِيلِ \* فَسُبْحَانَ  
مَنْ لَا يُسْئِلُ عَنْ فِعْلِهِ \* وَلَا يُنَازَعُ فِي أَمْرِهِ \* وَسُبْحَانَ مَنْ  
كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ قَبْلَ ابْتِدَاءِ خَلْقِهِ \* وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
مَنْ عَلَيْنَا بِحُكْمٍ يَقُومُونَ مَقَامَهُ لَوْ كَانَ حَاضِرًا فِي الْمَكَانِ \* وَلَا  
إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الَّذِي شَرَّفَنَا بِأَوْصِيَاءِ يَحْفَظُونَ الشَّرَاعِ فِي كُلِّ الْأَزْمَانِ  
\* وَاللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي أَظْهَرَهُمْ لَنَا بِمُعْجَزَاتٍ يَعْجِزُ عَنْهَا الشَّقَالَانِ  
\* لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ \* الَّذِي أَجْرَانَا عَلَى  
عَوَادِيهِ الْجَمِيلَةِ فِي الْأُمَمِ السَّالِفِينَ \* اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَالثَّنَاءُ  
الْعَلَيِّ \* كَمَا وَجَبَ لِوَجْهِكَ الْبَقَاءُ السَّرْمَدِيُّ \* وَكَمَا جَعَلْتَ  
نَبِيَّنَا خَيْرَ النَّبِيِّينَ وَمُلُوكَنَا أَفْضَلَ الْمَخْلُوقِينَ \* وَاخْتَرْتَهُمْ عَلَى  
عِلْمٍ عَلَى الْعَالَمِينَ \* وَفَقَنَا لِلصَّرْعَى إِلَى أَبْوَابِهِمُ الْعَامِرَةِ إِلَى يَوْمِ  
الدِّينِ \* وَاجْعَلْ أَرْوَاحَنَا تَحْنُ إِلَى مَوْطِئِ أَقْدَامِهِمْ \* وَنُفُوسَنَا  
تَهْوِي النَّظَرَ إِلَى مَجَالِسِهِمْ وَعَرَصَاتِهِمْ \* حَتَّى كَانَنَا نُخَاطِبُهُمْ فِي  
حُضُورِ أَشْخَاصِهِمْ \* فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سَادَةِ غَائِبِينَ \*  
وَمِنْ سُلَالَةِ ظَاهِرِينَ \* وَمِنْ أَئِمَّةِ مَعْصُومِينَ \* اللَّهُمَّ فَأَذْنْ لَنَا

بِدُخُولِ هَذِهِ الْعَرَصَاتِ \* الَّتِي اسْتَعْبَدَتْ بِزِيَارَتِهَا أَهْلَ الْأَرْضِينَ  
 وَ السَّمَاوَاتِ \* وَ أَرْسَلْ دُمُوعَنَا بِحُشُوعِ الْمَهَابَةِ \* وَ ذَلِّلْ  
 جَوَارِحَنَا بِذَلِّ الْعُبُودِيَّةِ وَ فَرِضَ الطَّاعَةِ \* حَتَّىٰ نُقَرِّ بِمَا يَجِبُ لَهُمْ  
 مِنْ الْأَوْصَافِ \* وَ نَعْتَرِفُ بِأَنَّهُمْ شَفَاعَ الْخَلَائِقِ إِذَا نُصِبَتِ  
 الْمُوازِينُ فِي يَوْمِ الْأَغْرَافِ \* وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ  
 الَّذِينَ اصْطَفَى \* مُحَمَّدٌ وَ آلُهُ الطَّاهِرِينَ \*

﴿ وَ ازْ حَضُرَتِشُ بِرَاهِي تَشْرِفُ این چنین اجازه بگیرد: ﴾

\* اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَىٰ بَابِ مِنْ أَبْوَابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ  
 عَلَيْهِ وَآلِهِ \* وَ قَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَّا بِإِذْنِهِ \* فَقُلْتَ  
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ \*  
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَسْهَدِ الشَّرِيفِ فِي عَيْبَتِهِ  
 كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ \* وَ أَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَ خُلَفَاءَكَ<sup>عليهم السلام</sup>  
 أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ \* يَرَوْنَ مَقَامِي \* وَ يَسْمَعُونَ كَلَامِي \*  
 وَ يَرْدُونَ سَلَامِي \* وَ أَنَّكَ حَجَبْتَ عَنْ سَمْعِي گَلَامَهُمْ \*  
 وَ فَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلِذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ \* وَ إِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبَّ  
 أَوَّلًا \* وَ أَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ عليه السلام ثَانِيًّا \* وَ أَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْأَئِمَّامَ  
 الْمَفْرُوضَ عَلَيَّ ظَاعِتُهُ {نَامَ مَعْصُومٌ عليه السلام حَاضِرًا بِهِ} وَ الْمَلَائِكَةَ الْمُوَكَّلِينَ

بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثًا \* إَدْخُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ \* إَدْخُلْ يَا حُجَّةَ اللَّهِ \* إَدْخُلْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ \* فَأَذْنُ لِي يَا مَوْلَايَ فِي الدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أَذْنْتَ لِأَحَدٍ مِنْ أُولِيَّاِكَ \* فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِذَلِكَ فَأَنْتَ أَهْلُ لِذَلِكَ \*

﴿ وَ يَا أَيُّنَكَهُ بَغُوِيدَ: ﴾

\* أَشَهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ \* وَ أَشَهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ \* جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِهِ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلِينَ \* الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ \* الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ وَ خَيْرَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ \* الْسَّلَامُ عَلَى إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِ اللَّهِ {در

زيارة پیامبر و دخت گرامی او ﷺ بگوید: وَرَسُولِ اللَّهِ وَعَلَى ابْنَتِهِ در زیارت مولا علی ﷺ

بگوید: وَأَخِي رَسُولِ اللَّهِ در زیارت سایر معصومین ﷺ بگوید: وَ ابْنِ أَخِي رَسُولِ اللَّهِ } يَا مَوْلَايَ يَا إِمامَ الْمُؤْمِنِينَ \* عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ أَمِتِكَ جَاءَكَ مُسْتَجِيرًا بِذِمَّتِكَ \* قَاصِدًا إِلَى حَرَمِكَ \* مُتَوَجِّهًا إِلَى مَقَامِكَ \* مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكَ \* إَدْخُلْ يَا مَوْلَايَ \* إَدْخُلْ يَا إِمامَ الْمُؤْمِنِينَ \* إَدْخُلْ يَا حُجَّةَ اللَّهِ \* إَدْخُلْ يَا أَمِينَ اللَّهِ \* إَدْخُلْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ \* يَا مَوْلَايَ أَتَأْذُنُ لِي بِالدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أَذْنْتَ لِأَحَدٍ مِنْ

أَوْلِيَائِكَ \* فَإِنْ لَمْ أَكُنْ لَهُ أَهْلًا فَأَنْتَ أَهْلُ لِذَلِكَ \*

﴿ وَ مَبَاذا بَدْوَنْ يَافِتَنْ رَحْصَتْ؛ در روضه مبارکه وارد شود. پس اگر دلش خاشع و دیده اش گریان شد؛ بداند که آن نشانه اجازت است، سپس درگاه را بوسیده (اگر میسر شود)، و به آدابی که گذشت داخل شود، و پای راست را برپای چپ مقدم بدارد، و در هنگام ورود بگوید:

\* بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ \* وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا  
عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ \* وَ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ \* اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي  
وَ تُبْ عَلَيَّ \* إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ \*



مسجد السيدة زينب بالقاهرة

## زیارت : اظهار معرفت و عبودیت و تسليم در حضور وجه الله

❖ از آنجا که **زیارت**؛ صرف خواندن متون و انجام اعمال خاصی نبوده؛ بلکه همانا حقیقتی است که باید ظاهر شده و به وقوع پیوندد، و قبلًا گذشت که آن: تشرف با شرایط و آداب برای اظهار معرفت و عبودیت و تسليم به حضرت **معصوم علیهم السلام** می باشد.

فلذا : ۱- پس از تشرف با تحصیل شرایط و رعایت آداب،<sup>۲</sup> در آن حضور عالی؛ اقرار به عظمت و شأن مولا **علیهم السلام** نموده و اینکه: اوست همان حق ظاهر و وجه الله آتمّ، و حجاب اعظم او و اسم اکبر وی، و اوست تجلی ذات و ظهور صفات و معنی اسماء و منبع افعال الهی، و هموست آورنده و پرورنده و بربادارنده و برچیننده هستی، و اوست حقیقت قبله و باطن کعبه، و همانا اوست همان وارث اسرار و علوم و همه مراتب انبیاء و اوصیاء و اصفیای حقانی **علیهم السلام**، و...،<sup>۳</sup> ازین رو زائر همچنانکه به بندگی و تسليم خودش به آن حضرت **علیهم السلام** نیز اعتراض کرده،<sup>۴</sup> برای تقصیر در معرفت و عبودیت و پیرویش؛ پوزش بطلبد،<sup>۵</sup> و سپس پیمان خود را با آن حضرت تجدید؛ و یعنی را با محضر شریف ش استوار نماید.

این بود اشاره ای گذرا به: آنچه در مقام اظهار معرفت و عبودیت و تسليم؛ شخص زایر بایستی بدان پردازد، و با تحقق مجموع آنست که به زیارت نایل می گردد انشاء الله تعالى.

❖ در این باب مضامین متعدده ای از کلام خازنان وحی **علیهم السلام** رسیده؛ که مجموعاً دونوع می باشند:

## ۱- زیارات جامعه:

که در همه مشاهد مشرفه می توان آن حضرات مقدسه علیهم السلام را بدان زیارت نمود، و از این قسم نیز متون متعدده اي در کلام خازنان وحی علیهم السلام آمده، ازینهاست زیارت معروفه به امین الله، که ضمن اختصار متن؛ فضیلت بسیار نیز دارد. ولی رسانترین مضمون آنها و در برگیرنده ترینشان مر رازهای پنهان را؛ همان زیارت معروفه به جامعه کبیره است، و ما در این رساله نسخه کامله هر دورا می آوریم.

## ۲- زیارات خاصه:

که ویژه زیارت هر یک از حضرات معصومین علیهم السلام وارد شده است، و ازین نوع متون عدیده اي در منابع کلام خازنان وحی علیهم السلام آمده است، که نسخه کامله یا مصححه برگزیده از آنها را بعد از مبحث زیارات جامعه می آوریم.

### ذکر

❖ در صورت تیسر و توفیق، و آمادگی حال و شرایط، جمع بین زیارت جامعه کبیره کامله و زیارت امین الله و زیارت ویژه معصوم علیهم السلام مورد زیارت، زهی سعادت و شرافت است.

❖ در صورت قصد انجام زیارت به نیابت؛ هنگام شروع؛ نام شخص مورد نیابت را برد، و از جانب او نیت کرده؛ آنگاه زیارت نماید، و در مقام تجدید بیعت، و انجام نماز زیارت و سایر اعمال، و پس از آن هنگام اهدای به محضر نورانی معصوم علیهم السلام؛ نیز به همین نحو عمل کند.

## احکام زیارت انبیاء و اوصیای الهی

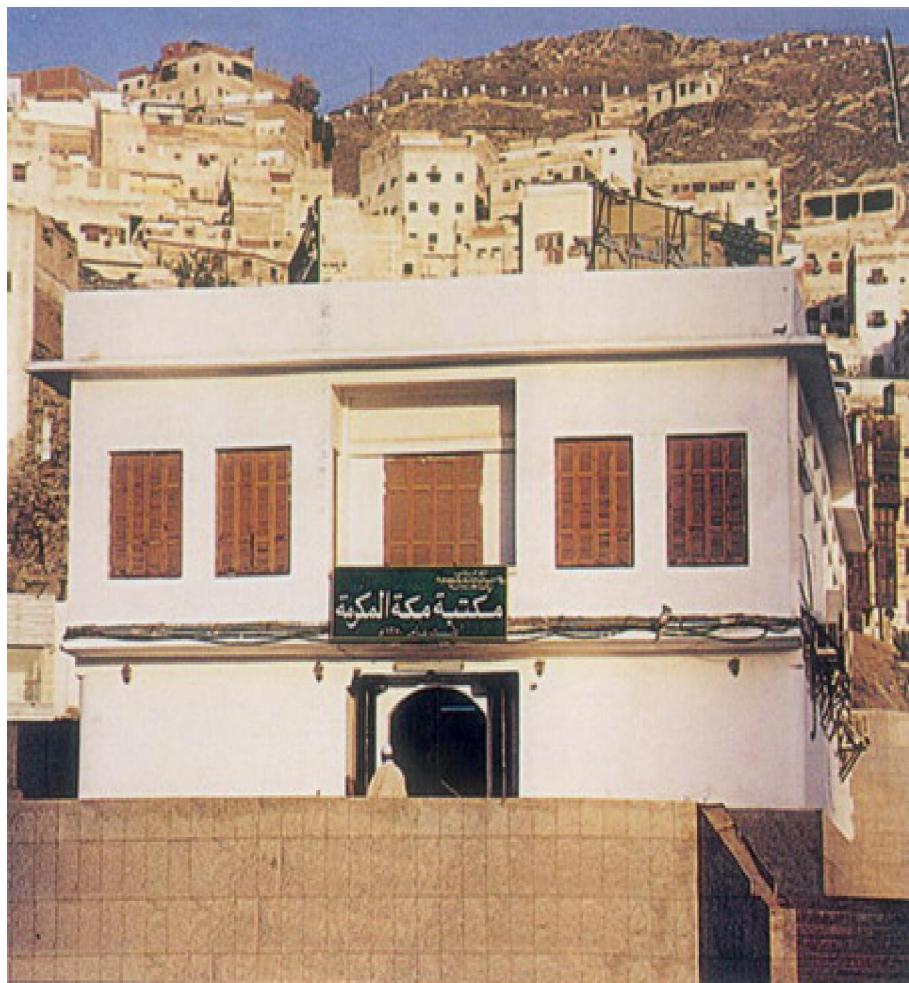
**سؤال:** با توجه به اینکه در ایام رحلت حضرت عبد الله عائیلہ و حضرت عبد المطلب عائیلہ پدر و جد گرایی حضرت رسول الله علیہ السلام هستیم؛ می خواستم ایشان را زیارت کنم، آیا زیارت خاصی برای ایشان یا عموم اوصیاء و انبیای الهی عائیلہ وجود دارد؟ آیا از متن زیارت امین الله در زیارت ایشان و سایر اوصیاء و انبیای الهی عائیلہ می توان استفاده کرد؟ اگر ایشان را در یکی از مشاهد مشرفه معصومین عائیلہ زیارت می کنیم؛ یا بخواهیم همراه با یکی از معصومین عائیلہ یا همه ایشان مجموعاً زیارت شان کنیم؛ آیا ممکن است که با نام بردن ایشان در ابتدای متن زیارت؛ همه ایشان را زیارت کنیم و پس از نماز؛ برای هدیه محضر هر یک از ایشان؛ دور رکعت نماز جداگانه بگذاریم؟

**جواب:** در زیارت همه حضرات عائیلہ و از جمله ایشان؛ عموم اوصیاء و انبیای الهی عائیلہ؛ هیچ محدودیتی در متن و تعبیر آن نمی باشد، هر چند متونی که در کلام خازنان و حی عائیلہ آمده است فضیلت و ویژگی دارند. برای زیارت عموم اوصیاء و انبیای الهی عائیلہ از متون وارد در باب زیارت حضرت آدم و نوح عائیلہ و زیارتی که به عنوان جامعه اولی در مفاتیح الجنان نقل شده است می توانید به مرند شوید. و از زیارت امین الله هم با ذکر نام حضرت مورد زیارت بجای فقره: امیر المؤمنین؛ و گفتن سنن انبیائیه بجای سنته نبیک؛ می توان فیض برد. و زیارت حضرات عائیلہ بطور مشترک و دسته جمعی و یکباره؛ و بوسیله یک متن اشکالی ندارد. [شماره ثبت: (۱۸۵) منبع: المسائل الرومية]

**سؤال:** هل یجوز إنشاء زيارة جديدة لأحد المعصومين عائیلہ أو لمن استشهدوا

لأجلهم؛ مستقة كلماتها ومعانيها من أقوال الموصومين عليهم السلام كما تكون متداولة ومبذولة للجميع؟ وإن كان ذلك جائزًا؛ فهل التأدب أمام مقامهم عليهم السلام وعدم الادلاء يكون أولى، خصوصاً وقد رويت عنهم عليهم السلام أدعية وزيارات وأذكار تستوعب كل ما يبغيه الطالب؟

**جواب:** لا بأس به، وإن كان للمؤثر ميزة خاصة وفضيلة ممتازة، فإنه لا يقاس بما جرى على لسانهم الشريف؛ كلام آخر. [شماره ثبت: (٤٧١) منبع: المسائل الغروية]



**سؤال:** چند سؤال دارم در باره زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روز میلاد رسول علیه السلام: در متن زیارت‌شان نوشته است: "السلام عليك يا من ردت له الشمس فسامي شمعون الصفا"، البته که مقام آن حضرت علیه السلام از مقام شمعون علیه السلام بالاتر است که مقام وصی رسول الله علیه السلام عظیمتر از مقام وصی عیسی بن مریم علیه السلام، اما سرّ این سخن چیست؟ برای حضرت شمعون علیه السلام اتفاق افتاده است با خورشید؟ در حیات القلوب دیدم که نقل کرده: خورشید برگشت هم برای سلیمان علیه السلام و هم برای یوشع بن نون علیه السلام، اما برای شمعون الصفا علیه السلام یاد نیست. اگر توضیح می‌دهید در این خصوص ممنونم.

**جواب:** عظمت و برتری مقام حضرت مولا علی بر او صیاء الہی علیہ السلام از جمله شمعون الصفا علیه السلام از همین کلمات وارد در کلام خازنان وحی علیہ السلام معلوم می‌شود، نه اینکه بگویید ان افضلیت معلوم ولی چرا اینجا اینطوری گفته است، در کلام خازنان وحی علیہ السلام برای حضرت یوشع بن نون وصی موسی و حضرت سلیمان نبی علیہ السلام نقل شده که رد الشمس اتفاق افتاده است، اما برای شمعون الصفا علیه السلام نقل نشده است، این فقره زیارت برای برخی که دقت نکرده اند؛ نیز این برداشت غیرصحیح را ایجاد کرده، که برای شمعون الصفا علیه السلام رد الشمس اتفاق افتاده، در حالیکه در این فقره بیان امتیازات و افضلیت حضرت مولا علی علیه السلام را بیان می‌کند، نه مشابهتهای حضرتش را، می‌گوید: ای کسی که برایش خورشید و اگردانده شد و با این واقعه او برتری و امتیاز یافت بر جناب شمعون الصفا علیه السلام که فقط وصی پیامبر الہی بوده است، حضرت مولا علی علیه السلام افرون بر مرتبه وصایت پیامبر الہی؛ فضائل دیگری نیز داشته است که رد الشمس جزو آنهاست. [شماره ثبت: (۱۳۹۸) منبع: المسائل الإنترنیة]

**سؤال:** در این متن (زیارت مولا علیه السلام در میلاد نبی علیہ السلام) نیز این نوشته است:

"السلام عليك يا طه و يس" ، طها و یاسین اسمهای پیامبر علیہ السلام است، هم اسمهای امیر المؤمنین علیه السلام؟ یا سر این که اینجا این طور نامیده شود چیست؟

**جواب:** طها و یاسین نامهای حضرت محمد مصطفی علیہ السلام بوده است، نه نام حضرت مولا علی علیه السلام، چنین سلامی در حضر مولا علی علیه السلام جند جهت دارد از جمله: اولاً: در زیارات مکرر سلام به سایر معصومین علیهم السلام هم می شود، ثانیاً: حضرت مولا علی علیه السلام به منزل جان حضرت محمد مصطفی علیہ السلام بوده اند؛ همچنان که در کلام نبی علیہ السلام مکرر وارد شده است، بنابراین بجاست که در زیارت حضرت وصی خطاب با نام نبی شود برای فهماندن به همین حقیقت، البته خطاب با نامهای مرتبه نبوت نمی شود تا شخص جاهل قاصر یا ناصب مقصر برداشت غلط و سوء استفاده نکند. [شماره ثبت: (۱۳۹۹) منبع: المسائل الالكترونية]

**سؤال:** متن زیارت رسول الله علیہ السلام که در مفاتیح است برای کسی که از دور است، آیا از یکی از معصومین علیهم السلام نقل شده است؟ در این موضوع در مفاتیح چیزی ننوشته است!

**جواب:** مرحوم حاج شیخ عباس قمی از محدثین است، محدثین از خودشان مطلبی در کتابهایشان نمی آورند، و محتویات آن کتب خصوصاً کتب حدیث و دعاء و زیارت همه مطالی است که از مشایخ حدیث قبلی تا بررسد به حضرات معصومین علیهم السلام نقل شده است، محدثین اگر نظر شخصی یا برداشتی داشته باشند صریحاً ذکر می کنند، زیارت مذکور قبل از محدث قمی توسط محدثین دیگر قبل از ایشان تا زمان اصحاب معصومین علیهم السلام نقل شده است، از جمله ایشان علامه مجلسی و سید بن طاووس و شهید و شیخ مفید (رحمهم الله) می باشند. [شماره ثبت: (۱۴۰۰) منبع: المسائل الالكترونية]

**سؤال:** برای زیارت امیر المؤمنین علیه السلام شش رکعت می خوانیم، دو برای خود آن حضرت دو برای حضرت نوح علیه السلام و دو برای حضرت آدم علیه السلام، برای زیارت رسول الله علیه السلام، چهار تا می خوانیم دلیل آن چیست؟ این فکر در دهن بنده آمد که دو تا برای آن حضرت است و دو تا برای حضرت فاطمه علیها السلام است،

**جواب:** در زیارات معصومین علیهم السلام از دو رکعت تا دوازده رکعت وارد شده است که به قدر فرصت و معرفت بجا آورده می شود، و در احادیث شریفه بر حسب مخاطب آن حدیث و شرایط شخص راوي؛ معصوم علیه السلام آن توصیه را نموده اند، آن روایت که توصیه شش رکعت برای زیارت سه نفر را نقل نموده است، بر اساس حداقل نماز زیارت است، و توصیه جهار رکعی توصیه کمی بالاتر است.

[شماره ثبت: (۱۴۰۱) منبع: المسائل الإنترنتية]

**سؤال:** نظر شما چیست که این چنین روز زیارت امیر المؤمنین علیه السلام می خوانیم؟  
چند دلیل است، شیخ قمی در مفاتیح چند تا بیان می کند، شما گفتید که بزرگترین موضوع در ابلاغ رسالت پیامبر علیه السلام ولایت حضرت امیر علیه السلام است.  
آیا دلیلهای دیگر است که تا حالا نگفتید؟ از لطف شما تشکر می کنم.

**جواب:** معلوم است که همه مطالب گفته نشده است، مطالی که تا کنون بیان شده است به قدر مناسبت مقام و ظرفیت مخاطب یا فرصت پاسخ بوده است، شش دلیل دیگر هم در اینجا نقل می کنیم: حضرت مولا علی علیه السلام برادر حضرت محمد مصطفی علیه السلام بوده اند، حضرت مولا علی علیه السلام داماد حضرت رسول الله علیه السلام بوده اند، حضرت مولا علی علیه السلام وصی حضرت پیامبر علیه السلام بوده اند، حضرت مولا علی علیه السلام جانشین حضرت رسول علیه السلام بوده اند، حضرت مولا علی علیه السلام اولاترین خلق به نبی الله علیه السلام بوده اند، بالاتر از همه آنها؛ حضرت مولا علی علیه السلام به منزله جان حضرت محمد مصطفی علیه السلام بوده اند همچنان که در کلام نبوی علیه السلام مکرر

وارد شده است، بنابراین بجاست که در روز ولادت حضرت محمد ﷺ، برای تبریک به دیدن برادر و داماد و وصی و جانشین و اولاترین خلق به او؛ بلکه جان او یعنی حضرت مولا علیؑ بروند و به او تبریک بگویند. [شماره ثبت: ۱۴۰۲] منبع: المسائل الإلترنوتیة

**سؤال:** السلام عليکم. عظم الله اجرنا واجورکم بمصابنا بالحسينؑ و جعلنا و ایاکم من الطالبین بشاره. اگر وقت داشتید، لطف کنید علت اینکه امام حسینؑ ملقب به ثار الله هستند را برایم توضیح دهید.

**جواب:** عليك السلام.

۱- خداوند حق معرفت و حقیقت زیارت و عمق تعزیت و کمال خدمت و نجات شفاعت و انس مجاورت و وصال صحبت حضرتش ؑ را نصیب فرماید.  
۲- ثار = ثأر، در لغت عربی به معنی انتقام و خونخواهی است. یعنی حضرت امام حسینؑ کسی است خداوند به خونخواهی او اقدام می نماید، البته ثار به معنی خون هم مطرح است، اما در همان موارد کاربرد و نسبت؛ مقصود خونی است که ریخته شده و مورد خونخواهی است؛ نه خونی که در بدن است، فلذا در زبان عربی هیچ وقت برای خون داخل بدن واژه "ثار" بکار برده نمی شود. فلذا در صورت ترجمه به "خون" باید طوری باشد که این نکته را برساند، مثل "خون ریخته شده ای که مقدس و الٰهی است" یا "خون ریخته شده ای که مورد انتقام الٰهی است".

۳- این برداشت (غیر دقیق) ناشی از ترجمه های ضعیف است که همه جا شایع شده است، و چون این اشتباه متداول شده؛ با تکلف و بیان وجوه سست؛ خواسته اند ترجمه اشتباه را توجیه کنند، ولی موفق نشده اند.

۴- البته تنها وجه قابل توجه؛ حمل آن بر مجاز و تشبیه و کنایه است، که

حضرتش علیه السلام به منزله خون در کالبد دین است، که این معنی درست است اگر تعییر اینطور بود "ثار دین الله" یا ثار الله فی دینه و لی تعییر واردہ "ثار الله" است. و خون کالبد دین ربطی به خون خدا و ثار الله ندارد.

۵- و تعییر ثار الله به معنی "خون خدا" را نظیر حديث قرب نوافل (کنت سمعه الذي یسمع بی وبصره الذي یبصر بی...) دانستن؛ اشتباه است، چه اینکه حديث قرب نوافل می فرماید: بنده در اثر قرب نوافل به مرتبه ای می رسد که به استعانت خداوند می بیند و نبی گوید خداوند به استعانت بنده می بیند، ولی ثار الله لازمه اش وابستگی ذات غنی خداوند؛ به جلوه اش می باشد، چه اینکه هر صاحب خونی؛ به خونش وابسته است، و حیاتش در گرو حفظ و سلامت آنست، اما ذات حق منزه است از این نیاز و هر گونه نیاز.

۶- و تعییر ثار الله به معنی خون خدا، را نظیر ید الله و عین الله دانستن صحیح نیست، چه اینکه، اولاً: آن تعابیر ورود و کاربردش از ناحیه کلام و حی و کلام خازنان و حی علیهم السلام به معنی ید و عین مسلم است، برخلاف ثار الله که سیاق نصوص با معنای "خون ریخته شده و مورد انتقام" و یا معنای "انتقام و خونخواهی" متناسب است، و هیچ قرینه ای بر تایید نسبت معنی (خون داخل و جزو بدن) از کلام و حی و کلام خازنان و حی علیهم السلام وارد نشده است. ثانیاً: کاربرد خون نسبت به خداوند؛ و تنظیر تشییه اش به ذات حق تعالی بر می گردد، و خداوند عزوجل در ذاتش غنی است و برای وجودش نیازی به جیزی ندارد، برخلاف بکار بردن تعییر "عین الله" و "ید الله" برای ولی الهی؛ که اشاره به فناه صاحب آن مرتبه در حق است، و نیز تشییه برای نماینده حق بودن یا وسیله اعمال قدرت الهی بودن وی است، ولذا کاربردش یکسان نیست.

۷- البته کلام خازنان وحی ﷺ جلوه ای از کلام وحی است و باطن و اسرار فراوانی دارد، و از این جمله است تعبیر ثار الله، (در معنای غیر انتقام الهی) که در حدیث مروی ابن قولویه در کامل الزيارات در زیارت حضرت امام حسین علیه السلام آمده است: حدثی الحسین بن محمد بن عامر، عن احمد بن اسحاق بن سعد قال: حدثنا سعدان بن مسلم، (عن) قائد ابی بصیر قال: حدثنا بعض اصحابنا، عن ابی عبد الله علیه السلام قال اذ آتیت القبر بادات فائنيت علی الله عزوجل، وصلیت علی النبی ﷺ واجتهدت فی ذلك (ان شاء الله) ثم تقول: .... وانك ثار الله فی الأرض، والدم الذي لا يدرك ثاره احد من اهل الأرض، ولا يدركه الا الله وحده، ... ترجمه .... و تؤیي ثار الله در روی زمین و آن خونی که کسی از اهل زمین انتقام رخونخواهیش را در نیابد و جز خداوند یکانه خونخواهیش را در نیابد.... در این حدیث به مرتبه "خون بودن حضرتش" و اینکه "خونی است که کسی جز خدا به خونخواهیش موفق نشود" اشاره دارد، و همان معنای ("خون ریخته شده ای که مقدس و الهی است" یا "خون ریخته شده ای که مورد انتقام الهی است) می باشد؛ نه خون داخل بدن. فلذا اگر دقیق شود تعبیر "لا یدرك ثاره" دارد، نه اینکه "لا یدرك معنی ثاره" که یعنی "آن خون مقدس و الهی است که کسی حقش را جز خداوند درک نکرده و به خونخواهیش جز خداوند کسی موفق نی شود، و اشاره کلام حضرت به قیامهای خونخواهی برای واقعه کربلا است، که کسی نگوید خونخواهی که شد؛ دیگر خونخواهی برای چه؟ همچنین ممکن است تعبیر "انك ثار الله في الأرض" اینطور بیان شود: "تؤیي آن خونی که خدا در زمین قرار داده است" که به معنی مایه حیات اهل زمین و مردم باشد، و نسبتش به خداوند به منزله آنچه حق مقرر نموده است برای حیات زمین، نه اینکه قوام و تکیه حق باشد مثل تکیه و وابستگی کالبد هر

شخص به خون. و این تعبیر نیاز دارد که متن اضافه یا تقدیری داشته باشد، تا بتواند معنای خون جاری داخل کالبد مصداقیت پیدا کند، اما در هر صورت حق با فرض "ثار" به معنی (خون)، و فرض ثارالله به صورت (مضاف و مضاف الیه) بدون حمل بر مجاز و یا تقدیر لفظ، معنی آن فراتر از توهمنات عامه و خون جاری در کالبد است. ولذا مانند تعبیر "خون مقدس و الهی" که در این زیارت بکار برده شده بود؛ برای ترجمه "ثارالله" نیز صحیح است، اما معناش "خون ریخته شده ای که مقدس و الهی است" یا "خون ریخته شده ای که مورد انتقام الهی است" می باشد؛ نه خون داخل بدن که صاحب بدن به آن وابسته است، چه اینکه حق تعالی منزه است از این وابستگی و نیاز و هر گونه نیاز. و تعالی الله عما يصفون والحمد لله رب العالمين. [شماره ثبت: ۱۳۹۰] منبع: المسائل الإلكترونية]

**سؤال:** در کتاب شریف منتهی الامال این عبارت از زیارت ناحیه مقدسه "مههمما باکیا" را اینطور می آورد، اما در برخی از کتب این عبارت را با حاء جیمی "محمدما باکیا" آورده اند، حال کدام عبارت صحیح است؟

**جواب:** صحیح آن "محمدما" می باشد، که صدای اسب؛ پائینتر از شیوه رامی گویند، که در وقت رسیدن به صاحبیش ابراز می دارد. (الْحَمْمَةُ صَوْتُ الفِرسِ دُونَ الصَّهْلَلِ، يقال: تَحْمِمَ تَحْمِمُهَا وَتَحْمِمَهُمْهَهَةً؛ كَأَنَّهُ حَكَايَةٌ صَوْتَهُ إِذَا رَأَى صاحبه الذي كان أَلْفَهُ فاستأنسَ إِلَيْهِ). [شماره ثبت: ۱۴۴۵] منبع: المسائل الإلكترونية



# ارزش و فضیلت زیارت جامعه کیره کامله

- ❖ از جمله زیارات جامعه؛ که همه حضرات معصومین علیهم السلام را باز دور و نزدیک بدان می توان زیارت نمود؛ همان زیارت معروف به "جامعه کیره" می باشد.
- ❖ این زیارت به رسایی متن و فراگیری مضمون؛ از نظایر آن ممتاز است، حاوی اسرار و لَوْی و خازن علوم معنویست، گشاینده درهای بیشمار در معرفت شأن آن حضرات علیهم السلام بوده، و برای دوستان و پیروانشان؛ بیانگر رسم ابراز بندگی در محض و بارگاهشان می باشد.
- ❖ در کلام خازنان وحی علیهم السلام بر ادای زیارت حضرات معصومین علیهم السلام به این متن شریف تأکید بسیار شده است، و بویژه آنکه حضرت ولی عصر و صاحب الامر (عجل الله تعالیٰ فرجه الشّریف) بدان توصیه فرموده اند.
- ❖ از این روست که این زیارت؛ برای عارفان غوصگاه اسرار الهی، و برای عاشقان شناگاه انوار ربانی بوده، آن چنان که از جمله برنامه های ترک نشدنی اهل الله و اولیای او گردیده است، بلکه هر که مرتبه ای در ولایت و معرفت را خواستار شده؛ بر این زیارت (هر گاه که شد و هر جا که بود) مواظبت نموده؛ و حضرات معصومین علیهم السلام را باز دور و نزدیک؛ بدان زیارت کرده؛ هر چند در مشاهد مشرفه حاضر نشده، و در هر راحتی و سختی توسل می یابند.
- ❖ و برای کسی که بدان زیارت نماید؛ فضایل فراوانی است که شرح برکات آن در کتابهای بسیاری منتشر گردیده است.

## آشنایی با نسخه کامله زیارت جامعه کبیره

❖ برای این زیارت نسخه های مختلفی است؛ و از آنجا که نسخه متداول (در دست عامه مردم) ناقص بوده، لذا اهل معرفت و ذوق و وجود بدان اکتفا ننموده (وبرای رسیدن به مدارج بلند ایمان و عرفان) سعی بر دستیابی به نسخه کامله آن (که معروف به زیارت جامعه کبیره کامله بوده) داشته اند. با نزدیکی دوران ظهور و شروع زمین به آشکارسازی گنجهای خود؛ هنگام اظهار و انتشار این نسخه کامله نیز میان خواهانان آن؛ فرارسیده، به ویژه با شدت نیاز بدان و کوتاهی دست بسیاری از آن.

❖ نسخه های زیارت جامعه کبیره را می توان دو دسته نمود:

**دسته اول:** نسخه ای است که علامه مجلسی از آن به عنوان زیارت سوم از زیارات جامعه یاد نموده است، و این نسخه را برتری است بر سایر نسخ از جهت دقیقی متن، و پس ازین نسخه؛ همان نسخه ایست که مرحوم کفعی با تفاوتی نه چندان از حضرت امام هادی علیهم السلام روایت نموده است.

**دسته دوم:** همان نسخه ایست که میان عموم مردم مشهور و متداول بوده و آنرا به نام زیارت جامعه کبیره می شناسند، این نسخه را شیخ صدوق نقل نموده و علامه مجلسی به عنوان زیارت دوم از زیارات جامعه یاد نموده است.

❖ هنگام مقایسه نسخه ها می یابیم که: آنها زیارت‌هایی که جداگانه از حضرات معصومین علیهم السلام صادر شده باشند نبوده، بلکه همه آنها یک اصل داشته، و در حقیقت اینها نسخه های مختلف از یک متن زیارت هستند.

❖ البته درست است که تفاوتهايي ميان اين نسخ وجود دارد، و اين نسخه ها بعضی ناقص و بعضی شامل و بعضی کامل هستند.

☞ و از ميان آنها؛ نسخه معروفة به زيارت سوم (نzd علامه مجلسي) فراگيرترین متن و نزديكترین مضمون به نسخه اصلي کامل جامعه کبire بوده (که نzd خواص اهل معرفت و ايمان نگهداري مي شده است)،<sup>۶۰</sup> پس از آن نسخه کفعمي است،<sup>۶۱</sup> چنانکه نسخه معروفة به زيارت دوم (نzd علامه مجلسي) يا همان جامعه کبire اي که ميان مردم رايig است؛ در حقيقت چيزی نيشت مگر قطعه هایي از نسخه کامل و اصلي، و اين نسخه رايig در مقاييسه با آن نسخه اصلي ناقص است. و در رخداد اين کاستي علتهايي مطرح است از جمله:

(۱) اينکه تلخيص يا اقتباسi در نسخه شامل (همان سوم نzd علامه مجلسي) اتفاق افتاده باشد؛ که ازین (همانچه او را به نام) زيارت دوم (ياد كرده) بدست آمده باشد.<sup>۶۲</sup>

(۲) يا اينکه در طريق نقل (آنچه به زيارت دوم نzd علامه مجلسي معروف شده) شخصi که بر حافظه خود تکيه داشته نه بر تبت و ضبط بوسيله نوشتن قرار داشته است.

---

(۶۱) بخار الأنوار ج ۹۹ ص ۱۴۶ ، البلد الأمين ص ۲۹۷ ، مستدرک الوسائل ج ۱۰ ص ۱۶ ح ۱۷ ، الدعاء والزيارة للسيد الشيرازي ص ۷۶۳ .

(۶۲) البلد الأمين ص ۲۹۷ ، مستدرک الوسائل ج ۱۰ ص ۴۱۶ ح ۱۷ ، الدعاء والزيارة للسيد الشيرازي ص ۷۶۳ .

(۶۳) وبعد الفراغ من التصحیح والتكمیل بالمقابلة، عثنا على کلام من المحدث النوری في الباب الثالث من ایواب جهاد النفس من كتاب مستدرک الوسائل (ج ۱۱ ص ۱۷۰) فيه إشارات وشواهد على بعض ما استظہرناه في المتن فراجع.

(۳) يا اينكه واسطه روایت نسخه ناقص؛ شخصی از مقصّره بوده؛ که تحمل درک حقایق و تاب دریافت معارف عالیه را نداشته است، و از جمله آنچه این وجه را تأیید می کند، کاستی نسخه (ناقص و متداول میان مردم) برخی از مضامین عالیه وارد شده در باب معرفت و عبودیت حضرات علیهم السلام را می باشد.

❖ از آنچه گذشت این چنین بدست می آید که: نسخه ای که علامه مجلسی از آن به عنوان "زيارة سوم از زیارات جامعه" یاد نموده؛ در حقیقت همان نزدیکترین نسخه به "زيارة جامعه کبیره کامله" است.

☞ ازین رواین نسخه را به عنوان محور نسخه و متن اصلی قرار دادیم، و آنرا مقابله نمودیم با نسخه ای که شیخ كفعی روایت نموده، و نیز با آنچه میان عموم مردم رایج است، و کامل کردیم آنرا به بعض آنچه این دو نسخه واجد بوده؛ و نسخه محور (زيارة سوم علامه مجلسی) نداشت، هر چند این موارد بسیار ناچیز بوده است.

☞ پس از این همه؛ (الحمد لله) نسخه کامل و شامل و جامعی بدست آمد، که خداوند ما و همه مومنان را بدان بهره مند فرماید، و ما را به حق معرفت و محبت مخصوصین علیهم السلام، و صدق بندگی و تسلیم به ایشان؛ موفق گرداند، آمين آمين یا رب العالمین.



## زيارت جامعه کيره کامله در کلام خازن وحی علیهم السلام

❖ ثبوت صدور اين زيارت از حضرت معصوم علیهم السلام، و ذكر آن در کلام خازن وحی علیهم السلام؛ و تقرير حجت حاضر اين روزگار و دوران (عجل الله تعالیٰ فرجه الشریف) و توصيه به آن، و نيز شهرتش ميان پيروان اهل بيت علیهم السلام؛ و پاييendi ايشان بدان در گذشت قرون و اعصار، بي هيق منکر و مخالفی)، همه و همه (این جهات) سبب بي نياзи اين زيارت؛ از پرداختن به اسناد و بررسی و تأييد طرق روایت آنست.

❖ اما از باب عطر آگيني سخن و تشريف اين گفتار، به بازگويي حدیث زيارت و طریق روایت آن، تنها بنا بر آنچه شیخ طوسی از شیخ صدوق (رضوان الله علیهما) بازگفته؛ بسنه می کنیم.

❖ شیخ طوسی می گوید: چنین گفت آن پیر بسیار راستگو (شیخ صدوق): محمد فرزند علی؛ زاده حسین پسر بابویه که: حدیث گفت ما را؛ علی فرزند احمد؛ زاده موسای دقاق، و نیز حسین فرزند ابراهیم پسر احمد کاتب، و نیز سنانی و ورّاق و مکتب؛ که همگی ايشان نقل کردند از محمد فرزند ابی عبد الله کوفی اسدی، از محمد پسر اسماعیل برمکی، از موسی؛ زاده عبد الله نخعی (رضوان الله علیهم أجمعین) که او گفت:

❖ عرض کردم به حضرت امام علی هادی {فرزند محمد پسر علی؛ زاده موسی فرزند جعفر پسر محمد؛ زاده علی فرزند حسین پسر علی؛ زاده ابی طالب (که درود و سلام خدا بر ايشان باد)} که: ای زاده رسول خداوند؛ مرا گفتاري ياد ده؛ که رسما و

آرسته باشد، تا بدان بگویم هنگامی که یکی از شما را دیدار می کنم.

❖ پس حضرت امام علیؑ هادی علیه السلام در پاسخ فرمود:

-۱ در حالیکه غسل داری،

-۲ هر گاه به درگاه رسیدی

-۳ پس بایست،

-۴ و گواهی ده به آن دو شهادت (گواهی بر حق در دو مرتبه پنهان و آشکار یعنی شهادت بر توحید و شهادت بر رسالت با ولایت)

-۵ پس چون داخل شدی و نهانگاه (ضریح) را دیدی؛

-۶ پس بایست؛

-۷ و اللہ اکبر اللہ اکبر بگوی؛ سی بار،

-۸ سپس اندکی نزدیک شو؛ در حالیکه بر توسیت آرامش و آرامیدگی، و گامهایت را نزدیک کن،

-۹ و سپس ایستاده؛

-۱۰ باز سی بار حق را تکبیر بگوی،

-۱۱ آنگاه به نهانگاه نزدیک شده؛

-۱۲ و خدای را چهل بار دیگر برینداشت (تکبیر) گفته؛ تا صد بار تکبیر تمام آید،

-۱۳ و (در روایتی) چون بدیشان بررسی؛

-۱۴ پس چنین گویی: .....(من زیارت جامعه کبیره کامله)....

# متن نزیارت جامعه کبیره کامله

هر گاه بnde مؤمن بخواهد حضرت موصوم ﷺ را بدین متن زیارت نماید،  
۱- پس از تشرف با شرایط و آداب،<sup>۲</sup> و انجام چهارده فرموده (صفحه قبل)<sup>۳</sup>  
و سجده در پیشگاه مقدس وجه الله،<sup>۴</sup> با حال تذلل و انکسار روبروی  
حضرتش (در حالیکه قبله ظاهره را پشت خود قرار داده) ایستاده،<sup>۵</sup> ابتدا  
بگردید از شوق توفیق دیدارشان، و نیز برای مظلومیت و غربت حقیقی  
حضرات موصومین ﷺ، و همچنین به سبب التفات به کوتاهی و سستی خود  
در معرفت و تسلیم و پیروی از ایشان،<sup>۶</sup> سپس با حال انبه و تضرع؛<sup>۷</sup> (پس  
از پایان بردن یکصد تکبیر) بگوید:

\* بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَانِ الرَّحِيمِ \* أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ \* الرَّحْمَانُ  
الرَّحِيمُ \* الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ \* وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ  
وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ \* وَ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ  
الْعَظِيمِ \* صَلَواتُ اللَّهِ وَ تَحْيَاتُهُ \* وَ رَأْفَةُهُ وَ مَغْفِرَةُهُ وَ رِضْوَانُهُ  
وَ فَضْلُهُ وَ كَرَامَتُهُ \* وَ رَحْمَتُهُ وَ بَرَكَاتُهُ \* وَ صَلَواتُ  
مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ \* وَ أَنِيَاءِ الْمُرْسَلِينَ \* وَ الشُّهَدَاءِ وَ  
الصَّدِيقِينَ \* وَ عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ \* وَ مَنْ سَبَّحَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ مِنَ  
الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ \* مِلَأَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَينَ \* وَ مِلَأَ كُلَّ  
شَيْءٍ \* وَ عَدَدَ كُلَّ شَيْءٍ \* وَ زِنَةَ كُلَّ شَيْءٍ \* أَبَدًا وَ مِثْلَ الْأَبَدِ

\* وَ بَعْدَ الْأَبْدِ مِثْلَ الْأَبْدِ \* وَ أَصْعَافَ ذَلِكَ كُلُّهُ \* فِي مِثْلِ ذَلِكَ  
كُلُّهُ \* سَرْمَدًا دَائِمًا \* مَعَ دَوَامِ مُلْكِ اللَّهِ \* وَ بَقَاءً وَجْهِهِ  
الْكَرِيمِ \* عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ \* وَ إِمَامِ الْمُتَّقِينَ  
وَ وَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ \* وَ مَلَادِ الْعَالَمِينَ وَ سِرَاجِ السَّاطِرِينَ وَ أَمَانِ  
الْخَائِفِينَ \* وَ تَالِيِّ الإِيمَانِ وَ صَاحِبِ الْقُرْآنِ \* وَ نُورِ الْأَنوارِ  
وَ هَادِي الْأَبْرَارِ وَ دِعَامَةِ الْجَبَارِ \* وَ حُجَّتِهِ عَلَى الْعَالَمِينَ \*  
وَ خَيْرَتِهِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ \* مُحَمَّدٌ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ نَبِيِّهِ  
وَ رَسُولِهِ \* وَ حَبِيبِهِ وَ صَفِيفِهِ \* وَ خَاصَّتِهِ وَ خَالِصَتِهِ \* وَ رَحْمَتِهِ  
وَ نُورِهِ \* وَ سَفِيرِهِ وَ أَمِينِهِ \* وَ حِجَابِهِ وَ عَيْنِهِ \* وَ ذِكْرِهِ وَ وَلِيِّهِ  
\* وَ جَنْبِهِ وَ صَرَاطِهِ \* وَ عُرْوَتِهِ الْوُثْقَى \* وَ حَبْلِهِ الْمَتِينِ  
وَ بُرْهَانِهِ الْمُبِينِ \* وَ مَثَلِهِ الْأَعْلَى وَ دَعْوَتِهِ الْحُسْنَى \* وَ آيَتِهِ  
الْكُبَرَى وَ حُجَّتِهِ الْعُظَمَى \* وَ رَسُولِهِ الْكَرِيمِ \* الْرَّوْفُ الرَّحِيمُ  
\* الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ \* الشَّفِيعُ الْمُطَاعُ \* وَ عَلَى الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمْ جَمِيعًا  
السَّلَامُ \* أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ \* وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ \* وَ عَلَيْهِ  
وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسَى وَ عَلَيْهِ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلَيْهِ وَ الْحَسَنِ  
وَ الْخَلَفِ الْمَهْدِيِّ \* عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ جَمِيعًا السَّلَامُ وَ الرَّحْمَةُ \*  
الْطَّاهِرِيْنَ \* الْمُطِيعِينَ الْمُقَرَّبِينَ \* وَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ

أَفْضَلُ سَلَامُ اللَّهِ \* وَأَوْفَرُ رَحْمَتِهِ \* وَأَرْكَى تَحْيَاتِهِ \* وَأَشْرَفَ  
صَلَواتِهِ \* وَأَعْظَمُ بَرَكَاتِهِ أَبَدًا \* مِنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ  
الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ \* وَمِنِّي وَمِنْ وَالِدَيَّ وَأَهْلِي  
وَوْلَدِي \* وَإِخْوَتِي وَأَخْوَاتِي وَقَرَابَاتِي \* فِي حَيَاةِي مَا بَقِيتُ  
وَبَعْدَ وَفَاتِي \* وَمَا طَلَعَتْ شَمْسٌ أَوْ غَرَبَتْ \* عَلَيْهِمْ سَلَامٌ  
اللَّهُ فِي الْأَوَّلِينَ \* وَعَلَيْهِمْ سَلَامٌ اللَّهُ فِي الْآخِرِينَ \* وَعَلَيْهِمْ  
سَلَامٌ اللَّهُ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ \* سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا  
النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ \* سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ \* سَلَامٌ  
عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ وَصَفْوَتِهِ مِنْ بَرِيَّتِهِ \* السَّلَامُ  
عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ عَلَى رِسَالَتِهِ وَعَزَائِيمَ أَمْرِهِ \* الْحَاتِمِ لِمَا سَبَقَ  
وَالْفَاتِحِ لِمَا انْغَلَقَ (x لِمَا غُلِقَ) \* وَالْمُهَمِّينِ عَلَى ذَلِكَ كُلُّهِ \*  
وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ \* السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ \*  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ \* السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ  
\* السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلَيَّ الْمُؤْمِنِينَ \* السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَى  
الْمُسْلِمِينَ \* السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ \* السَّلَامُ  
عَلَيْكَ يَا خَالِصَةَ اللَّهِ وَخَلِيلَهُ وَحَبِيبَهُ وَصَفِيفَهُ مِنَ الْأَوَّلِينَ  
وَالآخِرِينَ \* السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَيُّهَا الْبَشِيرُ النَّذِيرُ \* السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ \* أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ  
وَعَلَى آلِكَ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ \* أَسْلَامٌ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ  
النُّبُوَّةِ وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ \* وَمُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ وَمَهْبِطَ الْوَحْيِ  
\* وَمَعْدِنَ الرَّحْمَةِ وَمَأْوَى السَّكِينَةِ \* وَخَزَائِنَ الْعِلْمِ (وَخَرَازَانَ  
الْعِلْمِ) وَمُنْتَهَى الْحَلْمِ \* وَأُصُولَ الْكَرَمِ وَقَادَةَ الْأُمَمِ وَأُولَيَاءِ  
النَّعْمَ \* وَعَنَاصِرَ الْأَبْرَارِ وَدَعَائِمَ الْأَخْيَارِ (وَدَعَائِمَ الْجَبَارِ)  
وَسَاسَةَ الْعِبَادِ وَأَرْكَانَ الْبِلَادِ \* وَأَبْوَابَ الإِيمَانِ وَأُمَّانَاءَ  
الرَّحْمَانِ \* وَسُلَالَةَ النَّبِيِّينَ وَصَفْوَةِ الْمُرْسَلِينَ \* وَآلَ يَاسِينَ  
وَعِتْرَةَ خَيْرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (وَعِتْرَةَ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) \* وَرَحْمَةُ اللَّهِ  
وَبَرَكَاتُهُ \* أَسْلَامٌ عَلَيْكُمْ أئِمَّةُ الْهُدَى وَمَصَابِيحُ الدُّجَى \*  
وَأَهْلُ التَّقْوَى وَأَعْلَامُ التُّقْىَ \* وَذُوِي التُّهَى وَأُولَيُ الْحِجَى \*  
وَذُرِّيَّةُ الْأَنْبِيَاءِ \* وَسَادَةُ الْوَرَى وَكُهُوفُ الْوَرَى (وَكَهْفُ الْوَرَى)  
\* وَبُدُورَ الدُّنْيَا وَوَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ \* وَالْمَثَلُ الْأَعْلَى وَالدَّاعْوَةُ  
الْحُسْنَى \* وَالْحُجَّةُ عَلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ \* وَحُجَّاجُ اللَّهِ  
عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ وَالْأُولَى \* وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ \*  
أَسْلَامٌ عَلَى مَحَالٍ مَعْرِفَةُ اللَّهِ \* وَمَشَائِكِ نُورِ اللَّهِ \* وَمَسَاكِنِ  
بَرَكَةِ اللَّهِ \* وَمَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ \* وَخَزَنَةِ عِلْمِ اللَّهِ \*

وَ حَفَظَةُ سِرِّ اللَّهِ \* وَ حَمْلَةُ كِتَابِ اللَّهِ \* وَ أُوصِيَاءُ نَبِيِّ اللَّهِ \*  
وَ وَرَثَةُ رَسُولِ اللَّهِ \* وَ أُوصِيَائِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ \*  
وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ \* الْسَّلَامُ عَلَى الدُّعَاءِ إِلَى اللَّهِ \* وَ الْأَدْلَاءُ  
عَلَى اللَّهِ \* (x) وَ الْأَدْلَاءُ عَلَى مَرْضَاتِ اللَّهِ) \* وَ الْمُؤْدِينَ عَنِ اللَّهِ (x) وَ الْمُؤْذِنَينَ  
عَنِ اللَّهِ) \* وَ الْقَائِمِينَ بِحَقِّ اللَّهِ \* وَ التَّاطِيقِينَ عَنِ اللَّهِ \*  
\* وَ الْمُسْتَوْقِرِينَ (x) وَ الْمُسْتَقْرِيرِينَ) فِي أَمْرِ اللَّهِ \* وَ الْمُخْلِصِينَ فِي  
تَوْحِيدِ اللَّهِ \* وَ الْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ \* وَ الصَّادِعِينَ بِدِينِ  
اللَّهِ \* وَ التَّامِينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ (x) وَ التَّابِتِينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ) \* وَ الْمُظْهِرِينَ  
لِأَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ \* وَ عِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا يَسِيقُونَهُ بِالْقُولِ  
وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ \* وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ \* الْسَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ  
الدُّعَاءُ وَ الْقَادِهُ الْهُدَاءُ \* وَ السَّادَةُ الْوُلَاةُ وَ الدَّازِدَةُ الْحَمَاءُ \*  
\* وَ الْأَسَادُ السُّقَاءُ (ظ = السُّعَاء) \* وَ أَهْلُ الذِّكْرِ وَ أُولَئِي الْأَمْرِ  
وَ بَقِيَّةُ اللَّهِ وَ خَيْرَتِهِ \* وَ صَفْوَتِهِ وَ حِزْبِهِ \* وَ عَيْنِهِ وَ عَيْبَةُ  
عِلْمِهِ \* وَ حُجَّتِهِ وَ جَنْبِهِ \* وَ صِرَاطِهِ وَ نُورِهِ وَ بُرْهَانِهِ \*  
وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ \* أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ  
\* كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ \* وَ شَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ \* وَ أُولُوا  
الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ \* لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ \* وَ أَشْهَدُ أَنَّ

مُحَمَّداً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ \* وَرَسُولُهُ الْمُجْتَبَى  
\* وَنَبِيُّهُ الْمُرْتَجَى \* وَحَبِيبُهُ الْمُصْطَفَى \* وَأَمِينُهُ الْمُرْتَضَى  
أَرْسَلَهُ نَذِيرًا فِي الْأَوَّلِينَ وَرَسُولًا فِي الْآخِرِينَ \* بِالْهُدَى وَدِينِ  
الْحَقِّ \* لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ \* فَصَدَعَ  
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِمَا أَمْرَ رَبُّهُ \* وَبَلَغَ مَا حَمَلَهُ \* وَنَصَحَ  
لِأُمَّةِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ رَبِّهِ \* وَدَعَا إِلَيْهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمُوعِظَةِ  
الْحَسَنَةِ \* وَصَبَرَ عَلَى مَا أَصَابَهُ فِي جَنِّبِهِ \* وَعَبَدَهُ صَادِقًا  
مُصَدِّقًا \* صَابِرًا مُحْتَسِبًا \* لَا وَانِيَا وَلَا مُقْسِرًا \* حَتَّى أَتَاهُ  
الْيَقِينُ \* وَأَشْهَدُ أَنَّ الدِّينَ كَمَا شَرَعَ \* وَالْكِتَابَ كَمَا تَلَا  
وَالْحَلَالَ مَا أَحَلَّ \* وَالْحَرَامَ مَا حَرَمَ \* وَالْفَضْلَ مَا قَضَى \*  
وَالْحَقَّ مَا قَالَ \* وَالرُّشْدَ مَا أَمْرَ \* وَأَنَّ الدِّينَ كَذَبُوهُ وَخَالَفُوهُ  
(x) وَخَالَفُوا عَلَيْهِ) \* وَكَذَبُوا عَلَيْهِ وَجَحَدُوا حَقَّهُ \* وَأَنْكَرُوا  
فَضْلَهُ وَاتَّهُمُوهُ \* وَظَلَمُوا وَصِيهَ \* وَاعْتَدُوا عَلَيْهِ \* وَغَصَبُوهُ  
خِلَافَتَهُ \* وَنَقَضُوا عَهْدَهُ فِيهِ \* وَحَلُوا عَقْدَهُ لَهُ \* وَنَكَثُوا  
بَيْعَتَهُ \* وَنَبَذُوا أَمْرَهُ فِيهِ \* وَأَسَسُوا الْجُورَ وَالظُّلْمَ وَالْعُدُوانَ  
عَلَى آلِهِ (x) عَلَى أَهْلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) \* وَقَتَلُوْهُمْ وَتَوَلَّوْا  
غَيْرَهُمْ \* ذَائِقُوا الْعَذَابِ الْأَلِيمِ \* فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيْمِ (x)

مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ) \* لَا يُخْفَفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا \* وَ هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ  
مَلْعُونُونَ مُتَعَبُونَ \* نَاكِسُوا رُؤُوسِهِمْ \* فَعَايَنُوا (×يُعايِنُونَ) التَّدَامَةَ  
وَ الْحِزْيَ الطَّوِيلَ \* مَعَ الْأَرْذَلِينَ الْأَذَلِينَ الْأَشْرَارِ \* قَدْ كُبُوا عَلَىٰ  
وُجُوهِهِمْ فِي النَّارِ \* وَ أَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ صَدَقُوا \* وَ نَصَرُوهُ  
وَ وَقَرُوهُ \* وَ أَجَابُوهُ وَ عَزَّرُوهُ وَ اتَّبَعُوهُ \* وَ اتَّبَعُوا الثُّورَ الَّذِي  
أُنْزِلَ مَعَهُ \* أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ \* فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ وَ الْفَوْزِ  
الْعَظِيمِ \* وَ الْغِبْطَةِ وَ السُّرُورِ وَ الْمُلْكِ الْكَبِيرِ \* وَ الشَّوَّابِ  
الْمُقِيمِ \* فِي الْمَقَامِ الْكَرِيمِ وَ الْفَوْزِ الْكَبِيرِ \* فَجَرَاهُ اللَّهُ عَنَّا  
أَحْسَنَ الْجَزَاءِ \* وَ خَيْرَ مَا جَزَى تَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ \* وَ رَسُولاً عَمَّنْ  
أُرْسِلَ إِلَيْهِ \* وَ خَصَّهُ بِأَفْضَلِ قِسْمِ الْفَضَائِلِ \* وَ بَلَّغَهُ أَعْلَى مَحَلٍ  
شَرَفِ الْمُكَرَّمِينَ \* مِنَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَىٰ فِي أَعْلَى عِلَّيْنَ \* فِي  
جَنَّاتِ وَ نَهَرٍ \* فِي مَقْعِدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيِّكٍ مُقْتَدِرٍ \* وَ أَعْطَاهُ  
حَتَّىٰ يَرْضَى وَ زَادَهُ بَعْدَ الرِّضَا \* وَ جَعَلَهُ أَقْرَبَ النَّبِيِّينَ وَ الْخُلُقِ  
مِنْهُ مَجْلِسًا \* وَ أَدْنَاهُمْ إِلَيْهِ مَنْزِلًا \* وَ أَعْظَمَهُمْ عِنْدَهُ جَاهًا \*  
وَ أَعْلَاهُمْ لَدِيهِ كَعْبًا \* وَ أَحْسَنَهُمْ عَلَيْهِ ثَنَاءً \* وَ أَوَّلَ الْمُتَكَلِّمِينَ  
كَلَامًا \* وَ أَكْثَرَ النَّبِيِّينَ أَتْبَاعًا \* وَ أَوْفَرَ الْخُلُقِ نَصِيبًا \*  
وَ أَجْزَلَهُمْ حَظًّا فِي كُلِّ خَيْرٍ هُوَ اللَّهُ قَاسِمُهُ بَيْنَهُمْ وَ نَصِيبًا \*

وَأَحْسِنِ اللَّهُمَّ مُجَازَاتُهُ وَأَحْسِنْ جَرَاءَتُهُ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ \*  
مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ \* وَأَشْهُدُ أَنَّكُمُ الْأَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ \*  
الْمَهْدِيُّونَ الْمَعْصُومُونَ \* الْمُكَرَّمُونَ الْمُقَرَّبُونَ \* الْمُتَقْوَنَ  
الْمُضْطَفُونَ \* الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ \* الْقَوَامُونَ بِأَمْرِهِ \* الْعَامِلُونَ  
بِإِرَادَتِهِ \* الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ \* إِصْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ \*  
وَاصْطَنَعْتُمْ لِنَفْسِهِ \* وَارْتَضَيْتُمْ لِغَيْبِهِ \* وَاخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ  
\* وَاجْتَبَيْتُمْ بِقُدرَتِهِ \* وَأَعْرَزَكُمْ بِهُدَاهُ \* وَخَصَّكُمْ  
بِبُرْهَانِهِ (x بِرَاهِينِهِ) \* وَأَنْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ \* وَأَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ  
وَرَضِيَّكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ \* وَجَعَلْتُمْ حُجَّاجًا عَلَى بَرِّيَّتِهِ \*  
وَأَنْصَارًا لِدِينِهِ \* وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ (x لِحُكْمَتِهِ لِحُكْمِهِ) \* وَخَرَنَةً  
لِعِلْمِهِ \* وَمُسْتَوْدَعًا لِحُكْمَتِهِ (x لِسِرِّهِ) \* وَتَرَاجِمَةً لِوَحْيِهِ \*  
وَأَرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ \* وَسُفَرَاءَ عَنْهُ \* وَشَهَدَاءَ عَلَى حَلْقِهِ  
\* وَأَسْبَابًا إِلَيْهِ \* وَأَعْلَامًا لِعِبَادِهِ \* وَمَنَارًا فِي بِلَادِهِ \* وَسُبُّلاً (x  
سَبِيلًا) إِلَى جَنَّتِهِ \* وَأَدِلَّةً عَلَى صِرَاطِهِ \* عَصَمَكُمُ اللَّهُ مِنَ  
الذُّنُوبِ \* وَبَرَأَكُمْ مِنَ الْعُيُوبِ \* وَأَتَمَّنَكُمْ عَلَى الْعُيُوبِ \*  
وَجَنَّبَكُمُ الْآفَاتِ \* وَوَقَائِكُمْ مِنَ السَّيِّئَاتِ \* وَظَهَرَكُمْ مِنَ  
الَّدَنِسِ وَالرَّيْغُ \* وَنَزَّهَكُمْ مِنَ الرَّأْلِ وَالْخَطَأِ \* وَأَذْهَبَ

عَنْكُم الرِّجْسَ وَ طَهَرْكُم تَطْهِيرًا \* وَ آمَنْتُم مِنَ الْفِتَنِ \*  
وَ اسْتَرْعَاكُمُ الْأَنَامَ \* وَ فَوَّضَ إِلَيْكُمُ الْأُمُورَ \* وَ جَعَلَ لَكُمُ  
الشَّدِيرَ \* وَ عَرَفَكُمُ الْأَسْبَابَ \* وَ أَوْرَثَكُمُ الْكِتَابَ \*  
وَ أَعْطَاكُمُ الْمَقَالِيدَ \* وَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا خَلَقَ \* فَعَظَمْتُمْ  
جَلَالَهُ \* وَ أَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ \* وَ هِبْتُمْ عَظَمَتَهُ \* وَ مَجَدْتُمْ كَرَمَهُ \*  
وَ أَدْمَنْتُمْ (x أَدْمَتْمُ ) ذِكْرَهُ \* وَ كَدْتُمْ مِيشَاقَهُ \* وَ أَحْكَمْتُمْ عَقْدَ  
عَرَى طَاعَتِهِ \* وَ نَصَحْتُمْ لَهُ فِي السُّرُّ وَ الْعُلَانِيَةِ \* وَ دَعَوْتُمْ إِلَى  
سَيِّلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ \* وَ بَذَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي  
مَرْضَاتِهِ \* وَ صَبَرْتُمْ عَلَى مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهِ (x حُبَّهِ)  
وَ صَدَعْتُمْ بِأَمْرِهِ \* وَ تَلَوْتُمْ كِتَابَهُ \* وَ حَدَّرْتُمْ بِأَسَهُ \*  
وَ ذَكَرْتُمْ أَيَامَهُ \* وَ وَفَيْتُمْ (x وَأَوْفَيْتُمْ ) بِعَهْدِهِ \* وَ أَقْمَتُمُ الصَّلَاةَ \*  
وَ آتَيْتُمُ الزَّكَةَ \* وَ أَمْرَتُمُ بِالْمَعْرُوفِ \* وَ نَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ  
وَ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ \* وَ جَادَلْتُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ \*  
حَتَّى أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ \* وَ قَمَعْتُمْ عَدُوَّهُ \* وَ أَظْهَرْتُمْ دِينَهُ \*  
وَ بَيَّنْتُمْ قَرَايْضَهُ \* وَ أَقْمَتُمْ حُدُودَهُ \* وَ نَشَرْتُمْ (x وَ فَسَرْتُمْ ) شَرَائِعَ  
أَحْكَامِهِ \* وَ شَرَعْتُمْ أَحْكَامَهُ \* وَ سَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ \* وَ صَرْتُمْ فِي  
ذَلِكَ مِنْهُ إِلَى الرِّضَا \* وَ سَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ \* وَ صَدَّقْتُمْ مِنْ

رُسُلِهِ مَنْ مَضَى \* فَالرَّاغِبُ عَنْكُمْ مَارِقُ \* وَاللَّازِمُ لَكُمْ  
لَا حَقُّ \* وَالْمُقْصُرُ عَنْكُمْ زَاهِقُ \* وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَفِيکُمْ  
وَمِنْكُمْ وَإِلَيْکُمْ \* وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ \* وَمِيرَاثُ النُّبُوَّةِ  
عِنْدَكُمْ \* وَإِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْکُمْ \* وَحِسَابُهُمْ عَلَيْکُمْ \*  
وَفَصْلُ الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ \* وَآيَاتُ اللَّهِ لَدَيْکُمْ \* وَعَرَائِمُهُ  
فِيکُمْ \* وَنُورُهُ مَعَکُمْ \* وَبُرْهَانُهُ مِنْكُمْ (x عِنْدَکُمْ) \* وَأَمْرُهُ  
إِلَيْکُمْ (x وَأَمْرُهُ نَازِلٌ إِلَيْکُمْ) \* مَنْ وَالاَكُمْ فَقَدْ وَالَّهُ \* وَمَنْ  
عَادَكُمْ فَقَدْ عَادَ اللَّهُ \* وَمَنْ أَطَاعَکُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ \*  
وَمَنْ أَحَبَّکُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ \* وَمَنْ أَبْغَضَکُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ  
الَّهُ \* وَمَنِ اعْتَصَمَ بِکُمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ \* أَنْتُمْ  
يَا مَوَالِيَ نِعْمَ الْمَوَالِي لِعِيَدِهِمْ \* أَنْتُمْ السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ \*  
وَالصَّرَاطُ الْأَقْوَمُ \* وَشُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ \* وَشَفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ  
\* وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ \* وَالْآيَةُ الْمَخْرُونَةُ \* وَالْأَمَانَةُ  
الْمَحْفُوظَةُ \* وَالْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ \* مَنْ أَتَاكُمْ نَجَى  
وَمَنْ أَبَاكُمْ هَوَى \* مَنْ أَتَاكُمْ نَجَى وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ  
إِلَيَّ اللَّهِ تَدْعُونَ وَعَلَيْهِ تَدْلُونَ \* وَبِهِ تُؤْمِنُونَ وَلَهُ تُسْلِمُونَ \*  
وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ وَإِلَيْهِ سَبِيلُهُ تُرْشَدُونَ وَبِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ \*

وَإِلَيْهِ تُنِيبُونَ وَإِيَّاهُ تُعَظِّمُونَ \* سَعِدَ وَاللَّهُ بِكُمْ مَنْ وَالآكُمْ  
 \* وَهَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ \* وَخَابَ مَنْ جَهَلَكُمْ (x جَهَدَكُمْ)  
 وَضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ \* وَفَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ \* وَأَمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ \* وَسَلِمَ مَنْ صَدَقَكُمْ \* وَهُدِيَ مَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ \*  
 مَنِ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ \* وَمَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ \*  
 وَمَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرُ \* وَمَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكُ \* وَمَنْ رَدَ عَلَيْكُمْ فَفِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ \* أَشْهُدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا مَضَى \* وَجَارِ لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ \* وَأَنَّ أَنْوَارَكُمْ وَسَنَاءَكُمْ \* وَأَجْسَادَكُمْ وَأَسْمَاءَكُمْ \* وَأَشْبَاحَكُمْ وَظِلَالَكُمْ \* وَأَرْوَاحَكُمْ وَطِينَاتَكُمْ وَاحِدَةٌ جَلَّتْ وَعَظَمَتْ \* وَبُورَكْتْ وَفُدَسْتْ \* وَطَابَتْ وَظَهَرَتْ \* بَعْضُها (x بَعْضاً) مِنْ بَعْضٍ \* خَلَقَكُمُ اللَّهُ أَنْوَارًا \* فَجَعَلَكُمْ بِعِرْشِهِ مُحْدِقِينَ \* لَمْ تَرَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ وَعِنْدَهُ وَفِي مَلَكُوتِهِ أَنْوَارًا تَأْمُرُونَ (x بِأَمْرِهِ تَأْمِرُونَ) \* وَلَهُ تَخْلُفُونَ وَإِيَّاهُ تُسَبِّحُونَ \* وَبِعِرْشِهِ مُحْدِقُونَ وَبِهِ حَافُونَ \* حَتَّى مَنْ (x مَنْ) بِكُمْ عَلَيْنَا \* فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرُ فِيهَا اسْمُهُ \* يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالآصَالِ رِجَالٌ \* تَوَلَّ عَزَّ ذِكْرُهُ تَظْهِيرَهَا \* وَأَمَرَ

خَلْقَهُ بِتَعْظِيمِهَا \* وَرَضِيَ مِنْ خَلْقِهِ بِتَعْظِيمِهَا \* فَرَفَعَهَا عَلَى  
كُلِّ بَيْتٍ قَدَّسَهُ فِي الْأَرْضِ \* وَأَعْلَاهَا عَلَى كُلِّ بَيْتٍ طَهَرَهُ فِي  
السَّمَاءِ \* لَا يُوَارِيَهَا خَطَرُهُ \* وَلَا يَسْمُو إِلَى سَمَائِهَا النَّظَرُ \*  
وَلَا يَظْمَحُ إِلَى أَرْضِهَا الْبَصَرُ \* وَلَا يَظْمَحُ (وَلَا يَظْمَعُ) إِلَى عَرْضِهَا  
النَّظَرُ \* وَلَا يَسْمُو إِلَى سَمْكِهَا الْبَصَرُ \* وَلَا يَقْعُ عَلَى كُنْهِهَا  
الْفِكْرُ \* وَلَا يُعَادِلُ سُكَّانَهَا الْبَشَرُ \* يَتَمَّنِي كُلُّ أَحَدٍ أَنَّهُ مِنْكُمْ  
\* وَلَا تَتَمَّنُونَ أَنْتُمْ مِنْ غَيْرِكُمْ \* إِلَيْكُمُ انتَهَتِ الْمَكَارِمُ  
وَالشَّرُفُ \* وَفِيهِمُ (x مِنْكُمْ) اسْتَقَرَّتِ الْأَنْوَارُ وَالْعِزَّةُ  
وَالْمَجْدُ وَالسُّودَدُ (x وَالسُّودَدُ) \* فَمَا فَوْقَكُمْ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ الْكَبِيرُ  
الْمُتَعَالُ \* وَلَا أَقْرَبَ إِلَيْهِ وَلَا أَخْصَّ لَدِيهِ وَلَا أَكْرَمَ عَلَيْهِ  
مِنْكُمْ \* أَنْتُمْ سَكَنُ الْبِلَادِ وَنُورُ الْعِبَادِ \* وَعَلَيْكُمُ  
الإِعْتِمَادُ يَوْمَ التَّنَادِ \* كُلَّمَا غَابَ مِنْكُمْ حُجَّةٌ أَوْ أَفْلَى مِنْكُمْ  
نَجْمٌ (x عَلَمٌ) \* أَطْلَعَ اللَّهُ لِخَلْقِهِ (x عَلَى خَلْقِهِ) مِنْ عَقِبِ الْمَاضِي (x  
عَقِبَهُ) خَلَفًا إِمَامًا \* وَنُورًا هَادِيًّا \* وَبُرْهَانًا مُبِينًا \* وَعَلَمًا نَيْرًا  
\* وَاعِيًّا عَنْ وَاعِيٍّ دَاعِيًّا عَنْ دَاعِيٍّ \* وَهَادِيًّا بَعْدَ هَادِيًّا  
وَخَزَنَةً وَحَفَظَةً \* لَا يَغِيْضُ بِكُمْ غَوْرٌ (x لَا يَغِيْضُ عَنْكُمْ عَزْرَةٌ) \*  
وَلَا تَنْقَطِعُ مَوَادُهُ \* وَلَا يُسْلِبُ مِنْكُمْ أَرِيْجُهُ (x إِرْثُهُ) \* سَبَبًا

مَوْصُولًا مِنَ اللَّهِ إِلَيْكُمْ \* وَرَحْمَةً مِنْهُ عَلَيْنَا \* وَنُورًا مِنْهُ لَنَا  
\* وَحُجَّةً مِنْهُ عَلَيْنَا \* تُرْشِدُونَا إِلَيْهِ \* وَتُقْرِبُونَا مِنْهُ  
وَتُزْلِفُونَا لَدِيهِ \* وَجَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ \* وَذِكْرَنَا لَكُمْ \*  
وَمَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَا يَتِيمْ \* وَعَرَفَنَا (x وَعَرَفْنَا) مِنْ  
فَضْلِكُمْ \* طَيْبًا لِخَلْقِنَا وَظَهَارَةً لِأَنفُسِنَا \* وَتَزْكِيَةً لَنَا  
وَكَفَارَةً لِذُنُوبِنَا وَبَرَكَةً فِينَا \* فَكُنَّا (x إِذْ كُنَّا) عِنْدَهُ بِكُمْ مُؤْمِنِينَ  
\* مُسَوَّمِينَ مَوْسُومِينَ فِيْكُمْ \* مُعْتَرِفِينَ مُسَلِّمِينَ بِفَضْلِكُمْ \*  
مَعْرُوفِينَ بِتَصْدِيقِنَا إِيَّاكُمْ \* وَبِتَاصْدِيقِنَا إِيَّاكُمْ مَشْكُورِينَ  
\* وَمَذْكُورِينَ بِطَاعَتِنَا لَكُمْ \* وَمَشْهُورِينَ بِإِيمَانِنَا بِكُمْ \*  
فَبَلَغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلَّ الْمُكَرَّمِينَ \* وَأَفْضَلَ شَرَفِ  
الْمُشَرَّفِينَ (x أَفْضَلَ شَرَفِ مَحَلَّ الْمُكَرَّمِينَ) \* وَأَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ \*  
وَأَرَقَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ \* حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ لَاحِقٌ \*  
وَلَا يَفْوُقُهُ فَائِقٌ \* وَلَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ \* وَلَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِهِ  
ظَامِعٌ \* حَتَّى لَا يَبْقَى مَلَكُ مُقَرَّبٌ \* وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ \*  
وَلَا صَدِيقٌ وَلَا شَهِيدٌ \* وَلَا عَالِمٌ وَلَا جَاهِلٌ \*  
وَلَا دَنِيٌّ وَلَا فَاضِلٌ \* وَلَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ \* وَلَا فَاجِرٌ طَالِحٌ \*  
وَلَا جَبَارٌ عَنِيدٌ \* وَلَا شَيْطَانٌ مَرِيدٌ \* وَلَا خَلْقٌ فِيمَا بَيْنَ

ذَلِكَ شَهِيدٌ (x شاهد) مَا هُنَالِكَ \* إِلَّا عَرَفْتُمْ (x إِلَّا عَرَفْتُمْ) جَلَالَة  
 أَمْرِكُمْ \* وَعِظَمَ خَطْرِكُمْ \* وَكِبَرَ (x وَكِبَرَ) شَأْنِكُمْ \* وَجَلَالَة  
 قَدْرِكُمْ وَتَمَامَ نُورِكُمْ \* وَصِدْقَ مَقَاعِدِكُمْ (x مَقْعَدُكُمْ x مَقَالِكُمْ)  
 \* وَثَبَاتَ مَقَامِكُمْ \* وَشَرَفَ مَحَلُّكُمْ وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ \*  
 وَكَرَامَتِكُمْ عَلَيْهِ \* وَخَاصَّتِكُمْ لَدَيْهِ \* وَقُرْبَ مَجْلِسِكُمْ  
 مِنْهُ \* ثُمَّ جَعَلَ خَاصَّةَ الصَّلَوَاتِ وَأَفْضَلَهَا \* وَنَامِي (x وَنَامِي)  
 الْبَرَّاكَاتِ وَأَشْرَفَهَا \* وَزَائِي التَّحِيَّاتِ وَأَتَمَّهَا \* مِنْهُ وَمِنْ  
 مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ \* وَرُسُلِهِ وَأَنْبِيَاءِهِ الْمُنْتَجَبِينَ \*  
 وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ \* مِنْ عِبَادِهِ الْمُخْلَصِينَ \* كَمَا هُوَ أَهْلُهُ  
 وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ \* أَبَدًا عَلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ \* أَشْهُدُ اللَّهَ وَأَشْهُدُكُمْ  
 يَا مَوَالِيَ \* يَا بَيِّ أَنْتُمْ وَأُمَّيَ وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَأُسْرَتِي \* أَنِّي  
 عَبْدُكُمْ \* وَطُوبَى لِي إِنْ قِبْلُتُمُونِي عَبْدًا \* وَأَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ  
 وَبِمَا آمَنْتُمْ بِهِ \* كَافِرُ بِعَدُوِّكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ \* مُسْتَبِّصُ  
 بِشَأْنِكُمْ وَبِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكُمْ \* مُوَالٍ لَكُمْ مُحِبٌّ  
 لَا وَلِيَاءِكُمْ \* وَمُعَادٍ لَا عَدَائِكُمْ لَا عِنْ لَهُمْ \* مُتَبَرِّئٌ مِنْهُمْ  
 مُبْغِضٌ لَهُمْ \* سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ \* وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ \*  
 مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ \* مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ \* مُطِيعٌ لَكُمْ \* عَارِفٌ

حَقّكُمْ \* مُقِرٌ بِفَضْلِكُمْ \* مُقْتَدٍ بِكُمْ \* مُسَلِّمٌ لِقَوْلِكُمْ  
 مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ \* مُحْتَجٌ بِذِمَّتِكُمْ \* مُعْتَرِفٌ بِكُمْ \* مُؤْمِنٌ  
 مُوقِنٌ بِإِيَّاكُمْ \* مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ \* مُنْتَظِرٌ لِأَيَّامِكُمْ (x)  
 لَا مُرِكْمُ ) \* مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ \* آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ \* عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ \*  
 مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ \* مُعَتصِمٌ بِحَبْلِكُمْ \* مُحَرِّسٌ بِكُمْ \* زَائِرٌ  
 لَكُمْ لَا إِذْ بِقُبُورِكُمْ عَائِذٌ بِكُمْ \* مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ  
 بِكُمْ وَ مُتَوَسِّلٌ بِكُمْ إِلَيْهِ \* وَ أَنْتُمْ عُدَّتِي لِلقاءِهِ وَ حَسْبِي  
 بِكُمْ \* وَ مُتَقَرِّبٌ إِلَيْهِ بِمَحَبَّتِكُمْ \* وَ مُتَقَرِّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ  
 وَ مُقْدَمُكُمْ أَمَامَ طَلَبِي وَ مَسَالِي وَ حَوَائِجي \* وَ إِرَادَتِي فِي كُلِّ  
 أَحْوَالٍ وَ أُمُورِي \* فِي دُنْيَايَ وَ دِينِي وَ آخِرَتِي وَ مُنْقَلِي  
 وَ مَثَوَّايَ \* وَ مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ \* وَ شَاهِدِكُمْ  
 وَ غَائِبِكُمْ \* وَ أَوْلَكُمْ وَ آخِرِكُمْ \* وَ مُفَوْضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ  
 إِلَيْكُمْ (x إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ تَمَّ إِلَيْكُمْ) \* وَ مُسَلِّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ \* وَ قَلْيِ  
 لَكُمْ سِلْمٌ (x مُسَلِّمٌ) \* وَ رَأَيْ لَكُمْ تَبَعَ (x مُتَبَعٌ) \* وَ نُصْرَتِي لَكُمْ  
 مُعَدَّةٌ \* حَتَّى يُحْيِي اللَّهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ \* وَ يُظْهِرُكُمْ لِعَدْلِهِ  
 فَيَرْدَدُكُمْ فِي أَيَّامِهِ \* وَ يُقِيمَكُمْ لِخَلْقِهِ \* ثُمَّ يُمَكِّنُكُمْ (x  
 يُمَلِّكُكُمْ) فِي أَرْضِهِ \* فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ

\* وَإِلَيْكُمْ إِلَيْكُمْ لَا إِلَى عَدُوِّكُمْ \* أَمَنْتُ بِكُمْ \* وَتَوَلَّتُ  
(x وَتَوَلَّتُ) آخِرَكُمْ بِمَا تَوَلَّتُ (x إِمَّا تَوَلَّتُ) بِهِ أَوْلَكُمْ \* وَبَرِئْتُ  
إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمُ الْجُبْتِ وَالظَّاغُوتِ \*  
وَالْأَبَالِسَةِ وَالشَّيَاطِينَ \* وَمِنْ حَزْبِهِمْ وَأَتَبَاعِهِمْ \* وَمُحِبِّيهِمْ  
وَذَوِيهِمْ \* وَالرَّاضِينَ بِهِمْ وَبِفِعْلِهِمْ \* الْصَادِينَ عَنْكُمْ \*  
الظَّالِمِينَ لَكُمْ \* الْجَاهِدِينَ لِحَقِّكُمْ (x حَقَّكُمْ) \* الْمُفَارِقِينَ مِنْ  
دِينِكُمْ \* وَالْمَارِقِينَ مِنْ وِلَايَتِكُمْ \* وَالْغَاصِبِينَ لِإِرْثِكُمْ (x  
إِرْثَكُمْ) \* وَالشَّاكِرِينَ (x وَالشَّاقِرِينَ) فِي كُمْ \* وَالْمُنْحَرِفِينَ  
عَنْكُمْ \* وَمِنْ كُلِّ وَلِيَجَةٍ دُونَكُمْ \* وَكُلِّ مُطَاعٍ سِوَاكُمْ \*  
وَمِنَ الْأَئِمَّةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ \* فَثَبَّتَنِي اللَّهُ أَبَدًا  
مَا حَيَتُ وَبَعْدَ وَفَاتِي \* عَلَى مُوَالَاتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَدِينِكُمْ  
\* وَوَقَنِي لِطَاعَتِكُمْ وَرَزَقَنِي شَفَاعَتِكُمْ \* وَجَعَلَنِي مِنْ  
خِيَارِ مَوَالِيكُمُ التَّابِعِينَ لِمَا دَعَوْتُمْ (x إِلَى مَا دَعَوْتُمْ) إِلَيْهِ  
وَجَعَلَنِي مِنْ يَقْفُو آثَارَكُمْ \* وَيَسْلُكُ سَيِّلَكُمْ وَيَقْتَدِي  
بِهُدَائِكُمْ \* وَيَقْتَصُ مِنْهَا جَكُمْ وَيَهْتَدِي بِهُدَائِكُمْ  
وَيَكُونُ مِنْ حِزْبِكُمْ \* وَيَتَعَلَّقُ بِحُجْرَتِكُمْ \* وَيُحْشَرُ فِي  
زُمْرَتِكُمْ \* وَيُكَرَّرُ (x وَيَكُرَّرُ فِي رَجْعَتِكُمْ \* وَيُمَلَّكُ

في دَوْلَتِكُمْ \* وَيُشَرِّفُ فِي عَافِيَتِكُمْ (x) عَاقِبَتِكُمْ \* وَيُمَكِّنُ فِي  
 وَلَا يَتَكَبَّرُونَ \* وَيَتَمَكَّنُ فِي أَيَّامِكُمْ (x) إِيَّا يُمَكِّنُ \* وَتَقْرُرُ عَيْنُهُ  
 غَدًا بِرُؤُيَتِكُمْ \* بِأَيِّ أَنْتُمْ وَأَعْيُ وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي  
 وَأُسْرَتِي \* مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدَا بِكُمْ \* وَمَنْ أَحَبَهُ اتَّبَعَكُمْ \*  
 وَمَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنْكُمْ \* وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ \*  
 لَا أَحْصِي يَا مَوَالِيَ فَضْلَكُمْ وَلَا أَعْدُ ثَنَاءَكُمْ (x) مَوَالِي لَا أَحْصِي  
 ثَنَاءَكُمْ \* وَلَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحُ كُنْهَكُمْ \* وَمِنَ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ  
 لَأَنَّكُمْ (x) أَنْتُمْ نُورُ الْأَنْوَارِ وَخِيرُ الْأَخْيَارِ \* وَهُدَاةُ الْأَبْرَارِ  
 وَائِمَّةُ الْأَخْيَارِ \* وَأَصْفَيَاءُ الْجَبَارِ (x) وَحْجَجُ الْجَبَارِ \* بِكُمْ فَتَحَ  
 اللَّهُ وَبِكُمْ يَخْتِمُ \* وَبِكُمْ يُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ  
 إِلَّا بِإِذْنِهِ \* وَبِكُمْ يُنَزَّلُ الْغَيْثُ وَيُنَفَّسُ الْهَمُّ \* وَيَكُنْ شِفْ  
 السُّوءَ وَيَدْفَعُ الْضَّرَّ \* وَيُغْنِي الْعَدِيمَ وَيَشْفِي السَّقِيمَ \*  
 بِمَنْطِيقَكُمْ (x) بِمَفْتَاحِ مَنْطِيقَكُمْ نَطَقَ كُلُّ لِسَانٍ \* وَبِكُمْ سُبْحَانُ  
 السُّبُّوحُ الْقُدُّوسُ (x) وَبِكُمْ يُسَبِّحُ الْقُدُّوسُ السُّبُّوحُ \* وَبِتَسْبِيحِكُمْ  
 جَرَتِ الْأَلْسُنُ بِالتَّسْبِيحِ \* فِي كُمْ نَزَّلْتُ رُسُلُهُ وَعَلَيْكُمْ  
 هَبَطَتْ مَلَائِكَتُهُ \* وَعِنْدَكُمْ مَا نَزَّلْتُ بِهِ رُسُلُهُ وَهَبَطَتْ بِهِ  
 مَلَائِكَتُهُ \* وَإِلَيْكُمْ بِعَثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ \* وَآتَاكُمُ اللَّهُ (x)

وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ \* طَاطِأً كُلُّ شَرِيفٍ  
 (x) تَطَاطِأً كُلُّ شَرِيفٍ لِشَرِيفِكُمْ \* وَبَخْعَ (x) تَجْمَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لِطَاعِتِكُمْ  
 وَخَضَعَ كُلُّ جَبَارٍ لِفَضْلِكُمْ \* وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ  
 وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ \* فَفَازَ الْفَائِزُونَ بِوِلَايَتِكُمْ \*  
 وَبِكُمْ يُسْلَكُ إِلَى الرَّضْوَانِ \* وَعَلَى مَنْ جَحَدَ وَلَا يَتَكَبَّرُ  
 غَضَبُ الرَّحْمَانِ (x) وَعَلَى مَنْ يَجْحُدُ وَلَا يَتَكَبَّرُ يَغْضَبُ الرَّحْمَانُ \* بِأَيِّ أَنْتُمْ  
 وَأَمْيَّ وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي \* ذِكْرُكُمْ فِي الدَّاكِرِينَ \*  
 وَأَسْمَاءُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ وَأَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ \*  
 وَأَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ وَأَنْفُسُكُمْ فِي التُّفَوِّيسِ (x) الْأَنْفُسِ \*  
 وَآثَارُكُمْ فِي الْآثَارِ وَقُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ \* فَمَا أَحْلَى  
 أَسْمَاءُكُمْ وَأَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ (x) نُفُوسَكُمْ \* وَأَعْظَمَ شَانِكُمْ  
 وَأَجَلَّ أَخْطَارَكُمْ (x) خَطَرُكُمْ \* وَأَعْلَى أَقْدَارَكُمْ \* وَأَوْفَى عَهْدَكُمْ  
 وَأَصْدَقَ وَعْدَكُمْ \* كَلَامُكُمْ نُورٌ وَأَمْرُكُمْ رُشْدٌ \*  
 وَوَصِيتَكُمُ التَّقْوَى وَفِعْلَكُمُ الْخَيْرُ \* وَعَادَتُكُمُ الْإِحْسَانُ  
 وَسَجِيَّتُكُمُ الْكَرَمُ \* وَشَانِكُمُ الْحَقُّ وَكَلَامُكُمُ الصَّدْقُ  
 وَطَبْعُكُمُ الرَّفْقُ \* وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحَتْمٌ \* وَرَأْيُكُمْ عِلْمٌ  
 وَحِلْمٌ وَكَرَمٌ \* وَأَمْرُكُمْ عَزْمٌ وَحَزْمٌ \* إِنْ دُكَرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ

أَوَّلُهُ وَآخِرَهُ \* وَأَصْلَهُ وَفَرْعَهُ \* وَمَعْدِنَهُ وَمَأْوَاهُ وَإِلَيْكُمْ  
مُنْتَهَاهُ \* يَا يٰ أَنْتُمْ وَأُمّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي \* كَيْفَ أَصِفُ  
حُسْنَ شَنَائِكُمْ \* وَأَحْصِي جَمِيلَ بَلَائِكُمْ \* وَبِكُمْ أَخْرَجَنَا  
اللَّهُ مِنَ الدُّلُّ \* وَأَطْلَقَ عَنَّا رَهَائِنَ الْغُلُّ \* وَوَضَعَ عَنَّا الْأَصَارَ  
\* وَفَرَّجَ عَنَّا غَمَرَاتِ الْكُرُوبِ \* وَأَنْقَذَنَا بِكُمْ مِنْ شَفَا  
جُرُوفِ الْهَلَكَاتِ وَمِنْ شَفَا حُفْرَةِ مِنَ النَّارِ (x) وَمِنْ عَذَابِ النَّارِ \* يَا يٰ  
أَنْتُمْ وَأُمّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي \* بِمُوَالَاتِكُمْ أَظْهَرَ اللَّهُ (x)  
عَلَمَنَا اللَّهُ، مَعَالِمِ دِينِنَا \* وَأَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَا نَا \*  
وَبِمُوَالَاتِكُمْ تَمَّتِ الْكِلَمَةُ وَعَظُمَتِ النِّعَمَةُ \* وَكَمُلَتِ الْمِنَّةُ  
وَأَئْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ \* وَبِمُوَالَاتِكُمْ تُقْبَلُ الْأَعْمَالُ \* وَلَكُمْ  
الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ وَأَعْظِمُ بِهَا طَاعَةً \* وَلَكُمُ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ  
وَأَكْرِمُ بِهَا مَوَدَّةً \* وَلَكُمُ الدَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةُ وَالْأَنْوَارُ الزَّاهِرَةُ  
\* وَالْمَقَامُ الْمَحْمُودُ وَالْمَكَانُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ \*  
وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ وَالْقَدْرُ الْجَلِيلُ وَالشَّأنُ الْكَبِيرُ \* وَالشَّفَاعَةُ  
الْمَقْبُولَةُ \* رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ \* وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ \* فَاقْتُبَنَا مَعَ  
الشَّاهِدِينَ \* رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا \* وَهَبْ لَنَا مِنْ  
لَدُنْكَ رَحْمَةً \* إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَابُ \* رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي

لِلإِيمَانِ \* أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَا \* لَبَيْكَ اللَّهُمَّ لَبَيْكَ مُجَابًا  
وَ مُسْمَعًا جَلِيلًا وَ مُنَادِيًّا عَظِيمًا \* لَبَيْكَ وَ سَعْدِيَّكَ \* تَبَارَكْتَ  
وَ تَعَالَيْتَ وَ تَحَلَّلْتَ وَ تَكَبَّرْتَ وَ تَعَظَّمْتَ وَ تَقَدَّسْتَ \* لَبَيْكَ  
رَبَّنَا وَ سَعْدِيَّكَ \* إِقْرَارًا بِرُبُوبِيَّتِكَ وَ إِيقَانًا بِكَ وَ تَصْدِيقًا  
بِكِتَابِكَ وَ وَفَاءً بِعَهْدِكَ \* هَا أَنَا ذَا عَبْدُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ \* لَبَيْكَ  
الَّهُمَّ لَبَيْكَ \* تَلْبِيَةُ الْخَائِفِ مِنْكَ \* الرَّاجِي لَكَ \* الْمُسْتَجِيرُ  
بِكَ \* رَضِينَا وَ أَحْبَبْنَا \* وَ سَمِعْنَا وَ أَطْعَنَا \* غُفرَانَكَ رَبَّنَا  
وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ \* وَ أَنْتَ إِلَهُنَا وَ مَوْلَانَا \* لَبَيْكَ دَاعِيَ اللَّهِ \* إِنْ  
كَانَ لَمْ يُجِبْكَ بَدَنِي وَ لَمْ أَدْرِكْ نُصْرَتَكَ \* فَهَا أَنَا ذَا عَبْدُكَ  
وَ زَائِرُكَ وَ زَائِرُ آلِكَ وَ عِترَتِكَ \* وَ الْمُحِلُّ إِسَاحَتِكُمْ وَ الْوَافِدُ  
إِلَيْكُمْ \* قَدْ أَجَابَكُمْ قَلْبِي وَ نَفْسِي وَ رُوحِي وَ سَمْعِي  
وَ بَصَرِي \* بِالثَّسْلِيمِ وَ الإِيمَانِ بِكَ وَ بِأَخِيكَ وَ وَصِيَّكَ  
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدِ الْوَصِيَّينَ \* وَ ابْنِتِكَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ  
الْعَالَمِينَ \* وَ سَبْطِيكَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدِيْ شَبَابِ أَهْلِ  
الْجَنَانِ \* وَ بِالْأَدِلَّةِ عَلَى اللَّهِ الْأَئِمَّةِ مِنْ عِترَتِكَ وَ ذُرِّيَّتِكَ  
الظَّاهِرِينَ \* وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ \* حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بِإِذْنِهِ \*  
وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ \* لَبَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَعِيًّا إِلَيْكَ وَ إِقْبَالًا \*

لَبَّيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ تَعَلَّقًا بِحَبْلِكَ وَ اعْتِصَامًا \* لَبَّيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ  
تَعَوُّذًا بِكَ وَ لِرَوَاذًا \* لَبَّيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ  
يَا خِيرَةَ اللَّهِ يَا أَبَا الْقَاسِمِ \* تَذَلَّلًا لِعِزَّتِكَ وَ طَاعَةً لِأَمْرِكَ \*  
وَ قَبُولًا لِقَوْلِكَ وَ دُخُولًا فِي نُورِكَ \* وَ إِيمَانًا بِكَ وَ بِأَخِيكَ  
وَ وَصِيَّكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ \* وَ آلِكَ وَ عِترَتِكَ الطَّاهِرِينَ \*  
وَ تَصْدِيقًا بِمَا حِجْتَنَا بِهِ مِنْ عِنْدِ رَبِّكَ \* رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا  
وَ كَفَرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ \* رَبَّنَا وَ آتَنَا مَا وَعَدْتَنَا  
عَلَى رُسُلِكَ وَ لَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ \* إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ \*  
رَبَّنَا آتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً \* وَ قِنَا بِرَحْمَتِكَ  
عَذَابَ النَّارِ \* سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لَمَفْعُولًا \* سُبْحَانَ  
رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ \* وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ \*  
وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ \* اللَّهُمَّ إِنِّي أُشَهِّدُكَ \* أَنَّ هَذِهِ قُبُورُ  
أُولَيَائِكَ \* وَ مَشَاهِدُهُمْ وَ آثَارُهُمْ \* وَ مَغِيْبُهُمْ وَ مَعَارِجُهُمْ \*  
الْفَائِزِينَ بِكَرَامَتِكَ \* الْمُفَضَّلِينَ عَلَى خَلْقِكَ \* الَّذِينَ عَرَفْتَهُمْ  
تِبْيَانَ كُلِّ شَيْءٍ \* وَ حَبَوْتَهُمْ بِمَوَارِيثِ الْأَنْبِيَاءِ \* وَ جَعَلْتَهُمْ  
حُجَّاجَكَ عَلَى بَرِّيَّتِكَ \* وَ أَمْنَاءَكَ عَلَى وَحْيِكَ \* وَ خُزَانَكَ عَلَى  
وَحْيِكَ \* اللَّهُمَّ قَبَلَّعْ أَرْوَاحَهُمْ وَ أَجْسَادَهُمْ \* فِي هَذِهِ السَّاعَةِ

وَ فِي كُلِّ وَقْتٍ وَ أَوَانٍ وَ حِينٍ وَ زَمَانٍ مِنَ السَّلَامَ \* وَ ارْدُدْ  
 عَلَيْنَا مِنْهُمُ السَّلَامَ \* وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ \*  
 أَشْهُدُ أَنَّكُمْ تَسْمَعُونَ الْكَلَامَ وَ تَرْدُونَ السَّلَامَ \* اللَّهُمَّ إِنَّكَ  
 قُلْتَ عَلَى لِسَانِنِيَّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ \* وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ  
 \* فَبَشِّرِ الدِّينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ \* اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ  
 آمَنْتُ بِكَ وَ بِهِمْ \* وَ صَدَقْتُ وَ سَمِعْتُ وَ أَطَعْتُ وَ أَسْلَمْتُ \*  
 فَلَا تُوقِنْنِي أَبَدًا مَوَاقِفَ الْخَزِيْنِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ \* وَ أَعْطِنِي  
 سُؤْلِي \* وَ اجْعَلْ صَلَوَاتِهِمْ مَقْبُولَةً \* وَ دُعَائِيهِمْ مُسْتَجَابًا \*  
 وَ سَعْيِهِمْ مَشْكُورًا \* وَ ذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا \* وَ ذَكْرِي بِهِمْ  
 رَفِيعًا \* وَ كَعْيِي بِهِمْ عَالِيًا \* وَ يَقِينِي بِهِمْ ثَابِتًا \* وَ رُوحِي بِهِمْ  
 سَلِيمَةً \* وَ جَسْمِي بِهِمْ مُعَافًا مَرْزُوقًا \* سَعِيدًا رَشِيدًا \* تَقِيًّا  
 عَالِمًا زَاهِدًا \* مُتَوَاضِعًا حَافِظًا زَكِيًّا \* فَقِيهًا مُوَفَّقًا مَعْصُومًا \*  
 مُؤْيَدًا قَوِيًّا عَزِيزًا \* وَ لَا تَقْطَعْ يِي عَنْهُمْ وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنِي  
 وَ بَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ \* آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ \*

- اگر او را رسیدن به ضریح مطهر (با حفظ حال توجه و ادب حضور، و رعایت  
 وقار و آرامش، و بی آزار دیگران) دست دهد، پس خود را بر نهانگاه (ضریح)  
 مقدس بیاندازد.

۵- و آنرا ببود، {وَالاَكْتِفَا نَمَىدَ بِهِ اشَارَهُ بِهِ ضَرِيحَ بِهِ هَمَانَ قَصْدَ، وَتَرَكَ آدَابَ زِيَارَتَ نَكْرَدَهُ، وَزَائِرِينَ رَأَيَ رَسِيدَنَ بِهِ ضَرِيحَ نِيَازَارَدَ}.

۶- وَبَا يَكْسُوِيْگِيْ در روی آوری به ولی حاضر (تفرد در توجه).

۷- او را با نام و برنام و پاژنام (اسم؛ لقب؛ کنیه) های نورانیش خطاب کند.

۸- سپس بگوید:

\* يَا وَلَيَّ اللَّهِ إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا كَثِيرَةً \* لَا يَأْتِي  
عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ (x إِلَّا رَحْمَةُ اللَّهِ وَرِضَاكُمْ) \* فِيْحَقٌّ مَنِ ائْتَمَنَكُمْ  
عَلَى سِرِّهِ \* وَاسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ \* وَقَرَنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَاتِهِ  
وَمُوَالَاتَكُمْ بِمُوَالَاتِهِ \* لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي \* وَكُنْتُمْ  
شُفَعَاءِي إِلَى اللَّهِ تَعَالَى \* فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ \* مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ  
أَطَاعَ اللَّهَ \* وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ \* وَمَنْ أَحَبَّكُمْ  
فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ \* وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ \*

❖ سپس دستهایش را بسوی آسمان بلند کرده و بگوید:

\* الَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شُفَعَاءَ (x وَسِيلَةً) أَقْرَبَ إِلَيْكَ \* مِنْ مُحَمَّدٍ  
وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ الْأَئِمَّةِ الْأَبْرَارِ \* عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ  
لَجْعَلُوكُمْ شُفَعَاءِي إِلَيْكَ \* الَّهُمَّ فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ  
أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمُ \*

زُمْرَةُ الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ \* إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ \*  
 وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا \*  
 وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نَعْمَ الْوَكِيلُ \*

❖ پس از این (زيارت جامعه کبیره)؛ نوبت زيارت جامعه مختصره (امین الله)؛ و  
 نیز زيارت خاصه معصوم حاضر علیه السلام؛ و بیعت با حضرت ولايت کبیری (منه  
 السلام)؛ و برائت از اضداد و طواغیت؛ و نماز زيارت؛ و سایر اعمال بعد زيارت؛  
 و طلب رخصت و وداع است، که شرح هر يك در فصلهای آتي به ترتيب  
 خواهد آمد؛ و اين اشاره برای يادآوري بقیه برنامه هاي تشرف مي باشد.



# ارزش و فضیلت زیارت امین اللہ کاملہ

❖ و همچنین از زیارات جامعه می باشد؛ زیارت معروفه به امین اللہ، که به سبب اختصار متن آن به زیارت جامعه صغیره نامیده شده است؛ و انجام زیارت با آن فضیلت فراوان دارد.

❖ در کلام خازنان و حی علیہ السلام بر زیارت با این متن بسیار تاکید شده است، بلکه خود آن حضرات علیہ السلام هم در زیارت مشاهد مشرفه بر این متن ملتزم بوده اند، و حضرت ولی عصر (آرواحنا فداء) آنرا افضل زیارات توصیف فرموده اند.

❖ و حضرت امام باقر علیہ السلام درباره آثار این زیارت فرموده اند: هریک از شیعیان و دوستان ما؛ این کلام را (در هنگام) زیارت هریک از امامان علیہ السلام گفته و بدآن زیارت نموده و دعا کند؛ پس (ملایکه) زیارت و دعای او را در طوماری از نور (به آسمان) بالا برنده، در حالی که با مهر پیامبر علیہ السلام امضا گردیده، و همچنان نگهداری می شود تا اینکه (در وقت ظهور) به قائم آل محمد (عجل الله تعالیٰ فرجه الشریف) عرضه گردد، پس صاحب این عمل؛ این طومار نورانی را از حضرتش با بشارت و تحيیت و اکرام؛ دریافت می کند، انشاء الله تعالیٰ.

❖ این زیارت نسخه های متفاوتی داشته، که با مقابله آنها با یکدیگر و تکمیل متن و درج اختلاف نسخ، بحمد الله نسخه کامله ای از این زیارت شریفه فراهم گردید؛ که در این کتاب منتشر می شود.

## متن نسخه کامله زیارت جامعه صغیره (أَمِينُ اللَّهِ)

❖ هر گاه بnde مؤمن بخواهد حضرت مصصوم علیه السلام را بدین متن زیارت نماید،  
۱- پس از تشرف با شرایط و آداب،<sup>۲</sup> و سجده در پیشگاه مقدس وجه الله،<sup>۳</sup>  
با حال تذلل و انکسار روپروری حضرتش (در حالیکه قبله ظاهره را پشت خود  
قرار داده) ایستاده،<sup>۴</sup> ابتدا بگردید از شوق دیدارشان، و نیز برای مظلومیت و  
غربت حقیقی حضرات مقصومین علیهم السلام، و همچنین به سبب التفات به کوتاهی و  
سستی خود در معرفت و تسلیم و پیروی از ایشان،<sup>۵</sup> و سپس با حال انابه و  
تضرع بگوید:

\* السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا (نام مولای حاضر را ببرد) وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ \*

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ نُورَهُ فِي بِلَادِهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَى  
عِبَادِهِ \* السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ \* أَشْهَدُ أَنِّي جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ  
حَقَّ جَهَادِهِ وَ عَمِلْتَ بِكِتَابِهِ وَ اتَّبَعْتَ سُنَّتَ نَبِيِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى دَعَاكَ  
اللَّهُ إِلَى جَوَارِهِ \* فَقَبَضَكَ (x وَ قَبَضَكَ) إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ لَكَ كَرِيمَ ثَوَابِهِ  
وَ الْزَّمْ أَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ فِي قَتْلِهِمْ إِيَّاكَ \* مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحَجَجِ  
الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ (x عَلَى عِبَادِهِ) \* اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ \*  
وَ اجْعَلْ (x فَاجْعَلْ) نَفْسِي مُظْمَنَّةً بِقَدَرِكَ (x بِقُرْبِكَ) \* رَاضِيَةً  
بِقَصَائِكَ \* مُولَعَةً بِذِكْرِكَ وَ دُعَائِكَ \* مُحبَّةً لِصَفوَتِكَ مِنْ  
خَلْقِكَ وَ أُولَيَائِكَ (x لِصَفَرَةِ أُولَيَائِكَ) \* مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَ سَمَائِكَ \*

صَابِرَةً عِنْدَ (x عَلَى) نُزُولِ بَلَائِكَ \* شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نَعْمَائِكَ  
 ذَاكِرَةً لِسَوَابِعِ (x لِسَابِعِ) آلَائِكَ \* مُشْتَاقَةً إِلَى فَرْحَةِ لِقَائِكَ  
 مُتَرَوِّدَةً التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ \* مُسْتَنَّةً بِسُنْنِ أُولَيَائِكَ \* مُفَارِقَةً  
 لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ \* مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَثَنَائِكَ

♦ آنگاه (در صورت تیسّر) گونه اش را بر ضریح مبارک گذاشته و (الا اشاره  
 نموده و) میگوید:

\* اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْتَيَّنِ إِلَيْكَ وَالْهَمَّ \* وَ سُبْلَ (x سَبِيلَ)  
 الرَّاغِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةً \* وَ أَعْلَامَ الْقَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَّةً \* وَ  
 أَفْئِدَةَ الْعَارِفِينَ مِنْكَ (x إِلَيْكَ) فَازِعَةً \* وَ أَصْوَاتَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ  
 صَاعِدَةً \* وَ أَبْوَابَ الإِجَابَةِ لَهُمْ مُفَتَّحَةً \* وَ دَعْوَةَ مَنْ نَاجَكَ  
 مُسْتَجَابَةً \* وَ تَوْبَةَ مَنْ أَنَابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةً \* وَ عَبْرَةَ مَنْ بَكَى  
 مِنْ حَوْفِكَ مَرْحُومَةً \* وَ الإِعَانَةَ لِمَنِ اسْتَعَانَ بِكَ مَوْجُودَةً (x  
 مَبْدُولَةً) \* وَ الإِعَانَةَ لِمَنِ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْدُولَةً (x مَوْجُودَةً) \* وَ عِدَاتِكَ  
 لِعِبَادِكَ مُنْجَزَةً \* وَ زَلَّ مَنِ اسْتَقَالَكَ مُقاَلَةً \* وَ أَعْمَالَ الْعَامِلِينَ  
 لِدَيْكَ مَحْفُوظَةً \* وَ أَرْزَاقَ الْخَلَائِقِ مِنْ لُدْنِكَ نَازِلَةً \* وَ عَوَائِدَ  
 الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاصِلَةً \* وَ ذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةً \* وَ حَوَائِجَ  
 خَلْقِكَ (x الْخُلْقِ) عِنْدَكَ مَقْضِيَّةً \* وَ جَوَائزَ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُوَفَّرَةً

(x مَوْفُورَةٌ) \* وَعَوَائِدَ الْمُزِيدِ مُتَوَاتِرَةٌ \* وَمَوَائِدَ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةٌ  
 \* وَمَنَاهِلَ الظَّمَاءِ لَدَيْكَ مُتَرَعَّثَةٌ \* اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي \* وَ  
 اقْبَلْ ثَنَائِي \* وَأَعْطَنِي جَزَائِي \* وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أُولَيَائِي وَ  
 أَحِبَّائِي \* بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلَيْ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ لَا يَنْهَا (x)  
 آبَائِي) \* إِنَّكَ وَلِيُّ نَعْمَانِي \* وَمُنْتَهَى مُنَايِي \* وَغَایَةُ رَجَائِي \* فِي  
 مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايِي \* أَنْتَ إِلَهِي وَسَيِّدي وَمَوْلَايِي \* اغْفِرْ  
 لِأَوْلَيَائِنَا \* وَكُفَّ عَنَّا أَعْدَاءَنَا \* وَاشْغَلْهُمْ عَنْ أَذَانَا \* وَأَظْهِرْ  
 كَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلِيَا \* وَأَدْحِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا  
 السُّفْلَى \* إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرُ



## تجدید میثاق و بیعت با حضرت ولایت کبری علیه السلام

❖ در کلام خازنان وحی آمده است که: از اهداف زیارت حضرات مucchomین علیهم السلام تجدید بیعت با ایشان بوده، و زائر به واسطه زیارت، تجدید پیمان و میثاق با ایشان می نماید، لذا پس از فراغ از زیارات جامعه و خاصه؛ برای بیعت آماده شده؛ و بگوید:

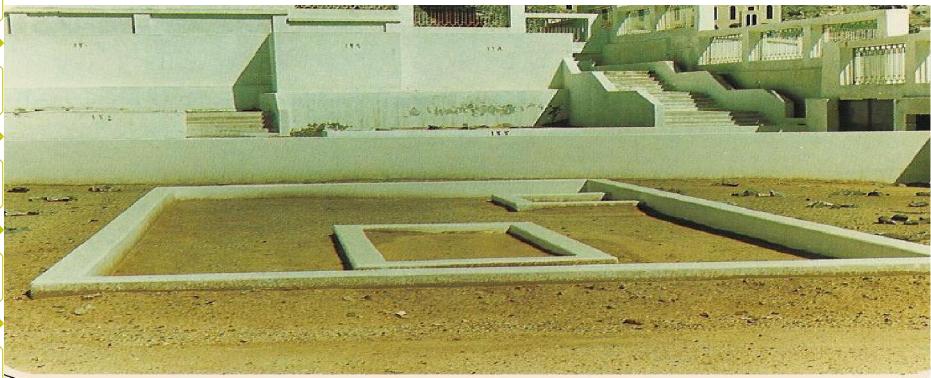
\* جَئْتُكَ يَا مَوْلَايَ زَائِرًا لَكَ وَمُسَلِّمًا عَلَيْكَ \* وَلَاءِنَا بِكَ وَ  
قَاصِدًا إِلَيْكَ \* أَجَدَدُ مَا أَخَذَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَكُمْ فِي رَقَبِتِي مِنَ  
الْعَهْدِ وَالْبَيْعَةِ وَالْمِيَثَاقِ بِالْوِلَايَةِ لَكُمْ وَالْبَرَائَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ  
\* مُعْتَرِفًا بِالْمَفْرُوضِ مِنْ طَاعَتِكُمْ \*

❖ پس اگر اورا دست دهد (با حفظ حال توجه و ادب حضور) که بدان جایگاه نور برسد، به قصد بیعت و تجدید آن؛ دست راست خود را بر ضريح مقدس گذاشته (و الا ترك آداب ننموده و مردم را نیازارد برای رسیدن به آن؛ و اکتفا نماید به اشاره بقصد بیعت)، و در این هنگام بگوید:

\* هَذِهِ يَدِي مُصَافِقَةً لَكَ عَلَى الْبَيْعَةِ الْوَاجِبَةِ عَلَيْنَا فَاقْبِلْ ذَلِكَ  
مِنِّي يَا إِمَامِي \* فَقَدْ زُرْتُكَ وَأَنَا مُعْتَرِفٌ بِحَقِّكَ مَعَ مَا أَرْزَمَ اللَّهُ  
سُبْحَانَهُ مِنْ نُصْرَتِكَ \* وَهَذِهِ يَدِي عَلَى مَا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَ بِهِ  
مِنْ مُوَالَاتِكُمْ \* وَالْإِقْرَارُ بِالْمُفْتَرِضِ مِنْ طَاعَتِكُمْ وَالْبَرَائَةُ  
مِنْ أَعْدَائِكُمْ \* وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ \*

❖ سپس (اگر دست دهد) ضریح اطهر را بوسیده؛ (و الا اشاره نموده) و بگوید:

\* يَا سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ إِمَامِي وَ الْمُفْتَرَضُ عَلَيَّ طَاعَتُهُ \* أَشْهَدُ  
أَنَّكَ بَقِيتَ عَلَى الْوَفَاءِ بِالْوَعْدِ وَ الدَّوَامَ عَلَى الْعَهْدِ \* وَ قَدْ سَلَفَ  
مِنْ جَمِيلٍ وَعْدِكَ لِمَنْ زَارَ قَبْرَكَ مَا أَنْتَ الْمَرْجُوُ لِلْوَفَاءِ بِهِ وَ  
الْمُؤْمَلُ لِتَمَامِهِ \* وَ قَدْ قَصَدْتُكَ مِنْ بَلَدي \* وَ جَعَلْتُكَ عِنْدَ اللَّهِ  
مُعْتَمِدِي \* فَحَقْقُ ظَنِّي وَ مَخِيلَتِي فِيهِكَ \* صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ  
سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا \* اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِزِيَارَتِي إِيَاهُ وَ أَرْجُو  
مِنْكَ التَّجَاهَ مِنَ النَّارِ وَ بِآبائِهِ وَ أَبْنائِهِ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ \*  
رَضِينَا بِهِمْ أَئِمَّةً وَ سَادَةً وَ قَادَةً \* اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي فِي كُلِّ حَيْرٍ  
أَدْخِلْنَاهُمْ فِيهِ \* وَ أَخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرِجْنَاهُمْ مِنْهُ \* وَ  
اجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ \* بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ \*  
يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ \*



مكان قبر السيدة خديجة رضي الله عنها .. ويجوارها ابنها القاسم في ركن المكان.

## وجوب برائت و بیزاری از تاریکیها و پلیدیها

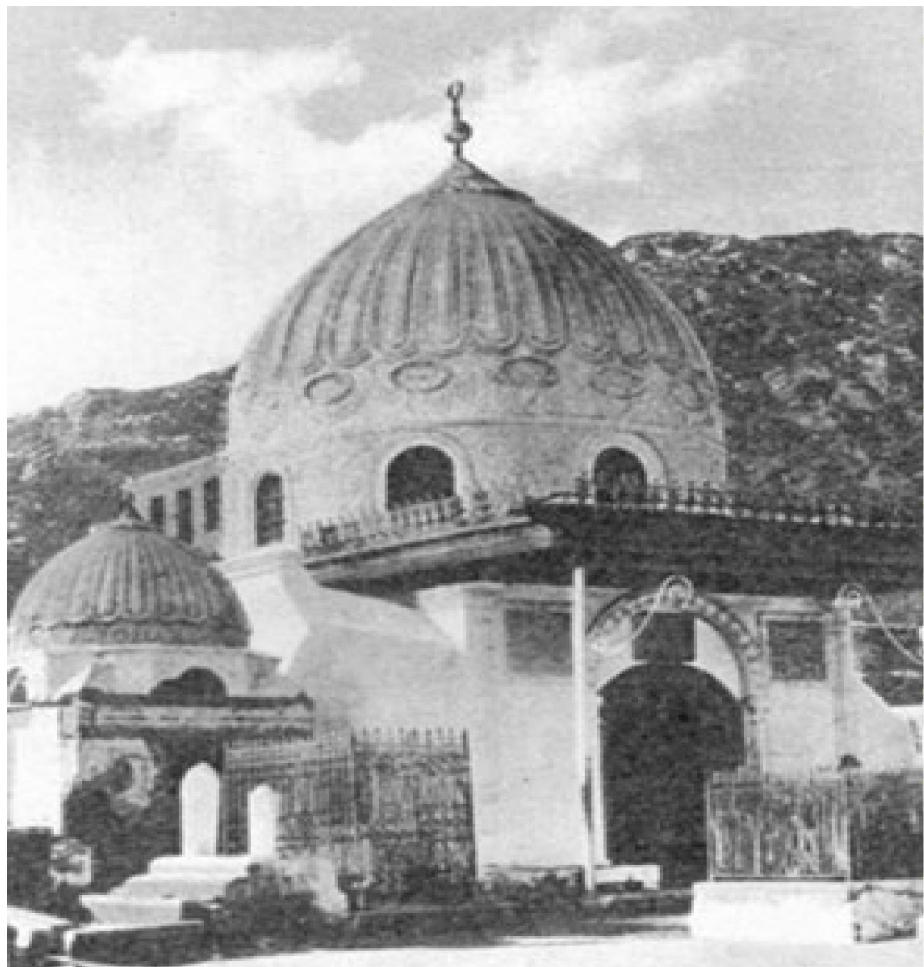
﴿ بیزاری از پلیدیها و تاریکیها؛ سرآغاز شرایط برای رسیدن به پاکی و روشنایی؛ و مهمترین ارکان دوام اینهاست، پس بدست نمی آید این نتایج الا پس از حصول آن مقدمات. ﴾

﴿ از این رو برای تأکید تحقق این معنی و تجدید آن؛ زائر خود را به ناحیه پایی مبارک لنداخته و بعد از سلام و صلووات بر جلوه های علیهم السلام بخصوص وجه الله حاضر و مورد زیارت علیهم السلام؛ پس از عمق جان و صمیم قلب و گویایی زیان خود؛ بیزاری تام خود را از درخت پلیدی و تاریکی با ریشه ها و شاخه هایش ابراز می دارد. ﴾

﴿ پس یاد می کند اضداد حق را؛ دشمنان خداوند و دشمنان صراط مستقیم الهی؛ و دشمنان انبیاء و اوصیاء و اولیاء الهی؛ بویژه دشمنان حضرات رسول الله و امیر المؤمنین و فاطمه زهراء و ائمه معصومین علیهم السلام و منکرین ایشان؛ و غاصبان مراتب و حقوق شان؛ و ظالمین و آزاردهندها و قاتلانشان؛ از پیشینیان و پسینیان؛ ابلیس و لشکریان جنی و انسی آن؛ و عاد و ثمود و شداد و نمرود، و فرعون و هامان و قارون، و جبت و طاغوت و غی، و فحشاء و منکر و بغي، و همه بتها؛ بویژه لات و عزّی و منا ثالثة أخرى، و هبل و یغوث و یعوق و نسر، و حبتر و دلام و زفرو نعشل، و هر که مانندشان و یا با ایشان بوده و هست (که برآنها لعنتهای الله واحد قهّار است). ﴾

﴿ و یک به یک آنها را با نامهایشان یاد کرده؛ سپس آنها را لعن نموده؛ و با تمام وجود خویش از آنها بیزاری بخوید. ﴾

﴿ و در اجرای برائت و بیزاری به تعبیر و متن خاصی محدود نشده؛ اگرچه فضیلت و اولویت در کاربرد نصوص مؤثره در تعالیم مکتب وحی است، مانند برخی از فقرات زیارت جامعه کبیره کامله (که قبلاً نقل شد)، و دعای قنوت مولا یمان امیر المؤمنین علیهم السلام که در برائت از جبت و طاغوت وأصنام و بتهای قریش و لعن بر آنها بوده، و نیز فقرات و متون دیگری که در کلام خازنان وحی مالک بن ابي الحسن ذکر شده؛ و آنها را در کتاب "معرفت اضداد" گردآوری نموده ایم. ﴾



## نماز و اعمال عبادی پس از زیارت

﴿ پس از فارغ شدن از زیارت، و تجدید بیعت با حضرت ولایت علیهم السلام؛ و بیزاری از ریشه های پلیدی و تاریکی؛ برای ادای نماز زیارت و سایر اعمال به پشت سر مبارک آمده، و با توجه و روی آوری به قبله ظاهر و باطن؛ نماز زیارت را (که دو رکعتی است) دو یا چهار یا شش یا هشت رکعت (بسته به توفیقش) بجای آورد.

﴿ پس از انجام نماز، تسبیحات فاطمیه علیها السلام { ۳۴ بار: الله أكبر، ۳۳ بار: سبحان الله، ۳۳ بار: الحمد لله} را انجام داده، و آنها را به پیشگاه معصوم حاضر علیهم السلام هدیه نموده، و به بقیه اعمال و اذکار و ادعیه مربوطه و تلاوت قرآن بپردازد.

﴿ زائر می تواند نماز زیارت را به صورت نمازهای مستحبی مأثوره (نماز امام زمان و سایر معصومین و جعفر طیار علیهم السلام) بجای آورد.

﴿ در صورتی که در هنگام نماز واجب است (و نیز نافله شب و شفع و وتر در صورت تنگی وقت) پس اینها را بر نماز زیارت و سایر نمازهای مستحبی پیش بیاندارد.

﴿ برای مسافرین زائر مشاهد مشرفه جایز است؛ بلکه مستحب مؤکد است که: نمازهای واجب چهار رکعتی خود را تمام بجای آورند، ولو قصد اقامه ده روز در آنجا نکرده باشند، و در این صورت می توانند روزه هم بگیرند (چه واجب و چه مستحب).

﴿ بر زایر لازم است که: به عظمت محضر توجه داشته؛ و حرمت و قداست آن

جایگاه را حفظ کرده، و بر رعایت آداب ظاهری و باطنی آن مواظبت نموده، و به غیر حضرتش نپردازد، پس در صورت فقدان شرایط و آداب؛ یا فراغت از اعمال؛ فوراً رخصت طلبیده؛ و از آن حضور شریف بیرون آید.

﴿ همچنین نباید ادامه ماندن در پیشگاه معصوم ﴿علیهم السلام﴾؛ بخاطر عدم اطمینان زائر از پذیرش و قبول و اجابت حضرتش باشد، که این خود بنحوی سوء ظن به آن مولای کریم است، چه اینکه آن حضرت وعدهایش را (به صابران و خویشتن داران) حتماً وفا نماید، بلکه آنچه مولا ﴿علیهم السلام﴾ برای بندگانش اختیار فرماید همان بهترین باشد، پس اگر زائری (با شرایط و آداب) در حضورش بیشتر بماند؛ نیست مگر برای ادائی بیشتر سپاس و ایفای بهتر حق مولا ﴿علیهم السلام﴾.



## ارسال رقعه استغاثه به ناحيه مقدسه

**سؤال:** نظر مبارک را در موارد زیر لطف فرمایید: بهترین رقعه جهت عرض حاجت به ناحیه مقدسه چیست؟ عرض حاجت در ضمن آن چگونه است؟ آیا هنگام نوشتن یا پیش و بعد از آن مراعات شرایطی لازم است؟ چگونه به ناحیه مقدسه ارسال گردد؟

**جواب:** توجّه الى الله تعالى بالعلّة والذّخيرة، للشدائد والأمور العظيمة، بمحمد وعليٍّ وألهما الطيبين الظاهرين صلوات الله عليهم أجمعين.

عمده در انگيزه: شدت اضطرار و بیچارگی رقعه نویس در ابتلاء، و معرفت او به اینکه؛ مخاطب رقعه تنها ملجاً و ملاذ اوست، و در احادیث شریفه و مجتمع آن از حضرات علیهم السلام نمونه هایی برای مضمون آن رقعه وارد شده است؛ و از جمله پانزده نمونه در کتاب بحار الأنوار ج ۹۱ ص ۲۳ و ج ۹۹ ص ۱۳۳ الی ص ۵۴ ذکر شده است، و اکتفاء به هر یک مجزی بوده، ولی از میان آنها، آنکه مشتمل بر توجّه خطاب صریح به حضرت صاحب الأمر والعصر والزمان (عجل الله تعالى فرجه الشیف) است؛ مقدم می باشد، و جمع بین مضامین آنها با تألف آن اشمل خواهد بود، هر چند که مهم آنست که رقعه بر مفاد آن نمونه ها مشتمل باشد، نه عین فقرات آنها، و محتوای رقعه: توجّه خطاب به ملجاً حقيقی، با اظهار معرفت تمام و تمام به مولی (منه السلام)، در ضمن اعتراف به مذلت و عبودیت خود، همراه با اشاره به شدت حال و اضطرار، یا بیان تفصیلی مورد حاجت و ابتلاء (البته نه با نحو اطناب) می باشد. و از آداب مذکوره در این خصوص این موارد می باشد:

نوشتن رقعه در وقت اضطرار و با یقین به اجابت، و تقديم برخی اعمال چون روزه و نماز و ادعیه و اذکار، و طهارت بدن و لباس، و غسل قبل عمل و وضع

در طول اعمال، و نوشتن در کاغذ سفید، و اینکه اگر مضمون مشتمل بر اسماء مبارکه حضرات معصومین ﷺ بود آن اسماء را همه در یک سطر بنویسد، و معطر مودن رقعه، وقت در نوشتن و ارسال رقعه؛ با حال توجه و توسل و تضرع و توبه باشد، و در توبه هم بر ترک یکی از مساوی مبتلا به خود؛ عقد و عزم جدی نماید، و عمل قبل ارسال، و در هنگام ارسال رو به قبله باشد، و در ضمن ارسال استعانت واستمداد به یکی از وکلاء و نواب و عمال ناحیه مقدسه (عجل الله تعالى فرجه الشريف) بنماید، مثل ذکر اسماء معروفین از گذشتگان، یا اجمال و اشاره به معاصرین و حاضرین ایشان نماید.

و طریق عام برای ارسال آن: گذاردن در مشاهد مقدسه (ضرایح منوره)، و یا انداختن در آب باشد، چه در دریا یا نهر آب تمیز یا چاه آب پاک یا قنات آب یا گودال بزرگ آب (غدیر)، و در صورتی که از طریق انداختن در آب؛ ارسال رقعه می نماید قبلش آنرا در گل پاک گذارد، و هنگام انداختن رو به قبله و پنهانی انجام گیرد، والا در صورت عدم دسترسی به آب؛ آن را (برای ارسال) در زمین پاک دفن نماید و پنهان کند، و نیز دعای بعد از ارسال، الی غیر ذلك ممّا ورد في الأحاديث الشريفة،

شرح مبسوط شرایط و آداب و اعمال لازمه و مستحبه برای نوشتن و ارسال رقعه را؛ همراه با انواع متون رقعه ها، و نسخه رقعه کامله، و آثار و برکات مراسله با ناحیه مقدسه را در رساله مستقلی آورده ایم. [شماره ثبت: (۱۸۱) منبع: المسائل الفقهية]



بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين إنه خيرنا صر و معين الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وعلى آلهما الطيبين الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين أبداً لآبدى

قال الله العلي العظيم في كتابه العلي الحكيم: ادعوا ربكم تضرعاً وخفيةً

# روع استغاثة

نامه به حضرت مولا صاحب الأمر عليه السلام  
انواع رقمه استغاثة باشرح اعمال وآداب قبل وحين نوشتن وہنگام ارسال  
آداب و اعمال کامل رقمه جامعه

برکات رقمه استغاثه به ناحيه مقدسه

تحقيق وتدوين: عبد الله علوی فاطمی

نشر: پژوهشگاه علوم معرفت الهی - بنیاد حیات اعلی

باشراف علمی: دار المعارف الإلهیة

## طلب رخصت از پیشگاه نورانی معصوم علیه السلام

❖ پس برای رخصت طلبیدن از حضرت مقدسه معصوم علیه السلام جهت بیرون آمدن و بازگشت از آن آستان نورانی؛ می ایستد در پیش روی مبارک با حالت تذلل و انکسار؛ و می گوید:

\* **السلام عليك يا مولاي و ابن مولاي و سيدي و رحمة الله و برگاته \*** أَنْتَ لَنَا جُنَاحٌ مِّنَ الْعَذَابِ \* وَ هَذَا أَوَانٌ مُّنْصَرٌ فِي (انصارافی) عَنْكَ إِنْ كُنْتَ أَذِنْتَ لِي \* غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكَ \* وَ لَا مُسْتَبْدِلٌ بِكَ \* وَ لَا مُؤْثِرٌ عَلَيْكَ \* وَ لَا زَاهِدٌ فِي قُرْبِكَ \* فَقَدْ جُدْتُ بِنَفْسِي لِلْحَدَثَانِ \* وَ تَرَكْتُ الْأَهْلَ وَ الْأَوْلَادَ وَ الْأَوْطَانَ \* فَكُنْ لِي شَفِيعًا (شافعاً) يَوْمَ حَاجَتِي وَ فَقْرِي وَ فَاقْتَي \* يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنِي حَمِيمٌ وَ لَا قَرِيبٌ \* يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنِي وَالدِّيَ وَ لَا وَلْدِي \* أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي قَدَرَ رَحْلَتِي (رحیلی) إِلَيْكَ \* أَنْ يُنَفِّسَ بِكَ كَرْبِي (کربی) \* وَ أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي قَدَرَ عَلَيَّ فِرَاقَ هَذَا الْمَكَانِ (فراق مکانک) أَلَا يَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ رُجُوعِي إِلَيْكَ \* وَ أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَبْكَى عَيْنِي عَلَيْكَ \* أَنْ يَجْعَلَ زِيَارَتِي لَكَ (آن یجعله) لِي سَبَبًا وَ ذُخْرًا عِنْدَهُ \* وَ أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَرَانِي مَقَامَكَ (آن یوردنی) \* وَ هَدَانِي لِلتَّسْلِيمِ عَلَيْكَ وَ زِيَارَتِي إِيَّاكَ \* أَنْ يُورَدَنِي

حَوْضُكُمْ \* وَيَرْزُقُنِي مُرَافَقَتُكُمْ فِي الْجَنَانِ \* السَّلَامُ عَلَيْكَ  
 يَا صَفْوَةَ اللَّهِ \* السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ مُحَمَّدٍ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ خَاتِمِ  
 النَّبِيِّنَ \* السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ \* وَوَصِيِّ  
 رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ \* وَقَائِدِ الْغُرَّ الْمُحَاجِلِينَ \* السَّلَامُ عَلَى  
 الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ \*  
 السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ عَلَيْهِ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسَى وَ  
 عَلَيْهِ وَمُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ وَالْحَسَنِ وَمُحَمَّدٍ الْمَهْدِيِّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَ  
 بَرَكَاتُهُ \* السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْبَاقِينَ \* السَّلَامُ عَلَى  
 مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ الْمُسَبِّحِينَ \* الَّذِينَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ \*  
 السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ \* اللَّهُمَّ لَا تَحْمِلْنَا آخِرَ  
 الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهُ \* فَإِنْ جَعَلْتَهُ فَاحْشُرْنِي مَعَهُ وَمَعَ آبَائِهِ  
 الْمَاضِينَ وَأَبْنَائِهِ الطَّاهِرِينَ \* وَإِنْ أَبْقَيْتَنِي يَا رَبِّ فَارِزُقْنِي  
 زِيَارَتَهُ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي \* إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ \*

♦ سپس می آید به پایین پای مبارک و آنچه می خواهد دعای کند؛ برای مولا  
 صاحب الامر (منه السلام) به سلامتی و مکنت و فرج؛ و برای ملتمنسین؛ و همراهان؛  
 و ذوی الحقوق و خانواده و خاندان؛ و برای جمیع اهل ایمان؛ به معرفت و محبت و  
 طاعت مولا و عافیت و امنیت و کرامت، و برای خود به عبودیت خالصه و  
 توفیقات الهیه و حسن عاقبت و جمیع خیرات دنیویه و برزخیه و اخرویه.

## رخصت برای بازگشت و وداع با حضرت علیه السلام

◆ چون خواست که از پیشگاه معصوم علیه السلام بیرون آید و از آن دیار بازگردد؛ حضرتش را وداع نموده، و در وداع خود عرضه دارد که: این ترک محضر نه از روی ملالت و خستگی؛ و نه برای ترجیح غیر براوست، بلکه نیست آن مگر از روی اضطرار؛ آن هم با اندوه فراوان، و تنها به امید دیدار مجده نزدیک و با شوق به آن؛ بدین فراق تن می دهد.

◆ و از حضرتش عاجزانه بخواهد که از قصور و تقصیرش گذشت نموده؛ و او را ببخشد، و این زیارت را به فضل و کرمش قبول فرموده؛ و او را از دیدار و باریابی مجده و زود هنگام محروم ننماید.

◆ در خصوص وداع با حضرات علیه السلام پس از زیارت مشاهد مشرفه شان، مضامین متعدده ای در کلام خازنان وحی آمده است، که بعضی ویژه هر یک از مشاهد مشرفه بوده، و بعضی عمومیت داشته و می توان در همه مشاهد بدان وداع نمود، که ما در اینجا به ذکر سه نمونه از قسم اخیر بسنده می کنیم.

◆ آنگاه برای وداع می گوید:

\* سَلَامُ اللَّهِ وَ تَحْيَاتُهُ وَ رَحْمَتُهُ وَ بَرَكَاتُهُ \* عَلَىٰ خِيرَةِ اللَّهِ  
وَ أَصْفِيَائِهِ وَ أَحِبَّائِهِ وَ حُجَّجِهِ وَ أَوْلَيَائِهِ \* مُحَمَّدٌ رَسُولُهُ وَ آلُهُ \*  
أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ \* الْحَسَنِ \* الْحُسَيْنِ \* عَلَيْهِ \* مُحَمَّدٌ \* جَعْفَرٌ  
\* مُوسَى \* عَلَيْهِ \* مُحَمَّدٌ \* عَلَيْهِ \* الْحَسَنِ \* الْخَلْفِ الصَّالِحِ \*  
عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ جَمِيعًا الْسَّلَامُ وَ الرَّحْمَةُ \* الْسَّلَامُ عَلَىٰ خَالِصَةِ اللَّهِ

مِنْ خَلْقِهِ وَ صَفْوَتِهِ مِنْ بَرِّيَّتِهِ \* وَ أُمَانَائِهِ عَلَى وَحْيِهِ وَ حُجَّجِهِ  
عَلَى عِبَادِهِ \* وَ حُرَّانِهِ عَلَى عِلْمِهِ \* وَ عَلَيْهِمْ مِنْ اللَّهِ دَائِمٌ  
الصَّلَواتِ \* وَ زَاكِي الْبَرَّاتِ وَ نَامِي التَّسْحِيَّاتِ \* الْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ  
مَوَالِيَّ أَئْمَّتِي وَ قَادَتِي \* وَ نِعْمَ الْمَوَالِي وَ الْأَئْمَّة وَ الْقَادَة أَنْتُمْ \*  
وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ \* وَ السَّلَامُ لَكُمْ مِنِّي قَلِيلُ \* الْسَّلَامُ  
عَلَيْكُمْ أَلَّ يَا سِينَ \* سَلَامًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا \* مُتَتَابِعًا سَرْمَدًا  
دَائِمًا أَبَدًا \* كَمَا أَنْتُمْ أَهْلُهُ \* مِنِّي وَ مِنْ وَالِدَيَّ وَ أَهْلِي وَ وُلْدِي  
وَ إِخْوَتِي وَ أَخْوَاتِي \* وَ مِنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ  
مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ \* وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ \* الْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ  
سَلَامٌ مُوَدَّعٌ \* لَا سَيِّمٌ وَ لَا قَالٌ وَ لَا مَالٌ \* وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ  
عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ (x يَا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّة) \* إِنَّهُ حَمِيدٌ مَحِيدٌ \* سَلَامٌ  
وَلِيٌّ عَيْرٌ رَاغِبٌ عَنْكُمْ \* وَ لَا مُسْتَبْدِلٍ بِكُمْ وَ لَا مُنْحَرِفٍ  
عَنْكُمْ \* وَ لَا مُؤْثِرٌ عَلَيْكُمْ وَ لَا زَاهِدٌ فِي قُرْبِكُمْ \*  
وَ لَا أَبْتَغِي بِكُمْ بَدَلًا وَ لَا عَنْكُمْ حِوْلًا \* وَ لَا أَتَخُذُ بَيْنَكُمْ  
سُبُلاً وَ لَا أَشْتَرِي بِكُمْ ثَمَنًا \* لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ  
زِيَارَتِكُمْ \* وَ تَعْظِيمِ ذِكْرِكُمْ وَ تَفْخِيمِ أَسْمَائِكُمْ \* وَ إِتْيَانِ  
مَشَاهِدِكُمْ وَ آثَارِكُمْ \* وَ الصَّلَاةِ لَكُمْ وَ التَّسْلِيمُ عَلَيْكُمْ \*

بِلْ جَعَلَهُ اللَّهُ مَثَابَةً لَنَا وَأَمْنًا فِي دُنْيَا نَا وَآخِرَتِنَا \* وَذِكْرًا وَنُورًا  
لِمَعَادِنَا \* وَأَمَانًا وَإِيمَانًا لِمُنْقَلِبِنَا وَمَثْوَانَا \* وَحَشْرَنِي اللَّهُ فِي  
زُمْرَاتِكُمْ \* وَأَوْرَدَنِي حَوْضَكُمْ وَجَعَلَنِي مِنْ حِزْبِكُمْ \*  
وَأَرْضَاكُمْ عَنِّي وَمَكَنَنِي مِنْ دَوْلَاتِكُمْ \* وَأَحْيَانِي فِي  
رَجْعَتِكُمْ وَمَلَكَنِي فِي أَيَّامِكُمْ \* وَشَكَرَ سَعْيِ بِكُمْ \*  
وَغَفَرَ ذَنْبِي بِشَفَاعَتِكُمْ وَأَقَالَ عَثْرَتِي بِمَحَبَّتِكُمْ (× بِحُبِّكُمْ)  
وَأَعْلَى كَعْبِي بِمُوَالَاتِكُمْ \* وَشَرَفَنِي بِطَاعَتِكُمْ وَأَعَزَّنِي  
بِهُدَاكُمْ \* وَجَعَلَنِي اللَّهُ مِمَّنِ انْقَلَبَ عَنْ زِيَارَتِكُمْ وَذِكْرِكُمْ  
وَالصَّلَاةِ لَكُمْ وَالتَّسْلِيمِ عَلَيْكُمْ \* مُفْلِحًا مُنْجَحًا غَانِمًا  
سَالِمًا مُعَافًا غَنِيًّا \* فَائِرًا بِرِضْوَانِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ وَفَضْلِهِ وَكِفَايَتِهِ  
وَنَصْرِهِ وَأَمْنِهِ وَمَغْفِرَتِهِ وَنُورِهِ وَهُدَاهُ \* وَحِفْظِهِ وَكِلَائِتِهِ  
وَتَوْفِيقِهِ وَعِصْمَتِهِ \* يَا فَضْلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ زُوَّارِكُمْ \*  
وَمَوَالِيْكُمْ وَمُحِبِّيْكُمْ وَشِيَعَتِكُمْ \* وَرَزَقَنِي اللَّهُ الْعُودَةَ  
الْعُودَ \* أَبَدًا مَا أَبْقَانِي رَبِّي إِلَيْكُمْ \* بِنِيَّةً وَإِيمَانٍ وَتَقْوَى  
وَإِخْبَاتٍ وَنُورٍ وَإِيقَانٍ \* وَأَرْزَاقِ مِنْ فَضْلِهِ حَلَالٍ وَاسِعَةَ  
طَيِّبَةَ \* دَارَةَ هَنِيَّةَ مَرِيَّةَ سَلِيمَةَ \* مِنْ غَيْرِ كَدٍ وَلَا مَنْ مِنْ  
أَحَدٍ \* وَنِعْمَةَ سَابِغَةَ وَعَافِيَةَ سَالِمَةَ \* اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ

مِنْ زِيَارَتِهِمْ وَ ذِكْرِهِمْ وَ الصَّلَاةِ عَلَيْهِمْ \* وَ أُوْجِبَ لِي مِنَ الرَّحْمَةِ  
 وَ الْخَيْرِ \* وَ الْحَيَاةِ وَ الْكَرَامَةِ وَ الْبَرَكَةِ \* وَ التَّقْوَى وَ الصَّلَاحِ  
 وَ الْفَوْزِ وَ النُّورِ وَ الإِيمَانِ \* وَ الْمَغْفِرَةِ وَ الرَّضْوَانِ وَ حُسْنِ  
 الْإِجَابَةِ \* مِثْلَ مَا أُوْجِبَتْ لِأُولَائِكَ وَ صَالِحِي عِبَادِكَ \* مِنْ  
 زُوَّارِهِمْ وَ وَافِدِيهِمْ \* وَ مَوَالِيهِمْ وَ مُحِبِّيهِمْ وَ حِزْبِهِمْ وَ شَيْعَتِهِمْ  
 الْعَارِفِينَ حَقَّهُمْ \* الْمُوجِبِينَ طَاعَتِهِمْ \* الْمُدْمِنِينَ ذِكْرَهُمْ  
 الْرَّاغِبِينَ فِي زِيَارَتِهِمْ \* الْمُنْتَظَرِينَ أَيَّامَهُمْ \* الْمُطِيعِينَ لَهُمْ  
 الْمُتَقَرِّبِينَ بِذَلِكَ إِلَيْكَ وَ إِلَيْهِمْ \* اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَنْ وَقَدَّتْ إِلَيْهِ  
 الرِّجَالُ \* وَ شُدَّدْتِ إِلَيْهِ الرِّحَالُ \* وَ صُرِفْتِ نَحْوَهُ الْأَمَالُ \*  
 وَ ارْتَجَيَ لِلرَّغَائِبِ وَ الْإِفْضَالِ \* وَ أَنْتَ يَا سَيِّدِي أَكْرَمُ مَائِيَّ  
 وَ أَكْرَمُ مَزُورِي \* وَ قَدْ جَعَلْتَ لِكُلِّ زَائِرٍ كَرَامَةً \* وَ لِكُلِّ وَافِدٍ  
 تُحْفَةً \* وَ لِكُلِّ سَائِلٍ عَطِيَّةً \* وَ لِكُلِّ رَاجِ ثَوَابًا \* وَ لِكُلِّ مُلْتَمِسِ  
 مَا عِنْدَكَ جَرَاءً \* وَ لِكُلِّ رَاغِبٍ إِلَيْكَ هِبَةً \* وَ لِكُلِّ مَنْ فَزَعَ  
 إِلَيْكَ رَحْمَةً \* وَ لِكُلِّ مُتَضَرِّعٍ إِلَيْكَ إِجَابَةً \* وَ لِكُلِّ مُتَوَسِّلٍ إِلَيْكَ  
 عَفْواً \* وَ قَدْ جِئْتُكَ زَائِرًا لِقُبُورِ أَحِبَّائِكَ وَ أُولَائِكَ \* وَ خَيْرِتِكَ  
 مِنْ عِبَادِكَ \* وَ أَفِدَا إِلَيْهِمْ نَازِلًا بِفَنَائِهِمْ \* قَاصِدًا لِحَرَمِهِمْ رَاغِبًا  
 فِي شَفَاعَتِهِمْ \* مُلْتَمِسًا مَا عِنْدَهُمْ \* رَاجِيًا لَهُمْ مُتَوَسِّلًا إِلَيْكَ

بِهِمْ \* وَ حَقٌّ عَلَيْكَ أَلَا تُخِيِّبَ سَائِلَهُمْ وَ وَافِدَهُمْ وَ النَّازِلِ  
بِفِنَائِهِمْ وَ الْمُنِيَخَ إِسَاحَتِهِمْ \* مِنْ حِزْبِهِمْ وَ أَشْيَا عِهِمْ \* وَ وَقَفْتُ  
بِهَذَا الْمَقَامِ الشَّرِيفِ \* رَجَاءً مَا عِنْدَكَ لِزُوَارِهِمْ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُمْ  
\* مِنَ الرَّحْمَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ وَ الْفَضْلِ وَ الْإِنْعَامِ \* فَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ  
أَخْيَبِ وَفْدِكَ وَ وَفْدِهِمْ \* وَ أَكْرِمْنِي بِالْجَنَّةِ وَ مُنَّ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ  
وَ جَمِلْنِي بِالْعَافِيَةِ \* وَ أَجِرْنِي بِالْعِتْقِ مِنَ النَّارِ \* وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ  
رِزْقَكَ الْحَلَالَ وَ فَضْلَكَ الْوَاسِعَ الْجَرِيلَ \* وَ ادْرَأْ عَنِّي أَبَدًا شَرَّ  
كُلُّ ذِي شَرٍّ مِنَ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ \* بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي يَا سَادَتِي  
أَتَقَرِّبُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ \* وَ أَتَوَجَّهُ بِكُمْ إِلَى اللَّهِ \* وَ أَطْلُبُ بِكُمْ  
حَاجَتِي مِنَ اللَّهِ \* جَعَلَنِي اللَّهُ بِكُمْ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ  
وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ \* بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي  
تَحَنَّنُوا عَلَيَّ وَ ارْحَمُونِي وَ اجْعَلُونِي مِنْ هَمَّكُمْ \* وَ اذْكُرُونِي عِنْدَ  
رَبِّكُمْ \* كُوئُنَا عِصْمَتِي وَ صَيَّرُونِي مِنْ حِزْبِكُمْ \* وَ شَرَّفُونِي  
بِشَفَاعَتِكُمْ (x) وَ أَدْخِلُونِي فِي شَفَاعَتِكُمْ \* وَ مَكْنُونِي فِي دَوْلَتِكُمْ  
وَ احْسُرُونِي فِي زُمْرَتِكُمْ \* وَ أَوْرِدُونِي حَوْضَكُمْ \* وَ أَكْرِمُونِي  
بِرِضاَكُمْ \* وَ أَسْعِدُونِي بِطَاعَتِكُمْ \* وَ خُصُونِي بِفَضْلِكُمْ \*  
وَ احْفَظُونِي مِنْ مَكَارِهِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ شَرِّ الْإِنْسِ وَ الْجَنِّ وَ كُلِّ

ذِي شَرٍّ بِقُدْرَتِكُمْ \* فَبِذِمَّةِ اللَّهِ وَذِمَّتِكُمْ وَجَلَالِ اللَّهِ  
وَكَبِيرِيَاءِ اللَّهِ وَمُلْكِ اللَّهِ وَسُلْطَانِ اللَّهِ وَعَظَمَةِ اللَّهِ وَعِزِّ اللَّهِ  
وَكَلِمَاتِهِ الْمُبَارَكَاتِ \* أَمْتَنِعُ وَأَحْتَرُ وَأَسْتَجِيرُ وَأَسْتَغِيْثُ  
وَأَحْتَرُ نَفْسِي وَأَهْلِي وَوْلَدِي وَمَالِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ أَبَدًا  
فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ مِنْ كُلِّ سُوءٍ \* وَبِكُمْ أَرْجُو النَّجَاةَ وَأَطْلُبُ  
الصَّلَاحَ وَأَمْلُ النَّجَاحَ \* وَأَسْتَشْفِي مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ  
وَإِلَيْكُمْ مَفْرِي مِنْ كُلِّ خَوْفٍ \* وَعَلَيْكُمْ مُعَوَّلٌ عِنْدَ كُلِّ شِدَّةٍ  
وَرَخَاءٍ \* اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا أَنْتَ وَهُمْ  
أَهْلُهُ \* وَأَدْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ دَعَوْا إِلَيْهِ وَدَلَّوْا عَلَيْهِ  
وَأَمْرُوا بِهِ \* وَرَضُوا بِهِ قَوْلًا وَفِعْلًا \* وَنَجَّنِي بِهِمْ مِنْ كُلِّ  
مَكْرُوهٍ \* وَأَخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ \* وَاغْصِمْنِي مِنْ كُلِّ مَا نَهَا  
عَنْهُ وَأَنْكَرُوهُ وَحَوَّفُوا مِنْهُ وَحَذَرُوهُ \* وَعَجَّلْ فَرَجَهُمْ  
وَفَرَجَنَا بِهِمْ \* وَأَهْلِكْ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْإِنْسَانِ وَالْجِنِّ \* اللَّهُمَّ صَلِّ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَلْعَ أَرْوَاحَهُمْ وَأَجْسَادَهُمْ أَبَدًا مِنِّي  
السَّلَامَ وَارْدُدْ عَلَيْنَا مِنْهُمُ السَّلَامَ \* وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ  
وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ \* وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَثِيرًا \*  
وَحَسَبْنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ \*

❖ سپس می گوید: \* آللَّامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَ  
بَرَكَاتُهُ \* أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ \*  
آمَنَّا بِالرَّسُولِ وَبِمَا جِئْنَاهُ وَدَعَوْتُمْ إِلَيْهِ \* اللَّهُمَّ لَا تَحْجَلْهُ أَخْرَى  
الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي وَلِيَكَ \* اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنِي ثَوَابَ مَزَارِهِ الَّذِي  
أَوْجَبْتَ لَهُ \* وَيَسِّرْ لَنَا الْعَوْدُ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى \*

❖ یا اینکه بگوید:

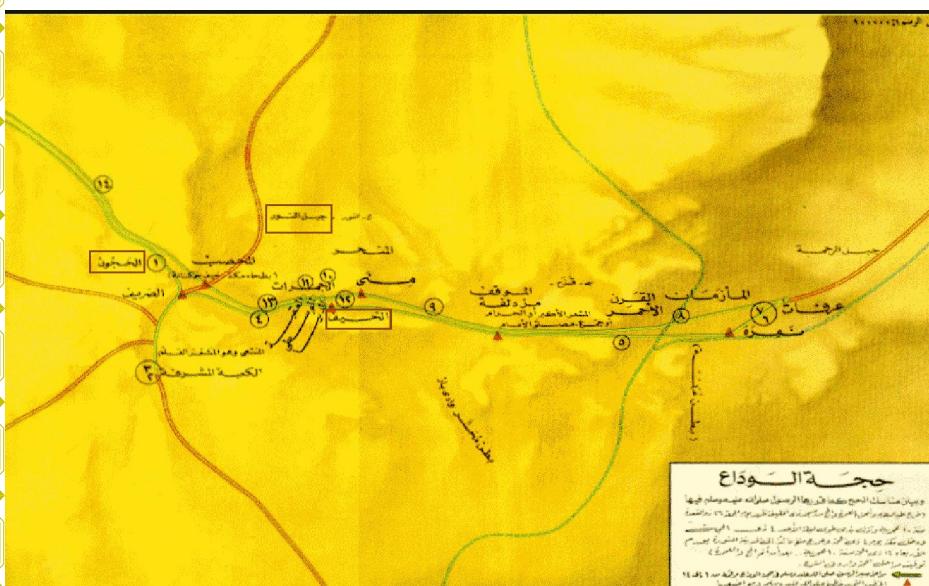
\* أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَأَسْتَرْعِيهِ إِيَّاكَ (x وَأَسْتَرْعِيكَ) \* وَأَقْرَأْ عَلَيْكَ  
السَّلَامَ \* آمَنَّا (x مُؤْمِنٌ) بِاللَّهِ وَبِمَا دَعَوْتَ إِلَيْهِ وَدَلَّتَ عَلَيْهِ \*  
اللَّهُمَّ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ \* اللَّهُمَّ فَارْزُقْنِي حُبَّهُمْ وَمَوَدَّهُمْ  
أَبَدًا مَا بَقِيَّنِي \* آللَّامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ وَرُزْوَارِ {در زیارت پیامبر و  
دخت گرامی او ﷺ بگوید: قَبْرِكُما يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَابْنَتِهِ و در زیارت مولا علی علیہ السلام بگوید:  
قَبْرِكَ يَا أَخَا نَبِيَّ اللَّهِ و در زیارت سایر معمورین علیہ السلام بگوید: قَبْرِكَ يَا ابْنَ نَبِيِّ  
اللَّهِ } \* أَبَدًا مَا بَقِيَتُ وَدَائِمًا إِذْ أَفْنِيْتُ \* السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى  
عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ \*

❖ آنگاه (اگر میسر شود) خود را بر ضریح مطهر انداخته و آنرا بوسیده و گونه  
هايش را بر آن گذارد؛ و دعا نماید برای خود و اهل ایمان؛ هر قدری که  
بخواهد، هر چند که متن زیارات جامعه و خاصه و برنامه هاي بعد آن حاوي  
انواع بهترین دعاهاست.

❖ سپس بیرون بیاید از آن حظیره قدسیه؛ و در هنگام بیرون آمدن؛ بپرهیزد از پشت نمودن به آن حضر انور؛ و تا از روضه منوره خارج نشده؛ و آن ضریح اقدس از نظرش غایب نشده؛ روی خود را نگرداند، بلکه به قهقرا بیرون آید؛ و به آرایی و با حال اکراه؛ مانند کسی که مایل به خروج نیست.

**سؤال:** هل يجوز طلب الولد أو الرزق أو الحفظ والامان وغيرها... من المعصومين  
الله تعالى مباشرة؛ لا لأنهم يخلقون أو يرزقون؛ وإنما لأنهم الوسيلة إلى الله تعالى  
والشفاء إليه بقضاء الحاجات؛ ولأنهم لا يفعلون شيئاً إلا بإذنه جل شأنه، فهم  
يسألونه فيخلق ويسألونه فيرزق، ولا ترد لهم مسألة أو دعاء؛ لمنزلتهم منه جل  
شأنه ولو لا يتهم علينا، وقد قال تعالى : وإبتعوا إليه الوسيلة؛ ويبتغون إلى ربهم  
الوسيلة؟

**جواب:** لا بأس بطلب الحاجة منهم مطلقاً، فإنه لاحول ولا قوّة إلا بالله العلي العظيم. [شماره ثبت: (٤٧٤) منبع: المسائل الغروري]



## زيارات خاصة

-۲ زیارات خاصه: که ویژه زیارت هر یک از حضرات معصومین ﷺ وارد شده است، و ازین نوع زیارت برای زیارت هر کدام از حضرات ﷺ متون متعدده ای در منابع کلام خازنان و حی ﷺ آمده است، که نسخه کامله یا مصححه برگزیده از آنها را بعد از مبحث زیارات جامعه می آوریم.

﴿ از جمله این زیارات خاصه است: زیارات حضرت رسول الله ﷺ از نزدیک و دور، و زیارت کیمیاء حضرت مولا علی علیه السلام، و زیارت کامله حضرت زهراء علیها السلام، و زیارت عاشوراء تامه، و زیارت ائمه بقیع ﷺ، و زیارت امامین جوادین علیهم السلام، و زیارت خاصه رضویه علیه السلام، و زیارت امامین عسکریین علیهم السلام، و زیارات حضرت صاحب الامر علیه السلام، و زیارت انبیاء و اوصیای الهی سابقین علیهم السلام .

﴿ البته بعد از زیارت حضرات معصومین ﷺ؛ نوبت زیارت مساجد معظمه و دیگر بقاع نورانی در بلاد مشاهد منوره است؛ که ذکر نحوه زیارت این اولیاء الهی قلیل و اعمال مخصوص این اماکن را در فصل مربوطه اش می آوریم.<sup>٦٤</sup>

---

(۶۴) منبع و مستند آنچه در این رساله شریفه آمده است همانا: کلام وحی و خازنان وحی ﷺ می باشد، که در متون حدیث اهل بیت ﷺ آمده، و ازین جمله است کتاب شریف: کامل الزیارات ابن قولویه، و عیون أخبار الرضا علیه السلام و ثواب الأعمال شیخ صدق، و المزار شیخ مجید و التهذیب شیخ طوسی، و مصباح الزائر و إقبال الأعمال سید بن طاووس، و المزار شهید اوقل و المزار الكبير ابن المشهدی و تحفه الزائر و بحار الأنوار علامه مجلسی ج ۹۷ و ۹۸ و ۹۹، و وسائل الشیعة شیخ حرّ عاملی، و مستدرک الوسائل و نجم الثاقب محدث نوری.



زیارت کاملہ

# حضرت فاطمہ زهراء

حجۃ اللہ علی حجج اللہ الکبریٰ علیہ السلام  
الی علی معرفتها دارت القرون الاولی

تحقيق وتدین: عبداللہ علوی فاطمی

ارائے و نشر: پروگرڈمہ علوم کلام خازن وحی بنیاد حیات علی

طرح و برنامہ ریزی پروگرڈمی و مدیریت و اشراف علمی

دار المعارف الإلهیة

# زارت عاشوراء کامله

۸۰

اقbas از رساله شریفه: آئین حج حسینی علیه السلام

عبد الله علوی فاطمی

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی

دار المعارف الإلهیة

ارائه و نشر: پژوهشگاه علوم کلام حازمان و حی بنیاد حیات اعلی

۱۴۳۱

# زیارت عاشوراء تامه

اقباس از رساله شریفه: آمین حج حسینی علیه السلام

تحقیق و تدوین

عبد الله علوی فاطمی

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی

دار المعارف الإلهیة

ارائه و نشر: پژوهشگاه علوم کلام حازمان و حی بنیاد حیات اعلی

نسخه کامله

# زيارة عاشوراء ناحيہ مقدسہ

تحقیق و تدوین

عبد الله علوی فاطمی

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی

دار المعارف الإلهیة

ارائه و نشر: پژوهشکده علوم کلام حازمان و حی بنیاد حیات اعلی

نسخہ کاملہ

# زیارت خاصہ رضویہ

تحقیق و تدوین

عبد اللہ علوی فاطمی

طرح و برنامہ ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی

دارالمعارف الإلهیۃ

ارائه و نشر: پژوهشگاه علوم کلام حازمان و حی بنیاد حیات اعلیٰ

۱۴۶۰

# زيارات حضرت صاحب الأُمَّ (من السالم إلى النيسليما)

## سلام وتحية خاتمية

\* السَّلَامُ عَلَى الْحَقِّ الْجَدِيدِ وَالْعَالَمِ الَّذِي عَلِمْهُ لَا يَبْيَدُ \*

السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ الْمُؤْمِنِينَ وَمُبِيرِ الْكَافِرِينَ \* السَّلَامُ عَلَى مَهْدِيِّ الْأُمَّمِ وَجَامِعِ الْكَلِمِ \* السَّلَامُ عَلَى خَلِيفِ السَّلَفِ وَصَاحِبِ الشَّرَفِ \* السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ الْمَعْبُودِ وَكَلِمَةِ الْمَحْمُودِ \*

السَّلَامُ عَلَى مُعِزِّ الْأُولَيَاءِ وَمُذَلِّ الْأَعْدَاءِ \* السَّلَامُ عَلَى وَارِثِ الْأَنْبِيَاءِ وَخَاتِمِ الْأُوصِيَاءِ \* السَّلَامُ عَلَى الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ وَالْعَدْلِ الْمُشْتَهَرِ \* السَّلَامُ عَلَى السَّيِّفِ الشَّاهِرِ وَالْقَمَرِ الزَّاهِرِ وَالنُّورِ الْبَاهِرِ \* السَّلَامُ عَلَى شَمْسِ الظَّلَامِ وَبَدْرِ التَّمَامِ \* السَّلَامُ عَلَى رَبِيعِ الْأَنَامِ وَنَصْرَةِ الْأَيَامِ \* السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الصَّمْصَامِ وَفَلَاقِ الْهَامِ \* السَّلَامُ عَلَى الدِّينِ الْمَأْثُورِ وَالْكِتَابِ الْمَسْطُورِ \*

السَّلَامُ عَلَى بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي بِلَادِهِ وَحُجَّتِهِ عَلَى عِبَادِهِ \* الْمُنْتَهَى إِلَيْهِ مَوَارِيثُ الْأَنْبِيَاءِ وَلَدَيْهِ مَوْجُودٌ آثارُ الْأَصْفِيَاءِ \* الْمُؤْتَمِنُ عَلَى السِّرِّ وَالْوَلِيِّ لِلَّامِرِ \* السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَ بِهِ الْأُمَّمَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَيَلْمَمَ بِهِ الشَّعْثَ وَيَمْلأَ بِهِ

الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا وَ يُمَكِّنَ لَهُ وَ يُنْجِزَ بِهِ وَعْدَ الْمُؤْمِنِينَ \*  
 أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ وَ الْأَئِمَّةَ مِنْ آبائِكَ أَئِمَّتِي وَ مَوَالِيٰ فِي الْحَيَاةِ  
 الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُولُ الْأَشْهَادُ \* أَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ أَنْ تَسْأَلَ اللَّهَ  
 تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي صَلَاحِ شَأْنِي وَ قَضَاءِ حَوَائِجِي وَ غُفرانِ ذُنُوبِي  
 وَ الْأَخْذِ بِيَدِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي لِي وَ لِإِخْوَانِي وَ أَخْوَاتِي  
 الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ كَافَّةً \* إِنَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ \*

لَهُ سِپس نماز زیارت را که دوازده رکعت (۲۶ رکعتی با سلام) است؛ بجای آورد، بعد از آن تسبیح حضرت زهراء علیها السلام بگوید، و آنها را به حضرت صاحب الامر علیها السلام هدیه نماید، و پس از آن بگوید:

\* اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ وَ خَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ \*  
 الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ \* وَ الْقَائِمِ بِقِسْطِكَ \* وَ الْفَائزِ بِأَمْرِكَ \* وَ لِي  
 الْمُؤْمِنِينَ وَ مُبِيرِ الْكَافِرِينَ \* وَ مُجْلِي الظُّلْمَةِ وَ مُنِيرِ الْحَقِّ \* وَ  
 الصَّادِعِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ الصِّدْقِ \* وَ كَلِمَتِكَ وَ  
 عَيْبَتِكَ \* وَ عَيْنَكَ فِي أَرْضِكَ \* الْمُتَرَّقِبُ الْخَائِفُ \* الْوَلِيُّ  
 النَّاصِحُ \* سَفِينَةُ التَّجَاهِ \* وَ عَلَمُ الْهُدَى \* وَ نُورُ أَبْصَارِ الْوَرَى  
 \* وَ خَيْرٌ مَّنْ تَقْمَصَ وَ ارْتَدَى \* وَ الْوِثْرِ الْمَوْتَوْرِ \* وَ مُفَرِّجُ  
 الْكَرْبِ \* وَ مُزِيلُ الْهَمِّ \* وَ كَاشِفُ الْبَلْوَى \* صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ  
 وَ عَلَى آبائِهِ الْأَئِمَّةِ الْهَادِيِّينَ وَ الْقَادِرِ الْمَيَامِينَ \* مَا ظَلَعَتْ كَوَاكِبُ

الأسحاري وأورقت الأشجارِ وَأَيْنَعَتِ الْأَثْمَارِ وَأَخْتَلَفَ اللَّيلُ وَ  
النهارُ وَغَرَّتِ الْأَطْيَارُ \* اللَّهُمَّ انْقُنَا بِحُبِّهِ \* وَاحْسُنْنَا فِي  
زُمْرَتِهِ وَتَحْتَ لِوائِهِ \* إِلَهُ الْحَقِّ \* آمِينَ رَبُّ الْعَالَمِينَ \*



کرن یانی کنار مسحار محل سخافتہ شدن دیوار کعبہ

## سلام و تحية مهدوية

\* أَسْلَامُ عَلَيْكَ يا خليفة الله في أرضه \* و خليفة رسوله و آبائه الأئمة المعصومين المهديين \* أَسْلَامُ عَلَيْكَ يا حافظ أسرار رب العالمين \* أَسْلَامُ عَلَيْكَ يا وارث علم المرسلين \* أَسْلَامُ عَلَيْكَ يا بقية الله من الصفوة المنتجبين \* أَسْلَامُ عَلَيْكَ يا ابن الأنوار الزاهرة \* أَسْلَامُ عَلَيْكَ يا ابن الأشباح الباهرة \* أَسْلَامُ عَلَيْكَ يا ابن الصُّورِ التَّيَّرِ الطَّاهِرَة \* أَسْلَامُ عَلَيْكَ يا وارث كنز العلوم الإلهية \* أَسْلَامُ عَلَيْكَ يا حافظ مكنون الأسرار الربانية \* أَسْلَامُ عَلَيْكَ يا من خضعت له الأنوار المجدية \* أَسْلَامُ عَلَيْكَ يا باب الله الذي لا يؤتي إلا منه \* أَسْلَامُ عَلَيْكَ يا حجاب الله الأزلي القديم \* أَسْلَامُ عَلَيْكَ يا ابن شجرة طوبى و سدرة المنتهى \* أَسْلَامُ عَلَيْكَ يا نور الله الذي لا يطفئ \* أَسْلَامُ عَلَيْكَ يا حجة الله التي لا تخفي \* أَسْلَامُ عَلَيْكَ يا لسان الله المعبر عنه \* أَسْلَامُ عَلَيْكَ يا وجه الله المتقلب بين أظهر عباده \* سلام من عرفك بما تعرفت به إليه \* و نعترك بعض نعوتك التي أنت أهلها و فوقها \* أشهد أنك الحجة على من مضى و من بقى \* و أن حزبك هم

الغالبون \* وأولياءك هم الفائزون \* وأعداءك هم الخاسرون  
\* وأنك حائز كل علم \* وفاتق كل رتق \* ومحقق كل حق \* و  
مبطل كل باطل \* وسابق لا يلحق \* رضيت بك يا مولاي  
إماماً و هادياً و ولياً و مرشداً \* لا أبتعغي بك بدلًا \* ولا أتخذ  
من دونك وليا \* وأنك الحق الثابت الذي لا ريب فيه \* لا  
أرتتاب ولا أغتاب لأمد الغيبة \* ولا أتحير لطول المدة \* وأن  
 وعد الله بك حق و نصرته لدينه بك صدق \* طوبى لمن سعد  
بولايتك \* وويل لمن شقي بجحودك \* وأنت الشافع المطاع  
الذي لا يدافع \* ذخرك الله سبحانه لنصرة الدين وإعزاز  
المؤمنين \* والانتقام من المجاهدين \* الأعمال موقوفة على  
ولايتك \* والأقوال معتبرة بإمامتك \* من جاء بولايتك و  
اعترف بإمامتك \* قبلت أعماله و صدقت أقواله \* وتضاعف  
له الحسنات و تمحي عنه السيئات \* ومن زل عن معرفتك \*  
واستبدل بك غيرك \* أكبه الله على منخريه في النار \* ولم  
يقبل له عملاً \* ولم يقم له يوم القيمة وزناً \* أشهد يا مولاي  
أن مقالتي ظاهره كباطنه \* وسره كعلانيته \* وأنت الشاهد  
عليَّ بذلك \* وهو عهدي إليك \* وميثaqi المعهود لديك \* إذ

أنت نظام الدين وعز الموحدينو يعسوب المتقين \* وبذلك  
أمرني فيك رب العالمين \* فلو تطاولت الدهور وتمادت  
الأعصار لم أزدد بك إلا يقينا؛ ولك إلا حبا؛ وعليك إلا  
اعتمادا؛ ولظهورك إلا توقعنا؛ \* ومرابطة بنفسي ومالي وجميع  
ما أنعم به على ربي \* فان أدركت أيامك الزاهرة وأعلامك  
الظاهرة ودولتك القاهرة \* فبعد من عبيدك معترف بحقك،  
متصرف بين أمرك ونهيك \* أرجو بطاعتكم الشهادة بين يديك  
\* وボلايتكم السعادة فيما لديك \* وإن أدركني الموت قبل  
ظهورك \* فأتوسل بك إلى الله سبحانه أن يصلني على محمد وآل  
محمد \* وأن يجعل لي كرّة في ظهورك ورجعة في أيامك \* لأبلغ  
من طاعتكم مرادي \* وأشفي من أعدائكم فؤادي \* يا مولاي  
وقفت في زياري إليك، موقف الخاطئين المستغرين النادمين \*  
أقول عملت سوء وظلمت نفسي \* وعلى شفاعتك يا مولاي  
متلكي ومعولي \* وأنت ركني وثقتي ووسيلتي إلى ربي \* و  
حسبي بك ولِيَا ومولي وشفيعا \* والحمد لله الذي هداني  
لولايتكم \* وما كنت لأهتدى لولا أن هداني الله \* حمدا  
يقتضى ثبات النعمة \* وشكرا يوجب المزيد من فضله \* و

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُولَّا يِ وَعَلَى آبَائِكَ مَوَالِيَ الْأَئمَّةِ الْمُهَدِّدِينَ \* وَ  
رَحْمَةِ اللهِ وَبَرَكَاتِهِ \* وَعَلَيَّ مِنْكُمُ السَّلَامُ \*

لله سپس نماز زیارت را که دوازده رکعت (۲۶ رکعتی با سلام) است؛ بجای آوردن، بعد از آن تسبیح حضرت زهراء علیها السلام بگوید، و آنها را به حضرت صاحب الامر علیها السلام هدیه نماید، و پس از آن بگوید:

\* اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ \* الْهَادِينَ الْمُهَدِّدِينَ \* الْعُلَمَاءِ  
الصَّادِقِينَ \* الْأُوصَيَاءِ الْمَرْضَيِّينَ \* دُعَائِمِ دِينِكَ \* وَأَرْكَانَ  
تَوْحِيدِكَ \* وَتَرَاجِمَةِ وَحْيِكَ \* وَحَجَجَكَ عَلَى خَلْقِكَ \*  
وَخَلْفَائِكَ فِي أَرْضِكَ \* فَهُمُ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ \* وَ  
اصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ \* وَارْتَضَيْتَهُمْ لِدِينِكَ \* وَخَصَّصْتَهُمْ  
بِمَعْرِفَتِكَ \* وَجَلَّتْهُمْ بِكَرَامَتِكَ \* وَغَذَيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ \* وَ  
غَشِّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ \* وَزَيَّنْتَهُمْ بِنَعْمَكَ \* وَأَلْبَسْتَهُمْ مِنْ نُورِكَ \*  
وَرَفَعْتَهُمْ فِي مَلْكُوتِكَ \* وَحَفَّتَهُمْ بِمَلَائِكَتِكَ \* وَشَرَفْتَهُمْ  
بِنَبِيِّكَ \* اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّاهُ زَاكِيَةً نَامِيَةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً  
دَائِمَةً \* لَا يَحِيطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ \* وَلَا يَسْعُهَا إِلَّا عِلْمُكَ \* وَلَا  
يَحْصِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ \* اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْمَحِيِّ لِسَنْتَكَ \*  
الْقَائِمُ بِأَمْرِكَ \* الدَّاعِي إِلَيْكَ الدَّلِيلُ عَلَيْكَ \* وَحَجْتَكَ عَلَى

خلقك \* و خليفتك في أرضك \* و شاهدك على عبادك \* اللهمَ  
 أعز نصره \* و امدد في عمره \* وزين الأرض بطول بقائه \*  
 اللهمَ اكفه بغي الحاسدين \* وأعذه من شر الكاذبين \* و ازجر  
 عنه إرادة الظالمين \* و خلصه من أيدي الجبارين \* اللهمَ أعطه  
 في نفسه و ذريته و شيعته و رعيته و خاصةته و عامتة و من  
 جميع أهل الدنيا \* ما تقر به عينه و تسر به نفسه \* و بلغه  
 أفضل أمله في الدنيا والآخرة \* إنك على كل شيء قادر \*  
 سپس خدای را به آنچه دوست دارد بخواند و ازا او آنچه را می پسندد بخواهد.

### حجر الأسود



## صلوات و تحييت قائمية

\* اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ \* وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ الْخَسَنِ وَ  
وَصِيِّهِ وَارِثِهِ \* القَائِمُ بِأَمْرِكَ \* وَالغَائِبُ فِي خَلْقِكَ \* وَ  
الْمُنْتَظَرُ لِاذْنِكَ \* اللّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ \* وَقَرِبْ بُعْدَهُ \* وَأَنْجِزْ  
وَعْدَهُ \* وَأَوْفِ عَهْدَهُ \* وَأَكْشِفْ عَنْ بَأْسِهِ حِجَابَ الْغَيْبَةِ \* وَ  
أَظْهِرْ بِظُهُورِهِ صَحَافَتِ الْمَحْنَةِ \* \* وَقَدِيمُ أُمَّامَةِ الرُّغْبَةِ \* وَ  
ثَبِّتْ بِهِ الْقَلْبَ \* وَأَقِمْ بِهِ الْحَرْبَ \* وَأَيْدِهِ بِجُنْدِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ  
مُسَوِّمِينَ \* وَسَلِطْهُ عَلَى أَعْدَاءِ دِيْنِكَ أَجْمَعِينَ \* وَأَهْمَهُ أَنْ  
لَا يَدْعُ مِنْهُمْ رُكْنًا إِلَّا هَدَهُ \* وَلَا هَامًا إِلَّا قَدَهُ \* وَلَا كَيْدًا إِلَّا  
رَدَهُ \* وَلَا فَاسِقًا إِلَّا حَدَهُ \* وَلَا فِرْعَوْنَ إِلَّا أَهْلَكَهُ \* وَلَا سِتْرًا  
إِلَّا هَتَّكَهُ \* وَلَا عَلَمًا إِلَّا نَكَسَهُ \* وَلَا سُلْطَانًا إِلَّا كَسَبَهُ \* وَ  
لَا رُحْمًا إِلَّا قَصَفَهُ \* وَلَا مِطْرَدًا إِلَّا خَرَقَهُ \* وَلَا جُنْدًا إِلَّا فَرَقَهُ  
\* وَلَا مِنْبَرًا إِلَّا أَحْرَقَهُ \* وَلَا سَيْفًا إِلَّا كَسَرَهُ \* وَلَا صَنَمًا إِلَّا  
رَضَهُ \* وَلَادَمًا إِلَّا أَرَاقَهُ \* وَلَا جَوْرًا إِلَّا أَبَادَهُ \* وَلَا حِصْنًا إِلَّا  
هَدَمَهُ \* وَلَا بَابًا إِلَّا رَدَمَهُ \* وَلَا قَصْرًا إِلَّا خَرَبَهُ \* وَلَا مَسْكَنًا  
إِلَّا فَتَشَهُ \* وَلَا سَهْلًا إِلَّا أَوْطَاهُ \* وَلَا جَبَلًا إِلَّا صَعَدَهُ \* وَلَا  
كَنْزًا إِلَّا أَخْرَجَهُ \* بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ \*

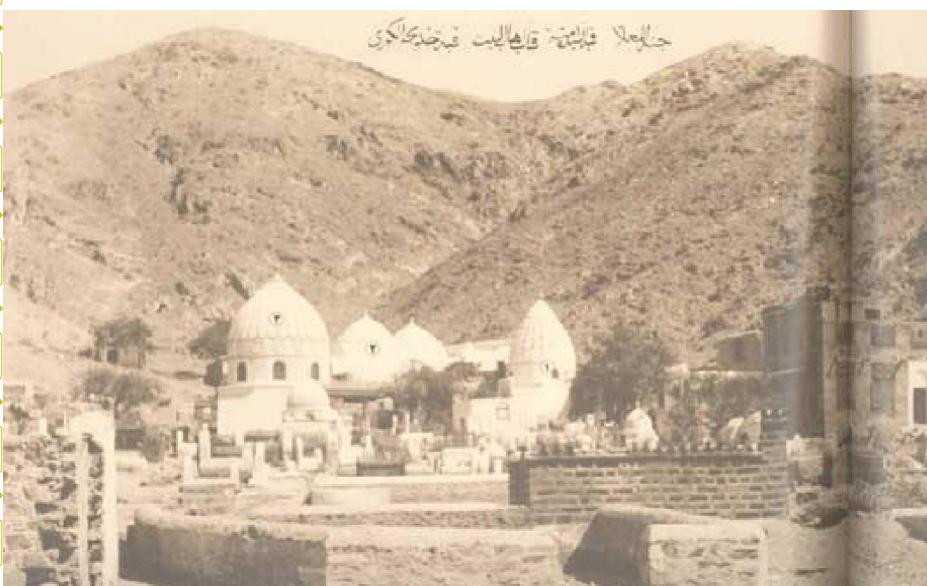
## احکام زیارت و حریم حضرت ولایت (منه السلام)

**سوال:** با توجه به اینکه نماز خواندن جلوتر و یا مساوی با ضریح مطهر حضرات مقدسه ﷺ اشکال دارد، رعایت این نکته تا چه محدوده‌ای از حرم، صحنهای، خیابانهای اطراف لازم است؟

**جواب:** برای عموم تا جائی که مشهد منور و ضریح مطهر رؤیت می‌شود که با بسته بودن دربها و باز بودن آن حکم آن مختلف است. [شماره ثبت: (۲۲) منبع: المسائل القمية]

**سوال:** در دعاها و زیارات تکرار یک فقره خاص چه حکمی دارد؟ مثلاً در زیارت عاشورا (سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم) یا در دعای کمیل (یا من اسمه دوae و ذکره شفاء).

**جواب:** در صورت تناسب مانع نداشته، و مثل موارد فوق چه بس ارجحان داشته باشد. [شماره ثبت: (۱۲۹) منبع: المسائل القمية]



## اشاره به بقاع نورانی در هشت بهشت

پس از ذکر مشاهد معظمه حضرات وجه الله در اینجا نام دیگر بقیه ها و اماکن نورانی واقع در آن مشاهد مشرفه یا بلاد مبارکه را یادآوری شویم تا شخص زائر پس از بهره کافی و وافی از حضور انور معصومین علیهم السلام و فراغت از زیارت ایشان و اعمال مربوطه مشاهدشان؛ بتواند به دیگر بقاع متبرکه مشرف شده و در آن جایگاههای نورانی نیز ادب و معرفت و عبودیت و عبادت شایسته آن مقام را نیز بجای آورده و بهره مند گردد.

در ذکر نام این موارد ابتدا به آنچه در هشت بهشت حقیقی و جنات ثمانیه واقعی (۸ شهر مقدس) قرار دارد پرداخته؛ سپس سایر بلاد حاوی مشاهد انبیاء و اوصیاء الهی علیهم السلام و نهایتاً به دیگر سرزمینها می‌پردازیم.

ابتدا اشاره به عناوین بقاع (بقدرت میسر) نموده؛ سپس در ادامه با ذکر اعمال مربوطه هر کدام را می‌آوریم.

برخی از این اماکن در بلاد منکرین واقع شده؛ برای توفیق زیارت رعایت هوشمندی و انجام وظیفه بنحو پوشیده لازم است، از اعمالی که جلب توجه و بهانه انکار و منع را سبب شود، اجتناب شود، برخی موارد جزو مساجد است، که می‌توان آنها را در اوقات نماز بهره مند شد، باید دانست که اصل در زیارت حضور با معرفت و ذکر خداوند و انجام نماز و مانند آنست؛ بخش احکام تقیه را مطالعه نمایید، از دست گرفتن کتاب و جزوی خودداری نموده، و شرح برنامه مربوطه و اعمال و آداب و ادعیه آنها را روی وسیله صوتی قبل از ضبط نموده و در محل با گوشی استفاده نمایید.

# حرم الله و مکه مكرمه (حجاز)

## لله دسته اوّل: نشانه های داخل کعبه:

۱- کعبه: بخارط شکل "کعب" (پاشنه پا) بودن به آن "کعبه" گفته شده است، چون در ساختمان اصلی بناء الهی کعبه بدست حضرت آدم علیه السلام و تجدید بناء آن بدست حضرت ابراهیم علیه السلام این صورت را داشته (یعنی تنها دو گوشه داشته و دو طرف دیگر مدور بوده است)، و بعدها در دوره مشرکین بنای کعبه تغییر داده شده، و بخشی از آن بیرون انداخته و از مساحت آن کاسته و دو گوشه دیگر به آن افزوده و به شکل جعلی مکعب هندسی در آمد. (تصویر ص ۷۵).

۲- مرکز کعبه اصلی محل ولادت مولا علی علیه السلام (ص ۷۵).

۳- داخل (قابل دسترس) کعبه: بخشی از کعبه که فعلاً بیرون کعبه بوده و حضور و دعا و نماز در آن به مانند انجام در داخل کعبه است، این بخش الان در راه رو حجر اسماعیل علیه السلام (ص ۷۵) و زیر ناو دان کعبه (ص ۱۴۴) واقع است، و فرصتی برای آنها که در پی تحصیل فضیلت نماز داخل کعبه هستند.

## لله دسته دوم: نشانه های بیرون کعبه:

۴- بام کعبه: محل صعود مولا علی علیه السلام و شکستن و فروریختن بتھایی مشرکین و ندای اولین تکبیر و بانگ توحید الهی در دوران اسلام (ص ۳۶).

۵- پرده و پوشش خانه کعبه: از آداب توسیل کنار کعبه (در صورت تیسر) به دست گرفتن پرده کعبه است. (ص ۱۰۸ و ۱۸۷).

**۶**- حجرالأسود: این صخره بهشتی و آسمانی و فرازمندی است. محل انجمام و تجدید بیعت و پیمان الهی. (ص ۶۴ و ۲۵۰).

**۷**- درب کعبه: درب فعلی درب شرقی آنست، و درب غربی قرینه همین بوده و در دوران مشرکین و جاهلیت مسدود شده است. (ص ۱۰۴ و ۱۰۸).

**۸**- حطیم و متوعذ و ملتزم آن (جلوی کعبه): میان حَجَرالأسود و درب کعبه تا مقام ابراهیم علیهم السلام. (ص ۱۱۰). محل قبول توبه آدم علیهم السلام. محل امامت نماز جبرئیل علیهم السلام برای پیامبر ﷺ.

**۹**- ناوдан کعبه: آب باران آن شفای بیمار (ص ۱۴۴). هنگام ظهور مهدی علیهم السلام؛ جبرئیل علیهم السلام به صورت پرنده ای سفید بر روی میزاب (ناودان کعبه) نشسته و او اولین مخلوق خواهد بود که با حضرت قائم علیهم السلام بیعت می کند.

**۱۰**- زیرناودان کعبه: جزو داخل کعبه، امام صادق علیهم السلام: «زیر ناوдан جایگاه جبرئیل علیهم السلام است و از آنجا اجازه تشرّف به محضر پیامبر ﷺ را می یافت. محل نماز شبر و شبیر فرزندان هارون علیهم السلام است. (ص ۷۵).

**۱۱**- مستجار (و ملتزم آن) محل درب غربی کعبه: جای پناه بردن به کعبه، محل شکافتن دیوار کعبه برای ورود فاطمه بنت اسد علیهم السلام در ولادت مولا علی علیهم السلام و به هم آمدن دیوار پس از ورود؛ به مانند آنکه اصلا باز نشده، و تکرار این واقعه نیز در وقت بیرون آمدن از کعبه (ص ۴۵).

**۱۲**- رکن یمانی: رکن یمانی درب بهشت است، مسح حجرالاسود و رکن یمانی، گناهان انسان را پاک می کند. امام صادق علیهم السلام: با پدرم مشغول طواف بودم، هر گاه به حجرالاسود می رسید آنرا با دست مسح نموده و می بوسید؛ و زمانی که به

رکن یمانی می‌رسید آنرا در آغوش می‌کشید! گفتم: فدای تو گردم، می‌بینم که حجرالاسود را با دست، مسح می‌کنی، اما رکن یمانی را در آغوش می‌کشی؟ پاسخ داد: رسول خدا ﷺ فرمود: هنگام رسیدن به رکن یمانی همواره می‌دیدم جبرئیل قبل از من آن را در آغوش کشیده است. (ص ۴۵).

- ۱۳- مصلای نبی ﷺ قبل از هجرت؛ محاذی وسط ضلع جنوبی کعبه؛ جمع بین قبلتين (اقصی و کعبه).

### ۶) دسته سوم: نشانه‌های اطراف کعبه:

- ۱۴- مقام ابراهیم ﷺ: این صخره بهشتی و آسمانی و فرازمیانی است. در ابلاغ فرمان حج به جهانیان جهت اشراف و رسایی صدای ابراهیم ﷺ، این صخره خاصیت بالابرندۀ فراتر از کوهها داشته است، جای پای ابراهیم به اعجاز الهی در آن باقی مانده و (۹-۱۰ سانت) فرورفته، محل قدمها به مرور تبرک ۴۰۰۰ ساله وسیعتر از معمول شده است، رنگ صخره میانه زرد و قرمز است. ولی فعلاً با طلا و نقره پوشانده شده، و در محفظه‌ای بلورین قرار دارد، محل اصلی آن کنار دیوار کعبه و محاذی محل فعلی بود، و بعداً بخاطر ازدحام و مزاحمت طائفین بجای فعلی آورده شده است، بلاد ایران اگر جهت قبله را دقیق رعایت کنند محاذی مقام ابراهیم ﷺ می‌باشند، (ص ۱۱۹ و ۵۵۹).

- ۱۵- حجر اسماعیل ﷺ: محل اسکان هاجر و اسماعیل توسط ابراهیم ﷺ و خانه و مدفن هاجر و اسماعیل و دخترانش و بسیاری از انبیای الهی ﷺ (ص ۱۴۵).

- ۱۶- زمزم: از نهرهای بهشتی است که در روی زمین جاری است، نوشیدن آب زمزم گناهان را می‌برد، آن‌ها را می‌شوید و درون انسان را پاک می‌گرداند. آب

زمزم هر دردی را شفا می دهد و از هر بیم و اندوهی ایمن می دارد. (ص ۱۶۴).

## ﴿ دسته چهارم: نشانه های اطراف مسجد الحرام:

۱۷- خانه ام هانی خواهر مولا علی علیهم السلام: موضع رفتن به معراج نبوی ﷺ محادی رکن یمانی با فاصله ۴۰ متر.

۱۸- کوه صفا: محل هبوط آدم علیهم السلام از بهشت، محل عمل به آیه (أَنذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) و اطعام و دعوت نبوی ﷺ عشیره خود را به اسلام.

۱۹- کوه مرده: محل هبوط حوا علیهم السلام از بهشت، محل فرمان یافتن ابراهیم خلیل به قربانی اسماعیل ذبیح علیهم السلام.

۲۰- مسعی: محل به شتاب رفتن هاجر علیهم السلام برای جستجوی یاری و آب، و ندیدن مرگ فرزند، (ص ۱۶۷ و ۳۴۳).

۲۱- محل هروده (نیم دو) رفتن: بخشی از مسعی است که با چراغ سبز مشخص شده (ص ۱۶۷ و ۳۴۳)، در این ناحیه شیطان بر ابراهیم علیهم السلام ظاهر شده، جرئیل علیهم السلام او را فرمان داد تا بر او هجوم کند، ولنا در این ناحیه به حالت تهاجمی حرکت می شود.

۲۲- باب بنی شيبة (السلام): محادی درب خانه کعبه و دو متری کنار سمت چپ مقام ابراهیم علیهم السلام، محل ورود حضرات پیامبر ﷺ و معصومین علیهم السلام به مسجد الحرام، بعد از شکستن مولا علی علیهم السلام بت بزرگ هبل را در اینجا دفن کرده، و سنت وارد شدن به مسجد الحرام با قدم نهادن بر این موضع نوعی بیزاری از شرک است (ص ۳۷۴)، باب بنی شيبة امروزی محادی موضع اصلی

نیست و برای عمل به این سنت امروزه باید از "باب علی" (ص ۱۲۹) وارد شد.

- ۴۳- **باب النبي ﷺ:** بخاطر منتهی شدن به کوچه عطرفروشان که به خانه پیامبر ﷺ منتهی می شده است، (ص ۱۲۹ و ۳۶۹).

- ۴۴- **باب علی ﷺ (باب بنی هاشم - باب البطحاء):** انتساب اولیه آن به جناب ابوطالب ؓ بوده ولذا باب سیدالبطحاء (سرور سرزمین بطحاء مکه) نامیده و به اختصار باب البطحاء گفته شده است، و به راهی منتهی بوده که به شعب علی ؓ و یا شعب و نیز خانه ابوطالب ؓ منتهی می شده، با توجه به انکار مخالفان و پرهیز از بردن نام ابوطالب ؓ، اماکن به نام او را به نام فرزندش علی ؓ می گذارند، و چون خانه های بیشتر بنی هاشم هم در این جهت بوده ولذا به "باب بنی هاشم" نیز شناخته می شده است، امروزه "باب علی" (ص ۳۶۹) محاذی همان "باب بنی شیبہ (اصلی)" است که برای ورود مسجد الحرام مستحب است از آن وارد شد (ص ۳۷۴)، چه اینکه این محل (باب بنی شیبہ اصلی) موضع دفن بت شکسته هبل بوده، و با عبور از روی آن لگدکوب شده (ص ۳۷۴) و نوعی انعام برائت و بیزاری از شرك و مشرکین می باشد.

- ۴۵- **دار ارقم:** اولین مقر و محل اجتماع مخفی مؤمنین در دوره عدم آشکاری دین اسلام در اوایل بعثت و قبل از هجرت. محل آن کنار کوه صفا و امروزه جزو مسعی است.

- ۴۶- **دار السائب:** (ابن أبي السائب العائذی) محل تجارتخانه پیامبر ﷺ کنار کوه صفا و امروزه جزو مسعی است.

## ۳۷- دسته پنجم: نشانه های داخل شهر مکه:

-۴۷- مولد فاطمی علیہ السلام: خانه حضرت خدیجہ علیہ السلام و رسول الله علیہ السلام و محل اقامت حضرات معصومین علیہما السلام و قوع تشرفات به حضور حضرت صاحب الامر علیہ السلام، امروزه در فضای باز بیرون مسعی و محاذی ۴۰ متری باب المعلّة از دربهای مسعی است. (ص ۴۰۹).

-۴۸- مولد نبوی علیہ السلام: خانه عبدالمطلب که به عبدالله فرزندش هدیه نموده و محل ولادت حضرت محمد علیہ السلام، امروزه بعد از فضای بیرون مسعی، به عنوان "مکتبة مكة المكرمة" هنوز ساختمنی دارد. (ص ۱۷۶).

-۴۹- خانه جناب ابوطالب علیہ السلام: در دامنه کوه ابوقبیس و کوچه های شعب ابوطالب علیہ السلام (شعب علی علیہ السلام) به عنوان مدرسه ای شبانه (مدارس النجاح الليلية) قرار دارد، (ص ۵۳۷).

-۵۰- شعب ابی طالب علیہ السلام، امروزه معروف به شعب علی علیہ السلام؛ بین کوه ابوقبیس و کوه خندهمه یا حد فاصل بین مسعی تا جبل خندهمه (شارع غزه) و بین نفق (تونل) علی علیہ السلام ابتدای شارع مسجدالحرام) قرار دارد.

-۵۱- مسجد شق القمر: مسجدی قدیمی قبله در بالای کوه ابوقبیس بود، که امروزه به عنوان توسعه اطراف مسجدالحرام، آن مکان تخریب بلکه حتی کوه زیر آن نیز محو شده است.

-۵۲- مسجد ابراهیم علیہ السلام بالای کوه ابوقبیس محل ندای حضرتش برای ابلاغ دعوت الهی به حج.

**۳۳**- مسجد الراية ( محل نصب رایت اسلام در فتح مکه و محل نماز حضرت محمد ﷺ)، اول بازار جودریه (بوسفیان) ص ۲۱۷.

**۳۴**- مسجد الجن: محل نزول سوره جن بر حضرت رسول ﷺ، قبل از پل جون، (ص ۲۹۶).

**۳۵**- مسجد شجره معجزه، حضرت علی علیهم السلام در نهج البلاغه شرح آنرا بیان فرموده اند (ص ۱۷۶).

**۳۶**- مزار اجداد و جدات پیامبر ﷺ و بنی هاشم و عبدالمطلب و ابوطالب و آمنه (وبه نقلی در ابواء نزدیک مدینه)، و خدیجه و پسران پیامبر قاسم و عبد الله (طیب و طاهر)، حذامه خواهر خدیجه، تعدادی از نوادگان امام حسن مجتبی علیهم السلام، سمیه مادر عمار (اولین زن شهیده اسلام)، شیعیان مکه، و جمع کثیری از زائران، و برخی از علمای شیعه، در مقبرة المعلّة (ص ۲۱۹ و ۲۲۱ و ۲۵۶).

**۵۱**- وادی ابطح: نامدارترین دره مکه، و راه رفتن به منی، امروزه محل گذر خیابانی به همین نام، و محل وقوع رخدادهای مهمی چون مناجات ابوطالب علیهم السلام برای نامگذاری مولا علی علیهم السلام و نزول لوح آسمانی نامیدن مولود، لقب "ابطحی" پیامبر ﷺ از نسبت به این مکان است.

**۵۲**- مسجد الإجابة (الإستراحة) در ابتدای شارع ابطح، و خیابان فرعی با نام «شارع الإجابة» قرار دارد. حضرت نبی اکرم ﷺ در ایام شبانی نوجوانی در اینجا بیتوته کرده، و در ایام اعتکاف حراء؛ در اینجا با خدیجه ملاقات می نموده، و بعد از حج و رجوع از منی نیز در اینجا استراحت فرموده اند (ص ۲۲۳).

۵۳- جبل النور و غار حرا: نام آن در تورات فاران، محل اعتکاف پیامبر ﷺ در ماه مبارک رمضان و دیگر شبهای مبارکه ماهها، و محل آغاز نزول قرآن، (ص ۳۶۹ و ص ۴۱۶).

۵۴- وادی ذی طوی: در کلام خازنان وحی ﷺ آمده است که حضرت امام مهدی علیه السلام در دوران غیبت (کبری) در این ناحیه از مکه بسری برندتا وقت ظهور، و در دعای ندبه در الفاظ جستجوی حضرتش وارد شده است که بگوییم: أَبْرَضُوا أَمْ ذِي طُوْيٍ؟ (ترجمه) آیا در رضوی (ناحیه ای درینبع مدینه) هستی یا در ذی طوی؟ همین دو فقره در اشاره به اهمیت شناخت این ناحیه کافی است، اگرچه "ذی طوی" یکی از دره های مکه است که از بالاتا به پائین مکه قرار داشته و امروزه محله های آباد متعددی از مکه در آن واقع است (العتيبة، جرول، التنضباوي، حارة البرنو، بیشتر شارع المنصور، الیط، الحفائر)، اما در عرف زمان نزول وحی و سیره نبوی ﷺ و نیز شهرت امروزین تنها محل مسجد و چاه ذی طوی که در محله جرول است به نام ذی طوی شناخته می



شود، ولذا همین ناحیه بخصوص محلی است که مستحب است که حاجی که برای عمره یا حج می خواهد وارد مکه شود قبل از ورود به مکه قدیم در آنجا غسل نماید، همچنانکه پیامبر ﷺ بدان عمل می نمودند، (ص ۳۶۶).



**۵۶ - مسجد و چاه ذی طوی: در فتح مکه حضرت رسول الله ﷺ در این محل وارد و شب قبل از عملیات فتح مکه در اینجا مانده، و بیتوبه و غسل نموده و نماز گزارده اند و روایت شده حضرتش هرگاه وارد مکه شده؛ در اینجا غسل و بیتوبه نموده؛ آنگاه وارد مکه شده اند. بنا بر تحقیق؛ محل موجود معروف به مسجد بئر ذی طوی، تنها محل غسل نمودن و چاه ذی طوی است، اما مسجدی که حضرتش نماز خوانده و در آنجا بیتوبه کرده اند جز این محل بوده و کمتر از دویست متر با اینجا فاصله دارد (تصویر بالا و زیر).**

چاه ذی طوی = جرول شارع جبل الكعبة - کمی بالاتر - تقاطع شارع بئر طوی و عمر بن عبدالعزیز و روبروی ورودی شارع حسان بن ثابت (خیابان بئر طوی منتهی به محل چاه طوی است). / مسجد بیتوبه ذی طوی = جرول شارع جبل الكعبة - سه راهی تنعیم و جده قدیم - روبروی ورودی شارع تیسیر.



- ۵۷- شهدای فخ: حسین بن علی نواده امام مجتبی علیهم السلام و یاران شهیدش که در همین موضع در لباس احرام بدست بني العباس به شهادت رسیدند، طبق گزارشات شاهدان عینی (ثبت شده در منابع معتبر) حدود چهل سال قبیل در پی ریزی ساختمان یکی از عمارتهای مجاور در خلال خاکبرداری ها یک دست انسان تر و تازه آشکار می شود که با توسعه حفاری دیده می شود، آن دست بر روی سینه جسدی تر و تازه است که وقتی دست را از روی سینه بر می دارند خون تازه از موضع آن می جوشد و وقتی دست را بر روی آن رها می کنند؛ خون بند آمده و متوقف می شود، (تصویر زیر).



- ۵۸- مسجد حمزه سیدالشهداء علیهم السلام (منطقة مسفلة نزدیک تقاطع شارع ابراهیم و شارع حمزه).

- ۵۹ و ۶۰- خانه ابوهلب و ابوسفیان: که امروزه محل ساختمان بزرگ توالهای عمومی بیرون مسعی است.

## ﴿لَهُ دستهٗ ششم: نشانه‌های بیرون مکه:

۶۱- منی: سرزمین آرزو خواستن از خداوند، به آدم و ابراهیم گفته شد آرزو کنند، و ابراهیم (فديه بجای اسماعیل) ﷺ خواست، و محل منت خداوند به بخشش گناهان بندگان، و محل اجتماع بزرگ، و محل ابلاغ الهی توسط حضرت مولاعی ﷺ سوره برائت به مشرکان (ص ۵۱۷، ۵۱۰، ۴۶۵، ۴۶۱، ۴۴۷، ۴۴۳).

۶۲- مسجد بیعت عقبه در منی: محل اسلام و بیعت بزرگان مدینه با حضرت پیامبر ﷺ که سبب بنیاد اولین مرکز و مأمن برای مسلمانان و پایه گذاری حکومت اسلامی گردید، و نیز در حجه الوداع که قصد ابلاغ پیام الهی ولايت و خلافت بود، منافقان قصد ترور پیامبر ﷺ را داشته و ناکامی طرح ترور و رسایی عاملان آن؛ که سبب شکستن بیعتشان گردید، تجدید بیعت بر آنها لازم شد، و در همین مسجد حضرتش نقباء امت اسلام را برگزید، این مسجد الان در ورودی منی قبل از جمهه بزرگ میان راه واقع است (تصویر زیر).



**٦٣**- جمرات ثلاث: جمره کبری (عقبه): آدم و ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام چون از مکه به منا وارد شدند، در محل عقبه (گردنه) منی؛ اولین محل بروز ابليس برایشان، که هفت سنگ به سوی او پرتاب کردند و با رمی دور شد، در رمی این جمره رسول الله مکه را سمت چپ و پشت سر ایشان، و منی در سمت راستشان قرار داده؛ و به رو برو رمی کرده اند، و این روش جزو آداب رمی این جمره است، امروزه که کوه و دیواره پشت آن برداشته شده؛ حاجی با رعایت جهت ایستادن؛ عمل صحیح را انجام می دهد، نه اینکه از هر سوی رمی کند. فاصله تا جمره وسطی ۵۰ متر.

جمره وسطی: دومین محل بروز ابليس بر آدم و ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام که این بار نیز هفت سنگ به سوی او پرتاب کردند، و با رمی دور شد، فاصله تا جمره اولی ۲۰۰ متر.

جمره اولی: دومین محل بروز ابليس بر آدم و ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام که این بار نیز هفت سنگ به سوی او پرتاب کردند و با رمی دور شد، و به ایشان خطاب الهی رسید که دیگر هرگز او را خواهید دید. در ایام منی حجاج که رمی جمرات می کنند از این جمره رمی را شروع می کنند، (ص ۴۹۵).

**٦٤**- مسجد الكبیش (قوچ) : محل به قربانی آوردن اسماعیل علیهم السلام و رسیدن فدیه الهی، که در منی بین جمره اولی و وسطی واقع بوده و امروزه تخریب شده است.

**٦٧**- مسجد النحر: محل انجام قربانی حج پیامبر علیهم السلام: که در منی بین جمره اولی و وسطی واقع بوده و امروزه تخریب شده است.

**٦٨**- مسجد الخیف: در منی، محل عبادت هزار پیامبر و هفتاد پیامبر بزرگ، و

مدفن و هفتاد پیامبر الهی ﷺ، محل مصلی و بیوته حضرت رسول الله ﷺ  
معصومین ﷺ در مرکز مسجد؛ به شعاع حدود ۱۵ متر از هر طرف است، این  
محل در حجۃ الوداع محل نزول وحی به اعلام ولایت حضرت مولاعلی عاشوراً ﷺ یا  
آیه الرَّسُولُ بَلَغٌ... و خوف پیامبر ﷺ از فتنه منافقان و انکار و اختلاف؛  
ونزول بشارت الهی برای حراست و موقفيت انجام این مأموریت، و هشدار  
الهی به ابطال زحمات رسالت؛ در صورت عدم ابلاغ، (ص ۴۹۹).

- ۶۹- مسجد الصَّفَائِح و غار نزول سوره مرسلات: در جنوب مسجد خیف در  
دامنه کوه و سیصد متري راه عمومی منی بوده و امروزه آنرا محو کرده اند.

- ۷۰- وادی محسر: محل نزول عذاب الهی بر اصحاب فیل و هلاک سپاه ابرهه و  
حضرت آنها. حاجی روز عرفه از منی زودتر از طلوع آفتاب از این وادی نگذرد،  
وروز عید از مزدلله زودتر از طلوع آفتاب از این وادی نگذرد، وقت عبور  
به حالت شتاب (نیم دو) عبور کند، (ص ۴۴۳).

- ۷۱- مسجد مشعر الحرام: در مزدلفة. در این مکان جبرئیل عاشوراً بر پیامبر ﷺ  
نازل شده و در مورد مشعر الحرام و اهمیت و اعمال آن دستورات و آیاتی به  
ایشان ابلاغ کرده است.

- ۷۲- مأزمین: دو تنگه میان مشعر و عرفات است که با عبور از آن در محدوده  
مزدلفة وارد می شوند. اینجا موضع برداشت سنگ برای تراشیدن بت بزرگ  
هبل است، مستحب است حاجی هنگام عبور از اینجا تکبیر بگوید، و توقف  
کند و (در صورت تیسر) دفع ادرار نماید، چه اینکه با این عمل از شرک و بت  
پرسنی تبری و بیزاری می جوید، (ص ۴۴۳).

- ۷۳ - مسجد نَمَرَة: مسجد بزرگی است نیمی در بیرون عرفات و نیمی در عرفات است، محل توقف پیامبر ﷺ قبل از ظهر عرفه در نیمه اول، و محل نماز حضرت بعد زوال در نیمه دوم آن، (ص ۴۷۶).

- ۷۴ - عرفات: محل: معرفت الهی / آدم و حوا، در این منطقه یکدیگر را شناخته (تعارف) و باز جُستند. / ای ابراهیم! به گناهان خود اعتراف کن و مناسک را بشناس، (ص ۴۷۹ و ۴۸۵).

- ۷۵ - جبل الرحمة: کوهی که پیامبر ﷺ در حجّة الوداع برآن ایستاده و دعا کرد، اما وقوف عرفه بر آن انجام نمی شود، (ص ۴۷۹).

- ۷۶ - مسجد الصَّخَرَات: محل خطبه پیامبر ﷺ در عرفات(حجّة الوداع) در پایین کوه بوده است، در گذشته اینجا مسجد کوچکی بوده که امروزه آنرا نیز ویران و محو کرده اند.

- ۷۷ - افضل موقف عرفة: مستحب است وقوف عرفه در پائین سمت چپ کوه باشد، که اینجا محل وقوف حضرات آدم و ابراهیم و انبیای الهی ﷺ و حضرت رسول الله ﷺ و معصومین ﷺ و امام زمان ﷺ می باشد، (ص ۴۷۹).

- ۷۸ - مسیر اعمال حج: مسجد الحرام - محل اجھار تلبیه (دون الردم) - ابطح - منی - خیف - وادی محسر - نمرة - عرفات - جبل الرحمة - سمت چپ پائین کوه - در راه مزدلفه - مأذمین - مزدلفه و مشعر الحرام (۴۸۶) - وادی محسر - منی - مسجد الحرام - منی - مسجد الحرام، (ص ۱۶۰ و ۲۳۶ و ۴۴۳).

- ۷۹ - کوه و غار ثور.

## ﴿لَهُ دسته هفتم: نشانه های ماورای مکه و مدینه:

- حدود و نشانه های حرم الهی (ص ۹۴).
- میقات ادنی الحل: تعیم، جعرانه، حدیبیة (شمیسی).  
٨٤ تا ٨١
- سرف: قبر ام المؤمنین میمونه.  
٨٥
- مواقیت احرام (ص ۲۶ و ۳۱۶): میقات ذی الحلیفة (ص ۳۳۴)، میقات الجحفة (ص ۴۳۹)، میقات ذات عرق (ص ۵۱۶)، میقات قرن المنازل {السیل الكبير} (ص ۳۵۳)، میقات یلملم (ص ۴۰۶).  
٨٦ تا ٩٠
- غدیر خم: مسجد غدیر، مجمع غدیر، برکه غدیر، چشمہ غدیر.  
٩١
- روحاء: محل گذر بسیاری از انبیای الهی ﷺ با حال احرام در راه حج بیت الله.  
٩٢
- ینبع: محل چاهها و باغهای ایجاد و انفاق شده حضرت مولا علی علیہ السلام و محل اقامت تابستانی حضرات معصومین ﷺ .  
٩٣
- کوه و ناحیه رضوی: یکی از اماکن اقامت حضرت صاحب الأمر علیہ السلام در دوران غیبت کبری (آبرضوی؟ أم غیرها؟).
- بدرا: محل جنگ و دفن شهدای بدرا.  
٩٥
- ابواه: محل دفن حضرت آمنه والده علیہ السلام، محل ولادت حضرت امام کاظم علیہ السلام.  
٩٦ و ٩٧
- مسیر هجرت نبوي ﷺ .  
٩٨
- به بعد: بقیه آثار در بین الحرمین..... و آثار در ماسوی الحرمین .....  
٩٩

# حرم حبیب اللہ علیہ وآلہ و مدنیہ منورہ (حجاز)

**سوال:** با توجه به محدودیت زمانی برای زائران مدنیہ منورہ، افضل اماکنی که بایستی مورد زیارت قرار گیرند کدام اماکن مقدسه میباشند؟

**جواب:** عمدہ همان حرم پیامبر ﷺ و حضرت زهرا علیہما السلام و حرم ائمه بقیع علیهم السلام باشد؛ پس از آن مسجد قبا و مزار جناب حمزہ و شهدای احمد هم فضیلت دارد؛ البته اماکن بسیار دیگری چون مسجد رَد الشمس و نیز مسجد فضیخ و مسجد سلمان و مشربه ام ابراهیم و غیر آن نیز می باشد که ناصبیان عده آنها را تخریب کرده اند؛ و رفتن به این موارض مبارکه نیاز به همراهی شخص خبیر و وجود فرصت و شرایط و امکانات مناسب است. [شماره ثبت: (۷۸۱) منبع: المسائل الهمدانیة]

**مسجد زیارت حبیب اللہ علیہ وآلہ و مدنیہ منورہ:** حجره و مرقد پیامبر ﷺ، روضه و محراب و منبر و مسجد و محراب تھجد النبی ﷺ (۳۳۸)، خانه و مرقد حضرت زهرا علیہما السلام (۴۶۶)، درب خانه سوخته و بسته شده به روضه النبی ﷺ، ستونهای حنانه و توبه و حرس و وفود، موضع اصحاب صفة، باب جبرئیل علیہ السلام، باب البقیع.

## مسجد زیارت مشهد بقیع:

**امامان اهل بیت علیہ السلام:** حضرت امام مجتبی علیہ السلام، حضرت امام سجاد علیہ السلام، حضرت امام باقر علیہ السلام، حضرت امام صادق علیہ السلام.

**خانواده معصومین علیہم السلام:** بیشتر خاندان (مادران و بانوان و فرزندان خواهران برادران و فرزندانشان) مگر آنکه مدفنش در جای دیگر مسلم باشد، مانند جناب فاطمة بنت اسد، ام البنین؛ و فرزندان پیامبر ﷺ : زینب، ام کلثوم، رقیه، ابراهیم. و عبد اللہ جعفر؛ و عقیل؛ و اسماعیل بن الصادق؛ و زنان پیامبر ﷺ : ام سلمه سوده زینب ماریه زینب ریحانه جویریه صفیه ام حبیبہ حفصہ عایشہ.

**خویشان موصومین**: عمدها عمه‌ها دایی‌ها، چه تنی و چه رضاعی، و فرزندانشان، مانند: عباس عموی پیامبر ﷺ؛ و عاتکه، صفیه، أمیمة، أروی، بیضاء ام حکیم، برۀ عمه‌ها، خواهر یا دختر حلیمه (مادر رضاعی) پیامبر ﷺ.

**وابستگان غیر خویشان موصومین**: مانند خادمان و غلامان و کنیزان. **یاران موصومین**: در طول تاریخ حضرات، که بسیار بوده و اسمائشان در کتب رجال و تراجم مسطور است.

**محروهین غزوات اسلام**: اسمائشان در کتب سیره و تواریخ مذکور است.

**شهدای حرّه**: مقتولین جنایات و فجایع لشکریان یزید در مدینه منوره. بیش از چهار هزار نفر بودند، شامل هفتاد تن از حاملان قرآن و هشتاد تن از صحابه به قتل رسیدند، بهنحوی که کسی از اهل بدر باقی نماند.

**علماء و مردمان شیعه مجاور و زائر مدینه**: در طول تاریخ اسلام.

**مسجد مبارکه**: مانند مسجد قبا، مسجد رد الشمس (ادامه انتهای شارع قربان بعد از تقاطع کمربندی داخل خلستانها بعد از پل)، مسجد قبلتین، مساجد موجود در منطقه أحد و خندق و بنی نصیر (مسجد فضیخ) و بنی قریظة، مسجد شجرة، مسجد مباھلة، مسجد استراحة، مسجد ثنایا، مسجد جمعه، ووو. **اماکن حضور پیامبر ﷺ**: آبار علی علیهم السلام، غار یا شکاف کوه احد، منطقه غزوة حمراء الاسد، وادی عقیق، چاه اریس، چاه غرس، محل ورود اهل بیت علیهم السلام پس از واقعه کربلا، ووو.

**سایر مشاهد منوره**: مزار حضرت حمزه سید الشهداء علیهم السلام و شهدای احد در منطقه عملیاتی جنگ احد و نیز محل جنگ احزاب یا خندق، ووو.

**معالم برائت**: مسجد ضرار که نزدیک مسجد قباء توسط منافقین ساخته شد و مردود الهی واقع گردید، و امروزه محل توالتهای مسجد قباء است، و سقیفه

بنی ساعدة، که محل توطئه برای انحراف اسلام بوده، و امروز با اینکه جزو محدوده توسعه مسجد النبی بوده؛ اما وهابیان آنرا جدا و به صورت باغچه ای مستقل حفاظت کرده اند، سرزمین بیداء محل فروبردن زمین سفیانی و لشکربانش را قبل از ظهور می باشد؛ پس از مسجد شجره واقع بوده؛ و بیابان سمت چپ کنار اول جاده مدینه مکه است.

حرم ولی الله علیہ السلام و نجف اشرف (عراق)

حرم ثار الله علیہ السلام و کربلاه (عراق)

حرم کاظمین علیہ السلام (عراق)

حرم مشهد الرضا علیہ السلام (ایران)

حرم سامراء مشهد عسکری و مهدوی علیہ السلام (عراق)

حرم بیت المقدس (فلسطین)

معالم ولایت و برائت در بین الحرمین (بین مکه و مدینه)

معالم ولایت و برائت در ماسوی الحرمین (جزیره العرب)

معالم ولایت و برائت در بلاد مصر تا مغرب عربی

معالم ولایت و برائت در بلاد شامات و ترکیه

معالم ولایت و برائت در بلاد ایران و مشرق فارسی

زيارت حضرات انبیاء و اوصیاء الهی علیہ السلام

# احکام و اعمال زیارت سایر بقاع مبارکه

**سؤال:** برای ورود به صحن حضرت ابوالفضل العباس علیهم السلام دعای ورودی صحن حضرات مقدسه معصومین علیهم السلام را می توان تلاوت نمود؟

**جواب:** برای درب صحن مشاهد غیر معصومین ادعیه و اذکار خاصی وارد نشده است، بجز حالت تذکر و ذکر خداوند (بطور کلی و غیر معین) و بر همین مقدار مواظبت و اکتفا بشود، و نباید برخی جزئیات و تفصیلات که مخصوص مشاهد یا حضور حضرات معصومین علیهم السلام است را عمومی؛ و در غیر آن مواضع بکار برد، و ویژگی آن مشاهد را نباید ملغا کرد. البته یادآوردن حوادث موله و حزن آور آن امکنه جزو آداب این مواضع است، چه اینکه در همین جاهای بوده که اصابت و زخمی شدن حضرتش اتفاق افتاده، و یا تشریف آوردن حضرت امام حسین علیهم السلام در وقت پاسخگویی به ندای استغاثه برادر، و یا آمدن حضرت امام سجاد علیهم السلام در وقت دفن اجساد مطهره. [شماره ثبت: (١٤٥٧) منبع: المسائل الانترنوتیه]

**سؤال:** آیا برای زیارت حرم‌های شریفه غیر معصومین علیهم السلام مانند حضرت احمد بن موسی شاه چراغ علیهم السلام و یا حضرت معصومه علیهم السلام خواندن اذن دخول و حصول حالت انکسار و گریان شدن چشم برای ورود لازم است؟

**جواب:** رعایت استیدزان و شرائط آن؛ و توفیق نیل به اذن از آداب حضور محاضر همه اولیای کبار و صغار بوده، و بقدر رعایت آداب و راهیابی و درک حضور از محضر شریف مَزُور حاضر؛ بهره مند می گردد. [شماره ثبت: (٨٧٦) منبع: المسائل الفمية]

**سؤال:** در حرم غیر حضرات معصومین علیهم السلام مثل حضرت ابوالفضل العباس علیهم السلام و حضرت سلمان علیهم السلام را می توان طواف نمود؟

**جواب:** طواف برای مشاهد معصومین علیهم السلام وارد شده است؛ نه غیر ایشان. [شماره ثبت: (١٤٥٨) منبع: المسائل الانترنوتیه]

**سؤال:** حکم مسافر در مورد نماز و روزه در مشاهد مشرفه و بقاع مطهره اولاد ائمه علیهم السلام مانند مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام و حضرت شاه عبدالعظيم علیه السلام چگونه است؟

**جواب:** از نظر حکم مذبور؛ مشاهد و اماکن غیر معصومین و غیر انبیاء علیهم السلام؛ حکم سایر اماکن عادی و مساجد عادی را دارد، هر چند از نظر فضیلت معنوی شرافت خاص خود را دارد. [شماره ثبت: ۱۸۶] منبع: المسائل الهمدانیة

**سؤال:** زیارتname و نماز خواندن در نزد قبور غیر معصومین علیهم السلام مانند قبور امامزادگان و اولیاء به چه نحوی باشد؟ آیا نزد غیر معصوم علیهم السلام نیز همان آداب زیارت معصوم علیهم السلام رعایت شود؟ (مانند ورود از پایین پا و زیارتname و سلام از رو برو و نماز در پشت مقام و غیره)، اگر نحوه دیگری نیز منظور است بفرمایید.

**جواب:** رعایت ادب همه جا خوب است ولی بر حسب عظمت مقام و درک زایر؛ لزوم رعایت آن شدت پیدا می کند، و تقدم بر غیر امام و در غیر مشهد حضرت معصوم علیهم السلام جایز است. [شماره ثبت: ۱۱۹۳] منبع: المسائل الهمدانیة

**سؤال:** مرقد مطهر واقعی حضرت زینب سلام الله عليها کجاست؟

**جواب:** سه روایت و نقل در باره آن هست: (بقیع) مدینه منوره - نزدیک دمشق - مصر؛ تکریم همه این بقاع و زیارت حضرتش در همه آنها پسندیده است، و بنابر تحقیق مرقد دمشق مربوط به حضرت زینب صغیری (ام کلثوم) علیها السلام بوده، و مشهد حضرت زینب کبری علیها السلام در قاهره مصر است. [شماره ثبت: ۱۲۱۲] منبع: المسائل الرازیه

**سؤال:** هل یجوز لغير المسلمين دخول حرم السيدة زینب علیها السلام في الشام ولو بقصد الزيارة لا السياحة؟ وهل یجب نهیهم عن ذلك؟

**جواب:** اگر زیارت‌شان موجب وهن نباشد اشکالی ندارد، و در صورت وهن و امکان

منع بغير ترتیب مفسده، اقدام لازم است. [شماره ثبت: (۳۴۸) منبع: المسائل الخراسانية]

**سؤال:** با توجه به این که از اول محرم الحرام در آموزشگاه مراسم عزاداری برپا می باشد، و در رابطه با "حضرت حر" فردا قرار است به بیان مطلب بپردازم، به نظر شما کدام موضوعات "حضرت‌ش" برای دانش آموزان بیان شود؟

**جواب:**

۱- در رعایت احترام یا کاربرد تعابیر به تناسب عمل کنید، یک تفاوتی بین حضرات معصومین علیهم السلام و بین غیر معصومین از خواص؛ تا به رسد به عموم اهل بیت علیهم السلام و اصحاب ایشان رعایت کنید.

۲- آنچه ذکر می شود در منابر از داستانهای حر ریاحی؛ چه ماجراهی آب دادن حضرت امام حسین علیه السلام به لشکر او؛ چه پذیرفتن او در آخر کار؛ همه کرامت و بزرگواری امام علیه السلام در حق دشمن است، نه کرامات حر، این عظمت کرم و بخشش اهل بیت علیهم السلام است که وقتی دشمن واقع‌توبه کند؛ اورا می پذیرند.

۳- خدا رحمت کند مرحوم جد ما (حکیم سید مرتضی) را، عتبات بسیار مشرف می شدند ولی سر قبر حرّ نمی رفتند، می گفتند: نمی توانم خودم را راضی کنم، او سبب شد همه این فجایع اتفاق بیافتد، و اگر راه نبسته بود؛ آن همه مصائب واقع نشده بود.

۴- البته بنده این نظر و رویکرد آن مرحوم را ندارم، و همین که مولا علیه السلام او را پذیرفت، و او را رحمت نموده، و بر او سلام فرستاده؛ ما همه تسلیمیم، و بر اساس همان عمل می کنیم.

۵- البته حر ریاحی نکته آموزنده هم در رفتارش دارد: او یک فرمانده معمولی و صرفا یک جنگاور نبوده، بلکه از اشراف و بزرگان کوفه و پدر و جد و

خاندانش از اشراف مکه بوده اند، و یزید بن قعب که حدیث ولادت مولا علی علیہ السلام در کعبه را نقل کرده است، عمومی او بوده است، حرّ وقتی فهمیده حق کجاست، بخاطر گذشته اشتباہش؛ یا حفظ شهرت و موقعیتش؛ ادامه نداده و به حق ملحق شده، ولو در آخرین لحظات؛ ولی بالآخره ملحق شده، و در همین حد هم ابطال باطل کرده، و اثبات حق نموده است.

۶- آما هر چیز به جای خویش نیکوست، و باید مطابق خودش رفتار کرد، نه اینکه کیلویی برخورد کرد، همانظور که می بینید هم نکات ارزشی او را گفته ایم، و رحمت و سلام هم بر او یی فرستیم همچنان که معصوم علیہ السلام بر اورحمت و سلام فرستاده است، و به زیارت قبرش هم رفته ایم.

۷- اما با همه اینها دنبال حلواحلوا کردن او هم نیستیم، مثلاً مطابق رسم رایج؛ عقیده به اختصاص یک روز از دهه محرم به حررا نداریم، در عرض حضرت ابوالفضل علیہ السلام؛ و سایرینی که مردم یکروز خاص برایشان اختصاص داده اند. این رسم (اختصاص یکروز به حرّ) مأثر از اهل بیت علیہ السلام نیست، و صرفاً یک عادت شایع اختراعی بر حسب فهم عوام است. اصحاب بسیار با ارزش و مقامات و خلوص و فداکاری بیشتر دیگری هستند؛ که جای تجلیل دارند، حتی اگر بنا به ذکر اصحاب هدایت یافته باشد، کسان دیگری هستند که از لشکر ابن زیاد جدا شده و به حضرت امام حسین علیہ السلام پیوستند و سابقه ظلم او را نداشتند. خیلی افراد هستند که جای اختصاص روز به نام آنها؛ یا ذکر و شرح حالشان هست، خواص و اصحابی که قبل از آمدن حضرت امام حسین علیہ السلام به کربلا زندانی شدند؛ و نتوانستند به کربلا بیایند؛ و بعضًا هم شهید شدند، یا اصحابی که حق در محاصره کربلا خودشان را به حضرت رساندند، بانوان نهضت حسینی علیہ السلام: از خواهران حضرت (زینب - ام کلثوم - سکینه) و دختران و همسران تا سایر

بانوان بقیه اهل بیت و اصحاب علیهم السلام که بعضا شهید و مجروح هم شدند. همه اینها بیشتر جا دارد که یکروز به آنها اختصاص داده شود.

-۸- خلاصه: اینکه در واقعه حر = کرامت حضرت امام حسین علیه السلام است نه او، مطالبی که فوقا نوشتم در پاسخ کلام افراطی شما بود که نوشه بودید: {در رابطه با "حضرت حر" فردا..... کدام موضوعات "حضرتش" ...} و در هر صورت بیان مطالب فوق؛ سبب تفریط و از اینطرف افتادن نشود، مبادا تنقیصی نسبت به او رفتار شود، همین که در زیارت ناحیه مقدسه سلام بر او ذکر شده، برای رعایت احترام ما نسبت به او کافی است. دقت کنید؛ بحث سر تعبیر نیست، بحث سر مطلب را درست نفهمیدن است، اینکه کرامت مولا امام حسین علیه السلام در حق حر را کرامت حر تلقی کنند، یا اینکه بخواهند تنقیص حر کنند هر دو آنها بدفهمی است.

-۹- تذکر و عبرت از کربلا و عاشورا: در واقعه کربلا مردم چند دسته بودند: دسته اول: آنهاییکه از اول همراه امام حسین علیه السلام بودند، و تا آخر هم ماندند، و توفیق اثبات همراهی را هم داشتند. دسته دوم: آنهاییکه بعدا به امام حسین علیه السلام ملحق شدند، و تا آخر هم ماندند، و توفیق اثبات همراهی را هم داشتند. دسته سوم: آنهاییکه حضرت امام حسین علیه السلام دنبالشان فرستاد و همراه شدند، و تا آخر هم ماندند، و توفیق اثبات همراهی را هم داشتند. دسته چهارم: آنهاییکه حضرت امام حسین علیه السلام دنبالشان فرستاد؛ اما همراه نشدند. دسته پنجم: آنهاییکه ابتدا همراه امام حسین علیه السلام بودند ولی تا آخر نماندند و جدا شدند (به عذر امور شخصی). دسته ششم: آنهاییکه با حرف بودند؛ و گریه هم کردند، ولی با احتمال مخاطره؛ نام؛ موقعیت؛ امنیت؛ و هر خطر؛ عملا همراهی نکرده، و ساكت کنار ایستاده تماسا کردند تا فاجعه اتفاق بیافتد. دسته هفتم: آنهاییکه

اول بودند، بعد با جو شایع و حاکم همراه شده و با آن جو چرخیدند (همراه - بیطرف - دشمن - مرثیه خوان). دسته هشتم: آنهاییکه اول بودند بعد با کمترین تهدید یا تطمیع همراه دشمن شدند. باید بدانیم که این ندای هل من ناصر حضرتش؛ همچنان طبیعت انداز است، ما نباید به صرف حرف درباره حضرتش و یا گریه و تعزیه اکتفا کنیم، و ناظر باشیم دشمنان دین از شیطان لعین تا ملحدین و کافرین و ناصبین؛ مکتب و تعالیم وحی را در جوامع بشری امروز؛ و در اذهان و افکار انسانها هدف قرار داده اند، و نباید ما به صرف عقیده به همراهی؛ یا اظهار همراهی؛ یا بروز احساسات به نام همراهی؛ اکتفا نموده، و همینطور بیکار و غیر فعال بنشینیم؛ به حرف و شعار و تظاهر مشغول باشیم. بلکه باید همواره و هر روز؛ برنامه ارتقای معرفت و التزام خود را داشته، و در محدوده و توان خودمان دیگران رانیز کمک کنیم، تا هم از شر دشمنان محفوظ بمانند، و هم بتوانند با مولا امام حسین علیه السلام راه بیایند، و هم خود منشا آثار و خیرات باشند. خداوند لطف کند به همه ما، و ما را از آنهایی قرار دهد که از آغاز تا انجام همراه بوده و همراه مانده و توفیق اثبات همراهی را داشته باشند. [شماره ثبت: (۱۲۸۴) منبع: المسائل الإنترنیة]

**سؤال:** با وجود اعتقادم به حضور عروس امام اول؛ و همسر امام سوم؛ و مادر حجت چهارم؛ جناب بی بی شهر بانو علیه السلام؛ در کربلای پربلا، اما امروز با دیدن برنامه ای از تلویزیون دولتی ایران ذهنم را درگیر سؤالاتی کرد، که بیان می کنم: ۱- نام اصلی بی بی شهر بانو مادر امام سجاد علیه السلام چه بوده است؟ و چرا به نام شهر بانو نامگذاری شده اند؟ ۲- در نقلی شنیدم (از تلویزیون) به مناسبت میلاد امام سجاد علیه السلام بتاریخ ششم شعبان ۱۴۳۳ دکتری دعوت شده بود و می گفت: بانو شهر بانو در زمان حاکم ثانی به مدینه از خراسان منتقل نشده اند،

بلکه زمان خلافت مولا علی علی‌الله بوده است و آن زمان (حاکم ثانی) نیز سن ایشان (امام حسین علی‌الله) کم بوده است! پس زمینه ای برای ازدواج امام حسین علی‌الله نبوده است.<sup>۳</sup> و اذعان می داشت که: بی بی شهر بانو در وقت تولد امام سجاد علی‌الله از دنیا رفته اند و کنیز امام حسین علی‌الله تربیت ایشان را بعهده گرفته اند و امام سجاد علی‌الله ایشان را مادر خود دانسته و حق مادری برای ایشان قائل بوده اند. و می گفت: پس با این حال وفات مادر، ایشان چگونه می تواند در عاشورا بوده باشد و به همراه ذوالجناح فرار کرده باشد و به منطقه ری (تهران) آمده و بعلت تعقیب دشمنان به کوه پناه برد و سینه کوه باز شده و به ایشان پناه داده است. و این مورد را طبق توضیح خودش نقض کرده و آن مکان و حرم را بی اعتبار دانسته و دارای اسنادی ضعیف می دانست، و می گفت به فرض که اینطور بوده چرا امام سجاد علی‌الله و یا حضرت زینب علی‌الله که اولی تر بوده اند؛ با ایشان همراه نشده اند.<sup>۴</sup> حال با وجود این توضیح و اینکه بارها به آن مکان مقدس مشرف شده و تنها زائران آن مکان ایرانی نبوده، بلکه از هند و پاکستان هم می آمدند، و چاپ کتابی توسط آن مکان با عنوان: عروس آل رسول، و توضیح و تبیین وجود ایشان در کربلا و اطاعت ایشان از دستور امام زمانشان حسین علی‌الله مبني بر خروج از کربلا بعد از شهادت حضرتش به همراه ذوالجناح و همراهی آنی بی زیده؛ چگونه پاسخ داده می شود؟<sup>۵</sup> آیا مزارات بی بی شهر بانو و بی زیده و امامزاده قاسم شمیران معتبر هستند؟ قبل از جواب شما متشرکم. و الحمد لله رب العالمين.

### جواب:

- تذکر مهم: در ابتدای ادآوري می کنم، برخلاف رواج عاميانه (که هر زن مورد ازدواج مردی را، عنوان همسر برایش بكار می برند) اصطلاح "همسر" برای

زوجه شخص همیشه صحت ندارد، و کاربرد آن برای زوجات مردان بزرگ دقیق نیست، چه برسد حضرات معصومین علیهم السلام حتی اگر آن زوجات مادر امام بعدی باشند، بجز حضرت فاطمه زهراء برای حضرت مولاعلی علیهم السلام که کاربرد عنوان همسر صحیح است. فلندا در کاربردهای دیگر این نکته را مراعات کنید.

۲- اولین توصیه ای که شرع مقدس به یک مسلمان و مؤمن می کند این است که: دقت کند در محل أخذ و گرفتن معارف الهی، عقیده دینی مانند جان می ماند؛ و از آب که مایه حیات است برای آدمی ضروری تر است، چطور عقل سليم اجازه نمی دهد که مایه حیات را از جوی آلوده کنار خیابان که محل پساب محیط اطراف و دور ریز اضافات است تهیه کنیم؛ همینطور در اخذ معالم دینی به مرجع زلال و خالص و محفوظ باید مراجعه نمود، نه اینکه با جستجوی در اینترنت یا نشستن پای رادیو یا تلویزیون که محل عرض افکار مختلف از باسوساد و بیسوساد؛ سست عقیده و مبتلا به شک تا التقااطی و بی دین و با دین است، مطالب دینی یا به اسم دین را گرفت؛ و بعد از ابتلای به شبهه یا شک و یا افکار مغلوط یا مسموم؛ دوره افتاده که چه کسی این مشکلات را حل می کند، اگر شما دنباله رو حضرات معصومین علیهم السلام هستید؛ که هستید، از مجرای مخلوط و غیر معتبر بپرهیزید، و از ابتدا به دنبال منبع صحیح باشید، و معارف الهی را از همان اخذ کنید (من نگویم خدمت زاهد گزین یا می فروش، هر که حالت خوش کند در خدمتش چالاک باش).

۳- ذکر کتابی درباره این موضوع نموده اید، بنده این کتاب را ندیده ام، اما چون کتابی است اختصاص به این موضوع داشته؛ و در اثبات صحت موضوع است، قاعدهتا باید به تبیین این مباحث پرداخته باشد، و پاسخ شباهات آن بی اطلاع تلویزیونی را داده باشد.

۴- طبق نقل خودتان از گوینده تلویزیونی که ازدواج شهربانو با امام حسین علیهم السلام را رد می کند؛ آنوقت چطور مادر امام سجاد علیهم السلام بودن و در زایمان از دنیا رفتن را ملتزم می شود؟! این دو امر که با هم سازگار نیست.

۵- اختلاف نظر و تأیید و تکذیب در این موضوع؛ مانند سایر وقایع تاریخی تازگی نداشته و سابقه متدی دارد.

۶- منابع و طرق نقلهای تاریخی اظهار نظر کنندگان در این زمینه؛ متفاوت بوده، و افرادی که موضوع را زیر سؤال برده اند، بر اساس منابع مورد نظر خود گفته اند: "نیست" یا "نداریم" و....، در حالیکه نظیر همین امر (از نفي قول مخالفین) در منابع مؤیدان نیز آمده است، لذا به صرف تکذیب این و آن از مؤلفان؛ موضوع منتفی نشده، چه برسد به اینکه نقد در رسانه های عوام و یا جاهایی باشد که موارد منتشره آنها دلیل بر صحبت آنها نیست.

۷- و متاسفانه در میان عوام بسیار رایج است که هر چیزی را خبر ندارند می گویند؛ نیست، این عادت از بقالیها و مغازه های بازار گرفته تا میان برخی نویسندها شایع است، و این در حالی است که هر قدر ما دانا باشیم؛ نادانسته های ما بسیار بوده، و خداوند در قرآن کریم می فرماید: و ما اوتيتم من العلم الا قلilia. (بهره شما از علم کم و ناچیز است).

۸- و از بدیهیات معروف بر جهانیان؛ سختی شرایط آل محمد علیهم السلام بخصوص باقیماندگان فاجعه کربلا است، که لازمه اش عدم نقل برخی وقایع؛ و یا مشهور نشدن بسیاری از وقایع و فجایع است، فلذا هر چه در کتب مشهور نیست، به این معنی نیست که صحیح نیست.

۹- شکی در ولادت حضرت امام سجاد علیهم السلام از دختر پادشاه ساسانی نداریم، و همینطور مشهور است که والده شان در وقت ولادت از دنیا رفته اند.

- ۱۰- برخلاف شهرت متداول؛ شهربانو (شهربانو) یا شاه زنان یا جهان بانویه؛ نام شخصی خاص نبوده، بلکه از القاب تشریفاتی دربار پادشاه ساسانی بوده، که برای بانوان خاندان سلطنتی بکار برده می شده است.
- ۱۱- فلذ محدود به یک شخص (مانند مادر حضرت امام سجاد علیه السلام) نبوده است.
- ۱۲- همچنین برای ما مسلم است که سه دختر از فرزندان یزدگرد پادشاه ساسانی به مدینه آورده شده اند.
- ۱۳- زمان آوردن اسرای ایرانی در اواخر دوران حاکم ثانی؛ بوده؛ تاریخ هلاک او ۱۶ سال بعد از رحلت حضرت رسول الله علیه السلام بوده است، در این زمان حضرت امام حسین علیه السلام حداقل ۱۸ ساله بوده اند، و این با سن ازدواج نه تنها منافقانی نداشته؛ بلکه بسیار سازگار است.
- ۱۴- این دختران به رویی که حضرت مولا علی علیه السلام بکار برند (و شرحش در کتب حدیث مسطور است) از تقسیم ضمن غنایم جنگی و کنیزی رهایی یافتنند، و برای ازدواج؛ خودشان را مخیر کرند که از میان جمع حاضران شویشان را انتخاب کنند.
- ۱۵- اولین دختر یزدگرد؛ حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام را انتخاب نمود؛ و زوجه حضرتش گردید، وی در ایام زایمان از دنیا رفت و در مدینه منوره مدفون شده است.
- ۱۶- دومین دختر یزدگرد؛ حضرت امام حسین علیه السلام را انتخاب نمود؛ و زوجه حضرتش گردید، و امام سجاد علیه السلام را بدنیا آورد، و در ایام زایمان از دنیا رفت، و در مدینه منوره مدفون شده است.
- ۱۷- برای مادر امام سجاد علیه السلام، بجز القاب سلطنتی (سابق الذکر) نامهای متعددی (از جمله: غزاله) در کتب حدیث و تاریخ ذکر شده است، دقت شود که

این نامها غالباً ترجمه عربی نام اصلی و فارسی ایشان است.

-۱۸ در کتب حدیث نقل شده است که حضرت مولاعلی علیه السلام بعد تزویجش به امام حسین علیه السلام برایش نای برگزیدند: مریم - فاطمه.

-۱۹ سومین دختر یزدگرد؛ جناب محمد بن ابی بکر را انتخاب نمود، و زوجه وی گردید، و بعد از شهادت محمد در مصر؛ به ازدواج امام حسین علیه السلام درآمد، و متکفل امور حضرت سجاد علیه السلام نیز بوده است.

-۲۰ وی جزو عیالات حضرت سیدالشهداء علیه السلام در کربلاه حاضر بوده است، و در مقاتل و کتب حدیث؛ شرح سوارشدن ایشان هنگام حرکت از مدینه آمده است، اما جزو اسرای اهل بیت علیه السلام نامش ثبت نشده، ولذا این امر از مؤیدات گریختن شبانه او از کربلا در شام عاشورا است. بنابراین شهربانوی سوم در کربلا بوده؛ نه دوم؛ که با فوت در زایمان منافات داشته باشد.

-۲۱ بخاطر دختر یزدگرد بودن او؛ در صورت اسارت، بیشتر از هر یک از زنان دیگر؛ هدف تصاحب جلادان اموی قرار می‌گرفته است، شوهرش که کشته شده، و اصالتا هم که عرب نیست، و جزو غنایم جنگی شان بوده، فلذا هم بخاطر خودش، هم به قصد کنیز گرفتن دختر یزدگرد، و هم هتك ضمی امام حسین علیه السلام؛ حتماً او را به کنیزی می‌گرفتند، فلذا ضرورت نجات او امری بدیهی بوده، و طبیعی است که این امر مدد نظر امام سجاد علیه السلام قرار گرفته باشد.

-۲۲ عدم ضرورت رهاندن حضرت زینب علیه السلام از کربلا امری واضح بوده، و سؤالش تنها برای گوینده عوامش مطرح است، چه اینکه؛ اولاً: حضرتش؛ نائبه الحسین علیه السلام و رسالت باقیمانده عاشورا را به عهده داشت. ثانیاً: مسؤولیت سرپرستی کاروان کربلا و رساندنشان به مدینه منوره را به عهده داشته اند. ثالثاً: سرشناصی و مورد توجه مرکزی بودن حضرتش؛ مانع از جابجایی ایشان بوده است.

-۲۳- اما همراه نبودن حضرت امام سجاد علیه السلام که دلیلش بسیار واضح و اظهر من الشمس است، حضرتش امام عصر بوده، و در مقام تنفیذ اراده الهی در تقدیر عاشورا بوده اند، کوتاهی معرفت صاحب این شبهه بسیار است، و شهادت امامان و انبیاء علیهم السلام را از ناتوانی و بیچارگی می داند (نعموز بالله)، و از ابتدائی ترین معرفت بی بهره بوده، و نمی داند که: بی رضایت امام و تن دادن او به قضای الهی؛ هیچ واقعه ای اتفاق نمی افتاد.

-۲۴- خاص بودن اسب ذوالجناح، و توانائیها و هوشمندیها یا مشهور تاریخ است، این را عمر بن سعد هم می دانست! و علیرغم تلاش لشکر اموی برای گرفتنش؛ اما موفق به اسارت نشده اند، و با توجه به هدف بودنش؛ و توانائیها راهبری و گریختن به محل امن (که از ویژگیهای اسبهای ممتاز است) کاربردش در "عملیات نجات شهربانو" امری عاقلانه و هوشمندانه است.

-۲۵- اگرچه امرای حکومتی و والیان دولتی در عراق؛ از زمان فتح مسلمین توسط خلیفه وقت تعیین می شده اند؛ اما در سطح های محلی؛ غالبا همان دهاقین (ده خان های) سابق؛ باقیمانده از دوره ساسانی؛ همچنان متنفذ و دارای مکنت و اعتبار بوده اند.

-۲۶- در تواریخ و مقاتل گریختن ذوالجناح ثبت شده است، همینطور گریختن شهربانو به سوی نهر فرات و دجله؛ و خود را به آب زدن، و اینکه او را نتوانسته اند بگیرند؛ ولذا غرق شده تلقی کرده اند، نیز ثبت شده است. و بعده ندارد که این خبر (غرق شدن) در اثر گریختن شبانه؛ و عدم موفقیت جستجوی بامدادی لشکر اموی؛ منتشر شده باشد، تا ضعف خودشان در حراست اسرای کربلا را؛ برای امرای مافوق توجیه کرده؛ و خود را از بازخواست و عقوبت برهانند.

-۲۷- عملیات نجات سه مرحله داشته است: مرحله اول: گریختن از صحنه جنگ کربلا بوده است، که با استفاده از تاریکی شب و هوشمندی ذوالجناح، و در شرایط خستگی و سرمستی و بی دقیقی لشکر اموی انجام شده است. مرحله دوم: رساندن خود به دهاقین محلی، که کاری آسان بوده، و کافی بوده از معركه بگریزند؛ تا به یکی از این دهاقین برسند، مرحله سوم: ترتیب انتقال شهربانو توسط دهاقین به ایران، که با توجه به ایرانی بودن و سابقه احترامشان برای پادشاه و خاندانش؛ و اطلاع از موقعیت اسلامی شهربانو (زوجیت امام علی<sup>علیهم السلام</sup>) و حادثه کربلا؛ کمک و تلاششان به این موضوع امری بدیهی است، و با توجه به موقعیت محلی و آشنایی شان با همراهیان خودشان؛ در روستاهای و مناطق مجاور تا داخل ایران؛ و امکانات و نفوذ شخصیشان؛ توانا بودنشان برای کمک در این زمینه امری واضح است. این مراحل بنا بر روایت گریختن از کربلا در شام عاشوراست.

-۲۸- اما از برخی نقلها و روایات استفاده می شود که موضوع خطر به کنیزی گرفته شدن شهربانو؛ با نزدیک شدن به دمشق و کاخ یزید قوت پیدا کرده، ولذا شهربانو تا شهر حلب را همراه کاروان اسرایی اهل بیت علی<sup>علیهم السلام</sup> بوده، و در راه میان حلب و دمشق از کاروان گریخته، و همراه دختر و سر بربریده دامادش به سوی ایران رفته است، و ساکنان مسیر کردستانی شمال عراق و جنوب ترکیه و شرق و شمال سوریا؛ قبایل و مردمانی بوده اند که ارادت به اهل بیت علی<sup>علیهم السلام</sup> داشته اند (و حق در وقت عبور لشکر یزید و کاروان اسراء؛ برخلاف مناطق نواصی که با جشن استقبال می کردند؛ اینها حق آنها راه نداده؛ و به ناچار بیرون شهرها مستقر می شدند) در رساندن ایشان به ایران کمک کرده اند.

-۲۹- گفته می شود که شهربانوی سوم دختری از زوجیتش با امام حسین علی<sup>علیهم السلام</sup> داشته است، که در نزد مردم به "بی بی زبیده" معروف است، و گفته می شود وی

همان عروس جناب قاسم بن الحسن علیه السلام بوده است، عروسي حضرت قاسم در کربلا؛ از اموری است که توسط برخی از علمای شیعه و حتی عامه مسلمین در منابع حدیث و تاریخ نقل شده است.

-<sup>۳۰</sup> در نقل معتقدین به واقعه نجات شهربانوی سوم از کربلا آمده است که: وي همراه خود دخترش زبیده؛ و سر داماد خود حضرت قاسم (که برنیزه در صحنه بوده) هنگام گریختن با خود بردۀ است، و انجام این امر طبیعی است.

-<sup>۳۱</sup> ماجرای به کوه پناه بردن شهربانو؛ مربوط به واقعه گریختن از کربلا نبوده، و بعد از سالها اقامت در ری و اطلاع مأموران اموی و آمدنشان به ری برای اسیر کردن ایشان اتفاق افتاده است.

-<sup>۳۲</sup> حرم "بی بی زبیده" در شهر ری و "امامزاده قاسم" در شمیران دربند؛ مدفن این دو است. و هر دو حرم از روحانیت فوق العاده و کم نظری برخوردار است، و برای اهل شهود؛ بخشی از حرم امام حسین علیه السلام بودن آن دو بقعه؛ مشهود است، مکررا دیده شده است که مرحوم امام خمینی به زیارت امامزاده قاسم شمیران می رفته اند. حتی در دوران مرجعیت و زعامت و رهبری انقلاب اسلامی.

-<sup>۳۳</sup> برای اثبات و شرح واقعه بی بی شهربانو و بی بی زبیده، کتابهای متعددی توسط علمای مذهب اهل بیت علیهم السلام از گذشته و امروز تألیف شده است، که برخی نیز جزو گنجینه خطی حرم امام رضا علیه السلام می باشد.

-<sup>۳۴</sup> یزدگرد ساسانی بجز آن سه شهربانو (که اسیر شده و سپس به اختیار خود عروس اهل بیت علیهم السلام شده اند) دختران دیگری نیز داشته است، که در ایران باقی مانده اند، و قبورشان در استان یزد از زیارتگاههای قدیمی زرتشیان است، و نزد مسلمانان هم به عنوان خاله امام سجاد علیه السلام محترم و معروف هستند.

۳۵- آنچه نوشته شد صرفا برای ترقی در معرفت و افزایش ظرفیت در درک اسرار آل محمد ﷺ بود، نه مصرف کردن در بحث و جدالهای جناحی؛ چه در سایتها یا مجالس، مؤمن با تأمل و تعمق و کتمان؛ ابواب معرفت را به روی خویش می گشاید، مَثُلِ مؤمن مَثُلِ زنبور عسل است، که ظاهرش در میان پرندگان ناچیز می نماید، اما حامل عسل معرفت و شهد ولایت است، ولذا پرهیز شود از ورود به مجادلات و هم کلایی با کسانی که حضرات معصومین ﷺ را با مقیاسهای عادی خود سنجیده، و چون درایتش برایشان مشکل بوده؛ و فوق طاقت اذهان محدودشان می شود؛ آن معارف را از اساس منکر می شوند. و سبحان رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين.

[شماره ثبت: (۱۴۰۹) منبع: المسائل الإنترنية]

**سؤال:** در ایام عادت ماهانه آیا می توان برای زیارت به داخل حرم حضرت معصومه ؑ و سایر امامزادگان رفت؟

**جواب:** اگر مواضع مذکور مسجد نباشد؛ و وضعیت نظافت و طهارت او بنحو موجب هتك نباشد؛ اشکالی ندارد، رعایت طهارت اضطراری (تنظیف و تحصیل وضو) در این موارد شایسته است. [شماره ثبت: (۷۲۹) منبع: المسائل الاصفهانية]

**سؤال:** دخول خانم های معذور به حرم های مطهر امام زادگان ؑ چه حکمی دارد؟ در مورد زیارت قبور اولیای صغار حکم چیست؟ آیا در قبرستان رفتن برای زیارت قبور جایز است؟

**جواب:** اگر مواضع مذکور مسجد نبوده؛ و وضعیت نظافت و طهارت او موجب هتك نباشد؛ اشکالی ندارد، رعایت طهارت اضطراری (تنظیف و تحصیل وضو) در این موارد شایسته است. [شماره ثبت: (۱۱۸۸) منبع: المسائل الهمدانیة]

# زیارت اولیاء و اصحاب معرفت و ایمان

**سؤال:** زیارت قبور اهل معرفت و ایمان چقدر اهمیت دارد؟

**جواب:** در کلام خازن وحی ﷺ آمده است که: {من لم يقدر أن يزورنا فلیزير صالحی موالینا ، یکتب له ثواب زیارتنا، هر که نتواند ما (معصومین ﷺ) را زیارت کند، پس صالحان از موالیان ما را زیارت کند؛ برای او ثواب زیارت ما نوشته می شود}. فلذا زیارت صالحان از موالیان حضرات معصومین ﷺ که به آن توصیه فرموده اند، هم فرمانبرداری از ایشان بوده؛ و هم ثواب زیارت حضرات ﷺ را دارد، همچنین مایه خشنودی صاحبان آن قبور و سبب شفاعتگران نزد حضرات ﷺ می گردد، در حدیث حضرت مولا علی علیہ السلام وارد شده است که هر که از شما حاجتی داشت پس آنرا در نزد قبر والدین (و یا سایر ذو الحقوق و اهل ایمان) بجوید، بعد از آنکه برای آنها دعا (و طلب رحمت و مغفرت) کند. و چه بسیار مشکلاتی که از این مسیر گشايش یافته است. [شماره ثبت: ۱۲۸۹] منبع: المسائل اليمانية]

**سؤال:** آیا اموات اهل ایمان؛ از کسی که به دیدن آنها می رود مطلع می شوند؟

**جواب:** همین سؤال را از حضرات معصومین ﷺ کرارا پرسیده اند، متن برخی از این احادیث شریفه را می آوریم؛ تا ضمن پاسخ وافی و شاف؛ این سطور نیز بدانها مشرف گردد:

↗ عن محمد بن مسلم قال قلت لأبي عبد الله علیه السلام ، نزور الموتى؟ فقال علیه السلام : نعم، قلت: فيعلمون بنا إذا أتيناهم؟ قال علیه السلام : إِي وَاللهُ، ليعلمون بِكُمْ، ويفرحون بِكُمْ، ويستأنسون إِلَيْكُمْ، (وفي حديث آخر) فإذا غبت عنهم استوحشوا. (ترجمه) محمد بن مسلم (یکی از بزرگان اصحاب امام صادق علیه السلام) از حضرتش

پرسیده است: از حضرتش پرسیدم، آیا به دیدن مردگان برویم؟ فرمود: بله،  
گفتم: آیا آگاه می شوند از آمدن ما؛ وقتی که نزدشان برویم؟ فرمود: آری به  
خداآوند سوگند، آگاه می شوند از آمدن تان، و شاد می شوند با دیدن تان، و انس می  
گیرند با شما، (و در حدیث دیگر) پس آنگاه که نزدشان نباشید دلتنگ می شوند.

☞ عن إسحاق بن عمار، عن أبي الحسن عليهما السلام قال: قلتُ له: المؤمن يعلم مَن يزور  
قبره؟ قال عليهما السلام: نعم لا يزال مستأنساً به ما زال عند قبره، فإذا قام وانصرف من  
قبره دخله من إنصرافه عن قبره وحشة، (ترجمه) إسحاق بن عمار می گوید: به  
حضرت امام کاظم عليهما السلام عرض کرد: آیا مؤمن (میت) می داند چه کسی قبرش را  
زيارت می کند؟ فرمود: آری، و همچنان میت با او مأнос است؛ تا وقتی که نزد  
قبرش هست، پس وقتی برخیزد و از قبرش باز گردد؛ میت از بازگشت و رفتن از  
سر قبرش؛ دلتنگ می شود.

☞ عن داود الرقي قال: قلتُ لابي عبد الله عليهما السلام: يقوم الرجل على قبر أبيه وقربيه  
وغير قربيه، هل ينفعه ذلك؟ قال عليهما السلام: نعم، ان ذلك يدخل عليه كما يدخل على  
احدكم الهدية يفرح بها. (ترجمه) داود رقی می گوید: به حضرت امام صادق عليهما السلام  
عرض کرد: آدمی که می رود بر سر قبر پدر و خویشان و غیر خویشان؛ آیا برای  
آن میت هم سودی دارد؟ حضرت عليهما السلام فرمود: آری، این (رفتن بر سر قبر) سبب می  
شود تا به او (میت) دست دهد؛ مانند آن شادی که یکی از شما را دست دهد؛  
وقتی که هدیه ای برایش بیاورند. [شماره ثبت: (۱۳۷۵) منبع: المسائل اليمانية]

**سؤال:** چه زمانهایی برای زیارت امامزادگان، اولیای صغیر، اهل معرفت،  
بزرگان علم و ایمان، و عموم اهل قبور فضیلت دارد؟

**جواب:** زیارت اهل قبور (که یادآور پس از مرگ و موجب تذکر به آخرت) بوده و

زیارت مؤمنین و اولیای الهی (که وسیله مواصلت با ارواحشان و نیز تکریم ایشان است) در هر فرصت که میسر شود مناسب است، و افضل اوقات در شبانه روز بین الطوعین است که معصوم علیهم السلام فرموده: در این وقت هم مردگان شما را می شنوند و هم پاسخ می دهند؛ ولی در روز شما را می شنوند ولی پاسخ نمی گویند، و منع از رفتن به گورستان در شبها شامل بقیه های معموره اولیاء و اهل معرفت و علم نمی شود، و از ایام هفته روز جمعه افضل است، و عصر پنجشنبه و صبحگاه شنبه و دوشنبه نیز فضیلت دارد. [شماره ثبت: (۱۲۱۵) منبع: المسائل الهمدانیه]

**سوال:** برای زیارت قبور و فاتحه فرستادن بر سر قبور مؤمنین؛ چه اذکاری و ادعیه ای بهتر می باشد؟ چه اوقاتی از شبانه روز بهتر است؟

**جواب:** عمدۀ استغفار و ترحم و دعای خیر و تصدق و خیرات برای ایشان است، و از این جمله است: ذکر خیر آنها و تلاوت قرآن و زیارت حضرات معصومین علیهم السلام و اطعام و انفاق به نیابت آنها، **و افضل اوقات آن** بین الطوعین است، **واز آداب آن:** با طهارت بودن و تذکر به آخرت می باشد، و وارد نشود به قبرستان الا اینکه بایستد و ابتدا سلام بر اهل آن بنماید؛ و بدون آن وارد نشود و از کنار آن نگذرد، **واز جمله این سلامهاست:** {بسم الله الرحمن الرحيم السلام على اهل لا الله الا الله...} و {السلام على اهل الديار من المؤمنين...} و {اللهم رب الأرواح الفانية...} و {السلام على القبور...} و {السلام عليكم يا اهل الديار...} و {يا اهل التربة...} و {السلام عليكم من ديار...}، **واز**

**جمله تلاوت:** سوره حمد یکبار یا هفت بار یا چهل و یکبار، آیت الكرسي یکبار یا سه بار، سوره قدر هفت بار، سوره توحید یازده بار، سوره معوذتين سه بار، سوره مُلک، سوره یاسین، **واز جمله انواع استغفار برای درگذشتگان:** بیست

و پنج بار {اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمَنَاتِ كَه خداوند به برکت آن همه اهل قبرستان را بیامزد. **واز جمله اذکار:** {لا اله الا الله وحده...}. **واز جمله ادعیه برای رفته گان:** {اللَّهُمَّ جَافِ...} و {اللَّهُمَّ ارْحَمْ غَرْبَتِه...} و {اللَّهُمَّ وَلِهِمْ...}. و برای تفصیل بیشتر آداب و اذکار آن به مجامع کلام خازنان و حی لایل (از جمله کتاب شریف: بحار الأنوار مرحوم مجلسی؛ و کتاب شریف: ابواب الجنات مرحوم فقیه احمد آبادی) مراجعه شود. [شماره ثبت: (۱۱۹۲) منبع: المسائل الهمدانیة]

**سؤال:** در کتاب جنات ثمانیه نقل کرده که در آداب زیارت آمده است: آن لا يمسح القبر، ولا يقبله، ولا يمسّه، فَإِنْ ذَلِكَ مِنْ عَادَةِ النَّصَارَى وَيَزُورُ قَائِمًا وَلَا يجلس على قبر الميت، آیا مسح کردن قبرها، بوسیدن، و نشستن بر سر قبر طبق این بیان جایز نیست؟ روش صحیح چگونه می باشد؟

**جواب:** عبارت منقول؛ از کلمات برخی محدثین بوده؛ و ممکن است به نظر بررسد که برگرفته از احادیث شریفه باشد؛ چه اینکه محدثین نوعاً به مؤثر اکتفا می نمایند، ولی از آنجا که مؤلف این فقره را نسبت به معصوم لایل نداده اند؛ حتی تعبیر اجمالی (در روایات آمده) هم بکار نبرده اند؛ فلذا این شیوه تعبیر؛ خود نسبت این فقره را به کلام خازنان و حی لایل زیر سوال می برد، و علی فرض حدیث بودن این فقره؛ در مقام بهرمندی از آن؛ باید به تفقه و درایت استعانت جست؛ نه بر سبک اخباریگری؛ ظاهر لفظ چیده شده را ملاک قرار داد، از این رو با تدبیر در کلام خازنان و حی لایل و درک شأن صدور کلمات ایشان؛ می بینیم که احکام قبور گذشتگان از دنیا متفاوت است:

- ۱- گورستانهای عموم بشر از غیر مؤمنین؛ که وسیله عبرت و پند آموزی است.
- ۲- قبور مؤمنین؛ که سبب تواصل با ارواح ساکنان دار السلام و بهشت برزخیان است؛ و در آن به طلب مغفرت و دعا و ترحم بر ناشنا و مواصلت آشنا

وارحام و ذوی حقوق مادی و معنوی می نمایند.

۳- مشهد مقدس حضرات معمصومین و انبیاء و اوصیای الهی ﷺ که بیوت اللہ و مساجد حقیقی پروردگار؛ و محل انوار ربانی و مهبط فرشتگان الهی است. اینجا قبله اهل یقین و وجہه عارفین است.

و طبیعی است که احکام این بقاع با آن دو دسته دیگر متفاوت باشد. و ازین قبیل است رجحان نماز خواندن و بیتوته کردن و طواف و مسّ و مسح و تقبیل، در این محاضر منوره به خلاف غیر اینها که موارد مذکور مذکور است، و بقاع اولیای صغار در بسیاری از احکام چه بسا ملحق به مشاهد عظام باشد. ولذا توصیه هایی از قبیل آنچه در سؤال نقل شده مربوط به مقابر عموم مسلمانان می باشد، و مراد از فقره مذکور: نهی از نشستن روی قبور بوده، و اینکه برای زیارت اهل قبور (وقتی جا برای نشستن کنار قبر نباشد) ایستاده اقدام نمایند و روی قبور دیگر ننشینند، که این خود احترامی به سایر اهل قبور است؛ ولی مانع از نشستن کنار قبور برای تلاوت و دعا و ذکر واستغفار نیست. [شماره ثبت: ۱۱۹۰] منبع: المسائل الهمدانیة

**سؤال:** در آداب زیارات قبور آمده است که: تا اثر خطی بر روی قبر است رحمت خدا بر صاحب قبر نازل می شود، ولذا بعضی افراد با قلم و یا گچ و ابزار دیگر چنین می کنند؛ حتی سنگ قبرهای نفیس و ساختمنها و دیوارهای سالم یا رنگ آمیزی شده را با خط کشیدن خراب می کنند، آیا این مطلب و این روش صحیح است؟ آیا ضربه زدن با انگشت و یا سنگریزه بر قبور در هنگام فاتحه خصوصیتی دارد و صحیح است؟

**جواب:** با پرهیز از اخباریگری؛ و التزام به تدبیر در کلام خازنان و حی ﷺ (از جمله درک شأن صدور کلمات ایشان) در می یابیم که: این توصیه اقدامی برای

حفظ نشان قبور مؤمنین بوده؛ تا سبب مواصلت و تردد و رفت و آمد و ارتباط و زیارت قبور ایشان گردد، چه اینکه قبور در گذشته نوعاً بنای بیشتر از خاک و گل نداشته؛ و این خود بخود موجب از دست رفتن نشانه و مهجوریت آنها می‌شده، لذا به نشانه گذاری (آن هم هر چه بیشتر ماندنی) توصیه نموده اند؛ و بسیار واضح است که این به معنای توصیه به تخریب قبور معموره (با ایجاد خدش و خراش بر سنگها و بنای آباد آن) نیست؛ که این کار در این موارد نه تنها رجحان نداشته بلکه جایز نیست، و عادت اخیر الذکر بقایای التزام گذشتگان به توصیه حفظ نشانه قبور بوده، که بدون تفقه مقام و مورد آن؛ صرفاً تقلید شده است، خداوند عقول همه ما را کامل بفرماید. [شماره ثبت: (۱۱۹۱) منبع: المسائل الهمدانیة]

**سؤال:** آیا جایز است رفتن شخص جنب در مکانهایی که مسجد نیست ولی نام و ذکر معصومین ﷺ در آنجا بلند می‌شود، مانند اماکن و مجالس مختصه تحصیل معرفت و یاد و توسل و تعظیم شعائر الهیه؟ آیا حکم مسجد در آنجا جاری است؟

**جواب:** رعایت حرمت و احترام و آداب نسبت به محضر اولیای الهی و اماکن مختصه به طاعت و عبادت لازم بوده، و اختصاص به مسجد مصطلح ندارد، فلندا بقدر میسر باید رعایت شود، و فرض مذکور در غیر شرایط معذور اجتناب نماید. [شماره ثبت: (۴۸۲) منبع: المسائل الاصفهانیة]

## مناسک دیدار حق



## سلام و دعاء برای ساکنان قبور و گورستان

اللَّهُ سلام به اهل قبور اولیاء: \* السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الْجَنَّةِ \*

اللَّهُ سلام به اهل قبور اهل ایمان: \* السَّلَامُ عَلَيْكُمْ مِنْ دِيَارِ قَوْمٍ  
مُؤْمِنِينَ \* وَإِنَّا إِن شاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ \*

اللَّهُ سلام به اهل قبور اهل ایمان: \* السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دِيَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ  
\* وَإِنَّا بِكُمْ لَاحِقُونَ \* أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ \* وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعُ \*  
اللَّهُمَّ لَا تَخْرِمْنَا أَجْرَهُمْ \* وَلَا تَفْتَنَنَا بَعْدَهُمْ \*

اللَّهُ سلام به اهل قبور اهل ایمان و اهل اسلام: \* السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ  
مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمَنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ \* أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ  
\* وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعُ \* رَحْمَ اللَّهِ الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنَّا وَالْمُسْتَأْخِرِينَ  
\* وَإِنَّا (نحن) إِن شاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ \*

اللَّهُ سلام به اهل قبور اهل اسلام و اهل ایمان: \* السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ  
\* السَّلَامُ عَلَى مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُؤْمِنِينَ \* أَنْتُمْ لَنَا  
فَرَطٌ \* وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعُ \* وَإِنَّا بِكُمْ لَاحِقُونَ \* وَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا  
إِلَيْهِ رَاجِعُونَ \* يَا أَهْلَ الْقُبُورِ بَعْدَ سُكْنَى الْقَصُورِ \* يَا أَهْلَ  
الْقُبُورِ بَعْدَ النِّعَمَةِ وَالسُّرُورِ \* صَرْتُمْ إِلَى الْقُبُورِ \* يَا أَهْلَ

القبور كيف وجدتم طعم الموت \* سپس بگوید: \* ويل من صار  
إلى النار \* پس اشك بريزد و آنگاه از آنجا بازگردد.

الله سلام به اهل قبور اهل ایمان و اهل اسلام: \* السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ  
الدِّيَارِ الْمُوحِشَةِ \* وَ أَمْحَالِ الْمُقْفَرَةِ \* وَ الْقُبُورِ الْمُظْلَمَةِ \* مِنْ  
المؤمنين و المؤمنات و المسلمين و المسلمات \* يَا أَهْلَ التُّرْبَةِ وَ  
يَا أَهْلَ الْغُرْبَةِ وَ يَا أَهْلَ الْوَحْشَةِ \* أَنْتُمْ لَنَا سَلْفٌ وَ فَرَطٌ سَابِقٌ \*  
وَ نَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ لَأَحَقٌ \* وَ بِكُمْ عَمّا قَلِيلٍ لَا حَقُونَ \* اللَّهُمَّ  
اغفر لنا و لهم \* و تجاوز بعفوک عننا و عنهم \* سپس بگوید:  
الحمد لله الذي جعل الأرض كفاتا ، أحيا و أمواتا \* الحمد لله  
الذي جعل منها خلقنا \* وفيها يعيينا \* و عليها يحيثنا \*

الله سلام به اهل قبور: \* السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ مِنْ أَهْلِ  
القصور \* أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ \* وَ نَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ \* وَ إِنَّا إِنْ شاءَ اللَّهُ  
بِكُمْ لَا حَقُونَ \* (رو به جانب راست سلام دهد و نيز رو به جانب چپ  
نموده و همین سلام را بددهد).

الله سلام به اهل قبور: \* بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* أَسْلَامٌ عَلَى أَهْلِ  
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ \* مِنْ أَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ \* يَا أَهْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا

الله؛ بِحَقٍّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ \* كَيْفَ وَجَدْتُمْ قَوْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ  
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ \* يَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛ بِحَقٍّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ \* اغْفِرْ  
 لِمَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ \* وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَةٍ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا  
 اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَلِهِ اللَّهُ \* حضرت مولا علی عائیلا فرمود: هر  
 که چنین سلام دهد؛ الله سبحانه وتعالی؛ به او ثواب پنجاه سال کار نیک عطا  
 فرموده، و پاک سازد از او و والدینش بدی پنجاه سال را.

اللَّهُ سلام و دعای برای اهل قبور: \* اللَّهُمَّ رَبَّ هَذِهِ الْأَرْوَاحِ الْفَانِيَةِ \*  
 وَالْأَجْسَادِ الْبَالِيَةِ \* وَالْعِظَامِ التَّخْرِةِ \* الَّتِي خَرَجَتْ مِنَ الدُّنْيَا  
 وَهِيَ بِكَ مُؤْمِنَةٌ \* أَدْخِلْ عَلَيْهِمْ رَوْحًا مِنْكَ وَسَلَامًا مِنْكَ \*  
 حضرت امام حسین عائیلا فرمود: هر که وقتی وارد قبرستان شود؛ چنین دعا کند و  
 سلام دهد؛ خداوند به عدد (خلائق از زمان آدم تا روزی که قیامت برپا شود)  
 حسنات برای او بنویسد.

اللَّهُ دعای برای اهل قبور و میت معین: اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَنْ جُنُوبِهِمْ  
 \* وَصَاعِدْ إِلَيْكَ أَرْوَاحَهُمْ \* وَلَقَّهُمْ مِنْكَ رِضْوَانًا \* وَاسْكِنْ  
 إِلَيْهِمْ مِنْ رَحْمَتِكَ \* مَا تَصِلُّ بِهِ وَحْدَهُمْ \* وَتُؤْنِسُ بِهِ وَحْشَتُهُمْ  
 \* إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ \* اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ  
 مُحَمَّدٍ \* أَنْ لَا تُعَذِّبَ هَذَا الْمَيِّتَ \*

۲۹۶

اللَّهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتَهُ \* وَصِلْ وَحْدَتَهُ \* وَ  
 آنِسْ وَحْشَتَهُ \* وَآمِنْ رَوْعَتَهُ \* وَاسْكِنْ إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ  
 رَأْفَتِكَ \* رَحْمَةً مَا يَسْتَغْفِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِواكَ \* وَالْحَقْهُ  
 بِمَنْ كَانَ يَتَوَلَّهُ \* سپس سوره "قدر" را هفت بار تلاوت کند.

اللَّهُمَّ وَلِهِمْ مَا تَوَلَّوْا \* وَاحْسُرْهُمْ  
 مَعَ مَنْ أَحَبُّوا \*



پژوهشگدها و آموزشگدهای بنیاد حیات اعلی

علوم معرفت الٰی - علوم زبان و حٰی - علوم کلام و حٰی

علوم تلاوت کلام و حٰی - علوم کلام حازن و حٰی - علوم فقه آئین الٰی

علوم تقویم بحوم تجیم - علوم طب جامع - علوم پاکزیستی

آموزش برتر (اعلی) - علوم برتر (اعلی) - علوم توانمندی با نیروی الٰی

علوم عمارت برتر - علوم انساب و تبارشناصی - رسانه‌های حیات اعلی

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشراف علمی

## دارالمعارف الإلهیة

تحقيق ۱۴۰۵ نشر اول ۱۴۱۵ نشر دوم ۱۴۲۵ نشر سوم ۱۴۳۵

نسخه: ذی حجه ۱۴۳۵

[www.Aelaa.net](http://www.Aelaa.net)

[Aelaa.net@gmail.com](mailto:Aelaa.net@gmail.com)

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ